



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بِنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ
وَلِيّاً وَحَافِظاً وَقائِداً وَناصِراً وَدَلِيلاً وَعَيْناً حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِيها طويلاً»

مبلغان

۱۹۱

ماهنامه اطلاع رسانی، پژوهشی، آموزشی

رمضان المبارک ۱۴۳۶ ق

خرداد - تیر ۱۳۹۴ ش

■ صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه
اداره کل امور رسانه ها

■ مدیر مسئول: محمد حسن نبوی

■ سر دبیر: محمد علی قربانی

■ هیئت تحریریه: محمد حسن نبوی، اکبر اسدعلیزاده، عبدالکریم پاکنیا،
سید جواد حسینی، محمد غلامرضائی، محمد مهدی ماندگاری، علی مختاری،
حسین ملاکوری، محمود مهدی پور، ابوالفضل هادی منش

■ امور اجرایی: مجید خلیلی

■ امور مشترکین: سید مجتبی محمودی

■ تیراژ: ۶۰۰۰ نسخه

یادآوری:

- ✓ مطالب «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- ✓ مسئولیت مقالات و نوشته ها بر عهده نویسندگان آن است.
- ✓ حجم مقالات از ۱۲ صفحه دستنویس فراتر نرود.
- ✓ مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین علمی - پژوهشی، منتشر می شود.
- ✓ نقل مطالب با ذکر مأخذ، مجاز است.

نشانی: قم، ۴۵ متری صدوق، ۲۰ متری فجر، خیابان دانش، مرکز آموزشهای تخصصی تبلیغ،
معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه های علمیه، اداره کل امور رسانه ها، دفتر مجله مبلغان.

صندوق پستی: ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸ تلفن: ۳۲۹۳۳۱۹۰ نمابر: ۳۳۹۱۴۴۶۶



فهرست مطالب

۳ رهنمود ولایت
	به جای سرمقاله
۴ * تبلیغ مؤثر جواد محدثی
	تاریخ و سیره
۸ * اسراء و معراج پیامبر ﷺ محمد اسماعیل نوری زنجانی
۲۰ * خیزش شهید در دفاع از حجاب غلامرضا گلی زواره
	روشها
۳۳ * روش تحلیل سیاسی (۱) - ضرورت و فواید کاظم محدثی
	سوژه سخن
۴۱ * آرزو در نهج البلاغه حسین مطهری
۴۷ * مسابقات برد یا باخت باخت (۳) محمد مهدی فجزری
۵۹ * تهدیدات و حربه‌های شیطان و راه مقابله با آن سید جواد حسینی
۷۲ * آثار، برکات و لذت‌های معنوی سجده عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی
۸۲ * راه‌های مقابله با فشار روانی از منظر قرآن کریم سجاد فروزش
	فرق و ادیان
۹۳ * نگاهی کوتاه به برخی از مبانی اندیشه‌های سیاسی اسلام (۲) داود مؤذیان
۱۰۲ * پاسخ به شبهات اعتقادی و هابیت (۱) محمد جواد حاجی ابوالقاسم
	گزارش و مصاحبه
۱۰۶ * مشکلات معیشتی مردم و مذاکرات هسته‌ای دولت (۱) سید محمد علی تقوی
	اسودها
۱۱۶ * سیری در زندگی روحانی شهید مهدی شاه‌آبادی ﷺ محمد باقر نادم
۱۲۵ * عالم مجاهد و باصلابت، آیت الله محمد محمدی گیلانی ﷺ محمد تقی ادهم‌نژاد
	گلشن احکام
۱۳۴ * سوگند و توسل به غیر خدا در مقام دعا سید جعفر ربّانی
	رهنمودها و خبرها
۱۴۰ * سخنان مقام معظم رهبری ﷺ * خبرها و هشدارها
۱۴۸ * کوناگون
۱۵۵ * پرسشنامه



ره نمود ولایت

* یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده الهی، و نقطه مقابل، بی اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است.

* امام طرفدار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد می کرد؛ اشرافی گری را با تلخی رد می کرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرفدار عدالت اجتماعی بود.



تبلیغ مؤثر



۱۶ نکته دربارهٔ بهینه‌سازی تبلیغات دینی

در ماه مبارک رمضان

جواد محدّثی

جذب افراد پای صحبها و برنامه ها؛
 (د) بهره گیری از عناصر تأثیرگذار و روشهای نوین از سوی مبلغ.
 با توجه به عناصر یاد شده، نکاتی فهرست وار برای تأثیر بیش تر تبلیغ یادآوری می شود:

۱. مبلغ باید در قبال وقت مستمعان احساس مسئولیت کند و اگر کلاس درس یا کار اداری یا کسب و کار افراد برای حضور در برنامه ها تعطیل می شود، باید با احساس وظیفه در مقابل آن وقت صرف شده، چیزی ارائه کند که بیارزد، پس مطالعه و کار، لازم است و سرسری گرفتن مسئله خطاست.

۲. در گزینش مطالب، باید جنبه کاربردی و سودمندی و نیاز مخاطبان لحاظ شود، نه آنکه آنچه مبلغ می

سد برای الربحسی «تبلیغ» عناصر زمان، مکان، شیوه و شرایط مهم هستند.
 آمادگی دلها، تجمع و حضور افراد، زمان و بستر مناسب و... پیام را در دلها بهتر می نشانند و تبلی غات را اثربخش تر می کند.
 «رمضان» تمام این ویژگیها را دارد و فرصت مناسبی برای ادای این تکلیف است؛ اما اینکه «چه باید گفت؟»، «چگونه باید گفت؟»، «با که باید سخن گفت؟»، «چقدر باید گفت؟» و... همگی در اثرگذاری تبلیغ نقش دارند. به تعبیر دیگر، عناصر زیر را می توان از عوامل موفقیت در تبلیغ شمرد:

(الف) معلومات خوب و کافی و محتوای عالی؛
 (ب) شیوه های مؤثر در ارائه مطالب؛
 (ج) داشتن مخاطب و

داند و حفظ است، یا طرح آن برایش آسان تر است، گفته شود؛ بلکه باید آنچه مستمعان نیازمندند، گفته شود، نه آنچه ما می دانیم؛ چرا که گاهی دانسته های ما به درد مخاطبان نمی خورد، یا با ذهنیت و شرایط آنان تناسب ندارد.

لازمه این کار، برنامه قبلی و شناخت خلأها، نیازها، سؤالها و ابهامها و تهیه خوراک فکری مناسب برای مخاطبان گوناگون است.
۳. با توجه به اینکه اکثریت جوانان جامعه، قشر سرنوشت ساز آینده کشورند و گیرندگی آنان بیش تر است، و اینکه هم زمینه آفت و لغزش در آنان افزون تر است، و هم سرمایه گذاری دشمن برای جذب آنان بیش تر، پس باید در صحبتها، برنامه ریزیها و جلسات، برای جوانان سهم عمده ای در نظر گرفت.

۴. معرفی الگو، کار لازم و مفید دیگری است که باید مورد توجه مبلغان باشد. جوانان از الگوها بیش تر از حرفها اثر می پذیرند. معرفی چهره های برجسته از صالحان و پاکان، و اسوه های علمی، اخلاقی و جهادی، از قدیم و جدید، روحانی و غیر روحانی و ... سازنده است. معرفی کتابهایی

که با قلم خوب در باره زندگی نامه بزرگان دین، شهدا یا فداکاران راه مکتب و عقیده نگاشته شده، مفید است.
۵. جوانان، سرشار از نیرو هستند. اگر از آنان و نیروها، ظرفیتهای و خلاقیتهایشان بهره گرفته شود و در کارهای فرهنگی و برگزاری جلسات و برنامه ها به کار گرفته شوند و مورد توجه قرار گیرند، بیش تر جذب می شوند. برای اذان، قرائت قرآن، پذیرایی در جلسات، تبلیغات برونی، ارتباط با افراد، تهیه امکانات تبلیغی، مدیریت کوچک ترها، و امثال آن می توان از وجود جوانان بهره گرفت و آنان را شریک کار ساخت.

۶. بُعد احساس، عاطفه و شور در جوانان قوی تر و بیش تر است. نفوذ در دلها از راه جذب عواطف و نشان دادن محبت و درستی و عاطفه و شور، و برخورد پرادرانه با آنان، آسان تر و کارسازتر است. هنر «رابطه برقرار کردن» با قشر جوان هر چه بیش تر باشد، توفیق مبلغ دینی نیز بیش تر خواهد بود. داشتن روحیه تواضع و دوری از کبر و خودبینی و نداشتن توقع از آنان، کار را آسان تر

می سازد؛ البته مراعات سطح فکر، سن و کشش ذهنی جوانان و کاربردی بودن مباحث برای آنان، هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد. ارتباط، برای ایجاد اشتهاست و محتوا، ارائه غذای فکری و روحی.

۷. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، چه در زمینه های اعتقادی، فرهنگی و اخلاقی، و چه حتی در مباحث سیاسی، جاذبه دار و راه گشاست؛ البته با دو شرط: وارد شدن در

مناقشات و جناح بندیهای سیاسی و گروهی کار را خراب می کند، و دیگر اینکه تسلط به موضوع و آشنایی با مباحث سیاسی و اجتماعی لازم است از عهده شبهه زدایی و اقناع اذهان برآمده، به

مخاطبان «بصیرت» داده شود، نه آنکه بر ابهامات و گره های ذهنی آنان بیفزاید.

۸. مراعات حوصله های اندک شنوندگان ضروری است. اگر جلسات و سخنرانیها کوتاه تر و فشرده تر باشد، جاذبه بیش تری خواهد داشت. اختصار، عامل جذب است و تطویل، عامل گریز و روی گردانی. اگر حاضران تشنه بمانند، بهتر از آن است که سیر شوند و زده گردند.

۹. جاذبه حکایت و قصه بر هر کس روشن

است. مخاطبان کم سن و سال تر، بیش تر شیفته قصه و داستان اند. در جلسات مسجد، منبر، کلاس درس، دیدارهای خصوصی و... بهره گزین رفتن از حکایات مرتبط با موضوع بحث، هم مطالب را روشن تر می سازد، هم در

ذهنها بهتر جای می گیرد، هم افراد جلسه کم تر خسته می شوند، هم مباحث از «کلی گویی» در آمده، نمونه های عینی طرح می شود و این نکته (همچنان که در بحث معرفی الگوها اشاره شد) موجب اثرگذاری بیش تر بر مخاطبان می گردد.

۱۰. برخی از مبلغان عادت به نهي کردن و پرهیز دادن دارند و بعضی بیش تر از تشویق بهره می گیرند؛ البته هر دو لازم است؛ زیرا پیامبران الهی هم «مبشر» بودند، هم «منذر»؛ اما گاهی

پرداختن به جنبه های اثباتی و تشویقی مفید تر است. همه تشنه تشویق و ستایش اند و با آن، انگیزه ها بیش تر شکوفا می شود و در مخاطب «احساس شخصیت» شکل می گیرد. گاهی اثر تشویق شخص نیکوکار، بدکار را از کار بدش باز می دارد، چنانچه امام علی(ع) می فرماید: «از جُرِّ الْمُسِيءِ بِيْتَوَابٍ

المُحْسِن؛^۱ بدکار را به پاداش نیکوکار (ارجمند داشتن و احسان و نیکوئی به او) رنجه دار. «

۱۱. احکام شرعی و آشنا ساختن مردم به مسایل دینی مورد نیازشان، از لازم ترین موضوعات است. باید بخشی از وقت و برنامه را به «بیان احکام» اختصاص داد. اگر مجالی برای طرح سؤال داده شود، اولویت دارد؛ چون در مورد احکام شرعی در ذهن افراد سؤالهای بسیاری وجود دارد که گاهی زمینه پرسیدن نمی یابند، و گاهی نیز از سؤال شرم دارند.

۱۲. مواظبت بر رفتار و سلوک خود و مراعات اینکه میان «گفتار» و «کردار» مبلغ دینی تعارضی وجود نداشته باشد، از مهم ترین مسایل مورد توجه مردم است. نباید «عمل» مبلغ به گونه ای باشد که «حرف» را خنثی سازد. این همان پیام نهفته در حدیث شریف امام صادق (ع) است که فرمود:

«كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ»؛ مردم را به غیر زبانتان [به دین] دعوت کنید. «
حرف و سخنت به آب شلیک مکن

بیهوده و بی حساب شلیک مکن
حرف و عمل تو چون سلاح است و خشاب هشدار! که بی خشاب شلیک مکن

۱۳. برخورد مؤدبانانه، متین، مستدل و احترام آمیز با دیگران، تأثیر حرف ها و تبلیغات را چندین برابر می کند و از مبلغ شخصیتی مقبول، مورد اعتماد و محترم در دلها می سازد. حسن خلق، تحمل و صبوری، متانت در معاشرتها و رفت و آمدها، پرهیز از حرکات سبک و نامناسب با شأن روحانی و... بسیار مهم است؛ حتی در بحثها و مجادله ها نیز «جدال احسن» که در دستور قرآنی آمده است، مراعات شود و روشها قانع کننده باشد و مطالب، روشنگر، منطقی و مستند. با رعایت این نکته، نیازی به عصبانی شدن، تحکم و پرخاش نیست. سعدی می گوید:

دلایل قوی باید و معنوی نه رگهای گردن به حجت قوی

۱۴. کمبود جامعه ما «ایمان مذهبی» است، نه «معلومات مذهبی». اعتقاداتی که در قلب و باطن پدران و مادران ریشه داشته، گاهی در جوانان امروزی بسیار اندک و ضعیف شده است، هر چند به برکت ابزارهای نو، دنیایی

۱. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۰۶.
۲. مشکاة الانوار، طبرسی، مکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۵۸ ق، ص ۴۶.

از معلومات را در اختیار داشته باشند .
 از این رو، در روشهای تبلیغی باید برای بالا بردن «ایمان»، «خداترسی»، «آخرت گرای» و «معادباوری»؛ یعنی عقیده به بهشت و جهنم، صراط، حساب و کتاب و... سهم عمده ای قایل شد؛ یعنی بیش از «اندیشه ها» باید با «دلها» کار کرد و این نکته بسیار مهمی است.
 ۱۵. آشنا ساختن مردم با مضامین دعاها، معارف قرآنی، درسهای روزه و رمضان، فلسفه احکام اسلامی و... شناساندن اسوه های تاریخ اسلام و تاریخ معاصر، از جمله کارهای مثبت و مفید است . می توان دعاهایی را که مردم در ماه رمضان به طور معمول می خوانند، شرح و توضیح داد . ماه مبارک رمضان، بهار قرآن و موسم دعاست و یک دنیا نکته و پیام در ادعیه مذهبی و آیات قرآنی نهفته است .
 نگذاریم جلسات قرآن به روخوانی، تجوید و تصحیح قرائت ظاهری خلاصه شود، یا جلسات دعا از آشنایی با معارف بلندی که در فقرات این متون دعایی، مثل دعای کمیل، ابو حمزة ثمالی، افتتاح و دعاها هر روزه ماه مبارک رمضان، تعقیبات مشترک و مخصوص هر نماز

وجود دارد، خالی گردد .
 در جلسات قرآنی باید از پیش مطالعه کرد و از هر صفحه، آیه ای را در نظر گرفت و چند دقیقه ای پیرامون آن توضیح داد .
 به امید آنکه با «برنامه ریزی» در امر تبلیغات دینی؛ جلسات سخنرانی و کلاسهای آموزشی، بتوانیم از فرصت ناب و بی نظیر ماه مبارک رمضان بیشترین بهره را ببریم .



اش

وجود دارد.
در سال وقوع آن نیز
سال اول، دوم، سوم،
پنجم، نهم، دهم،
یازدهم و دوازدهم بعد
از بعثت و شش ماه قبل
از هجرت به مدینه و
حتی قول به بعد از
هجرت نیز وجود دارد.
مرحوم سید جعفر
مرتضی عاملی پس از نقل
اقوال مذکور، قول سوم
(وقوع معراج در سال
سوم بعثت) را ترجیح
داده و نه دلیل در
تأیید آن ذکر کرده
است.^۸

به هر حال معراج
پیامبر اسرام (ص) از
مشهورترین معجزات حضرت
است^۹ و در دو سوره
إسراء و نجم (۶ - ۱۸)
به آن اشاره گشته، و

در ماه مبارک رمضان،
حوادث بسیاری از جمله
معراج پیامبر اسلام (ص)
رخ داده که در شب
هفدهم^۱، بیست و یکم^۲ و
یا بیست و هفتم^۳ این
ماه واقع شده است.
البته درباره زمان
وقوع آن، اقوال شبهای
دوم یا هفدهم ربیع
الاول، بیست و هفتم رجباً

۱. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸، صص ۳۰۲ و ۳۱۹، و ج ۹۵، ص ۱۹۶؛ العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، علی بن یوسف بن مطهر حلی (برادر علامه حلی)، کتابخانه مرعشی نجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۳۴؛ تقویم شیعه، عبد الحسین نیشابوری، دلیل ما، قم، چاپ نهم، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۷۸.
۲. مسار الشیعه، شیخ مفید، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، چاپ ۱۳۹۶ ق، ص ۹؛ توضیح المقاصد، شیخ بهایی، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، چاپ ۱۳۹۶ ق، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۹۶، و ج ۹۷، ص ۱۶۸، و ج ۱۸، ص ۳۱۹؛ العدد القویة، ص ۲۳۴.
۳. العدد القویة، ص ۲۳۴.
۴. همان؛ بحار الانوار، ج ۱۸، صص ۳۱۹ و ۳۸۱، و ج ۹۵، ص ۱۹۶.
۵. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۰۲، و ج ۹۷، ص ۱۶۸.
۶. همان، ج ۱۸، صص ۳۰۲ و ۳۱۹.

۷. همان، ج ۹۷، ص ۱۶۸.
۸. ر.ک: الصحیح من سیرة النبی الأعظم، سید جعفر مرتضی عاملی، دار الهادی - دار السیرة، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، صص ۸ - ۱۴.
۹. المواهب اللدنیة بالمنع المحمدیة، احمد بن محمد قسطلانی، المکتبه التوقیفیة، قاهره، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۲۶.

روایات بسیاری - در حدّ تواتر - درباره آن وارد شده است، لذا علامه مجلسی! پس از اشاره به آیات مربوطه می گوید: «اگر بخواهم همه روایات مربوط به معراج را جمع آوری کنم، یک مجلد بزرگی خواهد بود، از این رو، فقط برخی از آنها را نقل می کنم.»^۱

بنابراین، با توجه به عدم گنجایش مطالب مربوط به معراج در یک مقاله، تنها به برخی از آنها اشاره می کنیم.

معراج رسول خدا(ص) در قرآن
خداوند در آیه اول

سورة اسراء، می فرماید: [سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ]؛ «پاک و منزّه است خدايي که بنده اش را در يك شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصی - که گرداگردش را پر برکت ساخته ایم - برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چراکه او شنوا و بیناست.»

در این آیه به مرحله اول معراج (از مسجد

الحرام تا مسجد الاقصی (بيت المقدس) اشاره شده است؛ ولی در سورة نجم، آیات ۶ - ۱۸ به مرحله دوم معراج اشاره

شده است: [ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى * وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى * ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى * فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى * مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى * أَفَتُمَارُونَهُ عَلَيَّ مَا يَرِي * وَ لَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى * إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى * مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى * لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ

الْكُبْرَى]؛ «همان کس که توانایی [فوق العاده] دارد؛ او سلطه یافت، در حالی که در افق اعلی قرار داشت، سپس نزدیک تر و نزدیک تر شد، تا آنکه فاصله او (با پیامبر (ص)) به اندازه فاصله دو کمان یا کم تر بود؛ در اینجا خدا آنچه را وحی کردنی بود، به بنده اش وحی فرمود. قلب (پاک او) در آنچه دید، هرگز دروغ نگفت. آیا با او درباره آنچه (با چشم خود) دیده، مجادله می کنید؟! و بار دیگر نیز او را مشاهده کرد، نزد "سدره المنتهی" که "جنت المأوی" در آنجاست. در آن هنگام که چیزی [نور خیره کننده ای] سدره المنتهی را پوشانده بود، چشم او هرگز منحرف نشد و طغیان نکرد (آنچه دید واقعیت

۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۹۱، علامه مجلسی در این جلد، از صفح ۲۸۲ تا ۲۹۰، آیات مربوط به معراج را بررسی نموده و علاوه بر روایاتی که ضمن تفسیر آیات آورده، یکصد و بیست و دو روایت دیگر نیز در صفحات ۲۹۱ تا ۴۱۰ درباره معراج نقل کرده است.

بود). او پاره ای از آیات و نشانه های بزرگ پروردگارش را دید.»
مفسران در تفسیر آیات فوق، مطالب لازم را مفصل بیان کرده اند که ما به جهت اختصار از نقل آنها خودداری می کنیم.

تکرار معراج پیامبر(ص)

اصل جریان معراج و صعود رسول خدا (ص) به آسمانها ب رای مشاهدۀ آثار عظمت خدا، از مسلمات و ضروریات دین اسلام است و هیچ راهی برای انکار آن وجود ندارد؛ زیرا قرآن کریم به صراحت از آن خبر داده و روایات رسیده درباره آن نیز متواتر است.

اما اینکه این جریان چند بار و در چه سالی و در کدام ماه و چه شبی اتفاق افتاد ه، مورد اختلاف است. از آیات قرآن کریم استفاده می شود که این

برنامه حداقل دو بار اتفاق افتاده است، همچنان که علامه طباطبایی! پس از نقل چند قول در مورد سال وقوع معراج، می گوید: «بحث درباره اینها مهم نیست و دلیل معتبری هم درباره اینها وجود ندارد؛ ولی چیزی که باید خاطر نشان ساخت، این است که برخی از روایات رسیده از اهل بیت) تصریح بر دو بار بودن معراج می کند و از آیات سوره نجم هم همین مطلب استفاده می شود؛ آنجا که می فرماید: [وَلَقَدْ رَأَوْا نَزْلَةَ أُخْرَى]؛ بنابراین، ممکن است برخی از مطالبی که از آن حضرت درباره مشاهداتش در معراج نقل شده، مربوط به معراج اول و برخی مربوط به معراج دوم باشد و برخی دیگر مربوط به هر دو معراج.»

ایشان پس از اشاره به اختلاف اقوال در مورد مکان آغاز معراج که از مسجد الحرام بوده (همانطور که آیه اول سوره اسراء تصریح می کند) یا از خانه «ام هانی»، می گوید: «با توجه به دو بار بودن معراج، ممکن است یکی از مسجد الحرام و دیگری از خانه ام هانی بوده باشد.»

۱. از جمله مطالبی که مورد بحث مفسران واقع شده این است که پیامبر - چه چیزی را مشاهده کرد؟ مشهور مفسران گفته اند: جبرئیل را به صورت اصلی مشاهده کرد؛ ولی نویسندگان تفسیر نمونه، با ذکر دلایلی این نظریه را تضعیف نموده و نظریه دیگری را که می گوید: «خدا را با چشم دل و شهود باطنی مشاهده کرد.» تقویت کرده اند. ر.ک: تفسیر نمونه، مکارم شیرازی و همکاران، دار الکتب الاسلامیه، تهران، سی و یکم، ۱۳۸۸ش، ج ۲۲، صص ۴۹۵ - ۵۰۲ و صص ۵۰۸ - ۵۱۰.
۲. الغدير في الكتاب و السنة و الادب، عبدالحسين اميني، مكتبة الامام اميرالمؤمنين، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۶ق، ج ۵، ص ۱۶.
۳. الميزان في تفسير القرآن، سيد محمدحسين طباطبائي، انتشارات جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۳۲.

۴. نجم / ۱۳.

۵. الميزان، ج ۱۳، ص ۳۱، و در ج ۱۹، ص ۳۱ نیز معراج دوم را از

قسطلانی (از علمای اهل سنت) از «نووی» نقل کرده است که معراج دو بار واقع شده و از بعضی نقل کرده که چهار بار بوده و از بعضی عارفان نقل کرده که رسول خدا (ص) سی و چهار بار برای معراج به آسمانها رفته است^۱ در برخی از روایات شیعه، بیش از اینها و تا صد و بیست بار نیز نقل شده است، چنان که در حدیثی آمده: محمد بن حسن صفار (از اصحاب امام حسن عسکری (ع) و متوفای ۲۹۰ق) در کتاب «بصائر الدرجات» با شش واسطه از امام صادق (ع) روایت کرده است: «عُرِجَ بِالنَّبِيِّ (ص) إِلَى السَّمَاءِ مِائَةً وَعِشْرِينَ مَرَّةً مِمَّا مِنْ مَرَّةٍ إِلَّا وَقَدْ أَوْصَى اللَّهُ النَّبِيَّ (ص) بِوَلَايَةِ عَلِيٍّ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَوْصَاهُ بِالْفَرَائِضِ»^۲ پیامبر (ص) یکصد و بیست بار برای معراج به آسمان برده شد، در هر بار خدای سبحان درباره ولایت علی (ع) و سایر امامان (بیش از سایر

واجبات به آن حضرت توصیه و تأکید نمود!» اگر این حدیث مورد قبول باشد، تمام اقوال مربوط به زمان معراج صحیح خواهد بود؛ زیرا هر یک از راویان، زمان معراجی را نقل کرده که از آن آگاه شده است و قهراً معراجهایی که کسی از آنها آگاه نشده، زمانش نیز نقل نشده است.

معراج جسمانی و روحانی

مشهور میان علمای فریقین آن است که رسول خدا (ص) این سیر زمینی و آسمانی را در حال بیداری و با همین جسم و روح انجام داده ان و توجیه آن به چیزی شبیه یک خواب یا مکاشفه روحی و یا جسمی مثالی و... با ظاهر آیات و روایات مخالف است.

طبرسی! ذیل آیات سوره «نجم» در ردّ سخن «حسن بصری» که گفته است: «خدا در معراج روح محمد را به آسمان برد و جسدش در زمین بود.» می گوید: «نظر اکثر مفسران ق رآن و ظاهر مذهب و روایات شیعه این است که خدای تعالی پیامبر (ص) را با همین جسم سالم و زنده و بیدار، به آسمان برد تا حضرت ملکوت آسمانها را با چشمش مشاهده کرد.»^۳

آیه ۱۳ سوره نجم استنباط نموده است.
 ۱. المواهب اللدنیة، ج ۲، ص ۴۲۹ - ۴۲۹.
 ۲. بصائر الدرجات فی فضایل آل محمد، محمد بن حسن بن فروخ ص فار قمی، با تصحیح محسن کوجه باغی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ص ۷۹، ج ۱۰؛ البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، بنیاد بعثت، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۸۱؛ بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۷ و ج ۲۳، ص ۶۹۹.

۳. مجمع البیان فی تفسیر

علامه مجلسی ! می
 گوید: «بدان که معراج
 و سیر او (پیامبر
 اکرم (ص) از مسجد
 الحرام به بیت المقدس
 و از آنجا به آسمان،
 از مطالبی است که آیات
 و روایات متواتر شیعه
 و سنی بر آن دلالت
 دارد، و انکار امثال
 این مطالب یا تأویل و
 توجیه آن به معراج
 روحانی یا خواب و
 مکاشفه و امثال آن، یا
 ناشی از کمی تتبع و
 بررسی در اخبار و آثار
 ائمه هدی) است و یا از
 ضعف ایمان و یقین.»^۱
 فخر رازی (مفسر بزرگ
 اهل سنت) می گوید:
 «بیش تر مسلمانان
 اتفاق دارند بر اینکه
 رسول خدا (ص) با جسم [و
 روح] به معراج رفته
 است؛ ولی اقلیتی از
 آنان گفته اند: تنها
 با روح به معراج رفته
 است.»^۲
 وی پس از بیان دلایل
 امکان معراج جسمانی،
 می گوید: «اهل تحقیق
 گفته اند: آیه قرآن و
 روایات دلالت دارند بر
 اینکه خدای تعالی روح
 و جسم محمد (ص) را از
 مکه تا مسجد الاقصی
 برد.»^۳

و پس از بیان کیفیت
 دلالت آیه اول سوره
 اسراء بر معراج جسمانی
 و روحانی، می گوید: «و
 اما روایات مربوط به
 این مسئله (معراج
 جسمانی و روحانی) در
 کتب صحاح اهل سنت نقل
 شده و از روایات
 مشهوره است و مضمون
 آنها، سیر پیامبر (ص)
 از مکه به بیت المقدس
 و از آنجا به آسمانها
 می باشد.»^۴
 قسطلانی نیز می گوید:
 «یکبار معراج با روح و
 جسد پیامبر (ص) در
 بیداری واقع شده است.»^۵
 محقق تاریخ اسلام،
 سید جعفر مرتضی عاملی!
 می گوید: «اکثر علما
 قایل شده اند بر اینکه
 معراج پیامبر (ص) با
 روح و جسد بوده، و قول
 صحیح همین است.»^۶
 سپس چهار دلیل برای
 اثبات آن ذکر کرده است
 که به خلاصه آن دلایل
 اشاره می کنیم:

۱. قایلین به معراج
 روحانی و رؤیا، به سخن
 عایشه و معاویه استناد
 می کنند، در حالی که
 عایشه در آن زمان همسر
 پیامبر (ص) نبود و اصلاً
 در آن زمان از نظر سن

مفسر از آیه قرآن در اینجا
 تنها آیه اول سوره اسراء بوده،
 لذا فقط سیر به بیت المقدس را
 از آن استنباط کرده است؛ اما
 آیات سوره نجم به سیر در
 آسمانها نیز دلالت دارد.
 ۴. همان، ص ۲۹۶.
 ۵. المواهب اللدنیة، ج ۷، ص ۴۲۹.
 ۶. الصحیح من سیرة النبی
 الأعظم، ج ۲، ص ۱۶.

القرآن، فضل بن حسن طبرسی،
 انتشارات ناصر خسرو، تهران،
 چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۹، ص ۲۶۴.
 ۱. بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۸۹.
 ۲. مفاتیح الغیب، فخر الدین
 رازی، دار احیاء التراث
 العربی، بیروت، چاپ سوم،
 ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، ص ۲۹۳.
 ۳. همان، ص ۲۹۵؛ چون منظور این

در حدی نبود که از اینگونه مسایل آگاه شود، و معاویه نیز هنوز مسلمان نشده بود. ۲. کلمه «عَبْد» در

[سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى

بِعَبْدِهِ] و [فَأَوْحَى إِلَيَّ عَبْدِهِ مَا أَوْحَى] به با

هم بودن روح و جسد دلالت می کند؛ زیرا اگر معراج در خواب یا تنها با روح پیامبر (ص) بود، لازم بود گفته شود :

«أَسْرَى بِرُوحِ عَبْدِهِ» و «فَأَوْحَى إِلَيَّ رُوحَ عَبْدِهِ»

«همچنین کلمه «بَصَرَ» در آیه [مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَ مَا طَغَى] ظهور در چشم

حقیقی و جسمانی دارد. علاوه بر این، رؤی ا و امثال آن چیزی نیست که اختصاص به پیامبر (ص) داشته باشد و افراد

دیگری نیز می توانند از آن بهره مند گردند. ۳. اگر معراج

پیامبر (ص) تنها با روح یا رؤیای صالحه بود، اعجاز به حساب نمی

آید، تا اینکه مشرکان و معاندان با آن مخالفت نمایند و آن را

بهانه ای برای کوبیدن دیگران بدانند. ۴. اگر معراج

پیامبر (ص) خواب یا مکاشفه روحانی بود و جسمش در زمین باقی

مانده بود، دیگر لازم نبود که جناب ابوطالب (ع) و دیگران

برای پیدا کردن حضرت ۱. نجم / ۱۷.

جستجو نمایند، در حالی که در برخی از روایات آمده است که بنی هاشم جستجو می کردند و عمویش عباس (که صدای قوی داشت) او را صدا می زد. ۲.

معراج در دعای ندبه

با توجه به مطالب فوق، روشن شد که معراج رسول خدا (ص) با روح و جسم بوده، لذا لازم است وقتی که در دعای

«ندبه» به فراز مربوط به معراج می رسیم، که می گوئیم: «وَأَوْطَأْتُهُ

مَشَارِقَكَ وَ مَغَارِبَكَ، وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ، وَ عَرَجْتَ بِهِ إِلَيَّ سَمَائِكَ»^۱ توجه

داشته باشیم که به جای «بِهِ»، «بِرُوحِهِ»^۲ نخوانیم؛ چراکه صحیح

نمی باشد. از مرحوم علامه سید محمدحسن میرجهانی

اصفهانی نقل شده است: «صبح جمعه ای بعد از نماز صبح در سامراء به

«سرداب مقدس» رفتم. هنوز آفتاب طلوع نکرده بود؛ ولی آنجا بدون

چراغ، روشن بود! دیدم یک آقای تنها نشسته است. رفتم جلوتر از او

نشستم. مشغول خواندن دعای ندبه شدم و رسیدم به جمله «وَأَوْطَأْتُهُ

۲. همان، صص ۱۶ - ۱۷.

۳. «مشرقها و مغربهای عالم را زیر پایش گذاردی و براق را میسخر او گرداندی، و او را به آسمان بالا بردی.»

۴. متأسفانه در اکثر نسخه ها «بِرُوحِهِ» و در برخی از آنها هر دو نوشته شده، در حالی که فقط «بِهِ» صحیح است.

إِلَى سَمَائِكَ « آن آقا فرمود: این جمله از ما نرسیده، بگویند: «وَعَزَّجَتْ بِهٖ إِلَى سَمَائِكَ» هیچ وقت بر امامت تقدّم نکن! و پس از اتمام دعا به سجده رفتم، در حال سجده در دلم خطور کرد: این آقا کیست که می فرماید: این جمله از ما نرسیده و هیچ وقت بر امامت تقدّم نکن؟ شاید خود امام باشد!

همین که از سجده برخاستم، دیدم «سرداب» تاریک و آن آقا رفته است.

هدف معراج

هدف از معراج پیامبر (ص) تنها دیدار خدا در آسمانها نبوده، آنچنان که ساده لوحان پنداشته اند و متأسفانه! بعضی از دانشمندان غربی به خاطر ناآگاهی یا تعمد در دگرگون ساختن چهره اسلام، به آن قایل شده اند؛ بلکه هدف این بوده که روح بزرگ پیامبر اسلام (ص) اسرار عظمت خدا را در سراسر جهان هستی و نهان جهان مشاهده کند، و برای هدایت و رهبری انسانها درک و دید تازه ای بیابد.^۲

سید جعفر مرتضی

عاملی! پس از اظهار عجز از درک و بیان تمام اهداف معراج رسول خدا (ص)، پنج مورد از این اهداف را بیان کرده است که در اینجا فقط به خلاصه آنها اشاره می شود:

۱. معراج یکی از معجزات مهم و بزرگ است که تا قیامت بشر از انجام و درک اسرار آن عاجز است.

۲. آماده شدن پیامبر (ص) برای تحمل مشکلات و سختیهای انجام رسالت بزرگ از طریق مشاهده برخی از آثار عظمت پروردگار عالم، همانگونه که در قرآن کریم بیان شده است:

[لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا] ۳ و [لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى] ۴.

۳. در این دنیا انسان در عالمی محدود زندگی می کند. پیامبر (ص) به عنوان خلیفه خدا در زمین، لازم بود که اطلاعاتی از عوالم دیگر کسب کند، چشمش باز شود و اطلاعاتش بیش تر گردد، تا در مقام تبلیغ دین، با آگاهی کامل سخن بگوید.

۴. پیامبر (ص) باید عظمت آثار خدا را از نزدیک درک کند تا اطمینانش بیش تر و به رکن وثیق و محکم

۱. ماهنامه موعود، شماره ۵۲، اردیبهشت ۱۳۸۴، مقاله «مخمور می دیدار»
 ۲. ر.ک: تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۲، ص ۲۹۹.

۳. اسراء / ۱
 ۴. نجم / ۱۸.

اعتماد نماید.^۱

۵. بدین طریق

پیامبر (ص) خبرهایی از آینده بدهد و با عملی شدن آنها، صحت ادعای او آشکار شود، و اطمینان مؤمنان نیز بیش تر گردد.^۲

معراج پیامبر(ص) در روایات

دربارة معراج علاوه

بر آیات، روایات

فراوانی در حد تواتر

وجود دارد که هر کدام

به گوشه ای از آن دلالت

دارد. البته ممکن است

در میان آنها، برخی

روایات ضعیف نیز وجود

داشته باشد، لذا مرحوم

طبرسی ! می گوید :

«روایات مربوط به

داستان معراج به چهار

دسته تقسیم می شود:

۱. روایاتی که به

دلیل متواتر بودن،

قطعی و یقینی است

(مانند اصل مسئله

معراج)؛

۲. روایاتی که (در

منابع معتبر نقل شده)

و مشتمل بر مطالبی است

که عقل و قواعد اصلی

دین، آنها را مردود

نمی شمارد؛ ما آنها را

قبول کرده و یقین پیدا

می کنیم که در حال

بیداری پیامبر (ص)

۱. شبیه این مطلب درباره بعضی از پیامبران سابق نیز بوده؛

مثل ابراهیم □ پس از درخواست مشاهده زنده شدن مردگان، گفت :

[و لکن لیطمئن قلبی] بقره / ۲۶۰، و حضرت عزیز □ پس از مشاهده

زنده شدن مرده گفت: [أعلم أن الله علی کل شیء قدید] بقره / ۲۵۹.

۲. ر.ک: الصحيح من سیرة النبی الأعظم، ج۳، صص ۳۱ - ۳۴.

بوده، نه در خواب

(مانند مشاهده بسیاری

از آیات عظمت خدا در

آسمانها).

۳. روایاتی که ظاهر

آنها با اصول و قواعد

(مستفاد از قرآن و

روایات مسلم) منافات

دارد؛ ولی قابل توجیه

است (مانند روایاتی که

می گوید : پیامبر (ص)

گروهی از بهشتیان را

در بهشت و گروهی از

دوزخیان را در دوزخ

دید و کیفیت تنعم و

عذاب آنان را مشاهده

کرد. می توان گفت که

منظور، بهشت و دوزخ

برزخی است.)؛

۴. روایاتی که مشتمل

بر مطالب باطل و بی

اساسی است که قابل

قبول نمی باشد (مانند

روایاتی که می گویند :

پیامبر (ص) خدا را

آشکارا دید و با او

سخن گفت . اینگونه

روایات را نمی توان

قبول کرد.)^۳ مگر اینکه

به شهود باطنی تفسیر

شود.

به هر حال، از مجموع

روایات استفاده می شود

که رسول خدا (ص) این

سفر آسمانی را در یک

شب و در چند مرحله

پیمود . در اینجا جهت

رعایت اختصار به برخی

از مراحل آن، که در

روایت امام صادق (ع)

آمده است، اشاره می

شود:

۳. مجمع البیان، ج۶، ص ۶۰۹.

مراحل معراج رسول خدا (ص)

علی بن ابراهیم قمی (صاحب تفسیر) از پدرش (ابراهیم بن هاشم)، او از محمد بن ابی عمیر، او از هشام بن سالم و او از امام صادق (ع) روایت کرده است^۲ که کیفی ت و مراحل معراج را از زبان جدش چنین بیان فرموده است:

مرحله اول: جبرئیل به همراه میکائیل و اسرافیل «بِراق» را آورده، محمد مصطفی (ص) را سوار «بِراق» کرد، از مکه حرکت کردند و ضمن حرکت در فضا - با ارتفاع نه چندان بلند - جبرئیل آیات آسمانی و زمینی را به آن حضرت نشان می داد، تا در سرزمینی پایین آمدند. جبرئیل گفت: نماز بخوان! حضرت نماز خواند. جبرئیل پرسید: می دانی کجا نماز خواندی؟ فرمود: نه! گفت: در سرزمین طیّبه و پاکیزه (مدینه) که مهاجرت تو به آنجا خواهد بود.

مرحله دوم: باز حضرت سوار براق شد و حرکت کردند تا در من طقه ای پایین آمدند و حضرت نماز خواند، سپس جبرئیل عرض کرد: اینجا

طور سینا است که موسی (ع) با خدا سخن گفت.

مرحله سوم: باز حرکت کردند تا در «بیت لحم» که در ناحیه «بیت المقدس» است، فرود آمدند و باز حضرت نماز گزارد.

مرحله چهارم: از آنجا نیز حرکت کردند تا در «بیت المقدس» فرود آمدند. پیامبر (ص) فرمود: در اینجا «بِراق» را به حلقه ای که قبلاً پیامبران مرکب خود را به آن می بستند، بستم و همراه جبرئیل وارد مسجد شدیم. در آنجا

ابراهیم، موسی و عیسی) را در میان عده زیادی (از انبیا) دیدم که به خاطر من اجتماع کرده بودند. مهیای نماز شدیم و من شک نداشتم که جبرئیل بر ما امامت خواهد کرد؛ ولی هنگامی که صفهای جماعت مرتب شد، جبرئیل بازوی مرا گرفت، جلو برد و من بر آنان امامت نمودم و البته افتخار نمی کنم.

مرحله پنجم: سپس از آنجا با فرشته ای به نام «اسماعیل» که مأموریت تیر شهاب انداختن بر شیاطین را داشته^۳ هفتاد هزار فرشته تحت فرمان دارد که هر یک از آنان نیز

۱. رجال سند این روایت تماماً از سوی علمای رجال توثیق شده اند، لذا سند روایت «صحیح» است.
۲. لازم به ذکر است که به دلیل طولانی بودن روایت، تنها به نقل مضمون خلاصه ای از آن اکتفا کرده ایم.

۳. در آیات ۶ - ۱۰ صافات به این مأموریت اشاره شده است

ہفتاد ہزار فرشتہ دیگر تحت فرمان دارند، پس از سلام و دیدار با آنها به سوی آسمان دنیا حرکت خود را ادامه دادیم تا وارد آسمان اول شدیم . فرشتگان آنجا با دیدن رسول خدا (ص) خوشحال و خندان از آن حضرت استقبال کردند؛ ولی خازن دوزخ را دید کہ با چہرہ وحشتناک و غضب آلودی بود. پس از سلام، بہ پیامبر (ص) بشارت بہشت دادہ، گوشہ ای از آتش دوزخ را نشان داد. پس از آن با حضرت آدم (ع) ملاقات کردند، کہ پس از سلام و دعا، آدم (ع) گفت : «مَرْحَبًا بِالْأَبْنِ الصَّالِحِ وَ النَّبِيِّ الصَّالِحِ وَ الْمَبْعُوثِ فِي الزَّمَنِ الصَّالِحِ» سپس نزد «ملک الموت» رفتند کہ با حالت حُزن نشسته بود و بہ یک لوح نورانی نگاہ می کرد. وی پس از سلام و تحیت، گفت: «أَبَشْرُ يَا مُحَمَّدُ فَإِنِّي أَرَى الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي أُمَّ تِك» حضرت در جواب فرمود : «الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَنَّانِ ذِي النِّعَمِ عَلَى عِبَادِهِ - ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ رَبِّي وَ رَحْمَتِهِ عَلَيَّ».

سپس ملک الموت بہ چند سؤال حضرت دربارہ قبض روح پاسخ گفت و عرض کرد : هیچ خانہ ای نیست، مگر اینکہ روزی پنج بار بہ آن نگاہ می کنم . ہرگاہ خویشاوندان مردہ ای گریہ کنند، بہ

آنان می گویم : «لَا تَبْكُوا عَلَيْهِ فَإِن لِي بِكُمْ عَوْدَةٌ وَ عَوْدَةٌ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ أَحَدٌ؛ بر او گریہ نکنید! من بہ سراغ شما نیز خواہم آمد . انقدر می آیم تا آنکہ هیچ کسی از شما باقی نماند .» در اینجا پیامبر (ص) فرمود : «مرگ خیلی سخت است!» جبرئیل گفت : «سخت تر از آن، پس از مرگ است!»

حضرت می فرماید : از آنجا گذشتیم . مردمی را دیدم کہ مقابلشان دو نوع سفرہ طعام وجود دارد؛ یکی از گوشتہای پاک و دیگری از خبیث و ناپاک؛ ولی آنها پاک را گذاشته و خبیث را می خورند . از جبرئیل پرسیدم، گفت : از امت تو کسانی ہستند کہ بہ جای مال حلال، از مال حرام مصرف می کنند. از آنجا گذشتہ،

فرشتہ ای را دیدم کہ نصف بدنش آتش و نصف دیگرش یخ بود و بندگان مؤمن را دعا می کرد، سپس دو فرشتہ دیگر را دیدم کہ دعا می کردند؛ یکی می گفت: «اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُنْفِقٍ خَلْفًا؛ خدایا! بہ ہر انفاق کننده ای عوض عطا کن!» و دیگری می گفت: «اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُمْسِكٍ تَلْفًا؛ خدایا! اموال ہر بخیل و امساک کننده از انفاق را تلف کن!»

حضرت می فرماید : بہ سیر خود ادامہ دادیم .

افرادی را دیدم که لبهایشان مثل لبهای شتر بود، گوشت پهلوهایشان را با قیچی می بریدند و به دهان خود می گذاشتند. از جبرئیل پرسیدم، گفت: «هُؤَلَاءِ الّهُمَّازُونَ»

الّهُمَّازُونَ ؛ آنان

عیبجویان و غیبت کنندگان هستند.^۱ از آنجا نیز گذر کردیم. جماعتی را دیدم که سرهایشان را با سنگ می کوبیدند! از جبرئیل پرسیدم، گفت: «اینها کسانی هستند که نماز عشا را نخوانده، خوابیده اند.» پس از آن بر جماعتی گذر کردیم که آتش از دهانشان وارد و از برشان خارج می شد. از جبرئیل پرسیدم، گفت: «اینها کسانی هستند که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می خورند، (که در حقیقت) آنها آتش می خورند و به زودی در شعله های آتش (دوزخ) می سوزند.»^۲ سپس بر اقوامی گذر کردیم که از بزرگی شکمشان نمی توانستند از جا برخیزند، از جبرئیل پرسیدم، گفت: «اینها کسانی هستند که ربا می خورند. بر نمی خیزند، مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان

دیوانه شده است.»^۳ در این حال، آل فرعون را مشاهده کردم که هر صبح و شام بر آتش عرضه می شدند و آنها می گفتند: خدایا! قیامت کی بر پا می شود؟

سپس حرکت کردم، گروهی از زنان را دیدم که از پستانهای خود آویزان بودند. از جبرئیل پرسیدم، گفت: «اینها زنانی هستند که سبب ارث بردن فرزندان دیگران از شوهرانشان می شوند (یعنی از طریق زنا بچه دار می شوند و به شوهر خود منتسب می کنند).»

و در ادامه دیدار از آسمان اول، فرشتگانی را با چهره های عجیب مشاهده کردم که همگی صدا به حمد خدا و گریه از خوف خدا بلند کرده بودند، از جبرئیل پرسیدم، گفت: «خداوند اینها را همان گونه که می بینی، آفریده است. از روزی که خدا اینها را خلق کرده، از خوف و خشیت خدا به هیچ طرفی نگاه نکرده و با همدیگر حرف نزده اند.» ولی پس از شناختن پیامبر (ص) سلام دادند و احترام کردند و برای خود او و امت او بشارت بر خیر و نیکی دادند.

مرحلة ششم: صعود به

۱. ممکن است منظور از دو کلمه فوق، سخن چینان و میسخره کنندگان باشد؛ به تفسیر آیه اول سوره همزه مراجعه شود.
۲. اشاره به آیه ۱۰ سوره نساء.
۳. اشاره به آیه ۲۷۵ بقره.
۴. اشاره به آیه ۴۶ غافر.

آسمان دوم، ملاقات و گفتگو با حضرت عیسی و یحیی و مشاهده فرشتگان که مشغول تسبیح و حمد خدا بودند، با چهره های عجیب، شبیه آنهایی که در آسمان اول دیده بود.

مرحله هفتم: صعود به آسمان سوم، ملاقات و گفتگو با حضرت یوسف (ع) و مشاهده فرشتگان، مثل آنهایی که در آسمان اول و دوم دیده بود.

مرحله هشتم: صعود به آسمان چهارم، ملاقات و گفتگو با ادریس (ع) و فرشتگان، شبیه همانهایی که در آسمانهای قبلی دیده بود.

مرحله نهم: صعود به آسمان پنجم، ملاقات و گفتگو با هارون، برادر موسی و دیدار فرشتگان. مرحله دهم: عروج به آسمان ششم، ملاقات و گفتگو با حضرت موسی (ع) و فرشتگان، مثل آسمانهای قبلی.

مرحله یازدهم: عروج به آسمان هفتم، که حضرت (ص) می فرماید: به هر فرشته ای از فرشتگان آسمان هفتم گذر می کردم، می گفت: «يَا مُحَمَّدُ! اِحْتَجِمُ وَ اُمُرُ اَمَّتِكَ بِالْحِجَا مَةَ ۞؛ ای محمد! حجامت کن و به امتت نیز دستور حجامت بده!»

و در آنجا مردی را دیدم بر تختی نشسته،

از جبرئیل پرسیدم: این کیست که تا آسمان هفتم بالا آمده و در کنار «بیت المعمور» و جوار رحمت خدا قرار گرفته است؟ گفت: «این پدرت ابراهیم (ع) است. محل تو و محل پرهیزک اران امت تو نیز در همین جایگاه است.»

در اینجا رسول خدا (ص) این آیه را خواند: [اِنَّ اَوْلِي النَّاسِ بِاِبْرَاهِيمَ لَلَّذِيْنَ اَتَّبَعُوْهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ اللّٰهُ وَّلِيٌّ ۙ الْمُؤْمِنِيْنَ]

«سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هست ند که از او پیروی کردند، و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند. همچنین) این پیامبر و کسانی که (به او) ایمان آورده اند (از همه سزاوارترند) و خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است.»

حضرت (ص) می فرماید: به ابراهیم (ع)، سلام دادم، جواب داد و گفت: «مَرْحَبًا يَا لَنَبِيِّ الصَّالِحِ وَ الْاِبْنِ الصَّالِحِ وَ الْمَبْعُوْثِ فِي الزَّمَنِ الصَّالِحِ» و فرشتگان را همانند فرشتگان آسمانهای پایین دیدم. آنها نیز بر من و امت من بشارت بر خیر دادند.

.... بعد از آن همراه جبرئیل وارد

اینجا بود که فرشتگان به من آموختند هر صبح و شام بخوانم: «اللَّهُمَّ أَنْ ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ ذَنْبِي أَصْبِحَ مُسْتَجِيرًا بِمَغْفِرَتِكَ، وَ ذَلِي أَصْبِحَ مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ، وَ فَقْرِي أَصْبِحَ مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ، وَ وَجْهِي الْبَائِي الْفَائِي أَصْبِحَ مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى»^۱، سپس یکی از فرشتگان اذان گفت و فرشتگان به امامت پیامبر اسلام (ص) نماز خواندند، همان طور که پیامبران در بیت المقدس به امامت حضرت نماز خواندند و سپس برای هر شبانه روز پنجاه نماز از طرف خدا واجب شد که حضرت موسی (ع) از پیامبر اسلام (ص) خواست که از خدا بخواهد تا تخفیف دهد. حضرت درخواست تخفیف نمود. چهل نماز شد. باز هم به پیشنهاد حضرت موسی (ع)، چند بار برگشت و درخواست تخفیف نمود، تا اینکه به پنج نماز رسید.

در پایان این حدیث، امام صادق (ع) فرمود: «خدا به موسی (ع) از طرف این امت، جزای خیر دهد و همین است تفسیر آیه شریفه: [سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

الْبَصِيرُ»^۱.

از مجموع آیات و روایات مربوط به معراج استفاده می شود که رسول خدا (ص) در آسمان هفتم، همانجا که «سدره المنتهی» و «جَنَّةُ الْمَأْوَى» قرار داشت، به اوج شهود باطنی و قرب الی الله و مقام «قَاب قَوْسینِ أَوْ أَدْنَى» رسید، و خدا او را مخاطب ساخته و دستورات بسیار مهم و سخنان فراوانی به او فرمود، که مجموعه ای از آن به عنوان «احادیث قدسی» برای ما یادگار مانده است.^۲

درباره معراج، برخی شبهات مطرح کرده اند که جز استبعاد و عدم ایمان به قدرت خدا و اعجاز انبیا، دلیلی ندارد. پاسخ تفصیلی آنها را می توانید در تفسیر نمونه، ج ۱۲، صص ۳۰ - ۳۳، و ج ۲۲، ص ۵۱۵؛ مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۲۰، صص ۲۹۳ - ۲۹۷؛ الصحيح من

۱. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، دَارُ الْکِتَابِ، قم، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش، ج ۲، صص ۳ - ۱۲؛ آلبرهان، میرزا هاشم بحرانی، ج ۳، صص ۴۷۳ - ۴۸۰؛ بحار الأنوار، ج ۱۸، صص ۳۱۹ - ۳۲۱، ح ۳۴؛ المیزان، ج ۱۳، صص ۸ - ۱۶. ۲. برخی از این قبیل روایات را علامه مجلسی در بحار الأنوار، ج ۱۸، صص ۲۹۱ - ۴۱۰، و ج ۷۷، صص ۱۸ - ۴۴ نقل کرده است که ترجمه خلاصه یکی از این روایات را تفسیر نمونه، ج ۲۲، صص ۵۱۶ - ۵۲۰ تحت عنوان «گوشه ای از گفتگوهای خداوند، با پیامبرش در شب معراج» و بحار الأنوار، ج ۷۷، صص ۲۱ - ۳۰، ح ۶ نقل کرده اند.

سيرة النبي الأعظم، ج
٣، صص ٣٠ و ٣١ و ديگر
کتب مربوط به معراج
مطالعه فرمایید.

خیزش مشهد در دفاع از حجاب



تحلیلی درباره قیام تیرماه ۱۳۱۴ ش مسجد گوهرشاد مشهد

غلامرضا گلی زواره

مدعیان، ریاکاری،
تظاهر به دینداری و
حفظ شعائر مذهبی در
بدو روی کار آمدن بود.
شرکت رضاخان در مجالس
سوگواری اهل بیت (ع)
نمونه ای از نمایشهای
مزورانه او بود.
با پشت سر نهادن
سالهای اولیه و مسلط
شدن عوامل نظام
دیکتاتوری بر امور
کشوری و لشکری، نگرش
جدیدی نسبت به ارزشهای
دینی و سنتهای شیعی که
متأثر از غرب زدگی و
تجددگرایی بود، آشکار
شد و محصول طبیعی
حاکمیت سکولار، سلب
نفوذ و اختیارات
روحانیان در امور
فرهنگی، آموزشی،
ترویجی، قضایی و
اجتماعی بود. با اجرای
قانون لباس متحدالشکل،
بسیاری از آنان به
اجبار کسوت روحانیت را
ترک کرده، مدارس علوم
دینی تخریب و یا بسته

اشاره

در تیرماه ۱۳۱۴ ش
قیامی مذهبی و مردمی
در مسجد گوهرشاد مشهد
و در دفاع از حجاب و
پوشش اسلامی شکل گرفت
که منشأ خیرات فراوانی
در جهان تشیع شد. در
این مقاله بر بررسی
زوایای مختلف این قیام
می پردازیم و تحلیلی
راجع به آن ارائه می
کنیم.

**توفان تهاجم علیه ارزشها و
شعائر دینی**

رضاخان که با نقشه
دولت استعماری
انگلستان از سال ۱۳۰۴ ش
در ایران به حکومت
رسید، برای تثبیت
فرمانروایی خویش، مجری
سیاستهای اجانب گردید؛
اما به منظور فریب
اقتدار مسلمان در عرصه
مذهب و فرهنگ، ظاهری
متفاوت را برگزید و
اصولاً یکی از دلایل
موفقیت وی در رسیدن به
حکومت، کنار گذاردن

شد، دروس حوزوی در اغلب نقاط رونق خود را از دست داد، و در مقابل این رفتارهای مذموم، از نظامهای حقوقی، آموزشی و قضایی غربیها برای اداره امور استفاده شد. وضع قوانین جدید و روی آوردن به اصلاحات، با کنار نهادن بنیانهای دینی و کانونهای مذهبی و تضعیف سنگر مسجد و محراب، از سیاستهای مخرب رژیم پهلوی اول بود.

«جوزف ام آپتون نوشته است: جایگزینی قوانین غربی به جای مقررات اسلامی و تحدید تدریجی مرجعیت شرعی و مذهبی در مورد مسائلی نظیر ازدواج و طلاق، تهدید بالقوه ای برای مذهب تشیع - به عنوان یک نیروی مسلط اجتماعی - به شمار می رفت. جلوگیری از شعائر مذهبی به بهانه مبارزه با خرافات، محدودیت برای آیینهای سوگواری، ترحیم و نماز جماعت، رواج منکرات خلاف شرع، به راه انداختن کارناوالهای شادی، حذف اوقات شرعی، لغو استفاده از تقویم قمری، حمایت از اقلیتهای مذهبی و

فرقه های ضالّه و توجّه به اوضاع اجتماعی و رفاهی آنان، احیای فرهنگ ایران باستان و تقویت زردشتی گری، میدان دادن به روشنفکران بیماری چون: احمد کسروی و شریعت سنگلجی، و کوشش درباریانی چون: فروغی و علی اصغر ح کمت و... به جای تعالیم قرآن و عترت، از اقدامات مخرب این دوران بود.

شلیک تیر توطئه

«آتاترک» که نظام دولت مقتدر عثمانی را در هم کوبید و به تشکیلات لائیک و مٹکی بر تفکیک دین از سیاست روی آورد، به تغییر لباس و کشف حجاب پرداخت. در همین ایام، محمدعلی فروغی که می کوشید مدرنیزه کردن ایران و ستیز با موازین مذهبی و هویت بومی را به سرعت پیش ببرد، مقدمات سفر رضاشاه به ترکیه را فراهم کرد. در ضمن، اطرافیان شاه درصدد بودند اقدامات ضد ارزشی آتاترک را نوعی پیشرفت و ترقی جلوه دهند و می خواستند به رضاخان بقبولانند که بعد از سفر مذکور، اقدامات تجدّدخواهانه ای شبیه ترکیه انجام دهد. وزیر مختار انگلیس، طی سالهای ۱۳۱۸ تا

۱. تاریخ معاصر ایران، پیتر آوری، ترجمه: محمد رفیعی مهربادی، عطایی، تهران، بی تا، صص ۶۹ - ۸۲.

۲. نگرشی بر تاریخ ایران نوین، جوزف ام آپتون، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، ۹۴.

۳. علل سقوط حکومت رضاشاه، نعمت الله قاضی، (شکیب)، انتشارات آثار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ش، صص ۲۹ - ۲۸.

۱۳۲۴ش در خاطرات خود نوشته است : رضاخان کوشش داشت تا کشورش را در همان راه ترکیه (غرب گرایي و اسلام زدایی) سوق دهد .
قوانین و رسوم اروپایی را در ایران به اجرا گذارد و حتی ایرانیان را به استفاده از لباسهای بیگانگان و ادار سازد. اهمیت این اقدام رضاشاه در حالی بود که وی تحصیلاتی نداشت و جز نوشتن نام خودش قادر به خواندن هیچ گونه نوشته ای نبوده است.

«رید ربولارد» وزیر مختار وقت انگلیس در تهران، ضمن اعتراف به اصرار و سماجت شدید رضاخان بر مبارزه با جلوه‌های ارزشهای مذهبی، بر موضوع بی سوادی رضاخان تأکید دارد و سعی می‌کند تلاش رژیم پهلوی اول را در جهت فاصله گرفتن از سنتهای دینی، خودسرانه جلوه دهد؛ اما این اعتراف واقعیت دیگری را نشان می‌دهد و آن اینکه چنین سماجت دیوانه‌واری، مأموریتی از سوی بریتانیا برای زوال هویت فرهنگی و مذهبی، رواج بی ریشگی با هدف سلب هرگونه قدرت تفکر، ابتکار و خلاقیت از جامعه بوده

است.^۲
به هر حال، شاه خودباخته و وابسته به استکبار، این طرح را پذیرفت و زمینه‌های عملی ساختن آن را فراهم ساخت.

نخستین حرکت در اولین روز فروردین ۱۳۰۶ش صورت گرفت . در این ایام که با اواخر ماه رمضان مقارن بود، همسر رضاخان همراه با عده ای از اطرفیان به قم رفت تا در صحن مطهر حضرت معصومه (س)، تحویل سال جدید را سپری کند؛ اما وی حرمت این مکان مقدس را رعایت ننمود و نسبت به وضع حجاب خود بی توجهی کرد . وقتی این منکر آشکار از طریق روضه‌خوانی به نام سید ناظم، به گوش عالم مجاهد، آیت الله شیخ محمدتقی بافقی رسید، وی در راستای اجرای اصل اساسی امر به معروف و نهی از منکر، زبان به مذمت آنان گشود و به همسر شاه پرخاش کرد و زنان و همراهان وی را به رعایت حجاب کامل ملزم ساخت.

همسر شاه از طریق متولی آستانه قم، این رفتار را به شوهر خود، اطلاع داد . رضاخان که در پی بهانه ای بود تا مقاومت علما و روحانیان را در برابر

۱. شترها باید بروند، سر رید ربولارد، ترجمه : ابوترابیان، نشر نو، تهران، ۱۳۶۲ش، صص ۲۲ - ۲۳.

۲. اهرمها، فخر روحانی، نشر بلیغ، تهران، ۱۳۷۰ش، ج ۱، ص ۹۸.

طرحهای ضد دینی درهم بشکنند، شخصاً به قم آمد و در صحن حرم فاطمی، عده ای از طلاب حوزه علمیه قم را مورد ضرب و شتم قرار داد. شیخ محمدتقی بافقی را بعد از آنکه با عصای خود و ضربات لگد به شدت مجروح کرد، دستگیر و به زندان نظمیّه در تهران فرستاد و سالیان متوالی این روحانی وارسته و مبارز را به شهرری تبعید کرد و برایش تنگناهای شدیدی به وجود آورد.

این واقعه اولین مخالفت علنی رضاخان نسبت به سنتهای مذهبی بود که متأسفانه با اسائه ادب و اهانت نسبت به مکانی زیارتی و عدم نگهداشتن حرمت ماه مبارک رمضان توأم گردید. رضاخان احساس کرد که لازم است برای استفاده از لباس و کلاه جدید، قانونی به تصویب برسد. بنابرین، در شش دی ۱۳۰۷ش قانون متحدالشکل نمودن البسه ایرانیان به تصویب مجلس هفتم رسید و دولت نیز در سوم بهمن همین سال آن را به تصویب رساند.

مرحله اول تغییر لباس که از ابتدای سال

۱۳۰۸ش اجرایی گردید، تا سال ۱۳۰۹ش طول کشید. در همین ایام، فرمان داده شد که زنان نیز چادر را بردارند. با آغاز سال ۱۳۱۴ش، تبلیغات کارگزاران رژیم درباره کشف حجاب به اوج خود رسید. «صدر الاشراف» وزیر وقت رضاخان، می نویسد: در اوایل خرداد ۱۳۱۴ش رضاشاه هیئت دولت را احضار کرد و گفت: ما باید صورتاً و سنتاً غربی شویم. باید شروع به رفع حجاب زنه نمود و چون برای مردم دفعتاً مشکل است اقدام کنند، شما وزرا و معاونین باید پیش قدم گردید و هفته ای یک شب با خانمهای خود در کلوپ ایران اجتماع کنید! همچنین به علی اصغر حکمت دستور داد در مدارس زنانه، معلمان و دخترها باید بدون حجاب باشند و اگر زنی یا دختری امتناع کرد، او را به مدارس مذکور راه ندهند.

در هفده دی ۱۳۱۴ش در دانش سرای مقدماتی جشنی برپا شد که رضاخان در آن حضور یافت و زنان و دخترانش بدون حجاب در این برنامه شرکت کردند. زنان وزرا و وکلا نیز از خانواده شاه پیروی کردند و با چنین وضع نامطلوبی در مجلس رسمی

۱. رضاشاه و تحولات فرهنگی ایران، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۵۶ش، صص ۳۷ - ۳۸؛ علل سقوط رضاخان، صص ۲۹ - ۳۰؛ هتک حجاب و حرم در نوروز، ۱۳۰۶، ماهنامه بیان زن، ش ۱۴۵، فروردین ۱۳۸۲.

۲. خاطرات صدر الاشراف، محسن صدر، انتشارات وحید، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ش، صص ۲۰۶.

حاضر گردیدند^۱. در تبریز نسبت به برنامه های ضد دینی رضاخان، مخالفت‌های شدیدی آغاز گردید. «شیخ غلامحسین تبریزی» از مردم دعوت کرد که با بانگ «الله اکبر» اعتراض خود را نسبت به این اقدام شرم آور بروز دهند. این شخصیت که تقریباً سخنگوی دو عالم مبارز ختة آذربایجان (میرزا صادق آقا تبریزی و میرزا ابو الحسن انگجی) بود، بعد از سرکوبی نهضت روحانیان آذربایجان، مدت‌ها در تبریز مخفیانه زندگی کرد و با میانجی گری آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی آزاد شد؛ ولی اجباراً به مشهد رفت؛ البته مبارزه با کشف حجاب رضاخان را رها نکرد و راهی نجف گردید و موضوع را با علمای عتبات عراق در میان نهاد.^۲ چند ماه قبل از قیام مردم مشهد به رهبری علما، در یکی از شبهای جمعه ذی حجه ۱۳۵۳ق، علی اصغر حکمت، وزیر معارف وقت، به شیراز مسافرت کرد و به مناسبتی با برنامه ریزی وی در شیراز مجلس جشنی که از پیش تدارک دیده

شده بود، برپا گردید. عده زیادی از اقشار مردم در آن حضور می‌یابند و بعد از ایراد سخنرانی و نمایش، در خاتمه عده ای از دختران روی صحنه آشکار گردیدند و ناگهان نقاب از چهره برگرفته، به حالت بی‌حجاب مشغول رقص و پایکوبی می شوند. در این هنگام عده ای از حاضران به عنوان اعتراض از آنجا بیرون می‌آیند. خبر این بزم اهریمنی موجب اعتراضات مؤمنان شیراز گردید و عده ای در مسجد وکیل اجتماع کردند. «سید حسام الدین فالی» از علمای پرنفوذ شیراز، منبر رفت و اعمال وقیحانه ای را که در این مراسم مذموم روی داد، به شدت تقبیح کرد و ماجرای کشف حجاب رضاخان را محکوم نمود. خبر خیزش شیراز و تعطیلی بازار این شهر به تهران رسید که لاجرم دستور بازداشت و زندانی شدن این روحانی مبارز و نستوه صادر می‌گردد. خبر گرفتاری ایشان به حوزه های قم، مشهد، تبریز و برخی شهرهای دیگر رسید و خشم علما و طلاب این نواحی را برانگیخت در تبریز آیات مکرم انگجی و میرزا صادق آقا، نسبت به توطئه کشف حجاب به شدت اعتراض نمودند که از تهران فرمان تعقیب آن

۱. پایان پادشاهی، محمدحسین صنعتی، مرکز چاپ و نشر بین المللی سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش، ص ۲۵.
 ۲. علما و رژیم رضاخان، حمید بصیرت منش، عروج، تهران، ۱۳۷۶ش، صص ۲۹۷ - ۳۹۹.

دو بزرگوار صادر و
ایشان توقیف و به
سمنان تبعید شدند.^۱
خشم مقدس مشهد

هم زمان با برنامه
مبتذل شیراز، در مشهد
مقدس، در دبیرستان
فردوس جشنی برپا شد
که رضاشاه در آن شرکت
کرد. وی به والی وقت
خراسان دستور داد که
در مراسم استقبال از
او، دختران بی حجاب را
بیاورند. این رویداد
تلخ، آن هم در جوار
آستان قدس رضوی(ع) موجب
نگرانی و اعتراض علمای
این منطقه گردید.

آیت الله العظمی حاج
آقا حسین قمی ! طی
تلگرامی انزجار خود را
از این موضوع نفرت
انگیز ابراز کرد.^۲ از
سوی دیگر، گزارش مربوط
به جشن کشف حجاب در
تهران به مشهد رسید و
مقارن با آن، آیت الله
قمی نطقی ایراد کرد و
حاضران تحت تأثیر
بیانات این مرجع
عالیقدر، گریستند. وی
تأکید نموده بود:
اکنون اسلام نیاز به
افراد فداکار دارد و
بر مردم مؤمن فرض است
که بپا خیزند و گامی
پیش نهند و من حاضرم
در خط مقدم این خیزش

قرار گیرم و جانم را
در این مسیر تقدیم
کنم.

به دنبال آن، علماء،
روحانیون و اصناف مشهد
بعد از برگزاری جلسات
مشورتی، تصمیم گرفتند
خطاب به شاه^۳،
تلگرافهایی مخابره
نمایند و او را از
اقدامات ضد اسلامی
برحذر دارند؛ ولی
سرانجام مقرّر گردید
شخص آیت الله قمی به
تهران رفته، مراتب
اعتراض علمای خراسان
را به آگاهی دربار
برساند. ایشان قبل از
حرکت، طی تلگرافی به
تهران، اظهار داشت
برای مذاکره با شاه
عازم تهران هستم.
همچنین از ایشان
پرسیدند: در ملاقات با
شاه چه خواهی کرد؟
جواب داد: اول از او
میخواهم که دست از
برنامه های ضد اسلامی
بردارد، و اگر
نپذیرفت، خفه اش می‌کنم.
و افزود: برای جلوگیری
از این خلاف، اگر ده
هزار نفر کشته شوند -
که در رأس آنها من
قرار خواه^۳م داشت -
ارزش دارد.

در روزهای نخست ورود
آن فقیه فرزانه به
تهران، علمایی چون آیت
الله سید ابوالقاسم
کاشانی و طلاب با
اقشاری از مردم به
دیدارش شتافتند. شبها

۱. تاریخ بیست ساله ایران،

حسین مکی، انتشارات علمی،
تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ش، ج ۶،
ص ۲۸۱؛ علمای معاصرین، ملا علی
واعظ خیابانی، اسلامیه، تهران،
۱۳۲۶ش، ص ۱۷۸.

۲. از محراب تا معراج (یادواره
آیت الله شیرازی)، امور فرهنگی
جهاد دانشگاهی دانشگاه شیراز،
۱۳۶۰ش، ص ۴۵۳.

۳. عنصر فضیلت و تقوا، ع یاس
حاجیان دشتی، مفید، قم، ۱۳۷۲ش،
صص ۴۳ - ۴۴.

در صحن حرم حضرت
عبدالعظیم حسنی! نماز
جماعت به امامت ایشان
اقامه می گردید؛ ولی
عوامل حکومتی این شکوه
مقام مرجعیت و جلال
معنوی او را
برنتابیدند، لذا آیت الله
قمی توقیف و منزلش
محاصره گردید تا جایی
که به زحمت مواد غذایی
به وی و همراهانش
می رسید. نظامیان، نه
تنها از ورود مردم به
محل اقامت او جلوگیری
می کردند؛ بلکه از
ملاقات علما با ایشان
نیز ممانعت به عمل
می آوردند.

فریاد اعتراض

آیت الله حاج آقا حسین
قمی! از پایگاه مذهبی و
موقعیت خود نزد مؤمنان
خراسان به خوبی مطلع
بود و با وجود نفوذ و
اقتداری که در مشهد به
دست آورده بود، برای
جلوگیری از فتنه و
آشوب و خونریزی از
مشهد بیرون آمد؛ اما
از یک سو با حرکت
معتراضانه این بزرگوار
همراهی لازم صورت
نپذیرفت و از جانب
دیگر، مأموران رضاخان
نسبت به یاران او و
کسانی که در باغ سراج
الملک شهرری (محل
اقامت حاج آقا حسین
قمی) بودند، سخت گیری و
خشونت صورت داد.
فشارهای سیاسی به شدت
افزایش یافت و رضاخان

از انجام ملاقات با
مقام مرجعی شیعه
واهمه داشت؛ زیرا با
روحیه شجاعانه حاج آقا
حسین قمی! آشنایی داشت،
بدین منظور درصدد
انصراف ایشان از انجام
این عمل برآمد که موفق
نشد و در تمام مدت
اقامت تبعیدگونه آقا
در باغ سراج الملک،
موفق به مذاکره با
ایشان نشد. تنها این
پیغام را فرستاد که:
چرا قبل از پاسخ به
تلگراف، به تهران
آمدید؟

وی با صلابت تمام
خاطرنشان ساخت: من
تلگراف نکردم که از
شما اجازه بگیرم؛ بلکه
خبر دادم که به تهران
می آیم.

با عزیمت حاج آقا
حسین به تهران، بسیاری
از اهالی مشهد در مسجد
گوهرشاد اجتماع کردند
و به سخنان وعاظ و
خطبایی که در مذمت
اقدامات رضاخان، از
جمله اجباری نمودن کلاه
بین المللی و تبلیغ
کشف حجاب، به ایراد
سخن پرداخته بودند،
گوش فرا دادند؛ اما
وقتی خبر بازداشت آن
زعیم زاهد به آگاهی
مردم باغیرت مشهد
رسید، در روز جمعه،
دهم ربیع الثانی ۱۳۵۴ق
اجتماع عظیمی در صحن
نوبارگاه قدسی به
عنوان اعتراض به حصر
ایشان تشکیل دادند.
سربازان دولت رضاخانی
در معابر و خیابانها

اهالی را به گلوله بستند و این روز درست مصادف با زمانی بود که سالها قبل روسهای متجاوز حرم و گنبد مطهر امام رضا (ع) را مورد اصابت گلوله های توپ قرار داده بودند . بعد از یک ماه ، در اواخر ربیع الثانی، آیت الله قمی! به اتفاق فرزنداناش به عتبات عراق تبعید گردید.^۱

اجتماعات مردم مشهد با وجود اختناق شدید، در اطراف بیت مراجع تقلید و مدرّسین حوزه این دیار فشرده تر گردید و خطبای برای افرادی که در منزل آیت الله سید یونس اردبیلی! اجتماع کرده بودند، به افشاگری و بیان حقایق پرداختند . در روزهای آغازین تیرماه ۱۳۱۴ش علمای مشهد نیز تصمیم گرفتند طی جلساتی پیرامون مسائل جاری کشور، با یکدیگر به بحث و مذاکره بپردازند . آنان طی اعلامیه شدیداللعنی مردم را نسبت به اعمال مذموم رژیم منحوس پهلوی هشدار دادند و همگان را برای تحصن و اعتصاب در مسجد گوهرشاد فرا خواندند . همچنین مقرر گردید در این اجتماع هر روز یکی از روحانیون، اوضاع کشور را برای شنوندگان

بازگو کند. با اجتماع مردم در این مسجد، واعظان در سنگر توحید و تقوا اهمیت و ضرورت حجاب در قرآن و اسلام را بیان کردند . از جمله گویندگان مذهبی که طی چند روز به ارشاد مردم پرداختند، شیخ مهدی واعظ، شیخ عباسعلی محقق، شیخ علی اکبر مدقق و شیخ محمد قوچانی بودند که بر فراز منبر، ضمن بیان نیرنگها و توطئه های رژیم، به محکومیت این نقشه های شوم پرداختند. مرحوم قوچانی در سخنان خود گفت : ای مردم! مبادا در خواب غفلت قرار گیرید ! ننشینید بگویید : ببینیم چطور می شود و چه اتفاقی روی می دهد . این موضوع دنباله سختی دارد . تازه اول کار است . باید مقاومت کرد و به میدان مبارزه گام نهاد.

از آن سو شهربانی مشهد مأمور شد حامیان آیت الله قمی! را دستگیر و تحت نظر قرار دهد . به دنبال آن، پانزده تن از روحانیون از جمله حاج شیخ عباسعلی محقق به شهربانی مشهد فراخوانده شدند . در این لیست نام روحانی زاهد و مبلغ عارف، حاج شیخ محمدتقی بهلول گنابادی نیز دیده می شد که در این زمان در شهرستان فردوس مشغول افشاگری و فعالیت

۱. نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷ش، ج ۱ و ۲، صص ۴۰۹ - ۴۱۰.

ترویجی بود . از میان این افراد، حجج اسلام غلامرضا طبسی و شمس نیشابوری تبعید شدند.^۱
واعظی وارسته و مبارز بر فراز منبر

عصر روز چهارشنبه هفدهم تیرماه ۱۳۱۴ش
شیخ محمدتقی بهلول! که از دست مأمورین شهرستان فردوس گریخته بود، وارد مشهد گردید و با حضور در منزل آیت الله قمی! از محاصره محل اقامت ایشان در شهری مطلع گشت.

پس از مدتی ایشان به محض ورود به حرم امام رضا (ع) توسط مأمورین رضاخان دستگیر شد . خودش در خاطراتی گفته است: چند نفر از خدام حرم میانجی گری کردند تا مرا به شهربانی ببرند؛ اما آنها نپذیرفتند و مرا به یکی از حجرات صحن حرم رضوی انتقال دادند و چهار پلیس مأمور

مراقبت از من گردیدند . در این زمان «نواب احتشام رضوی» که قبل از آن در کسوت روحانیت بود و با اجرای قوانین جدید رژیم رضاخان، لباس روحانیت را به کناری نهاده بود، با مشاهده اوضاع جدید و محبوس گردیدن شیخ بهلول، ناگهان متحول گردید و کلاه و کراوات

خود را بر زمین کوبید و مردم را به آزاد نمودن شیخ بهلول از چنگال مأمورین تحریک و تشویق کرد و فریاد زد: نابود باد کسی که این کلاه بی‌غیرتی را بر سر ما نهاد! لعنت بر این کلاه . و با ذکر یا امام حسین (ع) به حجره محل بازداشت شیخ بهلول یورش بُرد . مردم نیز به او پیوستند و شیخ محبوس را بر سر دست گرفتند و با سلام و صلوات از طریق صحن کهنه به مسجد گوهرشاد بردند و او را در ایوان مقصوره به بالای منبر صاحب‌الزمانی منتقل کردند .

رئیس اطلاعات شهربانی که قصد داشت از منبر رفتن وی جلوگیری کند، آنچنان توسط مجاورین حرم رضوی مورد ضرب و شتم قرار گرفت که به دلیل شدت جراحات، به هلاکت رسید .

مرحوم بهلول بر فراز منبر فریاد زد : ای مردم ! کاری که نباید بشود، صورت گرفت . اکنون ما هر قدر نزد مأمورین ناتوانی و حقارت نشان دهیم، دولت جابر و ظالم از ما دست برنمی‌دارد . شهربانی از ما انتقام سختی می‌گیرد . وظیفه همه ما این است که کمرها را محکم بسته و دست از

۱. قیام گوهرشاد، سینا واحد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۱، صص ۹۹ و ۱۳۳ و ۱۴۴ و ۲۵۸؛ علما و رژیم رضاخان، ص ۴۵۹ .

۲. خاطرات سیاسی بهلول، مؤسسه امام صادق، تهران، بهار ۱۳۶۹، صص ۵۳ - ۵۹؛ قیام گوهرشاد، صص ۲۲۸ و ۲۸۶ و ۲۸۷ .

جان شسته، برای جهادی دینی مهیا گردیم. اهل مشهد به خانه های خود بروند و مایحتاج اهل و عیال خود را حداقل برای یک هفته تهیه کنند تا در این مدت از جان ب خانواده خویش خاطری آسوده داشته باشند و فردا صبح، اول طلوع آفتاب، هر کس با ما یار است، با هر سلاحی که در اختیار دارد، در مسجد حاضر شود تا ببینیم چه باید کرد.

وی تأکید کرد: من اکنون نیامده ام برایتان سخنرانی کنم؛ بلکه توصیه هایی برای فردا شب دارم. هر کس را دیدید، خبر کنید و او را برای پیوستن به این حرکت و مقاومت در برابر کشف حجاب ترغیب نمایید.

بدین گونه واعظ جوان بیست و هفت ساله، احساسات مردم را برای مبارزه با مفساد رژیم پهلوی تحریک و هدایت کرد، و از این رهگذر موجی از هراس و وا همه در میان نیروهای انتظامی دولت وقت به وجود آورد. او بر این باور بود که با اجتماع در جوار آستان امام هشتم (ع) و دفاع از ارزشهای اسلامی و پایداری در برابر ابتذال، کسی قادر نخواهد بود به چنین

حریمی تجاوز کند. به دنبال فعالیت های ترویجی روحانیون، مردم متدین و با غیرت مشهد با هیجان وصف ناپذیری در مسجد گوهرشاد اجتماع کردند.^۲

شراره های غیرت و شرف

در این ایام که هر لحظه آتشفشان خشم مقدس اهالی مشهد، فعال تر می گردید «محمد ولی خان اسدی» نایب التولیه آستان قدس رضوی، به مرکز گزارش داد: با توجه به وضع ویژه مشهد مقدس و غیرت دینی اهالی، فعلاً موضوع کشف حجاب در این دیار زیارتی متوقف گردد و وقتی شرایط مهیا گشت و تا حدودی از التهاب شعله های خشم اهالی کاسته شد، این قانون به اجرا درآید که دربار پیشنهاد او را قبول نکرد و به وی دستور داد که باید امر رضاشاه در اسرع وقت عملی گردد.

از آن سو ازدحام مردم در منزل آیت الله سید یونس اردبیلی! به حدی رسید که دیگر بیت معظم له ظرفیت آن را نداشت و ناگزیر معترضین به مسجد گوهرشاد انتقال یافتند. همچنان وعاظ بر فراز منبر این مسجد

۲. حدیقه الرضویه (تاریخ مشهد مقدس)، محمدحسن ادیب هروی، چاپخانه خراسان، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۷ق، ۱۳۲۶ش، صص ۲۷۰ - ۲۷۱؛ قیام گوهرشاد، صص ۱۰۲، و ۱۸۲؛ علما و رژیم رضاخان، ۴۶۲ص.

۱. خاطرات سیاسی بهلول، صص ۶۰ - ۶۱.

حاضران را به مقاومت و پایداری دعوت می‌کردند. علاوه بر شیخ محمدتقی بهلول، حجج اسلام بحر العلوم قزوینی، محمد صاحب الزمانی، محقق خراسانی و مهدی واعظ برای مردم سخنرانی می‌کردند. شب جمعه با دعای کمیل و مناجات سپری گشت و در مسجد زد و خوردی روی نداد. شاید مقامات لشکری و کشوری مشهد در مورد چگونگی برخورد با افراد متحصن در مسجد گوهرشاد، در انتظار کسب تک لیف از دربار بودند.

با طلوع سپیده و فرا رسیدن وقت اقامه نماز صبح، در روز جمعه شیپور نظامی به صدا درآمد و از هنگامی که خورشید، فروزندی خود را آغاز کرد، نیروهای امنیتی مسجد را محاصره کردند و از پیوستن دیگر معترضین به افراد متحصن در مسجد گوهرشاد جلوگیری کردند. پناه آورندگان به خانه خدا، درخواست نمایندگی استاندار را مبنی بر پراکنده شدن و قول مساعد درباره رسیدگی به تقاضای آنان، رد کردند و با هجوم اشخاصی که در اطراف مسجد بودند، برای رفتن به داخل مسجد و ممانعت نظامیان از ورود آنان، درگیری بین طرفین آغاز شد که طی آن مردم موفق

شدند چند قبضه سلاح گرم را از مأموران مسلح بگیرند. در این جریان بین هشت تا بیست و دو نفر از مردم شهید و حدود ۷۰ نفر مجروح و زخمی شدند. هشت نفر از نظامیان نیز کشته شدند. علمای مشهد ضمن اینکه خشم و خروش مؤمنان مشهد را بر حق می‌دانستند، احساس کردند عوامل رضاخان درصدد سرکوبی خشن و خونینی خواهند بود و از این رو کوشیدند از برخوردهای قهرآمیز و مخاطره آفرین جلوگیری نمایند؛ اما خشم مقدس مردم چنان شعله ور گردیده بود که نمی‌شد به آسانی آن را خاموش ساخت. وانگهی آنان از وعده های دروغین عوامل حکومتی ناامید گردیده بودند.

وقتی روحانیون و مدرّسان حوزه مشهد مشاهده کردند که مأموران امنیتی به صحن مطهر حرم رضوی و مسجد گوهرشاد هجوم برده و عده ای را کشته و برخی را مجروح کرده اند، برای چاره جویی تلگرافی به تهران مخابره نمودند. در این تلگراف آمده بود: به دلیل کثرت شهدای صحن مقدس و گلوله باران ایوان مطهر

۱. گلشن ابرار، گروهی از نویسندگان، نور السجاد، قم، ۱۳۷۶ش، ج ۷، ص ۲۷۰؛ حدیقه الرضویه، صص ۲۶۶ - ۲۶۷؛ قیام گوهرشاد، صص ۱۴۵ و ۱۵۱.

و بقعة منور رضوی، بر ازدحام مردم افزوده شده و این جانبان بنا به درخواست اهالی، زائرین و مجاورین حرم ثامن الحجج(ع) و رسیدگی به امور، در وضع کنونی در مسجد گوهرشاد به سر می‌بریم و خواستار توقف برنامه‌های کشف حجاب و تغییر لباس می‌باشیم. حوالی ظهر روز جمعه شهربانی مشهد درصدد دستگیری مرحوم بهلول و احتشام رضوی برآمدند که مردم ممانعت به عمل آوردند. کشتار صبح جمعه در اوضاع مقداری آشفتگی پدید آورد و به همین دلیل از میزان اجتماع کنندگان در مسجد گوهرشاد تا حدودی کاسته شد. از آن سو رضاخان در پاسخ به تلگراف علمای مشهد، دستور سرکوبی و کشتار مردم را صادر کرد و بدین گونه قیامی خونین؛ اما مقدس در راه هدفی والا رقم زده شد.^۱

یورش وحشیانه و جنایتی خونین

بعد از کشتار و هجوم وحشیانه صبح جمعه، مردم حومه مشهد با داس، چهارشاخ، بیل و ادواتی از این قبیل به سوی مسجد گوهرشاد سرازیر شدند. مسجد پیرزن که در میان

گوهرشاد واقع بود، با نصب چادری، برای بانوان شجاع و مقاوم آماده گردید. غذای مورد نیاز تحصن کنندگان از بیرون توسط حامیان قیام تدارک دیده می‌شد. روز شنبه ۲۱ تیر ۱۳۱۴ش دیگر در مسجد گوهرشاد جای سوزن انداختن نبود. شعارهایی علیه سلطنت غاصبانه، کلاه بین المللی و کشف حجاب داده می‌شد. سرود مقاومت یکپارچه شد. مأموران محلی هراس خود را از این بابت به مرکز گزارش دادند. رضاخان امر کرد اگر نیروهای امنیتی معترضان را متفرق نکنند، مجازاتی سخت در پیش دارند. نظامی ان از صبح در نقاط گوناگون مشهد مسلسل نصب کرده بودند و بخاطر بی ثمر بودن گفتگوها و مذاکرات، سلاحهای سنگین و تیربارهایی در اطراف مسجد گوهرشاد کار گذاشته بودند که برخی این وضع را صرفاً تهدید و مانور تلقی می‌کردند. جمعیت علاوه بر مسجد، در تمام رواقهای حرم رضوی اجتماع نموده و به نقشه‌های قریب الوقوع نظامیان اعتنایی نداشتند. اسدی، نایب التولیه آستان قدس رضوی که از این حيله‌ها مطلع بود و

۱. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، صص ۲۸۴ - ۲۸۵؛ حدیقه الرضویة، صص ۲۹۰ - ۲۹۳.

می‌دانست به زودی کشتاری خونین آغاز خواهد شد، با لطایف الحیلی علمایی را که در مسجد گوهرشاد بودند، به دار التولیه کشاند؛ زیرا اگر مراجع و فقهای طراز اول در این جریان کشته می‌شدند، نه تنها خراسان یکپارچه قیام می‌شد؛ بلکه شعله های خشم به تمام نقاط ایران سرایت می‌کرد و بساط رژیم پادشاهی را درهم می‌پیچید. یورش ددمنشانه نظامیان به مردم از حدود اذان صبح روز یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۱۴ش آغاز گردی د. آنان ابتدا دربهای مسجد گوهرشاد را درهم شکستند و سپس با سرنیزه و شمشیر به مردم حمله کردند. مردم نیز از خود دفاع کردند. این روند موجب گردید نظامیان مسلسلها را به کار گیرند و افراد زیادی را به خاک و خون بکشند. عمق جنایت چنان شدت داشت که کامیونهای بزرگ اجساد کشته‌ها و زخمیها را به خارج از شهر می‌بردند و در گودالهایی بزرگ دفن می‌کردند و در واقع عده ای زنده به گور می‌شدند. آمار کشته‌ها متفاوت گزارش شده و بین هزار تا دو هزار نفر ذکر گردیده است و رقم قطعی مجروحین مشخص

نبود. منابع دیگر تعداد شهیدان را تا پنج هزار نفر نیز نوشته اند و افزوده‌اند: حدود ۱۵۰۰ نفر دستگیر شدند. از بعدازظهر همان روز علما و مدرّسان حوزه مشهد بازداشت شدند. در مشهد حکومت نظامی اعلام گردید. اسدی به عنوان یکی از محرکین این خیزش تحت محاکمه قرار گرفت و در دادگاهی نظامی به اعدام محکوم گردید. مرحوم شیخ محمدتقی بهلول با پوشیدن لباس نیم تنه پاسبانی، از معرکه گریخت و خود را به مرز افغانستان رساند. آقازاده (فرزند آیت الله آخوند خراسانی) نخست به حبس طولانی و سپس به اعدام محکوم شد که با پیگیری علمای نجف مدّتی روانه زندان شد؛ اما در حبس به وسیله جلاّد رضا خان، پزشک احمدی، در سال ۱۳۱۶ش با آمپول هوا به شهادت رسید. عده ای از محکومین دادگاه های نظامی همچنان در زندان بودند که بعد از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رژیم رضاخان، بعد از اعتراض نمایندگان دوره سیزدهم مجلس شورای ملی، همگی آزاد شدند. امام خمینی! از قیام

۱. مجله سرنوشت، سال دوم، ش ۹۰، ۱۶ اسفند ۱۳۵۹، صص ۱۰۲ - ۱۰۳؛ تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، صص ۲۸۶ - ۲۸۷.

مسجد گوهرشاد اینگونه یاد کرده اند: قتل عام مسجد گوهرشاد را من به خاطر دارم. در مسجد و معبد مسلمین که مرکز اقامه نماز بود، اینها ریختند و یک عده از مظلومین را که برای دادخواهی آنجا مجتمع شده بودند، قتل عام کردند. تمام علمای خراسان را که در این قیام دخالت داشتند و سرشناس بودند، گرفتند و آوردند تهران و حبس کردند و محاکمه کردند.^۱

بازتاب قیام

فجایع خونینی که در مسجد گوهرشاد مشهد روی داد و نیز محاکمه عده ای از علمای مبارز در دادگاه های نظامی، رفته رفته در سراسر کشور اعتراضات مردم را برانگیخت و علاوه بر مشهد، مردم دیگر شهرها نیز نفرت و انزجار خود را نسبت به دستگاه استبدادی رژیم پهلوی افزایش دادند. قساوتها و

خونریزیها، هجمه علیه سنتهای مذهبی، هتک حرمت محلّ عبادت و راز و نیاز مردم و نیز اهانت به بارگاه مقدّس امام رضا (ع) کارنامه ای سیاه و ننگین بود که در محافل و مجالس گوناگون ایران و برخی

کشورهای اسلامی مورد تقبیح قرار گرفت و اوضاع چنان علیه رضاشاه آشفته گردید که شکاف بین دربار و شیعیان را شدت بخشید، به نحوی که رضاخان ناگزیر شد در سلام عید غدیر، در پاسخ تبریکات مجلس شورای ملی وقت، به ظاهرگرایی روی آورد و خود را معتقد به دیانت اسلام و مبانی تشیع معرفی کند و ذیلانه بگوید: آوردن به تمدن و تجدد بدین معنا نمی باشد که اصول اعتقادی و موازین شرعی رعایت نگردد و اصولاً ترقی و توسعه با دیانت مغایرتی ندارد. انتشار این

موضع گیریهای جدید از سوی کسی که در عرصه نظر و عمل ارزشهای مذهبی را نشانه گرفته بود، نیرنگی نو تلقی شد و به جای اینکه چنین سخنانی آتش احساسات دینی مردم را خاموش سازد، آن را شعله ورتر ساخت.^۲

رضاخان با دستگیری و زندانی کردن علما قصد داشت موجی از رعب و وحشت را در جامعه اسلامی ایران حاکم کند؛ اما این اعمال و رفتار، نه تنها امواج گسترده ای از خشم و نارضایتی را در میان اقشار گوناگون ایران

۱. تبیان (تاریخ معاصر از دیدگاه امام خمینی)، دفتر بیستم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۷۸ش، ص ۱۶۲.

۲. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۶، صص ۲۸۶ - ۲۸۷.

به وجود آورد؛ بلکه در نواحی مسلمان نشین و کشورهای اسلامی نیز با انزجار شیعیان و مسلمانان روبه رو گردید. اهالی مسلمان هند و پاکستان طی اجتماعاتی گوناگون و در محافل متعددی چنین برنامه هایی را شدیداً محکوم کردند و ضمن نکوهش اقدامات رضاخان، آزادی علمای شیعی ایران از حبس و تبعید را خواستار شدند. حتی علمای شیعه برخی ایالات هندوستان، مقامات هندی را چنان تحت فشار قرار دادند که آنان با احضار کاردار سرکنسول ایران، به این مقامات هشدار دادند که اگر نسبت به استخلاص روحانیان برجسته اقدام نکرده، علمای شیعه هند و پاکستان حکم تکفیر شاه را صادر می کنند. کارگزاران و دیپلماتهای وقت ایران، موضوع مزبور را به دربار گزارش دادند. رضاشاه که دید امکان دارد با ادامه این روند، لطمات سیاسی بیش تری بخورد و در مجامع بین المللی معرض خطر قرار گیرد، دستور آزادی علمای را داد.^۱

قیام مردم مشهد به رهبری علما لکة ننگی بر دامن رژیم پهلوی گذاشت و سیمای کریه دیکتاتوری رضاخان را نشان داد و موجب تغییر مسئولان کشوری و لشکری مشهد مقدس شد. محمدعلی فروغی از ریاست دولت برکنا ر گردید و سرانجام از عوامل مؤثر در فرو ریختن نظام استبدادی به شمار آمد.^۲ به دنبال مبارزات روحانیون مشهد با حکومت مرکزی، جریانهای حادی که بر اثر آن بروز کرد، حوزه علمیه مشهد مانند دیگر حوزه های سراسر کشور و از جهاتی شدیدتر مورد تهاجم قرار گرفت و به رکود و س ردی گرایید و بعد از حادثه گوهرشاد به کلی تعطیل گردید. مدارس بزرگ و معروف مشهد به تصرف ادارات دولتی، اداره معارف و اوقاف درآمد؛ اما بعد از شهریور ۱۳۲۰ش که رضاخان سقوط کرد و فشار بر مظاهر دینی و روحانی برداشته شد، زعامت حوزه مشهد را دو عالم بزرگ و معروف؛ یعنی مرحوم شیخ مرتضی آشتیانی و میرزا مهدی اصفهانی در دست گرفتند و بار دیگر به بازسازی بنیادهای حوزه در این شهر مقدس پرداختند؛ لکن آن دو عالم متشخص در سال ۱۳۶۵ق بدرود

۱. چهره ای پرفروغ از مشعلداران اسلام و فقاہت و انقلاب (آیت الله سید عبدالله شیرازی)، دفتر مدرسه علمیه امام امیرالمؤمنین (ع)، مشهد، ۱۳۶۴، صص ۸۹ - ۹۱؛ گلشن ابرار، شرح حال سید یونس اردبیلی، ج ۷، ص ۳۲۳.

۲. علما و رژیم رضاخان، ص ۴۷۵.

زندگی گفتند و حوزه
 مذکور دوباره با
 مشکلاتی مواجه گردید.
 این دوران فترت و
 رکود بیش از چند س ال
 به طول نینجامید که در
 ۱۳۷۳ق آیت الله حاج سید
 محمد هادی میلانی ! از
 مدرّسان حوزه کربلا، به
 قصد زیارت به مشهد آمد
 و به خواهش جمعی از
 روحانیون در مشهد
 اقامت گزید و به تدریس
 مشغول شد و از آن
 تاریخ حوزه مشهد حیات
 درخشانی به دست آورد.^۱
 بعد از سقوط رضاشاه،
 فرزندان اسدی پا گرفتند
 وکیل و فراهم آوردن
 اسنادی دال بر بی گناهی
 پدرشان، سرهنگ نوایی،
 رئیس شهربانی خراسان
 را به محکمة دادگستری
 مشهد فرا خواندند، که
 وی محکوم شناخته و
 روانة زندان گردید و
 در حبس دچار عفونتهای
 شدید گشت و بر بدنش
 کرم افتاد تا آنکه به
 هلاکت رسید.
 س رهنگ قادری، از
 طرّاحان و دست اندرکاران
 سرکوبی مردم و کشتار
 خونین مشهد دچار سرطان
 گلو گردید و خفه شد .
 سرلشکر ایرج مطبوعی،
 فرمانده سربازان
 سرکوبگر در ماجرای
 گوهرشاد، بعد از ۴۴
 سال در سن ۸۱ سالگی در

شهریور ۱۳۵۸ش دستگیر و
 در شعبه اول دادگاه
 انقلاب اسلامی محاکمه و
 به اعدام محکوم شد و
 از مصادیق بارز مفسد
 فی الارض و محارب با
 خدا شناخته گردید و
 حکم اعدامش به اجرا
 درآمد. به علاوه تمامی
 اموالش که به طور
 نامشروع از بیت المال
 به دست آورده بود، به
 نفع محرومان مصادره
 شد.^۲

۱. گزارشی از سابقه تاریخی و
 اوضاع کنونی حوزه علمیه مشهد،
 حضرت آیت الله خامنه ای، > کنگره
 حضرت رضا □، مشهد، تیر ۱۳۶۵، صص
 ۲۷ - ۲۹.

۲. نشریه آزادی، ش ۱۰۳۵، ص ۳۰
 آذر ۱۳۱۴، پیام گوهرشاد، ص ۵۹ و
 ۷۱، علما و رژیم رضاخان، ص ۴۸۳
 - ۴۸۴.

ضرورت و فواید

۱



کاظم محدثی

مقدمه

های ثابت دیگر سر و کار ندارد تا فعل و انفعالات آن را در محیطی ثابت تحت نظر بگیرد و با مشاهده درست، توصیف مناسب و تحلیل گویا ارائه دهد؛ بلکه طرف او انسانی دارای احوالات متغیر و سیال است و هر لحظه اراده آن انسان می‌تواند صحنه رخداد های سیاسی را دگرگون و کار تحلیل گر را دشوار سازد.

بنابراین، امکان تحلیل گری در حوزه سیاست و اجتماع برای انسان وجود دارد؛ اما مشروط به بهره گیری از اصول و عوامل خاص خود. در این مقاله برآنیم تا فارغ از پیچیدگیهای برخی منابع و به دور از طرح مباحث انتزاعی و نظری پیچیده، روش تحلیل سیاسی ساده، روان و در عین حال عملی را آموزش داده، طالب این طریق را در

مقدمه

انسان را گریزی از سیاست نیست، هرچند وی سیاست گریز باشد؛ چرا که او به نوعی نقش آفرین صحنه های سیاسی است و زندگی اجتماعی انسان، نیازمند توجه به سیاست است. اندیشه، احساس و عمل انسان، محیط سیاست را شکل می دهد و از آن تأثیر می پذیرد. از طرفی دیگر این انسان - که زندگی اش با سیاست در آمیخته است - ذهنی تحلیل گر دارد و همواره حوادث و رویدادها را تجزیه و تحلیل و تفسیر می کند؛ پس منطقی است که تلاش کنیم تا در تحلیل گری موفق باشیم و راه را از چاه بشناسیم و با گام نهادن در مسیر حق، سعادت دنیا و آخرت را نصیب خود سازیم، البته باید اذعان کرد که تحلیل امور سیاسی کاری دشوار است؛ چراکه تحلیل گر سیاست با

تحلیل گری موفق یاری
 دهیم؛ اما از آنجا که
 دایرة موضوع گستردگی
 خاص خود را دارد و
 ارائه تما می مطالب
 خارج از وسع یک مقاله
 است، آن را در چند
 مقاله ارائه می کنیم.
 سرفصلهای هر کدام از
 مقالات به قرار زیر
 است:

۱. ضرورت و فایده
 تحلیل سیاسی؛
 ۲. مفاهیم سیاسی مورد
 نیاز؛
 ۳. لوازم و مقدمات
 تحلیل سیاسی؛
 ۴. مهارتها و فنون
 تحلیل سیاسی؛
 ۵. روشهای تحلیل
 سیاسی؛
 ۶. مراحل تحلیل سیاسی.
- بخش اول: ضرورت و فایده
 تحلیل سیاسی**

یکی از ابتدائی ترین
 مباحث این موضوع، بحث
 ضرورت و فایده است؛
 بنابراین به طرح و
 توضیح این بحث می
 پردازیم:

ضرورت تحلیل سیاسی

تحلیل سیاسی از
 مباحث مهم و رایج در
 علوم اجتماعی و سیاسی
 است و هر کدام از
 مکاتب و گونه های
 اندیشه ای از زاویه
 نگاه خود به آن
 نگریسته اند. جامعه ای
 که خود را ملزم به
 تفکر درباره پدیده های
 سیاسی می داند، اهمیت
 نحوه صحیح تفکر در این
 مورد را مهم خواهد

دانست؛ زیرا بر پایه
 تحلیل پدیده های سیاسی
 و اجتماعی، انسان به
 قضاوت می نشیند، تصمی م
 می گیرد و عمل می کند.

مقام معظم رهبری> در
 همین باره می فرماید:
 «اگر ملتی قدرت

تحلیل خود را از دست
 بدهد، فریب و شکست
 خواهد خورد. اصحاب
 امام حسن (ع) قدرت
 تحلیل نداشتند؛

نمی توانستند بفهمند که
 قضیه چیست و چه دارد
 می گذرد. اصحاب امیر
 المؤمنین (ع)، آنهایی
 که د ل او را خون

کردند، همه مغرض
 نبودند؛ اما خیلی از
 آنها - مثل خوارج -

قدرت تحلیل نداشتند.
 قدرت تحلیل خوارج ضعیف
 بود. امیرالمؤمنین (ع)

می فرمود: «و لا یخمل
 هذا العلم إلا أهل

البصر و الصبر» اول
 بصیرت، هوشمندی،
 بینایی، قدرت فهم و
 تحلیل و بعد صبر و
 ایستادگی.»

با توجه به گستره
 چشمگیر منابع و
 رسانه های خبری و
 تحلیلی که می کوشند
 رویدادها و پدیده ها را
 از زاویه نگاه و منافع
 خود تحلیل کنند، داشتن
 روش درست و تحلیل
 پدیده های سیاسی و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۳۷۱.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری> در
 دیدار اقشار مختلف مردم،
 ۱۳۷۰/۱/۲۶.

اجتماعی، ضروری به نظر می‌رسد. این امر در الگوی مردم سالاری دینی - که در آن سیاست، جزئی از زندگی عمومی است - اهمیت ویژه ای دارد.

مقام معظم رهبری > در جای دیگری در باب اهمیت پرداختن به تحلیل سیاسی می‌فرماید:

«حکومت‌های مستبد صرفه‌شان به این است که مردم سیاسی نباشند. مردم درک و تحلیل و شعور سیاسی نداشته باشند؛ اما حکومتی که می‌خواهد به دست مردم کارهای بزرگ انجام دهد، نظام را می‌خواهد با قدرت بی‌پایان مردم به سر منزل مقصود برساند و مردم را همه چیز نظام می‌داند. مگر مردمش، به خصوص جوانان و بالاخص جوانان دانشجویی می‌توانند غیر سیاسی باشند؟! مگر می‌شود؟! عالم ترین عالِمها و دانشمندترین دانشمندا هم اگر مغز و فهم سیاسی نداشته باشند، دشمن با یک آب نبات‌ترش می‌تواند به آن طرف برود؛ مجذوب خودش کند و در جهت اهداف خودش قرار دهد.»^۱

در جهان امروز به طور قطع مسائل سیاسی پر ابهام هستند. حتماً

تجربه کرده اید که حادثه ای در زمان حضور ما اتفاق می‌افتد؛ اما از ماهیت و حقیقت آن حادثه - آن گونه که لازم است - مطلع نیستیم و در موضع‌گیری نسبت به آن دچار مشکل می‌شویم. علت آن را باید در پیچیدگی حوادث و چند بعدی بودن آنها جستجو کرد؛ زیرا بسیاری از وجوه آن واقعه زود شناخته نمی‌شود.

شهید مطهری!: در این باره می‌نویسد: «فکر نکنید کسانی که در متن یک حادثه سیاسی حضور دارند، نیازمند تحلیل سیاسی نیستند؛ چون هنگام وقوع، گرد و غباری فضا را می‌گیرد و بسیاری از حقایق دیده نمی‌شود. بنابراین، حتی کسانی که نقش آفرین یک صحنه سیاسی اند،

نیازمند تحلیل افرادی‌اند که به کل واقعه اشراف دارند. اگر مردم در متن جریان نهضتی باشند، آنها را از تحلیل ماهیت نهضت بی‌نیاز نمی‌کند. هر نهضت در حال جریان، برای مردمی که در متن آن قرار دارند، بیش‌تر نیازمند به تحلیل و بررسی است، تا وقتی که پایان می‌پذیرد. و یا نسبت به آن مردمی که در خارج یا حاشیه آن قرار دارند. گویی بخواهیم صحنه ای را که آلوده گرد و غبار است،

۱. بیانات مقام معظم رهبری > در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۲/۸/۱۳۷۲.

مشاهده کنیم یا از آن
عکسبرداری نماییم؛ که
البته اندکی دشوار
است. هنگامی که نهضتی
پشت کرده و پایان
یافته است، مانند آن
است که بخواهیم صحنه ای
را پس از فرو نشستن
گرد و غبار ببینیم، یا
از آن عکسبرداری
نماییم.

به هر حال، تحلیل
این نهضت، چه برای
مردم معاصر که خود در
آن شرکت دارند و چه
برای آیندگان تاریخ که
بخواهند درباره آن
قضاوت نمایند، هم
اکنون امری ضروری و
حیاتی است.»^۱
بنابراین داشتن
تحلیل سیاسی مناسب و
بهره مندی از آن از
ضروریات زندگی اجتماعی
است. دلایل متعددی بر
این ضرورت وجود دارد
که در اینجا به دو
مورد از آن اشاره می
شود:

۱. دفع دسیسه های سلطه گران
انسانهای فاقد آگاهی
سیاسی که قادر به
تحلیل مسائل سیاسی
نیستند، از بدیهی ترین
حقوق انسانی - که حق
حاکمیت انسان بر خویش
است - بی بهره می مانند
و جوامع بی اطلاع از
سیاست، بهترین طعمه های
استعمار و زورمداران
سلطه گر خواهند بود و

۱. نهضت‌های اسلامی در صد سال
اخیر، مرتضی مطهری، انتشارات
صدر، تهران، ۱۳۶۶ ش، ص ۶۱ و ۶۲.

مردم فریبان، بهترین
زمینه را در بین
بی‌خبران از مبانی و
اصول سیاست و بی اطلاع
از تحلیل اصول سیاسی،
می‌یابند.
در مقابل کسانی که
با اصول اساسی سیاست و
تحلیل آن آشنا باشند،
از این خطر در امان
هستند.

۲. حفظ اسلام در قبال سیاستهای انحرافی

با شناخت سیاست صحیح
اسلامی، سیاستهای شرق و
غرب زده و ملی‌گرا
نمی‌توانند جای سیاست
اسلامی را بگیرند،
وگرنه ممکن است از طرف
عناصر مخلص و علاقمند
به اسلام، مطالبی به
عنوان سیاست اسلامی و
روشهای اسلامی ارائه
گردد که در باطن با
اسلام تفاوت بسیار دارد
و افراد را به انحراف
بکشاند.

گاهی این مسئله به
بدعت در دین می انجامد
و گاهی در حد گمراه
کردن دیگران و گاه
صدمه به اسلام و
مسلمین، که هر کدام
خطری بزرگ است و ضرورت
دارد هر مسلمان
متعهدی، با نهایت جدیت
به فهم سیاست خالص
اسلامی و روشها و تحلیل
مسائل سیاسی اسلامی همت
گمارد.

مسئلاً مسلمین و
انقلابهای اسلامی همواره
در معرض تهاجم باطل
گرایان و مستکبرین

بوده و خواهد بود؛ چون آنها با کمک مزدوران و عوامل خود در داخل و خارج از کشورهای اسلامی، می کوشند علاوه بر عداوت‌های علنی، برخی از برنامه های خویش را در لباس دلسوزی و خیرخواهی به اجرا در آورند و مهره‌های آنها فریاد اسلام خواهی، استقلال طلبی، آزادی خواهی، حمایت از مستضعفین و محرومین، بازنگری مترقیانه در دین و فقهات را بر خواهند آورد، به خصوص در م واقعی که شعارهای غیر اسلامی و ملی‌گرایانه و... اثری نداشته، مسلمانان به آنها اعتنایی نکنند.

فایده تحلیل سیاسی

پس از بیان ضرورت تحلیل سیاسی، به فواید آن می‌پردازیم و اینکه از تحلیل درست سیاسی چه سودی عاید می شود؟ آیا عدم توجه به رموز تحلیل صحیح ما را دچار مشکلی خواهد کرد؟ از جمله فواید تحلیل سیاسی می توان به امور زیر اشاره کرد:

۱. شفافسازی و ابهام‌زدایی تصور کنید در یک روز بارانی از داخل اتومبیل خود به مشاهده مناظر طبیعی یا رفت و آمد اتومبیلها و انسانها نشسته اید. به تدریج بر شیشه اتومبیل لایه ای از بخار می‌نشیند

و آنچه که در بیرون می‌گذرد، مبهم و تیره می‌شود، به گونه ای که مناظر بیرون در هاله ای از تیرگی فرو می‌روند و نمی‌توان واقعیت خارجی را آنگونه که هست، دید.

حال اگر بخار شیشه‌ها را پاک کنید، باز مناظر بیرون برای شما شفاف و واضح می شوند و شما می‌توانید با شناخت درست از دنیای خارج از اتومبیل، راه درست را تشخیص دهید و علایم را به خوبی مشاهده کنید. حوادث سیاسی نیز برای مشاهده گران بیرونی به همین نسبت تیره و تارند و چه بسا به دلیل ماهیت پیچیده سیاست، تیره تر نیز باشد.

فایده تحلیل سیاسی این است که گرد و غبارها، بخارها و تیرگیها از چهره حوادث سیاسی پاک شده، به ما نگاهی صحیح و قدرت تشخیص راه از چاه را می‌دهد، به قول مولوی:

پیل اندر خانه ای تاریک بود
عرضه را آورده بودندش
هنود

هندها فیلی را برای تماشا آورده بودند؛ ولی در محیط تاریکی نگهداشته بودند تا در فرصتی مناسب بیرون آورند و مردم آن را تماشا کنند؛ اما چون کسی فیل ندیده بود، با

لمس کردن بخشی از بدن
فیل، درباره آن قضاوتی
نادرست می کرد، در
حالی که:

در کف هر کس اگر شمعی
بُدی

اختلاف از گفتشان بیرون
شدی

تحلیل درست سیاسی در
حکم همان شمع است که
به میزان نور خود،
واقعیات را روشن
ساخته، ما را از
سردرگمی و حیرت نجات
می دهد.

یا افرادی را در نظر
بگیرید که شاهد تصادف
دو اتومبیل هستند. هر
کسی تحلیل و توصیفی
ارائه می دهد؛ اما در
این میان نظریه درست
را کسی می تواند بدهد
که کارشناس راهنمایی -
رانندگی است. البته
روشن است که بسیاری از
مسائل سیاسی پیچیده تر
از این مثالها هستند.

به هر حال تحلیل
درست، انسان را
جامع نگر و تیزبین
می سازد، شناخت و بصیرت
درست می دهد و مسیر
رفتن را هموار می کند؛
اما این روشن بینی و
بصیرت، مبتنی بر اصول
و قواعدی است که بدون
آنها نتیجه ای حاصل
نمی شود.

امام علی (ع)
می فرماید: «فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ
مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ»

فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعَبْرِ
ثُمَّ سَلَكَ جَدًّا وَ اَضْحًا
يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي
الْمَهَاوِي وَ الضَّلَالِ فِي

الْمَعَاوِي؛^۲ انسان بینا
کسی است که وقت ی چیزی
شنید، بیندیشد

حادثه ای دید، به دقت
نظر کند. از عبرتها
سود ببرد، سپس پا در
جاده ای روشن بگذارد
تا از سقوط در پرتگاه
ها و گم شدن در کوره
راه ها در امان
بماند.»

۲. پیش بینی آینده

فایده دیگر تحلیل
سیاسی، پیش بینی و
ارائه گمان صحیح نسبت
به آینده است. البته
منظور پیشگویی نیست؛
چون این کار تنها از
عهده انبیا و اولیای
الهی برمی آید؛ بلکه
پیش بینی طبق اصول و
قواعد و طبق محاسبات
احتمالی است.

بی تردید توجه به
اصول و قواعد جامعه
شناختی و روانشناسی،
در آینده نگری، نقشی
بسیار اساسی دارد.
تحلیل گر با بررسی
تاریخچه و گذشته حادثه
و نیز وضع موجود و
توجه به روند تحولات،
تغییرات کمی و کیفی
مربوط به آینده را به
صورت احتمالی حدس می
زند. مانند پیش بینیهای

۲. نهج البلاغه، سید رضی،
تصحیح: صبحی صالح، ترجمه: محمد
دشتی، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق،
خطبه ۱۵۳.

۱. مثنوی معنوی، مولوی،
قریانی، تهران، ۱۳۷۵ ش، دفتر
سوم، بخش ۴۹.

امام خمینی ! درباره شکست شوروی در افغانستان و حمله صدام به کویت که امام ! بر پایه قاعده «ارادة ملت»؛ یعنی «تا ملتی چیزی را نخواهد، نمی‌شود کاری کرد» شکست اشغالگران شوروی در افغانستان را پیش‌بینی کرد و طبق اصل «وضع روحی» که طی آن «روحیه تبه‌کاری، آدمکشی و جنایت را به دنبال دارد و بالعکس» حمله عراق به کویت را حدود هفت سال قبل از آن پیش‌بینی و فرمود: «اگر صدام خدای نخواستہ پیش برود، تمام شما را به آتش می‌کشد . صدام وضع روحی اش این است . اصلاً در روحیه صدام تبه‌کاری و آدمکشی و جنایت است . اگر خدای ناخواسته این یک سلطه ای پیدا کند، حجاز را از بین می‌برد، سوریه را از بین می‌برد، این چیزهای خلیج را، کویت را هم.»^۱

۳. قدرت تصمیم سازی و تصمیم‌گیری هنگامی که ابهامها در پرتو تحلیل سیاسی برطرف شد، شفافیت لازم حاصل آمد و گزینه های احتمالی پیش‌بینی شد، تحلیل گر می‌تواند با

قدرت تحلیل خود، حتی برای مقامات عالی رتبه تصمیم سازی کند و کارشناسی لازم را به آنان ارائه دهد . وی ابتدا اولویتها را مشخص و گزینه ها یا انتخابهای مختلفی را که پیش رو قرار دارد معین می‌کند، سپس با توجه به منافع کشور و مصالح دینی و عقلانی، توانایی تصمیم گیری درست برای اقدام مسئولان در آینده را خواهد داشت و از سردرگمی خارج می‌شود. بر این اساس، از ناهم‌هنگی مواضع سیاسی بین کارگزاران کشور حتی الامکان جلوگیری خواهد شد و در نتیجه با وحدت نظر، منافع کشور بیش از پیش تامین می‌شود.

۴. موضع‌گیری، توجیه و هدایت سیاسی به جا

تحلیل سیاسی زمینه را برای تصمیم گیری کارشناسانه فراهم می‌کند و به مقامات مسئول توان موضع‌گیری و اظهار نظر می‌دهد، لذا هر سیاست مداری از ظن خود سخن نخواهد گفت و آنچه در موضع گیریهای سیاسی در عرصه مطبوعات، رسانه ها و بیانیه های رسمی بیان می‌شود، بی اساس نخواهد بود؛ زیرا بر اصول و قواعد استوار است . در این شرایط بستر برای توجیه افکار عمومی

۱. صحیفه نور، سید روح الله موسوی (امام خمینی (۱)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۰ ش، ج ۱۷، ص ۷۳؛ سخنان امام خمینی ! در تاریخ : ۱۳۶۱/۸/۱۳

فراهم می‌شود، و توجیهی درست و عقلانی، نه کاذب ارائه می‌گردد. این توجیه مردم را پشتیبان سیاستهای دولت قرار می‌دهد و پشتوانه محکمی برای پیشبرد اهداف سیاسی در صحنه های داخلی و خارجی خواهد بود.

در پرتو تحلیل صحیح است که حق و باطل، راه و بی راه، حقوقها و ضعفها، تهدیدها و فرصتها و... به خوبی آشکار می‌شود، لذا مقامات خواهند توانست هدایت سیاسی مردم را در راستای منافع ملی و دینی به انجام رسانند. مردم نیز به دلیل استحکام مبانی و استدلالها در مسیر صحیح تا دستیابی به اهداف با اعتماد قاطع پیش خواهند رفت.

بدون تحلیل صحیح از حوادث، ارائه طریق، خطاست؛ زیرا به فرموده امام علی (ع): «**فَاقِدُ الْبَصْرِ فَاسِدُ النَّظَرِ**؛^۱ نظر انسان بی بینش، فاسد است.»

۵. توانایی تصمیم گیری در بحران سیاسی

تصمیم گیری به معنای انتخاب یک مسیر از میان راه های مختلف و یا انتخاب یک گزینه از راه حل های موجود است در زندگی سیاسی یک

کشور، گاه اوضاع به گونه ای خطرناک می‌شود که امکان تصمیم گیری صحیح از مسئولان و سیاستمداران سلب می‌شود. مشکلات، مسائل و معضلات داخلی و خارجی از چند جهت به سیستم سیاسی هجوم آورده، نظام را با بن بست روبه رو می‌کند. این شرایط به شکلی است که هر اقدامی برای حل معضل، پیامدهای سوء دیگری را در بر خواهد داشت، گویی سیستم قفل کرده است.

بنابراین، در بحرانها به راحتی نمی‌توان تصمیم گرفت و اجرا کرد. در این موقعیت نیز تحلیل درست و همه جانبه راه می‌گشاید و مشکل حل می‌کند. تحلیل سیاسی با بررسی دقیق مسئله، راه برون رفت از بحران را پیش روی سیاستمداران کشور قرار می‌دهد و از اقدامات نسنجیده آنها جلوگیری می‌کند.

در حوزه فردی نیز، گاه شرایط به گونه ای است که حق و باطل با هم مخلوط می‌شود، شعله های فتنه و آشوب به سوی انسان زبانه می‌کشد و هر حزب و گروهی ممکن است جامعه را به طرف خ و د بکشد؛ زیرا مولای متقیان

علی (ع) فرمود: «**إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ يُنْكَرُنْ**

۱. غرر الحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش، ص ۶۶.

**مُقْبِلَاتٍ وَ يُعْرِفْنَ مُذْبِرَاتٍ
يُخْمِنُ حَوْمَ الرِّيَّاحِ يُصْبِنُ
بَلَدًا وَ يُخْطِنُ بَلَدًا ۱؛**
فتنه‌ها چون روی آورند،
فضا را به شبهه
می‌آیند؛ اما چون پشت
کنند، سخت آگاهی
می‌بخشند. به هنگام روی
آوردن ناشناخته اند؛
اما به هنگام رفتن،
شناخته می‌شوند. هجوم
فتنه‌ها گردبادی کور را
می‌ماند که به شهری
فرود می‌آید و شهری
دیگر را نادیده
می‌گیرد.»

در چنین اوضاع و
احوالی تنها تقوا،
بصیرت و تحلیل درست
است که با برداشتن
حجابها از روی واقعیت،
ما را نجات می‌دهد و از
شرّ فتنه در امان نگه
می‌دارد.

نباید فراموش کرد که
در شرایط بحرانی، اخلاص
و تقوا بسیار
راهگشاست. پارسایی قوّه
تشخیص راه درست را
تقویت می‌کند و خداوند
راه هدایت را به
تحلیل گر مجاهد نشان

می‌دهد: **[وَ الَّذِينَ
جَاهِدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ
سُبُلَنَا]؛ ۲** «و کسانی که
در راه ما جهاد کنند،
به راه‌های خود هدایت
می‌کنیم.»

۶. تشخیص صحیح دشمن
از آنجا که اسلام
دشمنان گوناگونی دارد،
در مبارزه نیز با

دشمنان متفاوتی روبه‌رو
هستیم که باید ضمن درک
ویژگیهای آنان،
جایگاه، میزان تأثیر و
نفوذ و سطح عملکرد هر
کدام را شناخته و به
هر کدام بهای لازم را
بدهیم. بدون اصلی و
فرعی کردن دشمنان و
درک موقعیت و امکانات
دشمنان، رویارویی با
آنها بسیار دشوار
خواهد بود، حتی ممکن
است برخورد ناآگاهانه
با دشمن به رشد مقطعی
او انجامیده، پیروزی
را به تعویق اندازد.
هنگامی شناخت دشمن
امکان پذیر می‌گردد که
بتوان نیروهای گوناگون
را در یک تقابل ملاحظه
و میزان تأثیرات و نوع
آن را مشخص کرد و حرکت
و برخورد با نیروها را
با اتکا به تحلیل
سیاسی درست انجام داد.
برای آنکه بدانیم در
تشخیص نادرست یا عوضی
گرفتن دشمن، چه
دشواریهایی پیش می‌آید
و حتی امکان دارد
خطاها یا تشخیص غلط به
نابودی جریان حق
بیانجامد و یا به حرکت
توده‌ها ضربه ای جبران
ناپذیر وارد آورد،
کافی است اشاره کنیم
که «گروه فرقان» به
جای برخورد با ضدّ
انقلاب، دست به ترور
فردی چون شهید مطهری!
زدند، در حالی که در
تصوّر خود، هدفی جز
خدمت به اسلام نداشتند.

۱. نهج البلاغه، سید رضی، ص ۱۳.
۲. عنکبوت/ ۶۹.

امروزه برخی افراد
به همین درد مبتلا
هستند و با عملیاتهای
انتحاری، در حالی که
آرزوی شهادت و بهشت در
سر می پرورانند، عده
زیادی از مردم بی گناه
را به خاک و خون می
کشند و این همان ضعف
بصیرت و عدم شناخت
اسلام واقعی است که
باعث می شود دوست و
دشمن را نشناخته، به
جای خدمت به اسلام و
مسلمین، خود یکی از
ضربه زندگان به دین و
جامعه مسلمانان شود.
ادامه دارد...



بیانات معصومین) منظومه وار و به هم پیوسته اند، از این رو در بخشهای گوناگون این مقاله، بیانات امام (ع) از زوایای مختلف تکرار شده است که لاجرم این تکرارها مخلّ غرض و هدف نخواهند بود.

الف) ویژگیها و آثار سوء آرزوها

طبق بیانات امام علی (ع) توجه به آرزوها یک سری از آثار و تبعات سوء را به دنبال دارد. آن حضرت، با نگاهی ژرف این آثار را بیان کرده است تا مؤمنین با توجه به آنها، از آرزوهای دنیوی دوری کنند. به مواردی از این آثار اشاره می شود:

۱. ترسناک ترین تهدید بی تردید انسان در دوران زندگی با تهدیدهای گوناگونی روبه رو است که باید آنها را شناسایی کرده، خود را برای مقابله با آن تهدیدات آماده سازد.

نیل به سعادت واقعی -
 نه خیالی و وهمی -
 هستند، پیوسته این پرسش وجود دارد که آرزو در فرهنگ قرآن و اهل بیت) از چه جایگاهی برخوردار است؟ آیا داشتن آرزوهای دراز، امری پسندیده است یا نکوهیده؟ اگر ممدوح است، بالطبع دنبال آن رفتن و تلاش برای رسیدن به آن منعی ندارد، و اگر مذموم و نکوهیده است، باید آنها را وا گذاشت.

امام علی (ع) به خوبی این مسئله را تبیین فرموده اند و به انسانها تبعات و عوارض آن را گوشزد کرده اند که در این مقاله به بخشی از کلمات آن حضرت پیرامون این موضوع نگاهی گذرا شده است. آن حضرت در خطایات نورانی خود به آثار و تبعات آرزوها اشاره فرموده آثار مثبت بی توجهی و اعراض از آرزوها را بیان کرده اند. البته توجه به

امام (ع) دو تهدید را از سایر تهدیدات ترسناک تر شمرده، می فرماید: **«إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَتْبَاعُ الْهَوَىٰ وَ طَوْلُ الْأَمَلِ»** همانا ترسناک ترین چیزی که بر شما می ترسم، دو چیز است: پیروی از هوای نفس و آرزوهای دراز [در دل پروردن].»

امام (ع) پیش از بیم دادن از این دو، می فرماید: **«أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ أَمَرْتُمْ بِالظُّغْنِ وَ دَلَلْتُمْ عَلَى الرَّادِ»** بدانید که شما به کوچ کردن [از این دنیا] امر و به تهیه زاد و توشه آخرت راهنمایی شده اید. و پس از بیم دادن، می فرماید: **«فَتَزَوَّدُوا فِي الدُّنْيَا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَخْرُجُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا»** از این دنیا زاد و توشه بگیرید، تا فردا خود را با آن حفظ کنید. «از این بیان حضرت می توان فهمید که توجه نکردن به این دو تهدید، مانع توشه برداری برای آخرت در این دنیا می شود.

۲. فراموشی آخرت از اساسی ترین آموزه های قرآن و اهل بیت (ایمان به آخرت، معادباوری و یاد آوری آخرت است. با توجه به این رکن اساسی و اعتقادی است که انسان

با یاد فرجام خود، در پی آمادگی برای آن سفر ابدی خواهد شد و عملکردی مطابق با آن خواهد داشت.

امام (ع) یکی از ویژگیهای تقوای پیشگان را این می داند که به آخرت اندیشیده و آن را نزدیک می دانند و به عمل نیک می پردازند:

«اسْتَقْرَبُوا الْأَجَلَ فَبَادَرُوا الْعَمَلَ» [آنها کسانی هستند که [مرگ را نزدیک شمرده، پس به انجام اعمال [نیک] اشتافته اند. «از ویژگیهای ایشان این است که آرزوهای دروغ شمرده و به سرآمد زندگی توجه می کنند و آن را واقعیت و حقیقت می دانند، لذا آن حضرت در ادامه می فرماید: **«و كَذَّبُوا الْأَمَلَ فَلَا حَظَّوَا الْأَجَلَ»** آنها کسانی هستند که آرزو را دروغ پنداشته و آخرت را در نظر می گیرند.»

پس آخرت باوری و آن را نزدیک دانستن، با زندگی همراه با آرزوها در تقابل بوده، در عملکرد نیک انسان و توشه برداری برای آخرت تأثیر به سزایی دارد و بی توجهی و بلکه تکذیب آرزوها، روی آوردن به آخرت را در پی خواهد داشت.

آن حضرت می فرماید: **«فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ»**

۱. نهج البلاغه، سید رضی، تصحیح: صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق، خطبه ۲۸.
۲. همان.
۳. همان.

۴. همان، خطبه ۱۱۴.
۵. همان.
۶. همان، خطبه ۴۲.

پیروی کردن از هوای نفس، ان سان را از راه حق بازمی دارد و آرزوهای دراز، آخرت را به دست فراموشی می سپارد.»

۳. عملکرد بد

یکی از آثار داشتن آرزوی دراز، عملکرد بد انسان است. هرگاه انسان به آرزوهای دراز خویش بیندیشد، طبعاً در راستای رسیدن به آن آرزوها گام برداشته، عملکرد نیک را غیر لازم خواهد دانست؛ همان گونه که امام به این امر تصریح داشته، می فرماید: «مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ

أَسَاءَ الْعَمَلُ؛ هر کس آرزوهای دراز داشته باشد، عملکرد بد خواهد داشت.» حضرت در بیانی دیگر، به گونه ای دیگر به این مسئله پرداخته، به جایگاه عمل و آرزو اشاره کرده اند و می فرمایند: «أَلَا وَ إِيَّاكُمْ فِي أَيَّامٍ أَيْامٍ وَرَأَيْهِ أَجَلَ فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ؛

بدانید که تمام شما در دوران آرزویی به سر می برید که مرگ و اجل به دنبال آن است.

بنابراین، هر کسی که پیش از رسیدن اجلش، در همان دوران آرزویش به عمل پردازد، عملش به سود اوست [و مرگش به او زیانی نمی رساند].»

سپس فرمود: «وَمَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ

حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ خَسِرَ عَمَلَهُ وَ ضَرَّهُ أَجَلُهُ؛ کسی که در دوران آرزویش، در انجام عمل (صالح) کوتاهی کند، دچار زیان شده، مرگش به ضرر اوست.»

۴. ناباوری معاد

تردیدی وجود ندارد که سعادت انسان در گرو توجه به آخرت و معاد است. به دیگر سخن، انسان خدا باور باید معاد باور نیز باشد؛ چراکه این اعتقاد باعث می شود انسان در دنیا به تلاش برای آخرت همت گمارد.

اگر باور به معاد و اندیشه آخرت در انسان نهادینه نشده باشد، کسی انگیزه ای برای تهیه زاد و توشه آخرتی نخواهد داشت. از سویی دیگر، آنچه که این باور را در انسان از بین برده یا ضعیف می کند، غفلت از مرگ و پندار عمر دراز است. امام (ع) انسانه را از غلبه آرزوها بر آنها

برحذر می دارد و می فرماید: «وَلَا يَغْلِبَنَّكُمْ فِيهَا الْأَمَلُ؛ مبادا در دنیا آرزوها بر شما چیره شود.» که اگر چنین شود، انسان فرصت زندگی را طولانی دانسته، اجل را دور از دسترس خواهد شمرد: «وَلَا يَطُولُ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ؛ مپندارید که عمر طولانی خواهید داشت.»

۳. همان.
۴. همان، خطبه ۵۲.
۵. همان.

۱. همان، حکمت ۳۶.
۲. همان، خطبه ۲۸.

آری! آرزوهای، آخرت را از یاد آدمی می برند و انسان یا تصور عمر دراز، به آرزوهای خویش مشغول شده و به فرجام خود نخواهد اندیشید، پس به دنبال تهیه زاد و توشه نخواهد رفت: «فَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ؛^۱ و اما آرزوی دراز داشتن، آخرت را از یاد انسان می برد.»

۵. آرزو، سرمایه احمقان
عمر دنیایی انسان محدود است و آرزوهایش بسیار و این عمر کوتاه برای رسیدن به تمام آرزوها کافی نیست، پس چرا انسان با وهم و خیال زندگی کند و از واقعیات بگریزد؟
امام (ع) تکیه بر آرزو را سرمایه احمقان می داند و می فرماید: «إِيَّاكَ وَالْإِيكَالَ عَلَى الْمُنَى؛^۲ فإِنَّهَا بَضَائِعُ النَّوْكَى؛^۳ هشدار که به آرزوها تکیه [و اعتماد] کنی؛ زیرا آن سرمایه احمقان است.»

۶. کوری چشم بصیرت
آنچه که در شرایط حساس و در بروز فتنه ها به کار آدمی می آید، بصیرت و تیزبینی است. اگر انسان از بصیرت برخوردار نباشد، گاه به خاطر شرایط خاص، حق را از باطل تمیز نمی دهد. بسیار رخ داده است که جبهه باطل، با تزویر و

مغلطه، خود را به عنوان حق جا زده است و بسیاری راه را به خاطر عدم بصیرت گم کرده و به عنوان جانبداری از حق، در میدان باطل ایفای نقش کرده اند. امام (ع) می فرماید: «وَ الْأَمَانِيُّ نَعْمِي أَعْيُنَ الْبَصَائِرِ؛^۳ آرزوها چشم دل را کور می کند.» در واقع، توجه به آرزوها باعث می شود که انسان فاقد بصیرت لازم باشد.

۷. ناکامی

انسانها با آرزوهای خویش زندگی می کنند؛ ولی به آنها نمی رسند، به خصوص اینکه آرزوی انسان، دور و دراز باشد. این مسئله ای پرهانی است؛ زیرا عمر آدمی به خاطر عروض حوادث بسیار کوتاه تر از آن چیزی است که آدمی تصور می کند. از سویی دیگر، رسیدن به بعضی آرزوها نیازمند مقدماتی است که گاه سالها تلاش را می طلبد تا شاید در این مدت تمامی شرایط آماده گردد. این در حالی است که چه بسا پیش از رسیدن به آرزو، عمر آدمی به سر آید. از این رو، امام (ع) می فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ اتَّقُوا اللَّهَ فَكَمْ مِنْ مُؤْمَلٍ مَا لَا يَبْلُغُهُ؛^۴ ای مردم! از خدا بترسید! چه بسیار آرزومندانی که به آرزوی خویش نرسیدند.» حضرت در این کلام،

۱. همان، خطبه ۴۲.
۲. همان، نامه ۳۱.

۳. همان، حکمت ۲۷۵.
۴. همان، حکمت ۳۴۴.

تقوای الهی را در تقابل با توجه به آرزوها دانسته است و با دعوت مردم به تقوا، آنان را به این نکته توجه می دهد که به آرزوها دل نیندند؛ چراکه: «وَمِنْ عَيْرِهَا أَنْ الْمَرْءَ يُشْرَفُ عَلَى أَمَلٍ هِ فَيَتَحَطَّفُهُ أَجَلُهُ فَلَا أَمَلٌ مَدْرُوكٌ وَلَا مُؤَمَّلٌ مَتْرُوكٌ»^۱ از عبرتهای روزگار این است که انسان در حالی که نزدیک است به آرزوی خویش برسد، ناگاه اجلش فرا می رسد و امیدش قطع می گردد؛ نه به آرزوی خویش می رسد و نه مورد آرزوی او باقی می ماند.»
 امام (ع) در وصیتی هنگام بازگشت از صفین به فرزندش امام حسن (ع) به عدم نیل به آرزوها اشاره کرده، می فرماید: «وَأَعْلَمُ يَقِينًا أَنْكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمَلَكَ وَ لَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ»^۲ بدان که به یقین هرگز به تمام آرزوهایت نخواهی رسید و همان اندازه که مقدر شده است، عمر خواهی کرد. «چون عمر انسان محدود است و انسان نمی تواند بیش از عمری که برای او مقدر شده، زندگی کند. از این رو فرصت رسیدن به تمامی آرزوهای خود را نخواهد یافت و پیش از رسیدن به برخی آرزوها اجلش فرا خواهد رسید، به همین دلیل، دل بستن به آرزوه امری عبث و

بیهوده خواهد بود.
 ۸. هلاکت امام (ع) در جایی دیگر، توجه به آرزوهای دراز و غفلت از پنهان بودن اجل را علت هلاکت دانسته است و می فرماید: «وَأَيْمًا هَلَكَ مِنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ أَمَالِهِمْ وَ تَعْيِبَ أَجَالِهِمْ حَتَّى يَزِلَّ بِهِمُ الْمَوْعُودُ الَّذِي تَرَدُّ عَنْهُ الْمَعْذِرَةُ، وَ يُرْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَةُ، وَ تَحُلُّ مَعَهُ الْقَارِعَةُ وَ النَّقِمَةُ»^۳ آنان که پیش از شما بودند، در اثر آرزوهای طولانی و پنهان بودن سرآمد زندگی، هلاک شدند. آنان کسانی بودند که مرگشان در این حالت فرا رسید و دیگر نه عذری برای آنها باقی ماند و نه فرصت توبه ای، و به خاطر عملکردی که داشتند، حوادث سخت و مجازاتها در انتظار آنها بود.»
 آنگاه امام (ع) به فرجام سوء توجه به آرزوها اینگونه اشاره می فرمایند: «مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ»^۴ کسی که در مسیر آرزوها بشتابد، در مرگ خواهد افتاد.»
 ۹. گمراهی عقل و خدا فراموشی امتیاز انسان بر سایر موجودات، عقل اوست که وی را به سوی حق رهنمون می شود. به تعبیر برخی روایات، عقل آدمی «پیامبر

۳. همان، خطبه ۱۴۷.
 ۴. همان، حکمت ۱۹.

۱. همان، خطبه ۱۱۲.
 ۲. همان، نامه ۳۱.

درونی « انسان است که او را به عبودیت و بندگی خدا سوق می دهد؛ در روایت است از امام صادق (ع) پرسیدم که عقل چیست؟ فرمود: «مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ»؛ آنچه که بدان خدواند رحمان عبادت و بهشت کسب می شود.»

اگر این عامل بندگی در مسیر صحیح قرار نگیرد و از مسیر طبیعی خود خارج شود، انسان را به بندگی نخواهد رساند. سرانجام عقل گمراه، کجروی، انحراف و دروی از بندگی خداست که امام (ع) آرزو را موجب گمراهی عقل می

داند و می فرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يُسْهِي الْعَقْلَ»؛ بدانید که آرزو عقل را گمراه می سازد. «و اگر عقل گمراه شود، آدمی به مسیری غیر از مسیری که عقل سلیم بدان رهنمون بوده است، هدایت می شود. از این رو، فراموشی یاد خدا از آثار آن خواهد بود: «وَ يُنْسِي الذِّكْرَ»؛ و ذکر را فراموش می کند.»

سپس امام (ع) راه درمان این عارضه را تکذیب آرزو و بی اعتنائی به آن می داند و می فرماید: «فَاكْذِبُوا الْأَمَلَ فَإِنَّهُ غُرُورٌ وَ صَاحِبُهُ مَغْرُورٌ»؛ آرزوها را دروغ پندارید و به

آن اعتنائی نکنید؛ چراکه آن فریبنده است و شخص دارنده آن فریب خورده.»

(ب) آثار مثبت بی توجهی به آرزوها

از بیانات امام (ع) روشن می شود که بی توجهی به آرزو و دوری گزیدن از آن، آثار و تبعات مثبتی را به دنبال دارد، از جمله:

۱. غنا و بی نیازی
انسان به فراخور آرزوهایی که دارد، برای رسیدن به آنها اسباب و مقدماتی را فراهم می کند و هر قدر این آرزوها بیش تر باشند، احساس نیاز به اسباب و مقدمات و تلاش در جهت فراهم کردن آنها بیش تر خواهد بود، لذا خود را دایم محتاج به آنها می داند و تمام عمر خویش را مصروف آن می کند. بنابراین، هر اندازه از آرزوهای خویش بکاهد، این احساس نیاز کم تر خواهد شد.

امام (ع) می فرماید: «أَشْرَفُ الْغِنَى تَرْكُ الْمُنَى»؛ برترین بی نیازی، ترک آرزوها است.»

۲. زهد
هر اندازه آرزوهای انسان بیش تر باشد، تلاش مادی بیش تری را می طلبد و این مسئله دنیاطلبی را به دنبال خواهد داشت و در مقابل آن زهد قرار دارد که در فرهنگ اسلام زهد به

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ق، ج ۱، کتاب العقل و الجهل، ص ۲۵۰.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۸۶.
۳. همان.
۴. همان.

۵. همان، حکمت ۳۴.

عنوان راهی کارساز و مؤثر برای رهایی از دنیاطلبی و گرایش به دنیا معرفی شده است
 امام (ع) می فرماید:
«الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ»^۱
 زهد، کوتاه کردن آرزو است.»

۳. تهیه زاد و توشه

از مقولات بسیار مهمی که در آموزه های اسلامی بدان تأکید فراوانی شده است، بهره گیری از دنیا برای تهیه زاد و توشه به منظور رستگاری در آخرت است. از این رو، امام (ع) می فرماید:
«أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُؤْسِهِ»^۲ [آیا انسانی پیدا می شود که [پیش از رسیدن آن روز سخت، عمل نیکی برای خود انجام دهد؟ « سپس به جایگاه عمل و آرزو اشاره فرموده،

توجه به آرزوها را در تقابل با عمل می داند و می فرماید: **«أَلَا وَابْنُكُمْ فِي أَيَّامِ أَمَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ»**^۳
 بدانید که تمام شما در دوران آرزویی به سر می برید که مرگ و اجل به دنبال آن است.

بنابراین، هر کسی که پیش از رسیدن اجلش، در همان دوران آرزویش، به عمل پردازد، عملش به سود اوست و مرگش به او زبانی نمی رساند.» سپس می فرماید: **«وَمَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامِ أَمَلِهِ قَبْلَ»**

حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ خَسِرَ عَمَلَهُ وَ ضَرَّهُ أَجَلُهُ؛ کسی که در دوران آرزویش، در عمل کوتاهی کند، دچار زیان شده و مرگش به ضرر اوست.»

انسانی که با آرزوهای دراز زندگی می کند، مجالی برای تفکر پیرامون مرگ و معاد نمی یابد و در نتیجه موضوعی برای عمل نیک و تهیه زاد و توشه نمی یابد تا بدان پردازد.

حضرت می فرماید: **«لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَ مَبِصِرَهُ لِأَنْبَعَثَ الْأَمَلَ وَ غُرُورَهُ»**^۴ اگر انسان مدت عمر و سرانجام خود را ببیند، آرزو و غرور خود را دشمن می دارد.»
 توجه به این نکته مهم است که حضرت

«غرور» را به «امل» عطف نموده و آنها را در یک حوزه قرار داده است و توجه به سرانجام را در تقابل هر دوی آنها دانسته، به همین دلیل توجه به آرزوهای دور و دراز را موجب فراموشی آخرت برمی

شمرد، لذا فرموده است: **«فَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ.»**

۴. همان، حکمت ۳۶.
 ۵. همان، حکمت ۳۳۶.
 ۶. همان، خطبه ۴۲.

۱. همان، خطبه ۸۱.
 ۲. همان، خطبه ۲۸.
 ۳. همان.



اشا

مروري بر آیات قرآن
 کریم نشان می دهد که
 سبقت انسانها از
 یکدیگر در دو مس ی ر
 انجام می پذیرد؛ گاه
 مسابقه در امور دنیوی
 و مادی است و گاه در
 امور معنوی . با کمال
 تأسف باید اعتراف کرد
 که هر روز سبقتها بیش
 تر بر اساس اهداف
 دنیوی و مادی پیش می
 رود و روز به روز بر
 گستره آن افزوده
 می شود، بنابراین،
 ناخودآگاه، انسانها از
 معنویات دور میشوند.
 در شماره های گذشته
 (مبلغان ۱۸۷ و ۱۹۰) به
 بررسی برخی از
 مسابقاتی که انسانها
 در زندگی روزمره خود
 انجام می دهند،
 پرداختیم و گفته شد که
 در برخی از آنها محض
 ورود در مسابقه، به
 معنای باخت است و برخی
 دیگر به معنای برد .
 بعضی از مسابقات دنیوی
 که چیزی جز «باخت»

کند، مورد بررسی قرار
 گرفت؛ مانند مسابقه در
 چشم و هم چشمی ها،
 تجمل گرایی ها، ثروت
 اندوزی و ... و اکنون
 ادامه بحث در باب
 مسابقات معنوی که به
 منزله «بُرد» است،
 ارائه می گردد.

۲. مسابقات معنوی

در فرهنگ اسلامی،
 دنیا میدان مسابقه و
 رقابت است و هر کس
 مجاز است از راه حلال
 برای به دست آوردن
 نعمتهای بیش تر تلاش
 کند و بر دیگران سبقت
 گیرد . در این میان
 برخی، نعمتهای دنیوی
 را تنها برای عیش و
 نوش و استفاده شخصی
 (خود و خانواده خود)
 می خواهند و همانند
 حیوانات، تمام همت
 آنان خوردن و پُرکردن
 شکم خودشان است، در
 حالی که خود را در
 برابر هیچ چیز و هیچ
 کس پاسخگو نمی دانند؛^۱ و

۱. امیرمؤمنان □ درباره چنین

برخی دیگر در به دست آوردن نعمتهای دنیوی در تلاش اند تا با جذب سرمایه بیش تر دنیا و آخرت خویش را با هم آباد کنند و با این انگیزه در تلاش اند که مقداری از سرمایه های خویش را برای سفر آخرت ذخیره کنند.

قرآن کریم به همین مسئله اشاره کرده و می‌فرماید: **«وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ»**^۱؛ «و در آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را بطلب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن و همان گونه که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن!»

و در جایی دیگر می‌فرماید: **«وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ»**^۲؛ «در این نعمتهای بهشتی، راغبان باید بر یکدیگر پیشی گیرند!» به تعبیر دیگر، این گروه در رقابت و مسابقه ای سالم سعی دارند تا با کار و تلاش

افرادی می‌فرماید: **«فَمَا خُلِقْتُ لِيشغلني أكل الطيبات كالبهيمة المربوطة همها علفها أو المرسله شغلها تقممهما تكترش من اغلافها و تلهو عما يراد بها؛ آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد، چونان حیوان پرواری که تمام همت او علف و یا چون حیوان رها شده‌ای که شغلش چریدن و پراکندن شکم بوده، از آینده بی‌خبر است.»** نهج البلاغه، سید رضی، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین^۳، بوستان کتاب، قم، نامه ۴۵، ص ۷۷. ۲. مطفین/ ۲۶.

بر دارایی های حلال خویش بیفزایند تا با آن، هم خانواده خود را در رفاه و آسایش قرار دهند و هم گره از مشکلات دیگران بگشایند و هم خود را به آخرت آباد برسانند. به همین خاطر، مروری بر زندگی امامان معصوم (و به تبعیت از آن

بزرگواران، عالمان شیعی نشان می‌دهد که آنان در مسابقات معنوی سعی داشتند که از دیگران جلو بزنند. رسول خدا (ص) در بیان صفات عاقل می‌فرماید: **«وَ يُسَابِقَ مَنْ فَوْقَهُ فِي طَلِبِ الْيَرِ»**؛ (عاقل کسی است که) در تحصیل نیکی از بالادست خود سبقت گیرد.»

خدای متعال نیز کسانی را که خود را در میدان مسابقه می‌بینند و در تلاش‌اند تا از هر فرصتی بر نیکیهای خود بیفزایند، دوست می‌دارد، چنانکه رسول خدا (ص) می‌فرماید: **«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ»**؛ خدا آن کار نیکی را دوست دارد که با سرعت انجام شود.»

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: **«إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِخَيْرٍ أَوْ صَلَهِ فَإِنَّ عَن يَمِينِهِ وَ شِمَالِهِ شَيْطَانَيْنِ فَلْيَبَادِرْ لَا يَكْفَاهُ عَن»**

۳. تحف العقول، ابن شعبه جزائی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۸. ۴. الکافی، کلینی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ ق، ج ۶، ص ۱۴۲.

ذَلِكَ؛^۱ هنگامی که کسی از شما تصمیم بر انجام کار خیر یا بخشیدن چیزی به کسی گرفت، باید مواظب باشد که در طرف راست و چپ او دو شیطان هستند .

بنابراین، باید به سرعت اقدام کند، مبادا آن دو شیطان (با وسوسه های خود) او را از این کار باز دارند.»

پس همیشه در مسابقات معنوی، موانع و وسوسه های شیاطین جنی و انسی وجود دارد . به همین دلیل، هنگامی که مقدمات آن فراهم گردد، باید شتاب کرد، مبادا افراط تنگ نظر، کوتاه فکر و شیطان صفت،

سنگهایی را در مسیر آن بیندازند . ضمناً باید میان سرعت در انجام کار و عجله مذموم که مربوط به قبل از فراهم شدن مقدمات لازم برای انجام کار است، تفاوت گذاشت.

گرچه مسابقات معنوی ذکر شده در آیات و روایات بسیار است؛ اما در این مخ تصر به چند نمونه اشاره می شود:

۱. **مسابقه در ایمان**
قرآن مجید بعد از بیان ناپایداری جهان و لذات آن، و اینکه مردم در سرمایه های کم ارزش این جهان نسبت به یکدیگر تفاخر و تکاثر

می جویند، در آیه ۲۱ سوره حدید، مردم را به مسابقه عظیم روحانی که سزاوار هرگونه تلاش و کوشش است، دعوت کرده ،

می فرماید: **[سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَعَدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ]**؛^۲ «به پیش

تازید برای رسیدن به مغفرت پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن مانند پهنه تمام آسمان و زمین است و برای کسانی که به خدا و رسولانش ایمان آورده اند، مهیا شده است . این فضل خداست که به هر کس بخواهد، می دهد و خداوند صاحب فضل عظیم است.»

خدا در این آیه هدف مسابقات معنوی را در درجه اول، رسیدن به مغفرت خود قرار داده است تا به این مهم اشاره کند که رسیدن به هر مقام معنوی، بدون آموزش و شستشوی گناهان ممکن نیست؛ یعنی نخست باید خود را از گناه شست و سپس به مقام قرب پروردگار گام نهاد!

همچنین در این آیه به صراحت بیان شده است که مغفرت پروردگار، کلید بهشت است و چنین بهشتی تنها برای مؤمنان آماده شده است و مؤمنان کسانی هستند

۱. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۱۳.

۲. حدید/ ۲۱.

که ایمان و عمل صالح را در کنار هم داشته باشند. چنین انسانهایی در رقابتی سالم می‌کوشند تا به دیگر مؤمنانی که از لحاظ ایمان در مرتبه بالاتری از آنها هستند، نزدیک شوند و به همین خاطر، زمان درنگ در دنیا را با میزان جاودانی بودن در آخرت می‌سنجند و برای سفری طولانی، توشه بر می‌دارند، و برای اینکه از دیگر همسفران عقب نیفتند، در افزودن بر ایمان خود با دیگر مؤمنان مسابقه می‌گذارند. آنان می‌دانند که ایمان بدون عمل صالح کافی نیست و چون انسان مؤمن نمی‌داند کدام یک از اعمالش مورد قبول حق تعالی قرار می‌گیرد، به هیچ یک از عبادات خویش مغرور نمی‌شود و تا لحظه مرگ با تمام توان تلاش می‌کند. وقتی ایمان قوی شود، در برابر مشکلات و مصیبتها صبر می‌کند و در کنار تلاش برای تأمین زندگی، کاستیها را خواست و امتحان خدا می‌داند. مال و ثروت را از آن خدا دانسته، از بخشش مال به نیازمندان ابایی ندارد و اگر کاری انجام می‌دهد و یا سختی و مصیبتی را تحمل می‌کند، خدا را ناظر بر اعمال خویش می‌داند. بر اساس چنین ایمانی است

که امام صادق (ع) در هنگام م صیبت اینگونه دعا می‌کرد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ شَاءَ أَنْ يَجْعَلَ مُصِيبَتِي أَكْثَرَ مِنْ هَذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^۱ سپاس خدای را که مصیبتم را در دین من قرار نداد و سپاس خدایی را که اگر می‌خواست که مصیبت من بزرگتر از آنچه هست بشود، می‌شد و سپاس خدایی را که آنچه بخواهد و اراده کند، انجام می‌شود.»

آن حضرت در جای دیگری می‌فرماید: «وَاللَّهُ مَا بَعَدْنَا غَيْرُكُمْ وَ أَنْتُمْ مَعَنَا فِي السَّامِ الْأَعْلَى فَتَنَافَسُوا فِي الدَّرَجَاتِ»^۲ به خدا سوگند! ما غیر از شما کسی را نداریم، و شما با ما در مقام بلندی خواهید بود، اینک برای رسیدن به درجات با همدیگر مسابقه دهید!»^۳ گفتنی است امتحانات و آزمایشهای الهی برای رشد ایمان بندگان و ترقی آنان است. خدای متعال می‌فرماید: [وَ لِنَبْلُوَكُمْ فِيهِ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشَرِ الصَّابِرِينَ]^۴ «قطعاً تمام

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۲.
 ۲. المحاسن، احمد بن خالد برقی، دار الکتب الإسلامیه، قم، ۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۴۲.
 ۳. بقره/۱۵۵.

شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مالها و جانها و میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنندگان!»

در چنین امتحاناتی، افراد با ایمان با سبقت از دیگران در صبر و رضا و تسلیم در برابر خواست خدا، به مرحله بالا صعود می کنند؛ ولی افراد بی ایمان به مرحله پایین نزول و سقوط می کنند و از دایرة مسابقه خارج می شوند. بنابراین، خدا برای اطلاع و آگاهی خود امتحان نمی کند؛ بلکه زمینه رشد و تعالی انسانها را فراهم می سازد.

۲. مسابقه در احسان و نیکوکاری

در آموزه های اسلامی، یکی از اسباب مهم امتحان الهی، وفور نعمت و توانایی مالی است و مهم تر آنکه آزمایش با قدرت و ثروت از آزمایش با بلا سخت تر و پیچیده تر است. بررسی منابع تاریخی نشانگر آن است که برخی افراد، حتی کسانی که مورد اطمینان امامان معصوم (بوده اند، در امتحانات مالی مردود و ایمان خود را از دست داده اند. بسیارند

۱. تفسیر کوثر، یعقوب جعفری، بی نا، بی جا، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۵.
۲. برگرفته از: الغیبة، شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی،

افرادی که به ایمان و عمل صالح مشهور بوده اند؛ اما در عمل، ثروت دنیا را بر دین خود ترجیح داده، ایمان ظاهری خود را به باد داده اند.

به بیان دیگر : در دین مبین اسلام، عبادت و تقرب به خدا در نماز، روزه، حج و ... خلاصه نمی شود؛ بلکه انجام درست مسئولیتهای اجتماعی، احسان و نیکوکاری یا خدمت به بندگان خدا و رفع گرفتاری و حل مشکلات آنان نیز در صورتی که به قصد قربت انجام گیرد، از بهترین عبادتها محسوب می شود و می تواند وسیله خودسازی، کمال و تقرب به سوی خدا باشد و در برخی موارد از ده ها حج و عمره مقبول نیز با ارزش تر است.

قرآن کریم مؤمنان را بر احسان و نیکوکاری سفارش کرده، به آنان توصیه می کند که در این کار بر یکدیگر سبقت بگیرید: **وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَٰئِكَ يُسَارِعُونَ فِي**

قم، چاپ اول، (۱۴۱۱ق)، ص ۶۵؛ بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸، ۲۵۲.

۴. امام صادق □ می فرماید : «لِقَضَاءِ حَاجَةِ امْرِئٍ مُّؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ عَشْرِينَ حَجَّةً كُلِّ حَجَّةٍ يُنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ الْفِ؛ برآوردن حاجت مؤمن نزد خدا محبوب تر از بیست حج است که در هر حج صد هزار دینار خرج کند.» الکافی، ج ۲، ص ۱۹۳.

الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا
سَابِقُونَ!»^۱ «و آنها که
نهایت کوشش را در انجام
طاعات به خرج می دهند و
با این حال، دل‌هایشان
هراسناک است از اینکه
سرانجام به سوی
پروردگارشان بازمی
گردند، (آری) چنین
کسانی در خیرات سرعت می
کنند و از دیگران پیشی
می گیرند (و مشمول
عنايات ما هستند).»
خداوند در سوره بقره
به انسانها سفارش می
کند به جای اینکه تمام
وقت خود را صرف گفتگو
در مسائل فرعی کنند،
به سراغ خوبیها و
پاکیها بروند که میدان
وسیع و گسترده ای دارد
و در آن از یکدیگر
پیشی گیرند؛ زیرا
معیار ارزش وجودی آنها
عمل پاک و نیک است^۲
مهم ترین خصوصیت این
افراد این است که
همچون افراد کوتاه فکر
و دون همت نیستند که
با انجام يك عمل کوچک
چنان حالت عجبی پیدا
کنند که همگان را در
برابر خود کوچک و
بی‌مقدار ببینند؛ بلکه
اگر برترین و بالاترین
کارهای نیک را نیز
انجام دهند که معادل
تمام عبادت انس و جن
باشد، همچون حضرت
علی (ع) می گویند: «آه
مِنْ قَلْبِهِ الزَّادُ وَ طُولُ

الطَّرِيقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ؛^۳
آه از کمی زاد و توشه
و طولانی بودن سفر
آخرت!»
یکی از یاران امام
صادق (ع) نقل می‌کند: در
حال طواف بودم که یکی
از دوستانم از من دو
دینار قرض خواست .
گفتم: بنشین تا طوافم
را تمام کنم . پنج دور
طواف را انجام داده
بودم و در دور ششم
بودم که امام صادق (ع)
به من تکیه کرد و دستش
را روی شانه من نهاد .
من دور هفتم را نیز
تمام کردم؛ ولی برای
آنکه با امام همراهی
کرده باشم تا حضرت دست
مبارکش را از شانه ام
بر ندارد، همچنان به
طواف ادامه دادم . در
این بین، هر بار به آن
مرد که به انتظار من
نشسته بود و ام ام را
نمی‌شناخت، می رسیدیم،
به من اشاره می کرد و
فکر می کرد که من
درخواست او را فراموش
کرده‌ام .
امام صادق (ع) که
متوجه اشاره او شد، به
من فرمود: این مرد که
اشاره می‌کند، چه می
خواهد؟ عرض کردم:
قربانت گردم! چشم به
راه است تا طواف من
تمام شود و نزد او
بروم و خواسته اش را
انجام دهم؛ ولی خواستم
همراه شما باشم . آن

۳. نهج البلاغه، حکمت ۷۷.
۴. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۶۴.

۱. مؤمنون/ ۶۰ - ۶۱.
۲. بقره/ ۱۴۸.

حضرت فرمود : مرا رها کن و نزد او برو. این جریان گذشت. روز بعد نزد آن حضرت رفتم و ایشان در حال گفتگو با یاران و اصحاب خود بودند. همین که من را دیدند، سخن خود را قطع کرده، فرمودند : «لَنْ أَسْعَى مَعَ أَحَدٍ لِي فِي حَاجَةٍ حَتَّى تُقْضَى أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ وَ أَحْمِلَ عَلَيَّ أَلْفَ فَرْسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُسْرَجَةً مُلَجَمَةً»؛ اگر تلاش کنم حاجت برادر دینی خودم را برآورم، نزد من محبوبتر از این است که هزار بنده آزاد کنم و ه زار اسب را با زین و لگام در راه خدا به جبهه جنگ روانه نمایم.»

چنین شاخصه ای نه تنها در کلام؛ بلکه در سیره آن بزرگواران نیز به خوبی مشاهده می شد. امام صادق (ع) می فرماید : «گاهی شخص محتاج و نیازمندی به من مراجعه می کند، با عجله و شتاب خواسته او را انجام می دهیم؛ چون می ترسم که نیازش (از جای دیگری) برطرف شود (و من از پاداش احسان و نیکی به او محروم شوم).»^۲

گفتنی است : احسان و

نیکوکاری تنها به کمک مالی نیست؛ بلکه دامنه آن به اندازه ای است که محدث نوری ! می نویسد : «هر چیزی که نفعی به مؤمن برساند و یا ضری از او دفع کند و هر یک از این دو (نفع رساندن یا دفع ضرر) مربوط به دین مؤمن، یا عقل یا آبرو یا مالش باشد، احسان نامیده می شود.»^۳

بر این اساس، سیر کردن گرسنگان و کمکهای مالی، جانی و زبانی، حرکت برای رفع مشکلات و برآوردن حوایج مردم، خارج کردن مؤمنان از هم و غم و گرفتاری، خدمت به برادران مؤمن، راهنمایی دیگران به خیر و نیکی، صلة ارحام و حتی سوار کردن مؤمنانی که در گرما و سرما به انتظار ماشین هستند و ده ها مورد دیگر، نمونه هایی از احسان و نیکوکاری هستند.

در سیره رسول خدا (ص) ذکر شده است که افراد را بر پشت مرکب خویش سوار می کرد.^۴

۳. قاموس الاخلاق و الحقوق، شیخ عباس مخبر دزفولی، ص ۲۵۰.

۴. حضرت علی □ در بیان سیره رسول خدا □ می فرماید : «و لَقَدْ كَانَ □ يَأْكُلُ عَلَيَّ الْأَرْضَ وَيَجْلِسُ جِلْسَةَ الْعَبْدِ وَيُخِصُّ بِيَدِهِ بُغْلَهُ وَيُرْفَعُ بِيَدِهِ ثَوْبَهُ وَيَرْكَبُ الْحِمَارَ الْعَرَابِيَّ وَيُرْدِفُ خَلْفَهُ □ پیامبر گرامی □ روی زمین غذا می خورد و چون بندگان می نشست و با دست خود گفش خویش را می دوخت و لباسش را وصله می زد، مرکبش الاغ بی پالان بود و دیگران را نیز بر آن می نشاندید.» مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، نشر شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۰؛ نهج

۱. المؤمن، حسین بن سعید اهوازی، انتشارات مدرسه امام مهدی □، قم، اول، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۱۵.

۲. «إِنَّهُ لَيَعْرِضُ لِي صَاحِبُ الْحَاجَةِ فَأَبَادِرُ إِلَى قَضَائِهَا، مَخَافَةَ أَنْ يَسْتَعْنِيَ عَنْهَا صَاحِبُهَا.» امالی، شیخ طوسی، انتشارات دارالثقافة، قم، 1414 ق، ص ۶۴۰.

همچنین در تعالیم اسلامی، احسان و نیکوکاری موارد متعددی دارد که شامل احسان به: والدین و خانواده، اقوام و خویشان، همسایگان، ایتام و نیازمندان و ... از آن جمله است.

رسول خدا (ص) درباره احسان به خانواده می‌فرماید: «أَحْسِنِ النَّاسَ إِيْمَانًا أَحْسَنَهُمْ خَلْقًا - وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَوْلَادِهِمْ بِأَهْلِي»؛^۲ از مؤمنان، آن کسی ایمانش کامل تر است که خوش اخلاقتر و با خانواده اش مهربان تر باشد و من نسبت به خانواده ام، از شما مهربان‌ترم.»

۳. مسابقه در کسب فضایل
قرآن مجید به مسائل اخلاقی و تهذیب نفس به عنوان اصل اساسی و زیربنایی اهمیت فوق العاده ای داده است. تکامل اخلاقی فرد و جامعه، مهم ترین هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می کنند و آن را ریشه تمام اصلاحات اجتماعی و وسیله ای برای مبارزه با مفساد و پدیده های ناهنجار می شمرنند؛ چراکه انسانیت ما به

داشتن صفات انسانی و فضایل و کمالات است. اهمیت این مسئله به حدی است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛^۳ من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده ام.»

تعبیر به «انما» به عنوان ادات حصر، نشان می دهد که تمام اهداف بعثت پیامبر (ص) در تکامل اخلاقی انسانها خلاصه می شود. از سوی دیگر، تمام آیاتی که خطاب آنها به عنوان «بَنِي آدَمَ»، «يَا أَيُّهَا النَّاسُ»، «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ» و «يَا عِبَادِي» می باشد، مشتمل بر اوامر و نواهی و مسائل مربوط به تهذیب نفوس و کسب فضایل اخلاقی است که بهترین دلیل بر امکان تغییر «اخلاق رذیله» و «اصلاح صفات ناپسند» است.

امیر مؤمنان (ع) فرمود: «لَوْ كُنَّا لَا تَرْجُو جَنَّةَ وَ لَا نَخْشَى نَارًا وَ لَا ثَوَابًا وَ لَا عِقَابًا لَكُنَّا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُطَالِبَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَاتَّهَمْنَا مِمَّا تَدُلُّ عَلَي سَبِيلِ النَّجَاحِ؛^۴ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نمی داشتیم، باز هم شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی

البلاغه، سید رضی، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۶۰.

۱. ر.ک: تحکیم خ انواده از نگاه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ترجمه حمید رضا شیخی، نشر مشعر، قم، اول، ۱۳۸۷ش.
۲. عیون أخبار الرضا، محمد بن بابویه (شیخ صدوق)، انتشارات جهان، تهران، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۲۸.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۸.

۴. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، مؤسسه آل البيت، قم، چاپ اول، ج ۱۱، ص ۱۹۳.

برویم؛ چراکه آنها راهنمای نجات [و رمز پیروزی و موفقیت هستند.]

اما به نظر می رسد این اصل مهم، مورد بی توجهی قرار گرفته و لازم است مورد عنایت بیش تری قرار گیرد و مبلغان گرامی و رسانه های مختلف موظفانند زمینه رشد همه جانبه فضایل اخلاقی مردم را فراهم سازند و الگوهایی که این فضایل را در درون خود

نهادینه کرده اند، به مردم معرفی کنند و انگیزه مخاطبان را برای سبقت از یکدیگر و رسیدن به این الگوها برانگیزند.

گرچه سخن پیرامون فضائل اخلاقی، بسیار و از حد این نوشتار بیرون است؛ اما در این مجال به چند نکته اشاره می کنیم:

۱. اولین و مهم ترین فضیلت مؤکد در تعالیم اسلامی، تقوا و دوری از گناه است، چنانکه

امیرمؤمنان (ع) می فرماید: «فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ»^۱ اما پرهیزگاران! در دنیا دارای فضیلت های برترند.»

۲. حضرت علی (ع) بارها بر این سخن تأکید کرده است که پذیرش و عدم پذیرش رفتار یا عملی از سوی

اکثریت، هرگز معیار فضیلت و رذیلت یا ارزش و ضد ارزش نیست؛ بلکه می فرماید: «إِيَّهَا النَّاسُ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي الْهُدَى لِقَلِّهِ أَهْلُهُ فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اجْتَمَعُوا عَلَى مَائِدَةٍ شَبَعَهَا قَصِيرٌ وَجُوعَهَا طَوِيلٌ»^۲ ای مردم! در طریق هدایت از کمی نفرات وحشت نکنید؛

زیرا مردم گرد سفره ای جمع شده اند که سیری آن کوتاه و گرسنگی اش طولانی است!»

۳. گرچه نام بردن از فضائل و رذایل اخلاقی در آیات و روایات فرصت دیگری می طلبد؛ اما به عنوان نمونه می توان گفت: عزت نفس، تواضع، غیرت، حیا، اخلاص، خوف از خدا، امید به خدا، صبر در مقابل سختیها، توکل به خدا، حلم و بردباری، خیرخواهی

برای خلق خدا، شجاعت، وقار، حسن ظن، صرفه جویی، ایثار، دوستی، خالصانه، خوشرفتاری، انصاف، صدق و راستی، علم، شکر، زهد، کم گوئی و ... گوشه ای از فضایل اخلاقی هستند.

رسول خدا (ص) می فرماید: «أَفْضَلُ الْفَضَائِلِ أَنْ تَصِلَ مَنْ قَطَعَكَ وَ تُعْطِيَ مَنْ حَرَمَكَ وَ تَصْفَحَ عَمَّنْ ظَلَمَكَ»^۳ بهترین فضیلتها این است که با کسی که از تو بریده، بپیوندی

۲. همان، کلام ۲۰۱. ۳. نهج الفصاحة، ترجمه ابوالقاسم پاینده، دنیای دانش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش، ص ۲۳۲.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

و به کسی که تو را محروم ساخته، عطا کنی و از کسی که به تو ستم کرده، در گذری.»

امیرمؤمنان (ع) می فرماید: «إِذَا اتَّقَيْتَ

الْمُحْرَمَاتِ وَتَوَرَّعْتَ عَنِ الشُّبُهَاتِ وَادَّبْتَ الْمَقْرُوضَاتِ وَتَبَقَّلْتَ بِالْأَوْفَالِ فَقَدْ أَكْمَلْتَ فِي الدِّينِ الْفَضَائِلَ؛^۱ زمانی

که از محرمات الهی بپرهیزی و دامن از شبهات پاک نگهداری و واجبات را عمل کنی و به مستحبات روی آوری، فضایل را در دین کامل کرده ای.»

در مقابل، خودخواهی، ذلت و خواری، تملق و چاپلوسی، تکبر، خشم بی جا، بی غیرتی، اشاعه فحشا، غیبت، نمامی، فحاشی، کتمان حق، تجسس، برهنگی، بی تفاوتی نسبت به حق و باطل، نفاق و دورویی، حفظ ظاهر برای فریب مردم، هتک آبروی اسلام و مسلمین، شهرت طلبی و... از جمله رذایل اخلاقی هستند.

روی آوردن به فضایل و دوری از رذایل، ارزش انسان را به اوج نهایی می رساند و رضای حق را به سوی انسان جلب می کند، به همین جهت است که حضرت زین العابدین (ع) از حضرت

حق درخواست می کند که به او توفیق سبقت بر دیگران را برای به دست آوردن فضایل، کرامت فرماید.^۲

گفته شد که تمام

مسابقات معنوی در دنیا

برای راهیابی به

مسابقه اصلی در قیامت

است که در آن روز هر

یک بر دیگری سبقت

می گیرد تا سریع تر از

ایستگاه های سؤال و

جواب عبور کرده، به

بهشت جاودان برسد.

۴. سبقت در دستگیری از

مستمندان

یکی از مسابقات

معنوی، رسیدگی به فقرا

و نیازمندان است که

عالمان شیعه در این

مسیر پیش قدم بوده

اند. به عنوان نمونه

سید مرتضی علم الهدی!

که یکی از علمای بزرگ

قرن سوم هجری قمری

بوده است، در کنار

تربیت شاگردانی همچون

شیخ طوسی! و تألیف بیش

از هشتاد کتاب و

مسئولیت های مختلف فردی

و اجتماعی، رسیدگی به

وضع بیچارگان و

محرومان جامعه را جزء

برنامه های اصلی خویش

می دانست.

در کتاب «تاریخ حکما

و عرفای متأخر بر صدر

المتألهین» آمده است:

«سید مرتضی پیوسته

مراقب حال مستمندان و

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق مصطفی درایتی و حسین درایتی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۸ش، ص ۲۷.

۲. مفاتیح الجنان، دعای مکارم الاخلاق: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخَلِّني بِجَنَّةِ الصَّالِحِينَ... وَالسُّبُقِ إِلَى الْفَضِيلَةِ.»

مواظب بسیاری از خانواده‌های نیازمند بود. برای بسیاری از افراد بی‌بضاعت ماهیانه پول می‌فرستاد. پس از رحلت سید که ماهیانه قطع گردید، متوجه شدند که این کمک از طرف این عالم بزرگوار بوده است.»^۱

حکیم فرزانه ملاحادی سبزواری! افزون بر آنکه هم‌صحبتی با فقرا را دوست می‌داشت، باغ انگوری با دسترنج خود داشت که همه ساله به هنگام برداشت م حصول، ابتدا سهمی را بین نیازمندان تقسیم می‌کرد و سپس دوستان خویش را به آنجا دعوت می‌نمود تا همگان در محصولات این باغ سهیم باشند.^۲

درباره آخوند خراسانی! نیز نوشته‌اند: زندگی بسیاری از خانواده‌های آبرومند توسط ایشان تأمین می‌شد و خانواده‌های بسیاری تنها با کمکهای آخوند خراسانی زندگی را می‌گذرانند. ایشان با برخی از نانوایان صحبت کرده بود تا نان فقرا و نیازمندان را تأمین کنند و خود آخوند خراسانی در هر ماه پول

نانها را می‌پرداخت. برخی اوقات که طلب نانوایی چند ماه به تأخیر می‌افتاد و نانوا نان فقرا را قطع می‌کرد، آخوند خراسانی پولی قرض می‌کرد و بدهی نانوا را می‌پرداخت. بارها می‌فرمود: هر وقت نان این افراد قطع می‌شود، خجالت می‌کشم.^۳

درباره شیخ زین الدین مازندرانی! از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری و مرجع تقلید جمعی از شیعیان نوشته‌اند: تا می‌توانست قرض می‌کرد و به نیازمندان می‌داد و هر چند وقت که یکی از ثروتمندان هند به کربلا می‌آمد، قرضهای او را می‌پرداخت. فرزند این عالم جلیل‌القدر می‌گوید: در یکی از سفرها که پدرم به سامرا می‌رود، در آنجا سخت بیمار شده و میرزای شیرازی از او عیادت می‌کند. پدرم می‌گوید: من هیچ‌گون نگرانی از مردن ندارم و تنها نگرانی من این است که بنا بر عقیده ما شیعیان، پس از مردن، روح ما به امام عصر(ع) عرضه می‌شود. اگر امام از من سؤال

بفرمایند: زین الدین! ما به تو بیش از این اعتبار و آبرو داده بودیم تا بتوانی قرض

۱. سیمای فرزندگان، رضا مختاری، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، دوم، ۱۳۶۷ش، ص ۳۶۷؛ برگرفته از: تاریخ حکما و عرفای متاخر بر صدر المتألهین، منوچهر صدوقی، انجمن اسلامی، حکمت و فلسفه، تهران، ۱۳۵۹.

۲. گلشن ابرار، جمعی از پژوهشگران، نشر معروف، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۳۶۴.

۳. اقتباس از سیمای فرزندگان، ج ۳، ص ۳۵۵.

کني و به فقرا بدهي،
چرا نکردي؟ من چه
جوابي به آن حضرت
مي‌توانم بدهم؟
مي‌گویند: میرزاي
شیرازي پس از شنیدن
این حرف، به منزل رفته
و هرچه پول در آنجا
داشت، میان نیازمندان
تقسیم کرد.

دربارة شيخ انصاري!
مي‌نویسند: بسياري از
فقرا براي هزینه
زندگي، ماهانه مبلغی
دریافت مي‌کردند؛ اما
نمي‌دانستند اي ن مبلغ
از کجاست. تا پس از
فوت آن عالم بزرگوار،
معلوم شد آن مردی که
شبهها با لباس مبدل بر
در منازل محرومین
مي‌آمده، شيخ انصاري
بوده است.

شيخ عبدالکریم
حائري! مؤسس حوزه علمیه
قم، براي کسانی که با
تکدي و گدایي در
خیابانهاي قم زندگي
مي‌گذرانند، مکانی
آماده کرده بود که به
وسيلة صدقات و کمکهاي
مردمی امور آنان را
اداره مي‌کرد.^۳

امام موسی صدر! در
کنار برنامه علمی و
سیاسی خود، رسیدگی به
محرومان جامعه را از
جمله برنامه هاي اصلي
خویش مي‌دانست. به همین

خاطر با تأسیس «جمعیت
بزر و احسان» برنامه هاي
مختلفي انجام داد که
تنها در سال اول صد و
بیست نفر فقیر دوره
گرد را از کوچه و
بازار جمع کرد و علاوه
بر کمکهاي مالي، براي
هر يك شغل آبرومندي
ایجاد نمود.

ایشان مدرسه اي به
نام «بيت الفتاة» (خانه
دختران) تأسیس کرد که
در آن دختران بی‌سرپرست
و فقیر تحت آموزش
هنرهاي دستي قرار
مي‌گرفتند. مؤسسه
قالیبافي، مرکزی براي
آموزش قالیبافي به
بانوان و خانواده هاي
محروم بود که زیر نظر
شهید چمران! اداره
مي‌شد. گفتني است که
اقدامات اجتماعی امام
موسی صدر! براي کمک به
محرومان گسترده است و
ذکر تمام آنها در این
نوشتار نمی‌گنجد.

يکي از علماي نجف
دربارة مرحوم حاج
میرزا علي قاضي
طباطبایی! مي‌فرماید:
«يك روز به مغازه سبزي
فروشي رفته بودم که
مرحوم قاضي را مشغول
سوا کردن کاهو دیدم؛
اما ایشان به خلاف
دیگران، کاهوهاي
پلاسیده و آنهایی که
داراي برگهاي خشن و
بزرگ بودند، بر
مي‌داشت. آن بزرگمرد

۱. سیمای فرزندگان، ج ۳، ص ۳۵۷.
۲. زندگانی و شخصیت شيخ
انصاري، کنگره شيخ اعظم
انصاري، انتشارات باقري، قم،
چاپ اول، ۱۳۷۳ش، ص ۱۰۴.
۳. گلشن ابرار، ج ۶، ص ۵۶۰.

۴. همان، صص ۷۹۰ - ۷۹۱.

کاهو را به صاحب دکان داد و پس از وزن و خریدن، آنها را زیر عبا گرفت و رفت. من که در آن وقت طلبه جوانی بودم، به دنبال آقا رفتم و از ایشان پرسیدم: چرا این کاهوهای نامرغوب را جدا کردید؟ مرحوم قاضی فرمود: فلان مرد، شخصی بی‌بضاعت و فقیر است و من گهگاهی به او کمک می‌کنم؛ اما ن‌خواهم به او کمک بلاعوض کرده باشم تا اولاً عزت نفس و ابروی او حفظ شود و ثانیاً خدای ناخواسته به کمک بلاعوض عادت نکند.»^۱

درباره زندگینامه

میر سید علی همدانی! که بیش از یکصد و ده جلد کتاب از او به یادگار مانده است، می‌خوانیم: وی دوازده مرتبه به حج مشرف شد. در یکی از سفرها از مسیر یزد عبور می‌کرد که در این شهر به عده ای فقیر و نیازمند برخورد کرد. تمام خرج سفر حج را بین آن مستمندان تقسیم کرد و از سفر حج منصرف شد.^۲

حاج سید محمود،

فرزند آیت الله مرعشی

نجفی! می‌گوید: «پس از رحلت پدرم، برای شرکت در مجلس ترحیمی که

رهبر انقلاب تشکیل داده بود، به تهران رفتم. یکی از دوستان گفت: مرحوم آقا به وسیله من و تعدادی از بازاریهای تهران وجوه قابل توجهی در اول هر ماه حواله می‌فرمود و آن وجوه را من و دوستانم باید براساس لیستی که قبلاً به ما داده اند، بین فقرا و مستمندان تقسیم کنیم. در آن فهرست، فقط آدرس منازل در جنوب تهران و محلات فقیرنشین بود؛ اما نام صاحبان منازل و اشخاص در آن دیده نمی‌شد. مرحوم آقا ما را مکلف کرده بود پولهایی که می‌فرستند را به

نشانیهای فوق بدهیم و هیچ گاه سؤال نکنیم که آنجا منزل کیست. شاید خیلی از صاحبان من ازل نیز نمی‌دانستند که این پول از کجا می‌رسد و از چه کسی حواله شده است. مرحوم آقا ما را قسم داده بودند تا زنده اند، هیچ کس، حتی فرزندان از این موضوع مطلع نشوند.

ایشان بارها دستور می‌داد که ناب‌ینایان فقیر شهر قم یا اطراف را دعوت به صرف شام و یا نهار کنند؛ ولی نگویند از جانب چه کسی است. آن وقت خود به

پندیرایی از آنها می‌پرداخت و حتی کفشهای آنها را جفت می‌کرد و جلوی پایشان می‌گذاشت و

۱. مه‌رتابان (یادنامه علامه طباطبایی!)، سید محمدحسین تهرانی، انتشارات باقر العلوم، بی‌تا، بی‌جا، ص ۲۰.
۲. گلشن ابرار، ص ۹۵.

آنها می‌رفتند؛ اما نمی‌دانستند که می‌زبانان کیست.»^۱ اینان برخی از عالمانی هستند که دستگیری از نیازمندان جزء برنامه آنان بوده و این سیره و روش میان تمام علمای شیعه رائج بوده و هست که نام خیلی از آنان فاش نشده و یا نخواسته اند که فاش شود و اینجا به جهت جلوگیری از اطالة کلام از ذکر بقیه خودداری می‌شود.^۲

خلاصه

در جامعه کنونی که سرعت و شتاب به سمت گناه و شرارت و عداوت افزایش یافته و برخی در دین‌گریزی و شتافتن به سوی کفر و الحاد، گوی سبقت را ربوده اند و دشمنان از نام اسلام و مسلمانان در هراسند و قوانین کشورهای خود را در جهت تضاد با اسلام و مسلمانان تنظیم می‌نمایند، تنها راه نجات این است که از مسابقاتی که محور آن شیطان هستند، دوری کرده و در مسابقات معنوی شرکت فعال تری داشته باشیم تا بتوانیم خود را برای مسابقه اصلی آخرتی آماده سازیم، چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الدُّنْيَا [قَدْ] أَدْبَرَتْ وَ آذَنْتْ يَوْذَاعٍ وَ إِنْ الْآخِرَةَ قَدْ أَقْبَلَتْ وَ أَشْرَفَتْ بِاطْلَاعِ الْأَعْدَاءِ الْيَوْمَ الْمِصْمَارِ وَ غَدَا السَّبَاقِ وَ السَّبِقَةِ الْجَنَّةِ وَ الْعَايَةَ النَّارِ»^۳ اما بعد، همانا دنیا روی برگردانده و وداع خویش را اعلام داشته و آخرت روی آورده و طلایه های آن آشکار گردیده است. بدانید که امروز روز تمرین و آمادگی است و فردا روز مسابقه. جایزه برندگان بهشت و سرانجام (شوم) عقب ماندگان، آتش دوزخ است.»

این نکته نیز قابل توجه است که گرچه سبقت و سرعت در کارهای خیر ارزش دارد؛ ولی افراط و تفریط در آن ممنوع است. به بیان دیگر: از آنجایی که همیشه و در هر جامعه ای افراد افراطی و تفریطی یافت می‌شوند، افراط‌گرایان روش پیشوایان راستین را گند می‌شمرند و بر آنها سبقت می‌گیرند و جامعه را به تباهی می‌کشند و به عکس، تفریط‌گرایان حرکت پیشوایان را تند می‌پندارند و به بهانه دوراندیشی و احتیاط، از آنها عقب می‌افتند، پس هم خود را هلاک کرده و هم جامعه را گرفتار نابسامانی می‌کنند.

قرآن کریم می‌فرماید:

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

۱. درست یغ نور، علی رفیعی، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۷۳ ش، صص ۶۶ - ۶۸.
۲. برای اطلاعات بیش تر ر. ک: گلشن ابرار، ج ۱، ص ۸۶.

إِذَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛^۱ «ای کسانی
که ایمان آورده اید!
چیزی را بر خدا و
رسولش مقدم نشمرید (و
پیشی مگیرید) و تقوای
الهی پیشه کنید که
خداوند شنوا و
دانا است!»



تهدیدات و حربه‌های

شیطان

وراه مقابله با آن

سید جواد حسینی

مق

می‌کنم.». «
 بدین جهت، قرآن او
 را در چندین آیه دشمن
 آشکار و [عَدُوٌّ مُّبِينٌ] ^۱
 انسان خوانده است. از
 جمله در این آیه که
 می‌فرماید: [أَلَمْ آعْهَدُوا
 إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا
 تُعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ
 عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَ أَنْ
 اَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ
 مُسْتَقِيمٌ]؛ ^۲ «ای فرزندان
 آدم! آیا با شما پیمان
 نبستم که بندگی شیطان
 را که دشمنی آشکار
 برای شما است، نکنید و
 اینکه مرا عبادت کنید،
 این راه مستقیم است؟»
 و در آیه دیگر
 می‌فرماید: [إِنَّ الشَّيْطَانَ
 لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا
 إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ
 لِيُكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ
 السَّعِيرِ]؛ ^۳ «به راستی
 شیطان حتماً دشمن شما
 است، پس شما نیز او را
 دشمن بدارید، همانا
 شیطان حزبش را دعوت

مهم‌ترین عامل پیروزی
 بر دشمن، شناخت دشمن
 است. ملتی که از قدرت،
 نقشه‌ها، امکانات و
 روشها، تهدیدات و
 برنامه‌های دشمنش بی‌خبر
 است، قطعاً توان
 مقابله‌ای که منجر به
 پیروزی شود، نخواهد
 داشت.

انسان، دشمنی
 خطرناک‌تر از شیطان
 لعین ندارد؛ چرا که او
 نسبت به حضرت آدم (ع)
 قسم یاد کرد که: «من
 قطعاً خیرخواه شما
 هستم.»، اما آن‌گونه
 آدم و حوا را گمراه
 ساخت تا از بهشت بیرون
 شده، گرفتار رنج دنیا
 گشتند. همچنین نسبت به
 فرزندان آدم قسم یاد
 کرده است که همه را
 گمراه می‌کنم: [فَيَعِزُّكَ
 لِأَعْوِيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ]؛ ^۴ «پس
 به عزت تو قسم! تمام
 آنها (فرزندان آدم) را

۱. [إِنِّي لَكُمْ لَمِنَ النَّاصِحِينَ
 ۱/عراف/۲۱. ۲. ۳. ۴. ۸۲/ص - ۸۳.

۳. ۶۰/یس / ۴. ۶/فاطر/

می‌کند [به بدیها] تا از یاران آتش گردند.»
 امام علی (ع) فرمود:
«اخْذَرُوا عَدُوًّا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ خَفِيًّا وَ تَفَتَّ فِي الْأَذَانِ نَجِيًّا»^۱؛ بترسید از دشمنی که در سینه‌ها مخفیانه نفوذ می‌کند و در گوشها به صورت نجوا می‌دمد.»

و حضرت موسی بن جعفر^۲ در جواب این پرسش که: دشمن‌ترین دشمنان که مبارزه با او واجب است، کیست؟ فرمود:
«أَقْرَبُهُمْ لَكَ... مَنْ يُحَرِّضُ وَأَعْدَاءُكَ عَلَيْكَ وَ هُوَ إِبْلِيسُ»^۳؛ نزدیک‌ترین و دشمن‌ترین نسبت به شما کسی است که... دشمنان دیگر را (نیز) علیه شما تحریک می‌کند و او ابلیس است.»

لذا لازم است هر انسانی با تهدیدات، حربه‌ها و حيله‌های این دشمن سرسخت آشنا شود و آنگاه با مهارت‌های مقابله با او به خوبی آشنایی پیدا کند.

واژه‌شناسی شیطان

واژه شیطان از ماده «شطن» به معنای دور شدن است. بعضی آن را از ماده «شاط» به معنای هلاکت گرفته و حرف

«نون» را زاید دانسته‌اند.

در واقع می‌توان گفت که این کلمه به معنای انحراف از حق و راستی، و اعوجاج در مسیر اطاعت و خروج از مرحله

درستی است: **«إِنَّ الْأَمْرَ لَ الْوَاجِدَ فِي هَذِهِ الْمَادَّةِ هُوَ الْمَيْلُ عَنِ الْحَقِّ وَ الْإِسْتِقَامَةُ وَ تَحْقِيقُ الْأَعْوَجَاجِ وَ الْإِلْتَوَاءِ»**^۳

اصل واحد در ماده شیطان، میل به انحراف از مسیر حق و راه مستقیم و تحقق کجی و انحراف است.»

اما کلمه «ابلیس» به معنای حزن و غصه شدیدی است که از شدت سختی و یا ناامیدی بر فرد عارض می‌شود.^۴ ابلیس را خود از رحمت خدا مایوس است و هم دیگران را مایوس می‌کند.

تهدیدهای شیطان

شیطان پس از رانده شدن از درگاه الهی، تقاضای مهلت کرد تا انتقام خویش را از فرزندان آدم بگي رد و سوگند یاد کرد که تمام آنها را گمراه سازد. تهدیدهای شیطان از این قرار است:

۱. احتناک:

احتناک به معنای

۱. غرر الحکم و درر الکلم، عبد الواحد تمیمی آمدی، ترجمه رسول محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، چاپ، چهارم، ۱۳۸۰ ش، ج ۲۶۲۳.
 ۲. تحف العقول، علی بن شعبه حرّانی، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات اسلام ی، قم، ۱۴۰۴ ق، ۳۹۹ص.

۳. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن المصطفوی، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، تهران، چاپ، اول، ۱۴۱۶ ق، ج ۶، ص ۶۵.
 ۴. مفردات، راغب اصفهانی، دفتر نشر کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق، ص ۶۰.

دهنه زدن بر چارپا و زمام غیر را در اختیار گرفتن است . راغب در این زمینه می گوید :

«حَنَكْتُ الدَّابَّةَ أَصَبْتُ حَنَكَهَا بِاللِّجَامِ وَ

الرَّسْنَ ...»^۱ دهنه زدم

حیوان را؛ یعنی دهان او را با افسار یا ریسمان مهار کردم.»

در قرآن کریم

میخوانیم: [لَئِن أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

لَأَخْتِنَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا]؛^۲ «(ای خدا!) اگر اجل مرا تا قیامت به تأخیر

افکنی، به جزقلیلی، تمام اولاد آدم را مهار کرده (و بدار هلاکت

می‌کشانم).»

شیطان تلاش می‌کند تا انسان را مقهور و

مغلوب نموده، و ریسمان انحراف را به گردن او

بیندازد؛ البته این ریسمان و لجام می‌تواند

انحرافات و شهوات باشد :

«الشَّهَوَاتُ مَصَائِدُ لِلشَّيْطَانِ ؛ شهوات، دامهای شیطانند.»

۲. استفزاز و اجلاب:

استفزاز یعنی تحریک و برانگیختن سریع و

سپاده . راغب می‌گوید : «وَ حَزَنِي فَلَانْ أَيَّ أَرْعَجَنِي ؛

فلانی مرا برانگیخت و تحریک کرد؛ یعنی فریب داد.»

اما اجلاب به معنای

«سَوْقُ الشَّيْءِ ؛ راندن چیزی» است؛ به عبارت دیگر مراد از اجلاب این است که شیطان انسان را با وعده های کاذب به سمتی که می‌خواهد، سوق می‌دهد.

قرآن کریم می‌فرماید: [وَ اسْتَفْزِرْ مِنْ اسْتِطْعَتِ

مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ اجْلِبْ

عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجَلِكَ وَ

شَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ

الْأَوْلَادِ وَ عَدْتَهُمْ وَ مَا

يَعْدُ ؛ هُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا

عُزُورًا]؛^۳ «هر کدام از

آنها را می‌توانی، با صدای خودت تحریک کن و

لشکر سواره و پیاده ات را بر آنها گسیل بدار

و در ثروت و فرزندان آنها شرکت جوی و آنها را با وعده ها سرگرم

کن؛ اما شیطان جز فریب و دروغ وعده ای

نمی‌دهد.»

در این آیه به چهار شیوه از تهدیدات و

حربه های شیطان اشاره شده است:

یک (تبلیغات

گمراه‌کننده : اشاره شد

که استفزاز به معنای تحریک با صوت است؛ هر

چند بعضی از مفسرین آن را به معنای موسیقی و

غنا گرفته‌اند، از جمله در «مجمع البحرين»

می‌خوانیم: «وَ قِيلَ بِصَوْتِكَ أَيَّ بِالْغَنَاءِ وَ الْمِرَامِيرِ

وَ الْمَلَاهِي وَ قِيلَ كُلُّ صَوْتٍ يُدْعَى بِهِ إِلَى الْفَسَادِ فَهُوَ

مِنْ صَوْتِ الشَّيْطَانِ ؛^۴ گفته

۵. همان، ص ۹۵.

۶. اسراء/۶۴.

۷. مجمع البیان، ابو علی الفضل

بن الحسن الطبرسی، دار

المعرفة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸

۱. مفردات راغب، ص ۱۳۶.

۲. اسراء/۶۲.

۳. مستدرک الوسائل، میرزا حسین

نوری، مؤسسة آل البيت، قم، چاپ

اول، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۳۱۴.

۴. مفردات راغب، ص ۳۷.

شده مراد از "صَوْتِك" غنا و ساز و لهویات است و بعضی گفته‌اند هر صدایی که انسان را به فساد بخواند، صوت شیطان است. «ولی به موس یقی اختصاص ندارد؛ بلکه هر تبلیغات گمراه کننده و ندای شیطانی را شامل می‌شود که مردم را به معصیت بکشاند، مثل برخی از شبکه های تلویزیونی و ماهواره ای و

دو) نیروی نظامی :
اجلاب به معنای فریاد شدید و راندن و حرکت دادن است. آیه ای که ذکر شد می‌فرماید: با لشکر سواره و پیاده نظام خود، مردم را به گناه وادار کن! مراد، شیاطین جنی و انسی است که عملاً تحت فرماندهی شیاطین قرار دارند. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: **«فَاَحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنْ يُعْتَبِرَكُمْ بِدَائِهِ وَأَنْ يَسْتَفِرَّكُمْ بِخَيْلِهِ وَرَجُلِهِ فَلَغَمْرِي لَقَدْ فَوْقَ لَكُمْ سَهْمَ الْوَعِيدِ وَ أَعْرَقَ لَكُمْ بِالنَّزْعِ الشَّدِيدِ وَ زَمَاكُم مِّنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»** ای بندگان خدا! بر حذر باشید [از شیطان] مبادا شما را به درد خویش مبتلا سازد و با فریاد خویش شما را تحریک کند و لشکریان سواره و پیاده اش را ندا داده، ضد شما

و ادار نماید. قسم به جانم! او تیر خطرناکی را برای شما آماده نموده و در کمان گذارده و با قدرت تا آخرین حد کشیده و از مکان نزدیک به سوی شما پرتاب می‌کند. «یعنی چنین تیری کم تر خطا می‌رود. پس به این جهت، خطر شیطان جدی و نزدیک است.

سه) شرکت در اموال و اولاد: شیطان علاوه بر تبلیغات فرهنگی و استفاده از قدرت نظامی و لشکریان خود، برنامه اقتصادی و جمعیتی نیز دارد؛ یعنی تلاش می‌کند که مردم را به تحصیل مال حرام و ادار و کار خلاف عفت نموده و یا در حین انعقاد نطفه، آنان را از یاد خدا غافل کند و به این صورت در مال و اولاد مردم شرکت نماید.

علامه طباطبایی (م) می‌نویسد: «شیطان برای اینکه با انسان در انتفاع از مال و فرزند شریک شود، سعی می‌کند مال و فرزند از راه حرام تحصیل شود.»

چهارم) وعده های دروغین: شیطان با وعده دروغین، انسانها را به گناه وادار می‌کند، چنان‌که به آدم گفت: «من خیرخواه شما هستم.» فرزندان او را نیز با انواع فریب به

سوژه سخن - تهدیدات و خیرهای شیطانی
میزان
75

۲. المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ص ۱۴۷.

ق، ج ۶، ص ۴۲۶.
۱. نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه: محمد دشتی، انتشارات پارسایان، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۳۸۲، خطبه ۱۹۲.

انواع معاصی و خیانتها
و امی دارد.
۳. اغواء:

اغواء و گمراه ساختن
از تهدیدات شیطان است.
قرآن کریم می فرماید:
**إِقَالَ فِيعَزَّتِكَ لِأَعْوَيْنَهُمْ
أَجْمَعِينَ * إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ
الْمُخْلِصِينَ** [؛ «شیطان
گفت: به عزتت قسم! همه
آنها را گمراه خواهم
کرد، مگر بندگان خالصت
(که راهی بر آنها
ندارم).» غیر از
"مخلصین" که به مرحله
عصمت رسیده اند و غیر
از مفسدین که همراه
شیطانند، مابقی در خطر
و تهدید عظیمی هستند؛
به ویژه کسانی که به
اهل بیت) و مذهب حقه
تشیع نزدیکترند، آنها
در خطر بیش تری قرار
دارند.

حضرت صادق (ع)
فرمودند: **«لَقَدْ نَصَبَ
إِبْلِيسُ حَبَائِلَهُ فِي دَارِ
الْغُرُورِ فَمَا يَقْصِدُ فِيهَا
إِلَّا أَوْلِيَاءَنَا؛**^۱ ابلیس در
دار دنیا (خانه فریب)،
دامهای خود را پهن
کرده است، پس هدفی جز
[گمراه کردن] دوستان
ما ندارد.»

۴. تزیین اعمال ناپسند:

تزیین به معنای
آراستن و زیبا جلوه
دادن کارهای ناپسند
است. در قرآن کریم
می خوانیم: **«إِقَالَ رَبِّ بَمَا
أَعْوَيْتَنِي لِأَزِينَنَّ لَهُمْ فِي
الْأَرْضِ وَ لَأَعْوَيْنَهُمْ**

أَجْمَعِينَ [؛^۲ «گفت :
پروردگارا! به خاطر
اینکه مرا گمراه
ساختی، در زمین
(نعمتهای مادی و معاصی
را) در نظر آنها زیبا
جلوه می دهی و همگی را
گمراه می کنی.» در این
آیه متعلق تزیین ذکر
نشده است که نشانه
فراگیری و عمومیت است؛
یعنی از هر راه و
وسیله ای برای تزیین
استفاده می کند.

در آیه دیگر فرمود:
**«فَلَوْ لَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا
بِضُرَعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ
قُلُوبُهُمْ وَ زَيْنَ لَهُمْ
الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا**

يَعْمَلُونَ [؛^۳ «چرا وقتی که
بلاي ما به آنها رسید،
توبه، تضرع و زاری
نکردند؟ بدین سبب
(نکردند) که دلهایشان
را قساوت فرا گرفت و
شیطان کردار (زشت)
آنها را در نظرشان
زیبا جلوه داد.» در
این آیه هر چند متعلق
تزیین ذکر شده است؛
ولی نمی فرماید که
اعمال زشت آنان زینت
داده شده یا اعمال نیک
آنها، اما در آیه

دیگری می فرماید: **«إِزَيْنَ
لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ
فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ** [؛^۴ «شیطان
کردار ایشان (امتهای
پیشین) را در نظرشان
زینت داد، پس او امروز
دوستدارشان گشته و
برای آنها عذابی

۳. حجر/۳۹.
۴. انعام/۴۳.
۵. نحل/۶۳.

۱. ص/۸۲ - ۸۳.
۲. تحف العقول، ص ۳۰.

در دناك است.» از اينكه شيطان در روز قيامت ولي آنها است و گرفتار عذاب جهنم اند، مي توان فهميد كه مراد، اع مال زشت آنان است.

امام علي (ع) مي فرمايد: «وَالشَّيْطَانُ مُؤَكَّلٌ بِهِ بِزَيْنِ لَهُ الْمَعْصِيَةِ لِيَرْكَبَهَا وَ يُمْنِيهِ التَّوْبَةَ لِيَسُوِّفَهَا؛^۱ شيطان بر بنده گمارده شده است كه معصيت را براي او زيبا جلوه دهد تا آن را مرتكب شود و به او تلقين مي كند تا براي (جبران گناه و) انجام توبه، سوف سوف (و امروز و فردا) كند.»

امام زين العابدين (ع) فرمودند: «فَلَوْ لَا أَنَّ الشَّيْطَانَ يَخْتَدِعُهُمْ عَنْ طَاعَتِكَ مَا عَصَاكَ عَامِ، وَ لَوْ لَا أَنَّهُ صَوَّرَ لَهُمُ الْبَاطِلَ فِي مِثَالِ الْحَقِّ مَا ضَلَّ عَنْ طَرِيقِكَ ضَالٌّ؛^۲ بار إليها اگر شيطان مردم را از اطاعت تو فريب نمي داد، كسي تو را معصيت نمي كرد. و اگر شيطان باطل را به صورت حق جلوه نمي داد، هيچ كس از راه (مستقيم) تو گمراه نمي شد.»

۵. القاي آرزوي دروغين: اميد كاذب و آرزوي باطل ايجاد كردن، تهديد ديگر شيطان است. قرآن از زبان شيطان مي گويد: [وَ لَا ضَلَّتْهُمْ وَ

لَأْمَنِّيَّتَهُمْ]؛^۳ «و حتماً آنها را گمراه مي كنم و به آرزوها سرگرم مي سازم.»

۶. القاي وعده هاي دروغين: وعده دروغين دادن و به دنبال آن انحراف از مسير حق و گمراهي و ضلالت نيز يكي تهديدات شيطاني است كه قرآن كريم به آن اشاره مي فرمايد:

[بَعْدَهُمْ وَ بُمْنِيئِهِمْ وَ مَا بَعْدَهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا عَزْوَرًا]؛^۴ «[شيطان] وعده نشان مي دهد و به آرزو كردن و ادايشان مي كند و به آنان جز فريب وعده ندهد.» حضرت علي (ع) فرمودند: «يَا كَمِيلُ! إِنَّ ابْلِيسَ لَا يَعْدُ عَنْ نَفْسِهِ وَ أَمَّا بَعْدُ عَنْ رَبِّهِ لِيُخَمِّلَهُمْ عَلَيَّ مَعْصِيَتَهُ فَيُورِطَهُمْ؛^۵ اي كميل!

ابليس از طرف خود وعده نمي دهد؛ بلکه فقط از طرف پروردگارش وعده (هاي دروغين) مي دهد تا مردم را بر معصيت و اداي كند (و فريب دهد) و گرفتار نمايد.»

۷. كمين و محاصره كامل: شيطان انسان را به اين راحتي رها نمي كند؛ بلکه با كمين كردن و محاصره كامل، سعي مي كند راه ها را كاملاً بر انسان مسدود كرده، او را از راه مستقيم بندگان خدا باز دارد.

۳. نساء / ۱۱۹.

۴. نساء / ۱۲۰.

۵. بحار الانوار، محمد باقر مجلسي، دار الإحياء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴، ص ۲۷۱؛ بشارة المصطفى، عماد الدين طبري، كتابخانه حيدريه، نجف، چاپ اول، ۱۳۸۳ ق، ص ۲۷.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۶۳.
۲. صحيفه سجاديه، ترجمه و شرح فيض الاسلام، نشر الهادي، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۴۴، دعاي ۳۷.

قرآن کریم می‌فرماید:
إِقْبَالَ فِيمَا أَغْوَيْنَ
لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ
الْمُسْتَقِيمَ * ثُمَّ لَاتَبَيِّنَهُمْ
مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ
خَلْفِهِمْ وَ عَنِ أَيْمَانِهِمْ وَ
عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ
أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ [۱]؛

«[شیطان] گفت: پس حال که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، به کمین آنها می‌نشینم، سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ آنها به سراغشان می‌روم و بیشتر آنها را شاکر نخواهی یافت.»

حضرت باقر (ع) در

تفسیر این آیه فرمودند: «**ثُمَّ لَاتَبَيِّنَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ**» معنای آن این است که امر آخرت را بر آنان کم اهمیت جلوه می‌دهد «**وَ مِنْ خَلْفِهِمْ**» یعنی امر به جمع مال می‌کند و به بخل از پرداخت حقوق واجب و فرمان می‌دهد. «**وَ عَنِ أَيْمَانِهِمْ**» یعنی دینشان را از طریق زیبا جلوه دادن گمراهی و شبهه فاسد می‌کند «**وَ عَنِ شَمَائِلِهِمْ**»؛ یعنی لذات را محبوب آنها می‌گرداند و شهوات را بر قلبشان غلبه می‌دهد.

گامها و حربه های شیطان

شیطان انسان را یکباره گمراه نمی‌کند؛ بلکه دارای سیاست گام به گام است؛ یعنی آرام آرام انسان را به

گمراهی می‌کشاند و به تدریج در مسیر خودش قرار می‌دهد.

در قرآن می‌خوانیم:
إِنَّا أَنبَأْنَا النَّاسَ كُلًّا مِمَّا
فِي الْأَرْضِ جَلَالاً طَيِّبًا وَ لَا
تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ [۲]؛

«ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید و از گامهای شیطان پیروی نکنید؛ چه اینکه او دشمن آشکار شما است»

این منظور می‌گوید:
«الْخُطْوَةُ بِالضَّمِّ مَا بَيْنَ الْقَدَمَيْنِ وَ الْجَمْعُ خَطِي وَ خُطُوَاتٍ»؛ خطوه یعنی گام و قدم و جمع آن خطی و خطوات است.»

تعبیر خطوات در آیات متعددی آمده است، از جمله: بقره / ۱۶۸، و ۲۰۸، انعام / ۱۴۲، و نور/ ۲۳۱.

در روایات نیز برای آن مصادیقی مشخص شده است، از جمله: حضرت باقر (ع) فرمود: «**إِنْ مِنْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ الْخَلْفُ بِالطَّلَاقِ وَ الْنُدُورُ فِي الْمَعَاصِي وَ كُلُّ يَمِينٍ بغيرِ اللَّهِ تَعَالَى**»؛ از گامهای شیطان است: قسم به طلاق (زن خوردن) نذر در گناهان و قسم به نام غیر خدا.»

مهم‌ترین گامهای

شیطان از این قرارند:
۱. وسوسه:

یعنی صدای آهسته که در نفس ایجاد می‌شود و مطابق واقع نیست. نوعی خطور باطنی و آهنگ

۱. اعراف/ ۱۶ - ۱۷.

۲. مجمع البیان، طبرسی، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۴۰۲.

۳. بقره/ ۱۶۸.

۴. مفردات راغب، ص ۱۵۵.

۵. مجمع البیان، ج ۴، ص ۴۵۹.

دروني که بر اساس ضعف اندیشه و خرد ايجاد مي‌شود.

قرآن کریم مي‌فرماید:
[مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ]؛^۱ «از شر وسواس خناس (شیطان) که در دلهاي مردم وسوسه مي‌کند.»

در آیه دیگر از وسوسه به دعوت تعبیر شده است: [وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي]؛^۲ «من بر شما تسلطی نداشتم، جز اینکه دعوتتان کردم و شما اجابت کردید، مرا ملامت نکنید، خودتان را ملامت کنید.»

از امام صادق(ع) نقل شده است: وقتی که آیه [وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ]؛^۳ نازل

شد، ابلیس با صدای بلند فریاد کشید و سران لشکرش را جمع کرد و گفت: این آیه نازل شده که مایه نجات بشر است، چه کسی می‌تواند با آن مقابله کند؟ هر کدام طرحتی دادند که پذیرفته نشد. در این حال «وسواس خناس» برخاست و گفت: من از

عهده آن برمی آیم. ابلیس گفت: از چه راه؟ گفت: آنها را با وعده‌ها و آرزوها سرگرم می‌کنم تا آلوده به گناه شوند و هنگامی که گناه کردند، توبه را از یادشان می‌برم. ابلیس گفت: تو می‌توانی از عهده کار بر آیی و این مأموریت را تا دامنۀ قیامت به او سپرد.

حضرت سجاد(ع) درباره وسوسۀ شیطان می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ وَ مِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَضَائِيهِ؛ بار الها! به تو پناه می‌بریم از وسوسه‌های شیطان رانده شده و مکر و فریبهایش و از اعتماد به هوسهای باطل و وعده‌ها و فتنه انگیزیها و دامهایش»^۴

قرآن کریم می‌فرماید:
[يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ آبَايَكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَاتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ]؛^۵ «ای فرزندان آدم! مبادا شیطان شما

۴. المیزان، علامه طباطبایی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ج ۲۰، ص ۵۵۷؛ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۰ ش، ج ۲۷، ص ۴۷۵ - ۴۷۶.
۵. صحیفه سجادیه، امام سجاد □، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۶ ش، دعای ۱۷.
۶. أعراف/ ۲۷.

۱. ناس/ ۴ و ۵.
۲. ابراهیم/ ۲۲.
۳. «و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا افتاده، پس برای گناهان خود طلب آمرزش می‌کنند، و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد»
عمران/ ۱۳۵.

را فریب دهد، چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و جامه عزت را از تن آنان برکند و قبایح آنان را در نظرشان پدید آورد. همانا آن (شیطان) و بستگانش شما را می‌بینند، در صورتی که شما آنها را نمی‌بینید. ما نوع شیطان را دوستدار آنان که ایمان نمی‌آورند، قرار داده ایم.»

امام علی (ع) فرمودند: «الْفِتْنُ ثَلَاثٌ: حُبُّ النِّسَاءِ وَهُوَ سَيْفُ الشَّيْطَانِ وَشُرْبُ الخَمْرِ وَهُوَ قِخُّ الشَّيْطَانِ وَحُبُّ الدِّينَارِ وَالدَّرْهَمِ وَهُمْ سَهْمُ الشَّيْطَانِ؛ فتنه (و فریب شیطان) از سه طریق است: دوستی زنان [در حد افراط و خارج از محدوده شرع] که شمشیر شیطان است، نوشیدن شراب که دمیدن شیطان است و دوستی درهم و دینار که تیر شیطان است.»

حضرت صادق (ع) فرمودند: «لَيْسَ لِابْلِيسَ جُنْدٌ اَشَدُّ مِنَ النِّسَاءِ وَ الغَضْبِ؛ برای شیطان لشکر و سپاهی محکم تر از زنان [فاسد] و خشم نیست.» این دو بهترین وسیله برای ایجاد فتنه و فساد در جامعه‌اند.

۳. نزع و فساد: نزع به معنای فسادانگیزی است و این واژه شش بار در قرآن

کریم آمده است، از جمله: [إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ]؛ «همانا شیطان بین آنها ایجاد فساد می‌کند.» حضرت یوسف (ع) خطاب به برادران گفت: [نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِخْوَتِي]؛ «شیطان بین من و برادرانم فتنه و فسادانگیزی کرد.» آن همه مشکلاتی که برای حضرتش پیش آمد، در واقع با فتنه گری و فسادانگیزی شیطان آغاز شد.

حضرت صادق (ع) فرمودند: «يَقُولُ ابْلِيسُ لِجُنُودِهِ: اَلْتَقُوا بَيْنَهُمُ الْخَسْذَ وَ اَلْبَغْيَ فَانهُمَا يَعْذِلَانِ عِنْدَ اللّٰهِ الشَّرْكَ؛ ابلیس به سربازان خود می‌گوید: بین مردم حسودی و ستمگری ایجاد کنید؛ زیرا این دو نزد خدا معادل شرک اند.» همان طوری که برادران حضرت یوسف (ع) را وادار به حسودی نمود و آنان به دنبال آن در حق برادر خود ظلم و ستم کردند.

۴. استحواذ و خدا فراموشی: «استحواذ» از ماده «حوذ» به معنای تسلط یافتن و چیره شدن است. راغب می‌گوید: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ اسْتَأْقَمَهُمْ مُسْتَوْلِيًا؛ شیطان بر آنها چیره شد؛ یعنی با سلطه و چیره شدن آنها

۳. اسراء/۵۳.

۴. یوسف/۱۰۰.

۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، دار الصعب و دار التعارف، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۰۲.
۶. مفردات، راغب اصفهانی، ص ۱۳۴.

۱. الخصال، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسسة الاعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۱۳، ح ۰۹۱.
۲. تحف العقول، ص ۳۶۳.

را راند . « در قرآن کریم می خوانیم: [اَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ]؛^۱ «شیطان بر آنها چیره شده و سپس یاد خدا را از خاطرشان برد آنان حزب شیطانند . آگاه باشید که حزب شیطان همان زیانکارانند.» اگر شیطان مسلط و چیره شود، خدا فراموش می شود . وقتی خدا فراموش شد، شیطان چیره می شود: [وَمِن بَعْشٍ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ]؛^۲ «و هر کس از یاد خدا رخ برتابد شیطان را برانگیزیم تا یار و همنشین دایم وی باشد.» هر گاه یاد خدا فراموش شود، زندگی در همین دنیا نیز تلخ می شود.

رسول خدا (ص) فرمود: حضرت موسی (ع) نشسته بود که ابلیس نزد او آمد «و قَالَ مُوسَى : فَأَخِزْنِي بِالذَّنْبِ الَّذِي إِذَا أَذِبْتَهُ ابْنُ آدَمَ اسْتَحْوَذَتْ عَلَيْهِ قَلْبِي: إِذَا أَعْيَبْتَهُ نَفْسُهُ وَ اسْتَكْثَرَ عَمَلُهُ وَ صَغَرَ فِي عَيْنِهِ ذَنْبُهُ ؛^۳ موسی فرمود: پس خبرم بده از گناهانی که وقتی فرزندان آدم آن را انجام می دهند، بر آنها چیره می شوی؟ شیطان گفت: هنگامی نفس فرزند آدم دچار عجب و خودپسندی شود و عمل کم

خود را زیاد ببیند و گناه در چشمانشان کوچک جلوه کند.»

امام علی (ع) فرمودند: «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْهَوَى مَيْسَاةٌ لِلْإِيمَانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ

همنشینی با اهل هوس فراموشگاه ایمان و محل حضور (و چیره شدن) شیطان است.»

۵. دشمنی و کینه انداختن در دلها:

یکی از حربه های شیطان، ایجاد دشمنی بین مؤمنان و کینه توزی بین آنان است که در آموزه های دینی، بسیار نهی شده است؛ قرآن کریم به این نکته اشاره کرده و

می فرماید: [إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ]؛^۴

«شیطان می خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد. آیا خودداری خواهید کرد؟»

۶. به بندگی کشیدن افراد: شیطان افراد را به اطاعت و پیروی خود وادار می کند و این در واقع بندگی شیطان است قرآن کریم می فرماید:

[أَلَمْ آغْضِبْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ]؛^۵ «آیا با شما

۴. نهج البلاغه، خطبه ۸۶.
۵. مائده/۹۱.
۶. یس/۶۰.

۱. مجادله/۱۹.
۲. زخرف/۳۶.
۳. الکافی، ج ۲، ص ۳۱۴، ح ۸.

پیمان نبستم ای
فرزندان آدم که بندگی
شیطان را نکنید که
دشمنی آشکار برای شما
است؛ مرا عبادت کنید
که این راه مستقیم
است.»

قرآن کریم در جای
دیگری می فرماید: [إِنَّ
عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ
سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ
الْغَاوِينَ]؛ «به راستی
تو بر بندگان من سلطه
نداری، مگر گمراهانی
که از تو پیروی
میکنند.» این آیه
میگوید: بندگان که
پیرو شیطان شوند، از
بندگی خدا خارج شده،
به بندگی و بردگی
شیطان وارد میشوند.

علی (ع) درباره پیروی
و بندگی شیطان و نتایج
آن میفرماید: «اتَّخَذُوا
الشَّيْطَانَ لِأَمْرِهِمْ مَلَكَاً وَ
اتَّخَذُوا لَهُ أَشْرَكَاً فَبَاطِلٌ
وَقَرَّخَ فِي صُدُورِهِمْ وَ دَبَّ وَ
دَرَجَ فِي حُجُورِهِمْ فَيَنْظُرُ
بِأَعْيُنِهِمْ وَ نَطِقُ بِأَلْسِنَتِهِمْ
فَرَكِبَ بِهِمُ الزَّلِيلُ وَ زَيْنٌ
لَهُمُ الْحَظَلُ فَعَلَّ مَنْ قَدَّ
شَرِكُهُ الشَّيْطَانُ فِي سُلْطَانِهِ
وَ نَطِقُ بِأَلِّ بَاطِلِ عَلِيٍّ
لِسَانِهِ؛ [زشت سیرتان،]
شیطان را ملاک کارشان
قرار داده اند، او هم
آنان را دام خویش
برگزیده و سپس تخمهای
پستی و رذالت را در
سینه هاشان گذارده، و
جوجه های آن را در
دامنشان پرورش داده،
با چشم آنان می نگرد و
با زبان آنان سخن
میگوید . و با

دستی اریشان بر مرکب
گمراه کننده خویش سوار
شده و کردار ناپسند را
به نظرشان جلوه داده
(اینان به کسی مانند
که) اعمال آنها گواهی
می دهد که با همکاری
شیطان انجام شده است،
و سخنان باطل را او به
زبانشان نهاده است»

۷. وعده فقر و فرمان فحشا:
شیطان با وعده فقر،
مانع ان فاق و ادای
واجبات مال می شود و
صفت بخل را در انسان
تقویت می کند و در کنار
آن به فحشا و کارهای
قبیح ترغیب می کند.

قرآن کریم میفرماید:
[الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَ
يَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ
يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلاً
وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ]؛ «شیطان
شما را به فقر و
تهییدستی وعده می دهد و
به فحشا و زشتیها
فرمان می دهد؛ ولی
خداوند شما را به
آمزش و افزایش وعده
می دهد و خداوند
گشایشگر داناست»

رهایی از شر شیاطین
قبل از پرداختن به
اسباب و راههایی که
انسان را از شر
تهدیدات و گمراهیهای
شیطان حفظ می کند، به
چند نکته توجه شود:

الف) باید شیطان را
دشمن خطرناک خود
بدانیم: قرآن مجید
میفرماید: [إِنَّ الشَّيْطَانَ
لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا]؛
«مسلماناً شیطان دشمن

۳. بقره/۲۶۸.
۴. فاطر/۶.

۱. حجر/۴۲.
۲. نهج البلاغه، خطبه ۷.

شماست، او را دشمن خود بدانید.»

(ب) این دشمن سرسخت را دوست خود نگیریم؛ قرآن کریم می‌فرماید: [أَفْتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ]؛ «آیا او و فرزندانش را دوست و اولیای خود قرار می‌دهید، در حالی که دشمن سرسخت شما هستند؟»

(ج) محکم در مقابلش صف آرایی کنیم: امام علی (ع) فرمودند: «صَافُوا الشَّيْطَانَ بِالْمُخَاهَدَةِ وَ اغْلِبُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ»؛ در برابر شیطان برای جنگ با او صف آرایی کنید و با مخالفت بر او چیره شوید.»

(د) تا شیطان نمرده است، آرام نگیریم: امام علی (ع) فرمودند: خدا به حضرت موسی (ع) چهار سفارش کرد و فرمود: «أُولَئِكَ مَا دُمْتَ لَا تَرَى ذُنُوبَكَ تَغْفِرُ فَلَا تَشْتَغِلُ بِغُيُوبِ غَيْرِكَ وَ الْثَانِيَةَ مَا دُمْتَ لَا تَرَى كُنُوزِي قَدْ نَفَدَتْ فَلَا تَغْتَمَّ بِسَبَبِ رِزْقِكَ وَ الثَّالِثَةَ مَا دُمْتَ لَا تَرَى زَوَالَ مُلْكِي فَلَا تَرْجُ أَحَدًا غَيْرِي وَ الرَّابِعَةَ مَا دُمْتَ لَا تَرَى الشَّيْطَانَ مَيْتًا فَلَا تَأْمَنُ مَكْرَهُ»؛ تا گناهانت

آمرزیده نشده، به عیوب دیگران نپرداز؛ تا گنجهای من تمام نشده، غصه روزی را مخور؛ تا ملك و سلطنت من برقرار

است، به دیگری امیدوار نباش؛ تا شیطان نمرده است، از مکر و فریب او ایمن باش!»

با توجه به نکات چهارگانه راهکارهای رهایی از شر شیطان ارائه می‌شود:

۱. پناه بردن به خدا (استعاذه):

استعاذه از «عوذ» به معنای پناه بردن به چیزی و چنگ زدن به آن برای محفوظ ماندن از شر و خطری است که متوجه انسان می‌شود. قرآن کریم در آیات متعددی این مسئله را متذکر شده است.

جمله می‌فرماید: [وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نِزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ]؛ «و هر گاه

وسوسه‌های شیطانی متوجه تو می‌گردد، به خدا پناه ببر که او شنونده و آگاه است.» در آیه دیگر فرمود: [فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ]؛

«هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شر شیطان رانده شده به خدا پناه ببر!»

و در آیه دیگر فرمود: [وَ قُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ]؛

«بگو: پروردگار من از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌برم.» همزات جمع همزه به معنای دفع و تحریک شدید است و در اینجا مقصود وسوسه‌های درونی است.»

۴. اعراف/ ۲۰۰ و فصلت/ ۳۶.
۵. نحل/ ۹۸.
۶. مؤمنون/ ۹۷.

۱. کهف/ ۵۰.
۲. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۹۰.
۳. خصال شیخ صدوق، ص ۱۷۰، شماره ۴۸۳.

حضرت رضا (ع) فرمود :
«إِنَّ ابْلِيسَ لَهُ خَزْطُومٌ كَخَزْطُومِ الْكَلْبِ وَأَضَعَهُ عَلَي قَلْبِ ابْنِ آدَمَ يُذَكِّرُهُ الشَّهَوَاتِ وَاللَّدَاتِ وَيَأْتِيهِ بِالْوَسْوَسِيَّةِ عَلَي قَلْبِهِ يُشَكِّكُهُ فِي رَبِّهِ فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ : «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ» أَخْرَجَ خَزْطُومَهُ مِنْ قَلْبِهِ ؛^۱ برای شیطان پوزه ای است مانند پوزه سگ که آن را در دل آدمی می‌نهد و او را به یاد شهوات و لذت‌های نفسانی می‌اندازد و سرگرم آرزوها می‌کند و وسوسه را در قلب او می‌افکند که در نتیجه او را نسبت به آفریدگارش در شک و تردید واقع کند، پس هر گاه آن بنده بگوید: «پناه می‌برم به خداوند شنوای دانا» پوزه اش را از قلب او بیرون می‌کند.»

۲. ایمان و توکل بر خداوند: در تعریف توکل گفته شده است: **«هُوَ الْإِعْتِمَادُ عَلَي الْغَيْرِ وَ تَخْلِيَةُ الْأَمْرِ إِلَيْهِ ؛**^۲ اعتماد کردن به دیگری و واگذاری کامل امر به او .» در واقع توکل، انجام وظیفه و واگذاری نتیجه به خداوند است، و ایمان عق د قلبی به خداوند . این هر دو در کنار هم مانع نفوذ شیطان می‌شوند.

قرآن می‌فرماید: **«إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَي الدِّينِ آمَنُوا وَ عَلَي رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * إِنَّمَا سُلْطَانُهُ**

عَلَي الدِّينِ يَتَوَكَّلُونَ وَ الدِّينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ [؛^۳ «همانا او (شیطان) تسلطی بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، ندارد . تنها تسلط او بر کسانی است که او را به سرپرستی خود برگزیده‌اند و آنها که نسبت به او شرک می‌ورزند.»؛ یعنی ایمان و توکل واقعی راه تسلط و اثرگذاری شیطان را می‌بندد.

رسول خدا (ص) از جبرئیل پرسید : توکل بر خدای عزیز و جلیل چیست؟
«فَقَالَ الْعِلْمُ بِالْمَخْلُوقِ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَ اسْتِعْمَالُ النَّاسِ مِنَ الْخَلْقِ فَإِذَا كَانَ الْعَبْدُ كَذَلِكَ لَمْ يَعْمَلْ لِأَحَدٍ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْجُ وَ لَمْ يَجْفُ سِوَى اللَّهِ وَ لَمْ يَطْمَعْ فِي أَحَدٍ سِوَى اللَّهِ فَهَذَا هُوَ التَّوَكُّلُ ؛^۴ پس گفت : توکل آن است که باور داشته باشی مخلوق (و بنده) نه زیان می‌رساند و نه نفع، نه اعطا می‌کند و نه منع . و یأس و ناامیدی از بند گان خدا داشته باشی . وقتی در بنده چنین باوری پیدا شد [نتیجه این می‌شود که] برای غیر خدا، عملی انجام نمی‌دهد، به غیر او امید ندارد، از غیر او نمی‌ترسد و چشم داشتی به غیر خدا ندارد . این همان توکل است.»

از امام رضا (ع) سؤال شد: **«مَا حَدَّ التَّوَكُّلُ فَقَالَ لِي أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ**

۳. نحل/۹۹ - ۱۰۰ .
 ۴. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۷۳ .

۱. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۴۹ .
 ۲. التحقيق، ج ۱۲، ص ۱۹۵ .

أَحَدًا؛^۱ حَدَّ تَوَكَّلَ چيست؟
 فرمود: اينکه با اتکاي
 به خدا از هيچ کس
 نترسي! «و هر کسي چنين
 توکلي داشت، خداوند
 امور او را کفايت
 ميکند و در مقابل
 شيطان پيمه مي شود: [وَ
مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيَّ فَهُوَ
حَسْبُهُ]؛ «هر کس ب ر خدا
 توکل کند، خدا امورش
 را کفايت مينمايد.»
 ۳. حمد الهي و کمک خواستن
 از خداوند:

امام علي (ع)
 فرمودند: **«أُحْمَدُ اللَّهِ وَ**
أَسْتَعِينُهُ عَلَى مَذَاجِرِ
الشَّيْطَانِ وَ مَزَاجِرِهِ وَ
الِإِعْتِمَاءِ مِنْ حَبَائِلِهِ وَ
مَخَاتِلِهِ؛^۲ خدا را ستايش
 مي کنم و از او کمک
 ميخواهم بر دور شدن
 (از شرّ) شيطان و مانع
 تراشي او، و به دامن
 الهي چنگ مي زنم از
 دامها و حيله هاي
 شيطان.»

معلوم مي شود حمد
 الهي و استعانت از او
 و اعتصام به حيل الهي،
 انسان را از شرّ دامها
 و نقشه هاي شيطان حفظ
 ميکند.
 ۴. دعا و ذکر «بسم الله الرحمن
 الرحيم»:

حضرت علي (ع) فرمود:
«أَكْثَرُ الدُّعَاءِ تَسْلِيمٌ مِنْ
سُورَةِ الشَّيْطَانِ؛^۳ زياد
 دعا کنيد تا از شرّ
 احاطة شيطان سالم
 بمانيد!«
 شيطان چاقی با شيطان

لاغري ملاقات کرد (کنايه
 از گفتگوي ذريّة شيطان
 با يکديگر است) پرسيد:
 چرا چنين لاغر و ضعيف
 شده اي (تلاش تو در
 انحراف موفق نبوده
 است)؟ شيطان لاغر پاسخ
 داد: من مأمور گمراه
 کردن شخصي هستم که
 هميشه در آغاز هر کار
 بسم الله ميگويد، به اين
 جهت از نفوذ در کارهاي
 او محروم هستم، تو چرا
 چاق هستي (تلاشت ثمربخش
 است)؟ پاسخ داد: من بر
 شخص غافل و بي تفاوتی
 مسلط هستم که در هيچ
 کاري بسم الله نميگويد.
 پنج امر مهم نگهدارنده از
 شرّ شيطان

امام صادق (ع)
 ميفرمايند: **«قَالَ إِبْلِيسُ**
خَمْسَةَ أَشْيَاءَ لَيْسَ لِي
فِيهِنَّ حِيلَةٌ وَ سَائِرُ
النَّاسِ فِي قِبْضَتِي مَنِ
اغْتَصِمَ بِاللَّهِ عَنْ نِيَّةٍ صَادِقَةٍ
وَ اتَّكَلَّ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ
أُمُورِهِ وَ مَنْ كَثُرَ تَسْبِيحُهُ
فِي لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ وَ مَنْ
رَضِيَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ بِمَا
يَرْضَاهُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ لَمْ
يَجْزَعْ عَلَى الْمُصِيبَةِ حِينَ
تُصِيبُهُ وَ مَنْ رَضِيَ بِمَا قَسَمَ
اللَّهُ لَهُ وَ لَمْ يَهْتَمْ لِرِزْقِهِ؛^۴
 ابليس گفت: پنج گروه
 است که من بر آنها راه
 و حيله اي ندارم و بقیة
 مردم در چنگ من هستند:
 کسي که با نيّت صادق به
 خدا چنگ بزند و در
 تمام کارها به او توکل
 کند؛ کسي که در شب و
 روز زياد تسبيح خدا
 ميکند (و سبحان الله

۱. سفينة البحار، شيخ عباس
 قمي، دار الاسوة، قم، چاپ
 چهارم، ۱۴۲۷ ق، ج ۸، ص ۵۷۳.
 ۲. نهج البلاغه، خطبه ۷.
 ۳. بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۹، ح
 ۶۴.

۴. حکايتهاي شنيدني، محمدي
 اشتهاردي، انتشارات علامه، قم،
 چاپ اول، ۱۳۷۸ ش، ص ۴۵۷.
 ۵. الخصال، ص ۲۸۵، ح ۳۷.

می‌گوید)؛ کسی که برای برادر مؤمنش می‌پسندد آنچه را برای خود می‌پسندد؛ کسی که هنگام رسیدن مصیبت جزع و بی‌تابی نمی‌کند؛ و کسی که به آنچه خداوند (از رزق) تقسیم نموده است، راضی می‌باشد و غصّه رزقش را نمی‌خورد.»

دامهای شیطان

حضرت باقر (ع) فرمودند: «تَحَرُّزُ مِنْ ابْلِيسَ بِالْخَوْفِ الصَّادِقِ»^۱ از شیطان با ترس واقعی و صادق دوری کنید!^۱ برای تحقق این تحرز به صورت فهرست وار به دامهای شیطان اشاره می‌شود:

۱. حُبّ درهم و دینار:

روزی شیطان به صورت پیرمردی نزد حضرت سلیمان (ع) رفت. حضرت از او پرسید: با اُمّت موسی (ع) چه می‌کنی؟ گفت: حُبّ دنیا را بر دل‌هایشان می‌اندازم. پرسید: با اُمّت عیسی (ع) چه می‌کنی؟ گفت: آنها را به تثلیث و شرک اغوا خواهم کرد. پرسید: با اُمّت خاتم النبیین (ص) چه می‌کنی؟ گفت: آنها را وانمی‌گذارم تا درهم و دینار را برایشان محبوب‌تر از «لا إله الا لله» قرار دهم.^۲

۲. تحصیل مال حرام:

هنگامی که رسول خدا (ص) به نبوت رسید،

سپاهیان شیطان هراسان دور شیطان جمع شدند و گفتند: پیامبر آخر الزمان مبعوث شده است. چه کنیم؟ نگرانیم! ابلیس گفت: آیا اُمّت او به دنیا علاقه دارند؟ گفتند: آری، گفت: غصّه نخورید! اگر بت پرستی نمی‌کنند، مهم نیست، آنها را وادار به^۳ کار کنید: تحصیل مال از راه حرام؛ مصرف کردن آن در راه حرام؛ نپرداختن حقوق واجب الهی^۳ (مانند خمس و زکات).^۳

دوزخ است ابلیس و دوزخ ازدهاست

کو به دریاها نگردد کم و کاست

هفت دریا را در آشامد هنوز

کم نگردد سوزش آن خلق سوز

۳. عجب و زیاد دیدن اعم ال کم و کوچک شمردن گناهان؛
۴. همنشینی با اهل هوا و هوس؛
۵. زنان فاسد و خشم و غضب؛
۶. حسودی و ستمگری ...؛^۷ که در موارد اخیر قبلاً روایات مربوطه ارائه شد.

۳. محجة البيضاء في تهذيب الاخبار، ملا محسن فيض کاشانی، مؤسسة الاعلمي، بيروت، دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۵، ص ۳۷.

۴. الکافي، ج ۲، ص ۳۱۴، متن عربي آن قبلاً نقل شد.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۸۶.

۶. تحف العقول، ص ۳۶.

۷. الکافي، ج ۲، ص ۳۲۷.

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۴، ح ۱.

۲. در داستانهای شگفت: سید عبد الحسين دستغیب، انتشارات صبا، تهران، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۹۵.

سجده‌های عاشقانه

آثار برکات ولذت‌های معنوی سجده

وی

سج



عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

أَثَرُ السُّجُودِ^۱ دوست ندارم
که پیشانی آدمی صاف
باشد و هیچ‌گونه اثر
سجده ای بر آن نباشد. «^۲
سجده های حضرات
معصومین (آنچنان
عاشقانه و طولانی بود
که حتی دشمنانشان را
متأثر می ساخت . و
همواره در مورد سجده
های طولانی به شیعیان
توصیه فرموده اند که :
«**أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ
وَ الْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَ
الْاجْتِهَادِ لِلَّهِ ... وَ طَوْلِ**

نشان بندگی
«سجده» برای خداوند؛
یعنی گذاشتن پیشانی
روی خاک از سر تواضع و
اظهار ذلت در مقابل
باری تعالی که یکی از
مصادیق بسیار روشن
ستایش الهی و عبودیت
است.
طبق روایات، بهترین
و نزدیک ترین حالت
انسان به خداوند، سجده
است و اینکه بنده صورت
را بر خاک گذاشته، در
حال گریه خداوند را به
بزرگی یاد کند.

همچنین یکی از نشانه
های بندگی و تقرّب به
خداوند، باقی ماندن
اثر سجده بر سیم،
مخصوصاً پیشانی است .
این نشان بندگی در اثر
سجده های طولانی و
انجام نمازهای واجب و
نافله به دست می آید،
به طوری که

امیرالمؤمنین (ع) می
فرماید: «**أَنْي لَأَكْرَهُهُ
لِلرَّجُلِ أَنْ تُرَى جَبْهُهُ
جَلْحَاءَ لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ مِنْ**

۱. بحار الأنوار، محمدباقر بن
محمدتقی مجلسی، دار احیاء
التراث العربی، بیروت، چاپ
دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۴۴.
۲. البیته نشان مهر در پی شانی
واقعا نشانه مهر به حضرت حق
است، گرچه ممکن است افرادی در
ظاهر پیدا شوند که نشان ریایی
داشته باشند؛ چراکه گفته‌اند:
پیشانی از ز داغ گناهی سیه شود
بهتر ز داغ مهر نماز از سر ریا
نام خدا نبردن از آن به که زیر
لب
بهر فریب خلق بگوی خدا خدا
با اینکه در ظاهر نشانی در
پیشانی باشد؛ ولی دل پر از شوق
گناه باشد، که گناه چنین
ریاکارانی مثل مردم عادی
نخواهد بود:
ذکر بر لب، سبحة بر کف، دل پر
از شوق گناه
معصیت را خنده می آید ز استغفار
ما

السُّجُود؛^۱ شما را به پارسایی و پرهیزگاری در دینتان و تلاش برای خدا ... و سجده های طولانی سفارش می کنم.»؛ زیرا سجده های طولانی و خاکساری در برابر حضرت حق، آثار ارزشمندی را برای بندگان واقعی به همراه دارد و نزدیک ترین راه میانبر به سوی او است.

راز سجده

عالم و عارف ربانی «میرزا جواد آقا ملکی تبریزی» می نویسد: پیامبر گرامی اسلام (ص) سفارشهای مؤکد دربارۀ طول سجده فرموده است و این امری است بسیار مهمّ. سجده طولانی، نزدیک ترین و بهترین شکل بندگی است و به همین جهت در هر رکعت نماز دو سجده تشریح شده است. دربارۀ ائمّۀ اطهار (ع) و شیعیان نشان در مورد طول سجده مطالب مهمّی نقل شده است.

امام سجاد (ع) در یک سجده هزار مرتبه «لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله تعبداً و رقاً لا اله الا الله ایماناً و تصدیقاً» را تکرار می فرمود. گاهی سجده امام کاظم (ع) از بامداد تا ظهر ادامه داشت. از اصحاب ائمّه (ع) مانند «ابن ابی عمیر»، «جمیل» و «خرّبوذ» و دیگران نیز قریب به همین مطلب نقل شده

است.^۲ سرّ اهمیت سجده از نظر خضوع و خشوع در همین نکته نهفته است که انسان شریف ترین اعضای بدن خود را بر پست ترین و بی ارزشترین شیء عالم قرار می دهد، لذا سجده باید بر خاک (و آنچه از زمین است) باشد و از چیزی که خوراکي یا پوشیدني است، باید اجتناب شود؛ چراکه آنچه پوشیدني یا خوراکي است، عنوان کالا و متاع دنیا را دارد و اهل دنیا به وسیله همین متاعهاي دنياوي است که برای خود عزت و رتبه اي قائلانند.

ارتباط ذکر سجده و رکوع

در اذکار نماز چیزی به عنوان تکرار نداری م؛ زیرا همچنان که توحید سه مرتبه دارد، ما در قیام و رکوع و سجود در صدد رسیدن به مرتبه ای از آن هستیم، پس سبحان الله در رکوع، نفی چیزی است و سبحان الله در سجده نفی چیزی دیگر در مرتبۀ بالاتر از ساحت حضرت احدیت. تا در رکوع عظمت او را درک نکنیم و «سبحان ربّی العظیم و بحمده» نگوییم، نمی توانیم در سجده «اعلی» و برتر بودن خداوند را بفهمیم و بدین مرتبه او را ستایش کنیم. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می

۲. المراقبات، میرزا جواد ملکی تبریزی، دارالاعتصام، بی جا، ۱۴۱۶ ق، ص ۲۰۲.

۱. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۸۷.

نویسد: «سجده به جهت اینکه صورت مقام فنا که غایت درجات آرامش است، می‌باشد، برای همین مناسب است که در آن گرامی‌ترین اعضا بر پست‌ترین چیزها گذاشته شود و واجب است که در تسبیحش خداوند را به نام «اعلی» یاد کند.»^۱

سجده اوج خضوع

نماز مهم‌ترین عبادت و سجده بهترین رکن نماز است. به این جهت جایی که در آن نماز خوانده می‌شود، مسجد - محل سجده - نام گرفته است و در قرآن می‌فرماید: [وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يُسْتَكْبِرُونَ]؛^۲

«تمام آنچه در آسمانها و زمین از جنبندگان وجود دارد، و همچنین فرشتگان، برای خدا سجده می‌کنند و آنها تکبر نمی‌ورزند.»

این در حالی است که ه نماز و عبادت ارکان دیگری نیز دارد. تمام اینها برای آن است که اگر نماز خضوع در برابر خداوند است، نهایت این خضوع و کرنش در هنگام سجده از بنده نمایان می‌شود. در حقیقت اوج خضوع در عبادت، در حال سجده رخ می‌دهد.

آثار و برکات سجده

در مورد سجده و

آثار آن در آیات و روایات نکات قابل توجهی وجود دارد، از جمله:

۱. **نمایش اطاعت و بندگی**
خداوند متعال در آیات قرآن کریم حقیقت سجده را نمایش آشکار عبودیت و بندگی هر موجودی در برابر خداوند معرفی کرده و می‌فرماید: «برای خورشید و ماه سجده نکنید، برای خدایی که آفریننده آنهاست سجده کنید اگر می‌خواهید او را بپرستید!»^۳

بنابراین، میان عبودیت و سجده ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و سجده برای خدا هم ان اظهار بندگی اوست. اگر کسی بخواهد مقام عبودیت خود را در پیشگاه خداوند متعال نشان دهد، باید مثل بندگان حقیقی خدا (اهل بیت) و اصحابشان سجده را مورد توجه و تأکید قرار دهد.

۲. **ایجاد نشانه اهل ایمان**
قرآن کریم سیمای م‌ؤمنین را با اثر سجده در چهره هایشان معرفی می‌کند: [سِيَمَاهُمْ فِي

۳. فصلت / ۳۷. این آیه سجده واجب دارد؛ ولی اگر ترجمه آیات سجده دار را بخوانیم، سجده واجب نمی‌شود. فقط زمانی که متن عربی آیات سجده دار خوانده یا شنیده شود، سجده واجب است. صاحب «عروه الوثقی» می‌فرماید: «لا يجب السجود لقراءة ترجمتها أو سماعها وإن كان المقصود ترجمة الآية». العروة الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۸۷.

۱. ترجمه اسرار الصلاة، میرزا جواد ملکی تبریزی، نشر کیش مهر، قم، ۱۳۸۸ش، ص ۳۲۵.
۲. نحل / ۴۹.

وَجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ]؛^۱
 «نشانه آنها در
 صورتشان از اثر سجده
 نمایان است.»

شیخ صدوق (می نویسد:
 امام زین العابدین (ع)
 در اتاق خود نشسته
 بودند که گروهی در
 خانه را زدند. خادم
 حضرت آمد و عرض کرد:
 طایفه ای آمده اند و
 می گویند از شیعیان
 هستیم. حضرت با عجله
 برای باز کردن در
 برخاستند که نزدیک بود
 به زمین پرت شوند. چون
 حضرت در را باز کردند
 و چشمان مبارکشان به
 چهره آنان افتاد،

برگشته و فرمودند:
 «كَذَّبُوا فَأَيْنَ السَّمْتِ فِي
 الْوُجُوهِ أَيْنَ أَثَرِ الْعِبَادَةِ
 أَيْنَ سِيمَاءِ السُّجُودِ أِنَّمَا
 شِيعَتُنَا يُعْرِفُونَ بِعِبَادَتِهِمْ
 وَشَعَثِهِمْ قَدْ قَرَحَتْ

الْعِبَادَةُ مِنْهُمْ الْآبَافُ وَ
 دَثَرَتْ الْجِبَابَةُ وَالْمَسَاجِدُ؛^۲
 [این جماعت] دروغ می
 گویند؛ کجاست نشان
 چهره ها؟ کجاست اثر
 عبادت و بندگی؟ کجاست
 نشانه سجود؟ شیعیان ما
 به انقلاب حالشان در
 هنگام عبادت شناخته می
 شوند. بینی های ایشان
 از سجده های طولانی
 مجروح شده، چهره ها و
 سجده گاه هایشان
 دگرگون گشته است.»
 یعنی من در سیمای آنان
 آثار سجده نمی بینم!
 تمام اهل بیت (این

گونه بودند، لذا لقب
 مبارک پیشوای چهارم
 «سجاد» و «سید
 الساجدین» بوده است که
 دلالت بر سجده های
 فراوان حضرت دارد.

نشان سجده
 کثرت سجده های
 پیشوای چهارم
 شیعیان (ع) و ظهور آثار
 آن در مواضع سجده و
 بدن مبارک حضرت
 سجاد (ع) موجب شده بود
 که امام را به
 «ذوالثنات» موسوم
 نمایند. در وصیتی که
 پیامبر (ص) جانشینان
 خویش را مشخص فرمودند،
 وقتی نوبت به امام
 چهارم (ع) رسید، فرمود:

«فَلْيُسَلِّمَهَا إِلَى ابْنِهِ
 سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ذِي
 الثَّنَاتِ عَلِيٍّ؛^۳ [فرزندم
 حسین] امامت را [بعد
 از خود] باید به
 فرزندش سید العابدین،
 ذی الثنات، علی تسلیم
 کند.» ثفنه به معنای
 پینه ای است که سر
 زانو می بندد و آن
 حضرت را به واسطه پینه
 های زیادی که از کثرت
 سجده در زانوا نش می
 بست، ذی الثنات می
 گفتند.

«جابر بن یزید جعفی»
 در مورد سجده های حضرت
 سجاد (ع) از قول امام
 باقر (ع) نقل کرده است
 که فرمود: «إِنَّ أَبِي عَلِيٍّ
 بَيْنَ الْحُسَيْنِ مَا ذَكَرَ نِعْمَةً
 اللَّهُ عَلَيْهِ إِلَّا سَجَدَ وَ لَا قَرَأَ

۳. کتاب الغيبة، محمد بن حسن طوسی، دار المعارف الاسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۱۵۱

۱. فتح/ ۲۹.
 ۲. صفات الشيعة، محمد بن علی بن بابويه، نشر اعلمی، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۲ش، ص ۲۹

آيَةٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 فِيهَا سُجُودٌ إِلَّا سَجْدًا وَ لَا
 دَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ سُوءٌ
 يَخْشَاهُ أَوْ كَيْدًا كَانِدٌ إِلَّا
 سَجْدًا ... وَ كَانَ أَثْرُ
 السُّجُودِ فِي جَمِيعِ مَوَاضِعِ
 سُجُودِهِ فَسَمِّيَ السَّجَادُ
 لِذَلِكَ؛^۱ پدرم علی بن
 الحسین ۳ نعمتی از
 نعمتهای خدا را ذکر
 نمی فرمود، مگر آنکه
 سجده می نمود و آیه ای
 از آیات کتاب الله عزوجل
 را که در آن سجده بود،
 قرائت نمی کرد، مگر
 آنکه به سجده می رفت و
 حق تعالی از آن حضرت
 بدی را که خوف از آن
 داشت یا کید و حیل
 حيله گری را دفع نمی
 فرمود، مگر آنکه او به
 شکرانه اش سجده می
 فرمود ... و اثر سجده
 در تمام مواضع سجود آن
 حضرت ظاهر و آشکار
 بود، برای همین به
 سجاد موسوم گشته»
 حضرت عباس (ع) این
 عبد صالح و مطیع
 پروردگار، فضائل اخلاقی
 بسیار و سیرت و صورت
 زیبایی داشت و اثر
 سجده های طولانی در
 پیشانی نورانی اش جلوه
 می کرد. به همین جهت
 قاتل آن حضرت با حسرت
 تمام می گفت: «أَبِي قَتَلْتُ
 شَايَا أَمْرٍ دَمَعَ الْحُسَيْنُ
 بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَثْرُ السُّجُودِ،
 فَمَا نَمْتُ لَيْلَةً مُنذُ
 قَتَلْتُهُ؛^۲ من جوانمردی

عاری از زشتی را از
 همراهان حسین کشتم که
 در پیشانی اش آثار
 سجده نمایان بود و از
 آن زمان که او را
 کشتم، يك شب [راحت]
 نخوابیده ام.»
 ۳. یادآوری آغاز و انجام
 انسان

سجده بیانگر این آیه
 شریفه است که می
 فرماید: [مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ
 وَ مِنْهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا
 نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى]؛^۳ «ما
 شما را از این خاک
 آفریدیم و به این خاک
 باز می گردانیم و هم
 بار دیگر از این خاک
 بیرون می آوریم.» لذا
 در فلسفه سجده اول
 نماز گفته اند: یعنی
 روزی خداوند از همین
 خاک ما را آفرید و از
 خاک برخاسته ایم، و
 سجده دوم دوباره سر به
 خاک می نهیم؛ یعنی در
 آینده نزدیک صورت ما
 را بر خاک خواهند نهاد
 و باز در قیامت از آن
 سر بر خواهیم داشت. پس
 سجده فرصت خوبی است که
 هم نوا با امام علی (ع)
 به خداوند عرضه
 بداریم: «وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا
 سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أ
 تَسَلَطَ النَّارُ عَلَيَّ وَ جُوهِي
 خَرَّتْ لِعَظْمَتِكَ سَاجِدَةً؛^۴ و
 ای کاش می دانستم ای
 آقا و معبود و مولایم!
 آیا آتش دوزخ را بر
 چهره هایی که برای

۱. علل الشرائع، شیخ صدوق، نشر
 مکتب الحیدریه، نجف، ۱۳۸۶ق،
 ج ۱، ص ۷۵۱.
 ۲. بحار الانوار، محمدتقی مجلسی،
 دار احیاء التراث العربی، بیروت،
 ۱۴۰۳ ق، ج ۴۵، ص ۳۰۶.
 ۳. طه / ۵۵.
 ۴. مصباح المتعبد و سلاح
 المتعبد، محمد بن حسن طوسی،
 نشر مؤسسه فقه الشیعه، بیروت،
 چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۴۶

عظمت تو به سجده افتاده است، مسلط می کنی؟» هیئات که خدای مهربان، صورتی را که در مقابل عظمتش به سجده افتاده است، در آتش قهر خویش بسوزاند! ۴. نجات از غرور و خودخواهی یکی از فرقهای سجده با رکوع آن است که در سجده انسان در مقابل خداوند، فروتر و شکسته تر می شود و بر این اساس، تواضع انسان در برابر خداوند در حالت سجده بیش تر است: بنده چون در سجده پستی می کند ترک کبر و خودپرستی می کند

در سوره اعراف می فرماید: [إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ]؛^۱ «بیقیناً مقربان و نزدیکان خدا هیچ گاه از عبادت و بندگی اش تکبر نمی ورزند و همواره او را تسبیح می گویند و پیوسته برای او سجده می کنند.»

حالت سجده اوج ذلت و خضوع در محضر ربوبی و دوری از کبر و غرور می باشد، به طوری که سجده راستین تمام منیتهای و خودخواهیها را نابود کرده، سجده کننده را از این رذیله شیطانی نجات می دهد چراکه:

۵. سعادت ابدی

امام صادق (ع) می فرماید: «مَا خَسِرَ وَاللَّهِ

تَعَالَى قَطُّ مَنْ بِحَقِيقَةِ السُّجُودِ وَ لَوْ كَانَ فِي عُمُرِهِ مَرَّةً وَاحِدَةً...»^۲ به خداوند قسم! اگر کسی در تمام عمر فقط یک بار سجده حقیقی به جای آورد، هرگز زیانکار نخواهد شد. «البته آن سجده ای که انسان در وقت انجام آن از جمیع ما سوی الله چشم بسته باشد و کسی که به حالت خدعه کنندگان (ظاهری، دروغی و ریایی) با خداوند مانوس است؛ ولی در واقع غافل از اوست، هیچ گاه روی رستگاری را نخواهد دید.

۶. نزدیک شدن به خداوند

سجده نهایت نزدیکی بنده با خداست. دعاها در سجده مستجاب می گردند و گناهان با سجده های طولانی بخشیده می شوند. به همین جهت امام صادق (ع) فرمود: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَهُوَ

سَاجِدٌ بَاكٍ»^۳ نزدیک ترین حالت بنده به خداوند وقتی است که در حال سجده است و گریه می کند.»

۷. رفتن به بهشت

شخصی به رسول خدا (ص) عرض کرد: دعا کنید که خداوند مرا به بهشت ببرد. حضرت فرمود:

۲. مصباح الشریعة، منسوب به امام صادق، نشر اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ق، ص ۹۱.

۳. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، دارالمرتضویه، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ش، ص ۱۴۶.

«أُعِنِّي بِكَثْرَةِ السُّجُودِ»^۱

(دعا می کنم؛ ولی تو (نیز) با سجده های زیاد و طولانی کمک کن (تا) دعایم مستجاب شود).»

۸. پاکی از گناهان

پیشوای ششم (ع) فرمود: شخصی نزد رسول خدا (ص) آمد و عرض کرد: یا رسول الله! گناهانم بسیار و عملم اندک

است. حضرت فرمود: «بِأَكْثَرِ السُّجُودِ فَإِنَّهُ يَحُطُّ الذُّنُوبَ كَمَا تَحُطُّ الرِّيحُ وَرَقَ الشَّجَرِ»^۲ بر سجده های

بیشتر آن گناهان را می ریزد، همان گونه که باد برگ درختان را فرو می ریزد.»

آن گرامی در خطبه

شعبانیه نیز می فرماید: «فَخَفِّقُوا عَنْهَا بِطَوْلِ سُجُودِكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرُهُ أَفْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يُعَدَّ

الْمُصَلِّينَ وَالسَّاجِدِينَ»^۳

خود را از زیر بار گناهان با سجده های طولانی سبک نماید و بدانید که خدای متعال

سوگند یاد کرده که هرگز نمازگزاران و سجده کنندگان را عذاب نکند.»

۹. نورانی شدن سجده گاه

نه تنها سجده صاحبش را به کمالات عالیه می رساند و او را در بهترین جایگاه بندگی

قرار می دهد؛ بلکه در جهان هستی نیز مؤثر است. زمینی که انسان برای عبادت و خضوع در مقابل پروردگار روی آن جبین بر خاک می ساید، حالت معنوی به خود می گیرد و مقدس می شود.

رسول مکرم اسلام (ص) می فرماید: «إِنَّ الْأَرْضَ الَّتِي يَسْجُدُ عَلَيْهَا الْمُؤْمِنُ يُضِيءُ نُورَهَا إِلَى السَّمَاءِ»^۴ زمینی که مومن

پیر آن سجده می کند، به آسمان نور می افشاند و اهل آسمان را نورانی می کند.»

۱۰. رفع ناراحتی

گاهی انسان در تنگنای مشکلات و ناراحتیها سینه اش از

غصه چنان فشرده می شود که گویی قلبش می خواهد از جا کنده شود. قرآن بهترین راهکار نجات را روی آوردن به تسبیح

خداوند و سجده های خاضعانه پیشنهاد می کند و به رسول گرامی

اسلام (ص) می فرماید: [وَ لَقَدْ نَعَلِمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ]؛ «ما می

دانیم سینه ات از آنچه آنها می گویند، تنگ می شود (و تو را سخت

ناراحت می کنند) * (برای دفع ناراحتی)

۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین بن محمدتقی نوری، مؤسسة آل البيت، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۴۸۵-۹۸-۹۷-۹۸

۱. من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه، دفتر نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. أمالی، محمد بن علی بن بابويه، نشر کتابچی، تهران، ششم، ۱۳۷۶ش، ص ۴۹۹-۹۴۰. ۳. همان، ص ۹۴.

پروردگارت را تسبیح و حمد گو و از سجده کنندگان باش!»
۱۱. دوستی خداوند

از امام صادق (ع) پرسیدند: «لِمَ اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا؟» چرا خدا حضرت ابراهیم (ع) را به عنوان خلیل خودش قرار داد و او به مقام خلت رسید؟ «حضرت فرمود: «لِكَثْرَةِ سُجُودِهِ عَلَى الْأَرْضِ؛» برای اینکه او بر خاک زمین زیاد سجده می‌کرد.»

اهمیت گریه در سجده امام صادق (ع) فرمود: «إِذَا أَقْشَعَرَ جِلْدُكَ وَ دَمَعَتْ عَيْنَاكَ وَ وَجَلَ قَلْبُكَ فَدُونِكَ دُونِكَ فَقَدْ قَصِدَ قَصْدُكَ؛»^۲

هنگامی که بدنت به لرزه درآید، اشک‌های جاری شد و قلبت ترسان گردید، همانا حاجات تو برآورده می‌شود.» و نیز آن امام همام از قول پدر بزرگوارشان نقل می‌فرماید که: «إِنَّ أَقْرَبَ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ الرَّبِّ وَ هُوَ سَاجِدٌ يَبْكِي؛»^۳ نزدیک ترین حالت بنده به پروردگار وقتی است که در حال سجده گریه کند.»

به همین علت امام صادق (ع) پیروان خویش را سفارش فرمود که: «إِذَا رَقَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَدْعُ فَإِنَّ الْقَلْبَ لَا يَرِقُّ حَتَّى يَخْلُصَ؛»^۴

هنگامی که قلب یکی از شما شکست، دعا کند؛ زیرا قلب نمی‌شکند؛ مگر اینکه خالص شده باشد.»

با توجه به این سه حدیث، بهترین موقع رسیدن به اهداف مشروع و روا شدن حاجات، لحظه ای است که انسان در سجده دلش بشکند و اشکش سرازیر شود و لذت سجده واقعی را حس کند. شاعر خوش قریحه

اهمیت و لذت سجده را در ابیاتی این گونه بیان کرده است:
سجده از هر طاعتی بالاتر است
سایه قربی خدای اکبر است

این عبادت چون مبرا از ریاست
زین سبب مخصوص از بهر خداست

گر فرشته سجده بر آدم نمود
سجده بهر حق و آدم قبله بود

از علامات و صفات مؤمنین
شد یکی زان پنج، تعفیر جبین

مؤمن اندر سجده چون گیرد قرار
می‌شود همراز با پروردگار

پس اگر در سجده خودداری کند
اشک ریزد، ناله و زاری کند
سجده او مایه غفران شود

درد بی درمان او
درمان شود

۱. بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۴۰.
۲. عدة الداعي و نجاح الساعي، احمد بن محمد بن فهد حلی، دار الکتب الاسلامیه، بیروت، ص ۱۶۷.
۳. همان، ص ۱۷۴.
۴. وسائل الشیعة، محمد بن حسن شیخ حر عاملی، مؤسسة آل البيت،

چون گذارد مؤمنی سر در
سجود
می زند فریاد شیطان
عُود
من ز امر حضرت
پروردگار
گشته ام مردود او شد
رستگار

سجده های عاشقانه

اولیای خداوند عموماً
به عبادتی که در قالب
سجده انجام می شود،
علاقه خاصی داشته، به
آن اهتمام ویژه ای
مبذول داشته اند که در
اینجا به چند مورد
اشاره می کنیم:

(الف) رسول خدا (ص)

امام صادق (ع) در
مورد سجده های آن
گرامی فرمود : رسول
خدا (ص) شب از رختخواب
برخاست و در گوشه ای
صورت بر خاک گذاشت و

در سجده اینگونه با
خدا نجوا کرد: «سَجِدُ لَكَ
سَوَادِي وَ جَنَائِي وَ أَمِنْ بِكَ
فَوَادِي وَ هَذِهِ يَدَايِ وَ مَا
جَنَيْتُ بِهِمَا عَلَى نَفْسِي، يَا
عَظِيمُ يُرْجَى لِكُلِّ عَظِيمٍ
أَعْفِرُ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ
فَأَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ

الْعَظِيمَ إِلَّا الْعَظِيمُ؛ تمام
هستی و اندیشه ام
برایت سجده کرد و دلم
به تو ایمان آورد. این
است دستانم و آنچه بر
خود جنایت کردم . ای

بزرگی که برای هر کار
بزرگی به او امید است!
از من گناه بزرگ را
بیامرز ؛ زیرا گناه
بزرگ را جز پروردگار
بزرگ نمی آورزد.»

سپس سر مبارک خویش
را از سجده برداشت و

دوباره به سجده برگشت
و عرضه داشت : «أَعُوذُ
بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَتْ
لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ وَ
تَكشَفَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ، وَ
صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأُولِينَ وَ
الْآخِرِينَ مِنْ فَجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَ
مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ مِنْ
رُؤَايِ نِعْمَتِكَ، اَللّهُمَّ

اِرْزُقْنِي قَلْبًا تَقِيًّا تَقِيًّا نَقِيًّا
مِنَ الشَّرْكِ بَرِيًّا لَا كَافِرًا
وَ لَا شَقِيًّا؛ خداوندا ! به
خاطر نور جلوه ات که
آسمانها و زمینها ب ا
آن روشن شد، و

تاریکیها با آن برطرف
گشت، و با آن کار
گذشتگان و آیندگان

اصلاح شد، از فرا رسیدن
عذاب نابهنگام ت و
دگرگونی عافیتت، و
زایل شدن نعمتت، به تو
پناه می آورم. خدایا !
دل با تقوا و صفا

یافته و بیزار از شرک،
نه کافر و بدبخت را
روزی من گردان !» پس
دوباره صورت بر خاک
نهاد و عرض کرد : «أَعْفِرْ
وَجْهِي فِي التَّرَابِ وَ حَقِّ لِي
أَنْ أَسْجُدَ لَكَ؛ صورتم را
به خاک می سایم و مرا
شایسته و لازم است که
تو را سجده کنم.»^۱

(ب) امام سجاد (ع)

۱. «طاووس یمانی» می
گوید : شبی در مسجد
الحرام وارد حجر
اسماعیل شدم . امام
سجاد (ع) نیز وارد و به
نماز مشغول شد . مدتی
طولانی نماز خواند، سپس

۱. فضائل الأشهر الثلاثة ، محمد
بن علی بن بابویه ، کتابفروشی
داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۹۶ق، صص
۶۱-۶۳.

به سجده رفت. من با خود گفتم: او مردی صالح از اهل بیته نیکوکار است، حتماً به دعایش گوش فرا دهم، ببینم چه می‌گوید. شنیدم که در سجده می‌گفت: «عُبَيْدُكَ يَفْنَائِكَ مَسْكِينُكَ يَفْنَائِكَ فَتَقِيرُكَ بِفْنَائِكَ سَائِلُكَ يَفْنَائِكَ»^۱ بنده کوچک تو، وابسته به تو، نیازمند به تو، درخواست کننده از تو، در آستانه توست.» از آن پس هرگاه به ناراحتی و مشکلی برمی‌خوردم، این دعا را می‌خواندم و بدون استثنا مشکلم برطرف می‌شد.»

۲. «یوسف بن اسباط» از پدرش نقل می‌کند که: وارد مسجد کوفه شدم و دیدم جوانی در سجده با خدای خود مناجات می‌کند و می‌گوید: «سَجَدَ وَجْهِي مُتَغَفِّراً فِي التَّرَابِ لِخَالِقِي وَحَقُّ لِي ه»^۲ صورتم خاک آلوده برای خالقش در سجده است و این خضوع و بندگی شایسته اوست.» که این جوان همان امام سجاد(ع) بود.

۳. شیخ حرّ عاملی(در مورد سجده های امام سجاد(ع) نقل می‌کند: یکی

از غلامان امام روایت کرد: روزی آن حضرت به سوی بیابان رفت. من به دنبال او رفتم تا اینکه دیدم آن حضرت پیشانی بر روی سنگ سختی نهاد و به سجده رفت، و من در کناری ایستادم. صدای ناله و گریه اش را می‌شنیدم. شمردم، هزار بار در سجده این ذکر را خواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا» معبودی جز خدای یکتا و بی همتا نیست. آن معبود یکتا و بی همتا را از روی ایمان و صدق عبادت و بندگی می‌کنم.» سپس سر از سجده برداشت، دیدم محاسن و صورتش غرق از اشک چشمش بود.^۳

سجده های طولانی مخصوص نماز نیست؛ بلکه هر زمان، به ویژه در دل شبهای تار، در آرامش و رشد معنوی انسان خیلی مؤثر است و نگرانیها، سختیهای زندگی، اضطرابها و ناراحتیهای روزمره و بسیاری از مشکلات روحی و روانی را می‌توان با سجده رفع نمود. اساساً یکی از درمانهای مهم در طب اسلامی «دعا درمانی» و «سجده درمانی» است.^۴ از این

۱. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محمد بن محمد مفید، کنکزه شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۴۳.
۲. کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی اربلی، نشر بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۹۹.

۳. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۸۲.
۴. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای> به راز سجده اینگونه اشاره می‌کند: «آن روزی که همین مسئله سلولهای بنیادی را جوانهای ما داشتند دنبال

جهت انبیای الهی و اهل بیت) به سجده بسیار اهمیت می‌دادند.

(ج) امام صادق(ع)

«منصور صیقل می‌گوید: بعد از انجام مراسم حج به مدینه آمدم و در کنار قبر مبارک پیامبر اکرم(ص) رفته و بر آن حضرت سلام کردم. مشغول زیارت بودم که امام صادق(ع) را در حال سجده مشاهده کردم. نشستم تا سجده حضرت تمام شود. آنقدر سجده ایشان طول کشید که من خسته شدم. با خود گفتم: من هم این کار حضرت را برای خودم الگو قرار بدهم و مادام که حضرت سجده می‌کند، من نیز خدا را تسبیح بگویم.

راوی می‌گوید: شمارش کردم، حضرت ذکر «سُبْحَانَ رَبِّ يَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَنُوبُ إِلَيْهِ» را بیش از سیصد و شصت بار زمزمه فرمود. آنگاه حضرت سر برداشت

می‌کردند و کشف می‌کردند، خدا رحمت کند مرحوم مهندس کاظمی، رئیس این مؤسسه رویان آمده بود، با همان جمع پیش من، گزارش می‌داد. گفت: من تلفن کردم که ببینم مهندس جوانی که مشغول تعقیب این قضیه بود، کار را به کجا رسانده - چون مثلاً دیروز گفته بود که فردا کار را تمام می‌کنیم - خانمش بود. گوشی را برداشت و گفت: آقای مهندس آن نقطه آخر را توانسته پیدا کند و افتاده به سجده، دارد گریه می‌کند. وقتی مرحوم مهندس کاظمی این قضیه را می‌گفت، هم خودش گریه اش گرفت، هم آن جوان که در مجلس بود، گریه اش گرفت. بنا کردند گریه کردن. نقش معنویت را دست کم نباید گرفت.» بیانات معظم له در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، مورخ ۱۳۷۸/۲/۱۴.

و برخاست. من نیز به دنبال ایشان رفتم و با خود گفتم: اگر اذن دهد، به خدمتش می‌رسم و عرض می‌کنم: فدایت شوم! شما این گونه عمل می‌کنید، پس ما چه باید کنیم؟

وقتی که به در خانه ایشان رسیدیم، «مصادف» خادم حضرت بیرون آمد و گفت: ای منصور! داخل شو. وارد شدم. حضرت به من فرمود: «يَا مَنْصُورُ إِنَّكُمْ إِنْ أَكْثَرْتُمْ أَوْ أَقْبَلْتُمْ فَوَاللَّهِ مَا يُقْبَلُ إِلَّا مِنْكُمْ؛ ای منصور! چه شما کم عبادت کنید یا زیاد، به خدا سوگند! از غیر شما پذیرفته نمی‌شود.»

(د) سلمان فارسی

سلمان فارسی همواره در ارتباط با خدا بود و تلاش می‌کرد تمام لحظات زندگی اش خدایی باشد. او دوست داشت کارهای روزمره اش را به نوعی به عبادت و ستایش معبود تبدیل نماید. زیباترین جمله سلمان را «حسین بن سعید اهوازی» نقل می‌کند که: سلمان فارسی همواره می‌گفت: «لَوْ لَا السُّجُودُ لِلَّهِ وَ مُخَالَسَةُ قَوْمٍ يَتَلَفِّظُونَ طَيِّبَ الْكَلَامِ... لَتَمَنَيْتُ الْمَوْتَ؛ چنانچه سجده برای خداوند و همنشینی با افراد پاک است. هر آینه آرزوی مرگ می‌کردم.»

۱. بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۶۵.
۲. الزهد، حسین بن سعید کوفی اهوازی، المطبعة العلمية، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق، ص ۷۹.

هـ (آخوند ملا حسینقلی
همدانی

عالم و عارف ربانی،
میرزا جواد آقا ملکی
تبریزی (در مورد
استادش، آخوند ملا
حسینقلی همدانی می
نویسد: در ایام تحصیل
در نجف اشرف شیخ و
استادی داشتم که برای
طلاب باتقوا، مرجع بود.
از او سؤال ك ردم: چه
عملی را شما تجربه
کرده اید که می تواند
در حال سالک مؤثر
باشد؟ فرمود: در هر
شبانہ روز یک سجده
طولانی به جای آورد که
در آن بسیار بگوید: «لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» و این
چنین توجه کند که
پروردگارم منزّه از این
است که بر من ظمی روا
داشته باشد؛ بلکه خود
من هستم که بر نفسم
ستم کرده ام و خود را
در این مهالك قرار
داده ام.
ایشان علاقمندان را
به این سجده سفارش می
کرد و هر کس که انجام
می داد، تأثیرش را
مشاهده می کرد، مخصوصاً
کسانی که این سجده را
بیش تر طول می دادند.
بعضی از آنها هزار
مرتبه ذکر مذکور را در
سجده تکرار می کردند و
بعضی کم تر و بعضی بیش
تر و شنیدم که بعضی از
آنها این ذکر را سه
هزار مرتبه در سجده
تکرار می کردند.

راه‌های مقابله با فشار روانی

قرآن

را

از منظر قرآن کریم

سجاد فروزش

مقدمه

فشارهای روانی یکی از رایج‌ترین بیماری‌های زمان معاصر است. طبق برآورد کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، حدود شش درصد کل جمعیت جهان از بیماری‌های روانی رنج می‌برند و شروع هشتاد درصد از بیماری‌های جسمی با فشارهای روانی همراه است.

روانشناسان راه کارهایی را برای مقابله با فشارهای روانی مطرح نموده‌اند. بر اساس تئوری‌های روانشناختی، شناخت راه‌های مقابله در کاهش فشارهای روانی و در نتیجه افزایش سلامت روان افراد، نقش مهمی دارد. دین‌روشنگر اسلام نیز با ارائه برنامه‌ای جامع برای زندگی

اجتماعی و فردی بشر، نویدبخش زندگی سالم و به دور از فشارهای روانی است، لذا توجه به آموزه‌های قرآنی که اولین و مهم‌ترین مرجع دین اسلام است، می‌تواند در شناخت و ریشه‌کشی این نوع بیماری‌ها مؤثر باشد که نشان از عظمت قرآن کریم و اثرگذاری آن در امور مختلف، از جمله درمان مشکلات روانی، دارد.

خداوند متعال قرآن را شفا خوانده است و می‌فرماید: **«وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»** [۲]؛ «ما آنچه از قرآن می‌فرستیم، شفا دل و رحمت الهی برای اهل ایمان است.» قرآن کریم نسخه شفا بخش و مایه درمان تمام آلام است که گستره شفا بخشی آن هم بعد جسمانی و هم بعد روانی را شامل می‌شود

۱. قرآن و روان‌شناسی، محمد عثمان نجاتی، ترجمه: عباس عرب، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۶ش، ص ۵۸.

و این بدان معناست که راهکارهای درمان این امراض در قرآن کریم، با تحقیق و بررسی و مراجعه به اهل بیت) - بنا به مضمون «روایت ثقلین» - قابل شناخت خواهد بود. در این پژوهش تلاش شده است که راهکارهای مقابله با فشارهای روانی بر اساس این کتاب شفابخش مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف فشار روانی

معادل واژه فشار روانی در زبان فارسی، «تنیدگی» است که امروزه در گفتگوهای روزمره از واژه «استرس» نیز استفاده می شود. استرس (stress) واژه ای انگلیسی

برگرفته از Spingene به معنای در آغوش گرفتن، فشردن و بازگشودن است^۱ در اصطلاح روانشناسی، فشار روانی مجموعه نیروهای درونی (جسمی و روانی) است که بدن را خسته و فرسوده می کند. به بیان دیگر، مجموعه تأثیرات منفی محرکهای تنش زا در بدن انسان، فشار روانی نامیده می شود.^۲ در تعریفی ساده تر، فشار روانی چیزی

است که از خارج، بر فرد تحمیل می شود و ناراحتیهای جسمانی و روانی را در پی دارد.^۳ راه های مقابله با فشارهای روانی از منظر قرآن

امروزه به دلیل تغییر سبک زندگی انسانها، تنش و فشار به بخشی از زندگی تبدیل شده است و عوامل گوناگونی همچون خستگی، ناخوشی، بیماریهای جسمی و روانی، بی کاری، نارضایتی شغل، مشکلات اجتماعی، بحرانهای خانوادگی - نظیر طلاق، مرگ همسر، والدین یا فرزندان - ، اختلافها و دعوای خانوادگی، مسائل اقتصادی و معیشتی، قوانین و مقررات، سیاست و... می توانند برای افراد فشار روانی ایجاد کنند.

روانشناسان راهکارهای مختلفی برای مقابله با آنها ارائه داده اند؛ اما قرآن کریم برای مقابله با این فشارها و ریشه کنی آنها روشهای مختلفی را بیان نموده است که در سه حوزه روشهای شناختی، عاطفی-معنوی و رفتاری قابل تأمل و بررسی هستند.

الف) روشهای شناختی

در این روش، بر شناخت فرد نسبت به جهان و زندگی فردی و

۱. نگاهی قرآنی به فشار روانی، سید اسحاق حسینی کوهساری، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۳ش، ص ۴۴.
 ۲. فرهنگ توصیفی روانشناسی، فرانک بورنو، ترجمه: فرزانه طاهری و مهشید یاسایی، انتشارات ناهید، تهران، ۱۳۷۴ش، ص ۲۷۲.

۳. نگاهی قرآنی به فشار روانی، ص ۳۵.

اجتماعی تأکید می شود؛ فرد با استفاده از این شناختها در صدد مقابله با فشارهای روانی بر می آید و به کمک توانایی فکری و ذهنی خود، با مشکل مقابله می کند.

برخی از روشهای شناختی برای مقابله با فشارهای روانی عبارتند از:

۱. تقویت ایمان و باور

اولین و مهم ترین عاملی که در ایجاد تنیدگی و اضطراب نقش اساسی دارد و سلامت روان را به مخاطره می اندازد، ضعف باور و ایمان به خداوند و وعده های اوست؛ زیرا ایمان از ماده «امن» به معنای آرامش و طمأنینه روانی و زایل شدن ترس است.

در مقابل آن، اضطراب به معنای عدم ثبات عاطفی و وجود ترس و نگرانی است. «راغب اصفهانی» می گوید: «ایمان، همان تأیید و تصدیقی است که همراهش حالت امنیت است.» وی معتقد است: «به همین جهت به خداوند مؤمن گفته می شود؛ چون ایمنی بخش است.» به گفته وی: «اصل و ریشه کلمه ایمان، همان امنیت، آرامش و نداشتن

خوف، وحشت و اضطراب است.»^۲

با نگاهی به آیات قرآن کریم می توان دریافت که با تقویت ایمان می توان به مهم ترین ثمره آن؛ یعنی آرامش دست یافت و ترس، دلهره و تزلزل را از خود دور کرد و از اضطراب در امان ماند.

دین مبین اسلام با «زینت بخشی ایمان و محبوب ساختن آن در دل انسانها»^۳ جوهره سلامت و امنیت روانی را در فطرت اولیه انسان کار گذاشته و از وی خواسته است که پیوسته در تکاپوی رشد و توسعه آن

باشد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدْرِكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ**؛ «ای اهل

ایمان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می دهد؟ به خدا و پیامبرش ایمان آورید!» و

فرمود: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ**؛ «ای اهل ایمان! به خدا ایمان بیاورید!» سپس انسان را موظف به حفظ و جلوگیری از آلوده

۲. مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، نشر المرتضى، تهران، بی تا، صص ۹۲ - ۹۲.

۳. حجرات / ۷: **وَلِكَيْنَ اللَّهُ حَبْءَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَزِينَةً فِي قُلُوبِكُمْ**.

۴. صف / ۱۰ - ۱۱.

۵. نساء / ۱۳۶.

۱. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۱۴۹.

کردن آن به شرک، ظلم و گناه نموده است؛ زیرا ایمان، عامل اصلی امنیت و سلامت است :

[الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا ءِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولَئِكَ لَهُمُ الْاَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ]؛^۱ «کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را به ستمی نیامیختند، ایمنی برای آنان است، و آنان راه یافتگانند.»

خدای متعال وعده داده است که اهل ایمان را ایمنی بخشد : [وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا ... وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمِنًا]؛^۲ «خدا به کسانی که ایمان آورده اند وعده داده است که ... یقیناً ترس و بیمشان را به امنیت تبدیل کند.» و در آیات متعددی آرامش، و اطمینان قلبی را از آثار مهم ایمان دانسته است و می فرماید :

[الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ]؛^۳ «کسانی که ایمان آوردند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می گیرد.» و فرمود: [هُوَ الَّذِي اَنْزَلَ لَلسَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ]؛^۴ «اوست خدایی که آرامش را در قلب ایمان آورندگان فرود آورد.»

۲. کاستن از آرزوهای بلند و طولانی
از دیگر راه های مقابله با تنیدگی، کاستن از آرزوهای طولانی است؛ آرزوهایی که رسیدن به آنها از اندازه عمر یا توان و موقعیت فرد فراتر است و یا دنیا ظرفیت برآوردن آنها را ندارد. آرزوهای بلند، انسان را غرق در اوهام و خیالات کرده، از واقعیت‌های زندگی و اهداف مفید و سازنده دور می سازد و به این ترتیب ترس و نگرانی را بر انسان مستولی می کند. همچنین ذهن انسان را به خطا می اندازد و موجب غفلت از یاد خدا و سرگرم شدن به لذات مادی می شود. از این رو، قرآن کریم آن را مورد نکوهش قرار داده و خطاب به پیامبر اکرم (ص) می فرماید :

[ذُرُّهُمُ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهَهُمُ الْاَمَلُ فَسَوْفَ يَٰعْلَمُونَ]؛^۵ «بگذارشان تا بخورند و [با لذایذ مادی و زودگذر] کامرانی کنند، و آرزوها سرگرمشان نماید، پس خواهند فهمید.»

۳. توکل

یکی از بزرگ ترین نگرانیها و ترسهای بشر، تنهایی است . همواره آدمی در تلاش

۱. انعام / ۸۲.
۲. نور / ۵۵.
۳. رعد / ۲۸.
۴. فتح / ۴.

بوده است تا بر این ترس غلبه کند و برای خود تکیه گاهی امن بیابد. حال اگر قرار است در زندگی بر کسی تکیه و اعتماد کند، چه کسی بهتر از پروردگاری که راه های سعادت را پیش رویش گذاشته است؟

[وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا]؛^۱

«چرا نباید بر خدا تکیه کنیم، در حالی که ما را به راه های سعادت راهنمایی کرده است؟» قرآن کریم، هفیت مرتبه عبارت [وَأَعْلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ]؛^۲

«مؤمنان باید بر خداوند تکیه کنند.» را تکرار کرده است؛ زیرا توکل از ماده وکالت، به معنای سپردن و تفویض کارهای خود به دست با کفایت خداوند است.^۳ کسی که توکل دارد، به خداوند قادر، حکیم، رؤوف و شفیق، اتکا دارد. این اعتقاد موجب حالتی در شخص می شود که در تمام حالات و رفتار خویش، حضور پروردگار را در نظر گرفته، احساس قدرت و توانمندی می کند و خود را به وی وابسته می بیند. از این رو، در

دلش آرامشی ایجاد می شود که در حوادث سخت زندگی دچار شک و تردید نمی شود و کارهایی را که مدیریت و برنامه ریزی آنها خارج از تدبیر اوست، به خدا واگذار می کند.

این همه که مُرده و پزمرده
زان بود که ترک سرور کرده
ای
ای

هر که در بحر توکل غرق گشت
همتش از ما سوی الله در گذشت

۴. راضی شدن به مقدرات الهی اعتقاد به مقدرات الهی و تسلیم شدن در برابر آنها، از مهم ترین راه های مقابله با فشارهای روانی محسوب می شود.

راضی بودن به این مقدرات؛ یعنی آدمی در عقیده و اندیشه خود تسلیم خداوند باشد و حتی اندکی در برابر ارادة الهی شکوه نکند. چنین تسلیم شدنی در اعتقاد انسان ریشه دارد که بداند سر نوشت به دست خالق اوست و در تمام امور او را تنها نمی گذارد و در برابر مشکلات و سختیهای پیش آمده در زندگی او را یاری می رساند. روشن است که با چنین

۱. ابراهیم / ۱۲.
۲. مجادله / ۱۰؛ تغابن / ۱۳؛ آل عمران / ۱۲۲ و ۱۶۰؛ مائده / ۱۱؛ توبه / ۵۱ و ابراهیم / ۱۱.
۳. کتاب العین، خلیل بن أحمد فراهیدی، اسوه، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۴۰۵.

۴. مثنوی معنوی، جلال الدین محمد مولوی، انتشارات طلایه، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش، دفتر چهارم، بخش ۷۶، همان.

اعتقادی، حتی در برابر سخت ترین پیشامدها، ترس و اضطراب بر انسان چیره نمی شود: **[قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا]**؛^۱ «بگو: هرگز به ما جز آنچه خدا لازم و مقرر کرده، نخواهد رسید. او سرپرست و یاور ماست.»

۵. اعتقاد به رزاقیت خداوند نیازهای زیستی از مهم ترین نیازهای فیزیولوژیک انسان محسوب می شوند و چگونگی تأمین این نیازها همواره یکی از نگرانیهای عمومی بشر بوده است. بنابراین، چگونگی مقابله با این نگرانی به بهداشت و سلامت روان فرد کمک شایانی می کند. دین اسلام با ایجاد این اعتقاد که رزق هر کسی در دست خداست و او دانای روزی دهنده است، این ترس و نگرانی را از آدمی دور می سازد؛ زیرا خدا تأمین روزی انسان را وعده داده و می فرماید: **[وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ]**؛^۲ «و رزق شما و آنچه به آن وعده داده می شوید، در آسمان است.» و فرمود: **[وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابِ**

مُيِّنِينَ]؛^۳ «و هیچ جنبیده ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست، و [او] قرارگاه واقعی و جایگاه موقت آنان را می داند. همه در کتابی روشن ثبت است.» و باز می فرماید: **[وَ كَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَ إِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ]**؛^۴ «چه بسیارند جنبندگانی که قدرت ندارند [به دست آوردن] روزی خود را بر عهده بگیرند، خداست که به آنان و شما روزی می دهد، و او شنوا و داناست.»

۶. اعتقاد به عدالت الهی اعتقاد به عدالت خدای متعال یکی از اصول اساسی در دین اسلام است. مسلمانان بر مبنای اعتقاد به این اصل، معتقدند که خداوند خالق هستی، بهتر از هر کسی می داند که چه کسی ظرفیت چه چیزی را دارد. بنابراین، به هر موجودی به قدر شایستگی او عطا می کند: **[قَالَ رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى]**؛^۵ «پروردگار ما آن کسی است که به هر موجودی آن بهره از خلقت داد که شایستگی آن را داشت و سپس آن را در راهی

۳. هود/ ۶.
۴. عنکبوت/ ۶۰.
۵. طه/ ۵۰.

۱. توبه/ ۵۱.
۲. ذاریات/ ۲۲.

که باید برود،
راهنمایی کرد.»

این باور، تأثیر بسیار زیادی در نگرش مثبت انسان به جهان بر جای می‌گذارد و شخص معتقد به این اصل، حوادث پیرامون خود را بر اساس حکمت خداوندی می‌داند که عادل و تواناست و به هیچ کس ستم نمی‌کند. این طرز تفکر در فرد آرامش عمیقی ایجاد می‌کند.

ب) روشهای عاطفی و معنوی

در این روشها، فرد با خدا و اولیای دین نوعی ارتباط عاطفی برقرار می‌کند که انسان را در مواجهه با مشکلات و حل آنها یاری می‌رساند. اسلام برای مقابله عاطفی با فشارهای روانی راه‌های بسیاری ارائه می‌دهد، از جمله:

۱. یاد خدا

قرآن کریم «یاد خدا» را به عنوان یکی از راه‌های اصلی کسب آرامش و رهایی از اضطراب می‌داند و می‌فرماید: **[أَلَّا بِيذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ]**؛^۱ «آگاه باشید! دلها فقط با یاد خدا آرام می‌گیرد.» و در مقابل، دوری از آن را مایه گرفتاری و مشکلات بشر معرفی کرده، می‌فرماید: **[وَمَنْ أَعْرَضَ عَن**

ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً

ضَنْكًا]؛^۲ «و هر کس از

یاد من روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود.»

۲. دعا کردن

بنا به فرموده قرآن

کریم، یکی از

راهبردهای مقابله مؤثر

با سختیها و ناملايمات

زندگی «دعا» است: **[و**

قَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ

لَكُمْ]؛^۳ «و پروردگارتان

گفت: مرا بخوانید تا

شما را اجابت کنم.»

دعا به سبب ایجاد

پیوند عاطفی با خداوند

انسان را از تنهایی می

رهاند و یاری گر آدمی

است؛ زیرا دعاکننده می

داند با کسی صحبت می

کند که قادر، علیم و

مهربان است و می‌تواند

گرفتاریهای او را

برطرف سازد و این خود

باعث روشن شدن چراغ

امید در دل انسان و

برطرف شدن ناراحتیها

می‌شود.

قرآن کریم با اشاره

به وقایع ی مانند هبوط

حضرت آدم، زندانی شدن

یوسف صدیق، گرفتاری

یونس در شکم ماهی،

فرزنددار شدن زکریا

و... دعا را به عنوان

راهبرد مقابله مؤثر

معرفی کرده است. در

حقیقت دعا بهترین سپری

است که انسان در هنگام

رویارویی با بلاهای سخت

۲. طه / ۱۲۴.
۳. غافر / ۶۰.

۱. رعد / ۲۸.

در اختیار دارد.

۳. نماز خواندن

نماز پلی معنوی میان خالق و مخلوق و زنده کننده یاد خدا در دلها و آرامش بخش قلبهاست. نماز فرد را از فشارها و سختیها رهایی می دهد. خداوند در قرآن کریم می فرماید :

[وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ

الصَّلَاةِ]؛^۱ «از صبر و

نماز یاری بخواهید.»

یکی دیگر از ثمرات نماز، پی بردن به عظمت خالق بی همتاست. وقتی نمازگزار به قدرت و عظمت خالق خود پی ببرد، دیگر مشکلات

زندگی در نظرش حقیر می شود و خوف و استرس از

دلش رخت برمی بندد: [إِنَّ

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا

الصَّلَاةَ وَ ءَاتُوا الزَّكَاةَ

لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لَا

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ

يَخْزَنُونَ]؛^۲ «مسلماً کسانی

که ایمان آورده و

کارهای شایسته انجام

دادند، و نماز را به

پا داشته و زکات

پرداختند، برای آنان

نزد پروردگارشان

پاداشی شایسته و مناسب

است، و نه بیمی بر

آنان است و نه

اندوهگین می شوند.»

۴. روزه گرفتن

روزه نوعی تمرین

مقاومت در برابر

خواسته های نفسانی

است. با روزه داری

انسان خود را به خصلت

صبر - که بهترین یار

انسان در تحمل سختیهای

زندگی و جهاد با نفس و

مقاومت در برابر هواها

و شهوات نفسانی است -

آراسته می کند. علاوه

بر این، روزه با تأثیر

بر سلامت جسمانی، روی

سلامت روانی فرد نیز

مؤثر است؛ چرا که

روزه، یاد و ذکر

خداوند است و یاد و

ذکر خداوند علاوه بر

آنکه شهوات را کنترل

کرده و ذهن و جسم

انسان را خالص برای

خداوند می کند، در

تأمین بهداشت روان او

نیز مؤثر است: [يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ

الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَيَّ

الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ]؛^۳ «ای اهل

ایمان! روزه بر شما

مقرر و لازم شده، همان

گونه که بر پیشینیان

شما مقرر و لازم شد، تا

شاید پرهیزکار شوید.»

۵. انجام حج

حج از نظر روانی

چنان نیروی روحی عظیمی

به انسان می بخشد که

گرفتاریها را از او

دور کرده، وی را در

احساس آرامش و امنیت

فرو می برد. در واقع

انجام مناسک حج نوعی

تمرین برای تحمل

سختیها و نوعی مهارت

۳. همان/ ۱۸۳.

۱. بقره/ ۴۵.

۲. همان/ ۲۷۷.

در فروتنی است . با استفاده از لباس ساده حج، رابطه برادری میان مؤمنان تقویت می شود و با اجتماع بزرگ مسلمانان، این روابط دوستانه مستحکم می گردد . حج نیز تمرینی برای مهار کردن نفس و انگیزه های نفسانی است: **[فیه آیات بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ]**؛^۱ «در آن نشانه هایی روشن [از ربوبیت، لطف، رحمت خدا و از جمله [مقام ابراهیم است.»

این آیه می فرماید در خانه خدا نشانه های روشن بسیار است . نشانه های قداست و معنویت، خاطرات انبیاء از آدم تا خاتم، مطاف بودن برای انبیاء و ...^۲ و کسی که حج به جا می آورد با تفکر در این نشانه ها به بسیاری از حکمتها و فلسفه های مسائل عبادی پی می برد و این نقش بسزایی در سلامت روان او دارد.

۶. تلاوت قرآن

تلاوت قرآن یکی از مصادیق یاد خداست و انسان می تواند برای کسب آرامش و مقابله با سختیهای زندگی به آن پناه ببرد . قرآن کریم تلاوت این کتاب آسمانی را موجب ترفیع درجات ایمان معرفی می کند :

[إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ]؛^۳ «مؤمنان همان کسانی اند که چون خدا یاد شود، دلهایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود ، بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می کنند.»

همچنین برای اینکه بر ایمان مؤمنین افزوده شود ، آرامش را بر آنها نازل می کند :

[هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَ اللَّهُ جُنُودٌ أَلْسَمًا وَأَتِ وَالْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا]؛^۴ «اوست

آن کس که در دلهای مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست، و خدا همواره دانای سنجیده کار است.»

از جمع بندی این دو آیه می توان به این نتیجه رسید که آرامش و اطمینان نصیب آن قاریان قرآن و تلاوت کنندگانی می شود که از درجات ایمانی بهره مند باشند و هرچه انس آنها با قرآن بیش تر باشد، درجات ایمانشان بالاتر می رود و هرچه درجات

۱. آل عمران/ ۹۷.

۲. تفسیر نور، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، ۲۶، ص ۱۱۸.

۳. انفال/ ۲.

۴. فتح/ ۴.

ایمان بالاتر باشد ، آرامش ، اطمینان و امنیت بیش تری احساس می کنند.

۷. امید داشتن به رحمت الهی امید فرایندی است که به زندگی فرد پویایی می بخشد و به او کمک می کند تا هدفهای زندگی خویش را تعیین کند و برای رسیدن به آنها خسته نشود و از مشکلات پیش آمده نهراسد و انگیزه خود را از دست ندهد . شاید به همین علت است که در اسلام همواره امیدواری به رحمت الهی مورد تأکید قرار گرفته و یأس و ناامیدی مورد مذمت است . خداوند در

قرآن می فرماید : [لَا تَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْتِي مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ]؛ «و از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز گروه کافران از رحمت خدا مأیوس نمی شوند.» و می فرماید :

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ [۱]؛

«بگو: ای بندگان من که بر خود تجاوزکار بوده اید ! از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا تمام گناهان را می آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان

است.»

ج) روشهای رفتاری

مقصود از روشهای رفتاری، آن دسته از راه حلهای عملی و تمرینی است که بیش تر با جسم انسان سر و کار دارد و در اسلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله:

۱. صبر در عمل

صبر از مهم ترین ابزارهایی است که منجر به پایداری انسان در برابر حوادث پیش بینی نشده و همچنین مصونیت در برابر فشارهای روانی و حفظ سلامت روان در افراد می شود . با صبر می توان از پیامدهای منفی فشارهای روانی جلوگیری کرد . مفهوم صبر به عنوان فضیلتی غیر قابل انکار مورد توجه و تأکید قرآن کریم قرار گرفته است . خداوند در قرآن به صبر یعقوب، ایوب و ابراهیم) در مشکلات شدید اشاره کرده، صبر در برابر مشکلات و فقدانها را یکی از ویژگیهای مؤمنان معرفی می کند و آنان را به آسایش بشارت داده، می

فرماید : [وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَرِّ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمُ

۱. یوسف/ ۸۷.

۲. زمر/ ۵۳.

صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَ
أَوْلَانِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ]؛^۱ «و

بی تردید شما را با
سختیهای چون ترس و
گرسنگی و نقص اموال و
جانها و محصولات (اعم
از زن و فرزند و ...)
بیازماییم و بشارت و
مژده [آسایش از آن
سختیها]، با صابران
است. همان کسانی که
چون به حادثه سخت و
ناگواری دچار شوند،
صبوری پیش گرفته و می
گویند: ما به فرمان
خدا آمده ایم و باز به
سوی او رجوع خواهیم
کرد. آنانند که مخصوص
درود و الطاف الهی و
رحمت خداوندند و آنها
به حقیقت به سوی
خداوند هدایت
یافتگانند.»

۲. صله رحم و برقراری روابط
خانوادگی

انسان موجودی
اجتماعی و نیازمند
برقراری ارتباط با
دیگران است. صله رحم
می تواند احساس تنهایی
و طرد شدن را از فرد
دور کند. فرد با
برقراری ارتباط با
دیگران می تواند دوست
داشتن و دوست داشته
شدن را تجربه کند و به
این واسطه به یکی از
مهم ترین مؤلفه های
سلامت روان دست یابد و
از انزوا و تنهایی رها
شود.
با توجه به نقش مهم

حمایتهای اجتماعی در
کاهش و رفع تنشها، دین
مبین اسلام همواره بر
صله رحم سفارش کرده
است و شاید برای نشان
دادن اهمیت این مطلب،
خداوند در قرآن کریم
قاطع رحم را لعنت کرده
و فرموده است: [وَالَّذِينَ

يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ
مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ
اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ
فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ
الْعَنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ

الدَّارِ]؛^۲ «و کسانی که

عهد خدا را پس از
استوار کردنش می
شکنند، و پیوندهایی را
که خدا به برقراری آن
فرمان داده می گسلند،
و در زمین فساد می
کنند، لعنت و فرجام بد
و دشوار آن سرای برای
آنان است.»

۳. روابط اجتماعی سالم

نیاز به پیوند
اجتماعی در رأس
نیازهای انسانی به
شمار می آید؛ زیرا
انسان ناچار در محیطی
زندگی می کند که در
آن، ارضای تمام
نیازهای مادی و معنوی
اش بر تعامل با دیگران
متوقف است. حضرت علی(ع)
می فرمایند: «أَكْثَرُوا مِنَ
الْأَصْدِقَاءِ فِي الدُّنْيَا
فَانَّهُمْ يَنْفَعُونَ فِي الدُّنْيَا
وَ الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا
فَحَوَائِجُ يَقُومُونَ بِهَا وَ
أَمَّا الْآخِرَةُ فَاِنَّ أَهْلَ جَهَنَّمَ
قَالُوا [فَمَا لَنَا مِنْ

شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقِ حَمِيمٍ

[۱] در دنیا بر دوستان

خود بیفزایید؛ زیرا آنها در دنیا و آخرت برای شما نافع هستند؛ در دنیا نیازهایی وجود دارد که به وسیله آنها برطرف می شود و در آخرت دوزخیان می گویند ما را شفاعت کنندگان و دوست صمیمی نیست.»

این روابط اجتماعی، نیاز انسان به امنیت و آرامش را برطرف می کند و هرگاه مشکلات مادی و معنوی پیش می آید که امنیت انسان را به خطر می اندازد، به طوری که انسان به تنهایی نمی تواند آنها را برطرف کند، ناگزیر به افرادی مراجعه می کند که نیازهای او را برطرف نمایند.

اسلام همواره بر برقراری روابط اجتماعی سالم تأکید و سفارش کرده است. تأکید قرآن کریم بر مواردی که به استحکام روابط اجتماعی منجر می شود، خود به خوبی گواه این مطلب است. از جمله:

الف) سلام کردن :
إِيَّاهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرِ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ

خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛

«ای اهل ایمان ! به خانه هایی غیر از خانه های خودتان وارد نشوید مگر آنکه اجازه بگیرید، و بر اهل آنها سلام کنید، [رعایت این امور اخلاقی برای شما بهتر است، باشد که متذکر شوید.»

ب) احترام به یکدیگر : **إِيَّاهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَ إِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ ءُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ** [۱]؛ «ای

مؤمنان ! هنگامی که گویند: در مجالس [برای نشستن دیگر برادرانتان] جا باز کنید، پس جا باز کنید، تا خدا برای شما [در بهشت] جا باز کند. و چون گویند: برخیزید! بی درنگ برخیزید تا خدا مؤمنان از شما را به درجه ای و دانشمندان را به درجاتی [عظیم و باارزش] بلند گرداند، و خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است.»

ج) گوش دادن به سخنان یکدیگر: **إِيَّاهُ الَّذِينَ يُؤْذِنُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أَذُنٌ قُلٍّ أذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ رَحْمَةً يُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةً**

۱. شعراء/ ۱۱۰-۱۰۱.
 ۲. وسائل الشیعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، اسماعیلیه، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۷.
 ۳. قرآن و بهداشت روانی، ص ۱۷

۴. نور/ ۲۷.
 ۵. مجادله/ ۱۱.

لَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَ
الَّذِينَ يُؤَدُّونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ [۱]؛ «و از

منافقان کسانی هستند
که همواره پیامبر (ص)
را آزار می دهند و می
گویند: [شخص زودباور!
و] نسبت به سخن این و
آن سراپا گوش است.
بگو: او در جهت مصلحت
شما سراپا گوش خوبی
است. به خدا ایمان
دارد و فقط به مؤمنان
اعتماد می ورزد و برای
کسانی از شما که ایمان
آورده اند، رحمت است،
و برای آنانکه همواره
پیامبر خدا (ص) را آزار
می دهند، عذابی دردناک
است.»

(د) امر به معروف و
نهی از منکر: [كُنْتُمْ خَيْرَ
أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ]؛^۲
«شما بهترین امتی
هستید که [برای اصلاح
جوامع انسانی] پدیدار
شده اید؛ به کار
شایسته و پسندیده
فرمان می دهید و از
کار ناپسند و زشت
بازمی دارید، و [از
روی تحقیق، معرفت، صدق
و اخلاص] به خدا ایمان
می آورید.»

(ه) وفای به عهد: [وَ
أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ
كَانَ مَسْئُولًا]؛^۳ «و به عهد
و پیمان وفا کنید؛

زیرا [روز قیامت]
درباره پیمان بازخواست
خواهد شد.»

(و) عفو و گذشت: [وَ
الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ]؛^۴ «و
از [خطاهای] مردم در
می گذرند.»
۴. کار و فعالیت سالم
اجتماعی

مقصود از کار و
فعالیت اجتماعی، هر
نوع تلاش و کوشش برای
تولید در هر حوزه ای
اعم از فکری، هنری،
معنوی، جسمی و بدنی
است. کار و فعالیت
اجتماعی به روح انسان
نشاط و طراوت می بخشد
و او را از یأس و
افسردگی دور می سازد.
علاوه بر این، به واسطه
آن بسیاری از نیازهای
اصلی افراد تأمین می
گردد و بسیاری از
فشارهای روانی و مشکلات
جاری زندگی افراد را
مرتفع می سازد. در
بینش و نگرش قرآنی نیز
کار و تلاش از اهمیت
بالایی برخوردار است،
به گونه ای که خداوند
در قرآن کریم می
فرماید: [وَ أَنْ لَيْسَ
لِلنَّاسِ إِلَّا مَا سَعَى]؛^۵ «و
اینکه برای انسان جز
آنچه تلاش کرده [هیچ
نصیب و بهره ای]
نیست.»

۴. آل عمران/ ۱۳۴.
۵. نجم/ ۳۹.

۱. توبه/ ۶۱.
۲. آل عمران/ ۱۱۰.
۳. اسراء/ ۳۴.

نگاهی کوتاه به برخی از مبانی اندیشه‌های سیاسی

۲

اسلام



اسی

نگ

داود مؤذنیان



اشاره

در شماره گذشته (مبلغان ۱۸۷) با نگاه به برخی مباحث کتاب «پروتکل‌های دانشوران و زعمای صهیونیسم»، به مقایسه اندیشه سیاسی اسلام و یهودیت صهیونیسم پرداخته شد و در آن برخی واژه‌های سیاسی را از نگاه یهود صهیونیسم و اسلام مورد بررسی قرار دادیم. همانگونه که در مقاله نخست ذکر شد، هدف، مقایسه اندیشه‌های یهودیت صهیونیسم و اسلام در موضوعات واحد است، بنابراین از وارد شدن به تاریخچه و چرایی پیدایش پرتکل‌های یهودیت صهیونیسم خودداری کرده، به اصل

موضوع مورد نظر می‌پردازیم. در مقاله پیشین به بررسی سه قید از پرتکل اول یهودیت صهیونیسم (آزادی سیاسی، توده مردم، حاکمیت و نظام سیاسی) و نیز بررسی آن سه از منظر اسلام پرداختیم. در این نوشتار نیز سه قید دیگر از پرتکل اول که نخستین پرتکل از پرتکل‌های بیست و چهار گانه جهود است، را بررسی می‌کنیم.

۴. اخلاق و سیاست

در نخستین پرتکل یهود صهیونیسم آمده است: «محور سیاست از محور اخلاق جداست. این دو هیچ وجه اشتراکی ندارند. حاکمی که تابع اصول و روش اخلاقی باشد، سیاستمدار ماهر نیست و تا زمانی که بر سریر حکومت نشسته است، همواره متزلزل و در آستانه سقوط خواهد بود؛ ولی حاکم عاقلی که خواهان توسعه و

۱. صهیونیسم یک جنبش سیاسی و ملی‌گرایی یهودی است که در اواخر سده ۱۹ میلادی شکل گرفت؛ این جنبش که به نام «یهودیت صهیونیسم» نیز شناخته می‌شود، مهم‌ترین جنبش یهودی است که بسیاری از برنامه‌ریزیها و سیاست‌گذاری‌های یهودیان را انجام می‌دهد.

تحکیم حکومت خویش است، باید دو ویژگی داشته باشد: هوش قوی و مکر فریبنده. صفاتی چون رک گویی و امانت داری که گفته می شود جزء ویژگیهای والای ملی هستند، ه مگی در عالم سیاست از معایباند، نه از فضایل و به سقوط حکومت گران شتاب می بخشند. این صفات، برای حکومتها از هر دشمنی که در کمین آنها نشسته باشد، گول زننده تر و شکننده تر و در متلاشی کردن و از میان بردن آنها مؤثرتر است. زادگاه این ویژگیها، کشورها و حکومتهای گوییم (غیر یهود) است، پس این صفات از آنهاست و آنها به داشتن این صفات سزاوارترند. زنهار! زنهار! که ما چنین صفاتی را بپذیریم^۱..... ما باید هنگام تهی برنامه و نقش خود، آنچه را مفیدتر و ضروری تر است، رعایت و به اصول اخلاقی کم تر توجه کنیم.»

شاید یکی از عللی که چهره سیاست در نظر برخی زشت جلوه کرده و سیاستمدار نزد آنان فردی منفی معرفی شده، القای همین باور جدایی

اخلاق از سیاست باشد. شریعت اسلام، سیاست را در هیچ یک از شئونش خالی از اخلاقی نمی داند؛ بلکه آن را با اصول اخلاقی کاملاً همراه دانسته، مبتنی بر محور اخلاق شمرده است.

اخلاق و سیاست اسلامی
قرآن کریم اهداف عالی حکومت صالحان را گسترش فضایل اخلاقی و انهدام رذایل دانسته است و می فرماید: **[الَّذِينَ اِنْ مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّوُا الزَّكَاةَ وَ اَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُورِ]**؛ «همان کسان که اگر در زمین به آنان قدرت ببخشیم، نماز بپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند که فرجام کارها از آن خداست.»

قرآن نخستین شرط شایستگی رهبران منصوب از طرف خویش را عصمت دانسته است و آشکارا، رهبری ستمگران را حرام می داند: **[قَالَ لَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ]**؛ «عهد (حکومت و امامت) من به ستمگران نمی رسد.» از نظر اسلام، صالحان کسانی هستند که به هنگام رسیدن به قدرت، جامعه را اصلاح می کنند، نماز بپا می دارند، زکات می دهند، امر به

۱. پروتکل های دانشوران صهیون، برنامه عمل صهیونیسم جهانی، نویض عجاج، ترجمه: حمیدرضا شیخی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ش، ص ۲۵۳.
۲. همان، ص ۲۵۴.

۳. حج / ۴۱.
۴. بقره / ۱۲۴.

معروف می کنند و در برپایی نظامی استوار بر مبنای اصول اخلاقی می کوشند. قدرت، آنان را به طاغوتی جدید تبدیل نمی کند و ارتباط شان با خدا و خلق خدا محکم است؛ چراکه «صلاة» نمونه روشن پیوند با خالق و «زکات» رمزی برای پیوند با خلق و امر به معروف و نهی از منکر، پایه های اساسی ساختن يك جامعه سالم به شمار می آیند و همین چهار صفت برای معرفی این افراد کافی است تا در سایه آن، دیگر عبادات و اعمال صالح و ویژگیهای يك جامعه با ایمان و پیشرفته فراهم شود.

امر به معروف و نهی از منکر، حفظ وحدت، عزت، استقامت، خیرخواهی، رازداری، تولی و تبری و تألیف قلوب، که از اصول و مبانی اولیه نظام سیاسی اسلام می باشند، همگی در راستای محور اخلاق بنا شده اند. در نظام سیاسی اسلام، اخلاق و سیاست آنچنان با هم پیوند دارند که پیامبر اسلام (ص) که خود حاکم حکومت اسلامی بودند، می فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْخَلْقِ»^۲ به

راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام.» و نیز در سیره حکومتی امام علی(ع) که به گواه تاریخ و حتی اعتراف اندیشمندان غیر مسلمان، از جمله «جرج جرداق» مسیحی، موفق‌ترین الگوی حکومتی است، اخلاق و سیاست پیوندی ناگسستنی دارند.

امام علی(ع) می فرماید: «وَاللَّهِ مَا مُعَاوِيَةُ بِأَذْهَى مِنِّي وَ لَكِنَّهُ يَغْدِرُ وَ يَفْجُرُ وَ لَوْ لَا كِبْرَاهِيَةُ الْغَدْرُ لَكُنْتُ مِنَ أَذْهَى النَّاسِ وَ لَكِنْ كُلُّ غَدْرَةٍ فَجْرَةٌ وَ كُلُّ فَجْرَةٍ كُفْرَةٌ وَ لِكُلِّ غَادِرٍ لَوَاءٌ يَغْرَفُ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ مَا اسْتَغْفَلُ بِالْمَكِيدَةِ وَ لَا اسْتَغْمَرُ بِالشَّدِيدَةِ»^۳ به خدا قسم! معاویه زیرک تر از من نیست؛ ولی او خیانت می ورزد و گناه می کند و اگر غدر و مکر نکوهیده نبود، من از زیرک ترین مردمان بودم؛ ولی هر نیرنگی معصیت و هر معصیتی نوعی کفر است و هر نیرنگ بازی را در قیامت نشانه ای است که به آن شناخته می شود. سوگند به خدا! من با مکر و حيله غافلگیر نمی شوم و با شدت و سختی ناتوان نمی گردم.»^۴ چراکه در راه و رسم حضرت و هر آن کس که خودساخته است، شایسته آن است که

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۱۱۸.
۲. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، نشر شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق/۱۳۷۰ش، ص ۸.

۳. نهج البلاغه، سید رضی، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۸ق، خطبه ۲۰۰.

جامعه را بسازد، لذا آن حضرت فرمود: «مَنْ سَأَسَ نَفْسَهُ أَذْرَكَ السِّيَاسَةَ»^۱ هر کس که نفسش را ساخته باشد، سیاست را درک کرده (و می تواند جامعه را بسازد).»

یهودیان صهیونیزم می پندارند که لازمه سیاست، مکر فریبنده است و صفاتی چون امانت داری، صداقت و ... که از ویژگی‌های والای اخلاقی هستند، همگی در عالم سیاست از معایباند، نه فضایل و به سقوط حکومتگران شتاب می بخشند و حاکمی که تابع اصول و روش اخلاقی باشد، سیاستمدار ماهری نیست. چه کسی می تواند ادعا کند که در علم سیاست از چهار رده معصوم) داناتر و سیاست مدارتر است؟ تعبیر «زیارت جامعه کبیره» در شأن اهل بیت (و «سَاسَةَ الْعِبَادِ» است.

همچنین فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَدَّبَ نَبِيَّهُ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ □ ثُمَّ فُيِّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لِيَسُوسَ؛ خداوند پیامبرش را نیکو تربیت کرد و چون تربیت او را تکمیل نمود، فرمود: تو دارای خلق عظیم هستی.

سپس امر دین و امت را به او واگذار کرد، تا سیاست بندگان را بر عهده گیرد.»

آن حضرت در ادامه می فرماید د: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) كَانَ مُسَدِّدًا مُوَفَّقًا مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدْسِ لَا يَزُلُ وَلَا يُخْطِئُ فِي شَيْءٍ ۳ هَمَانَا رَسُولُ خُدا (ص) استوار، موفق و مؤید به روح القدس بود و در سیاست و تدبیر مردم، هیچ گونه لغزش و خطایی نداشت.»

پیامبر اکرم (ص) نیز در روایتی می فرماید: «نَحْنُ سَيِّدَةُ الْعِبَادِ وَ نَحْنُ سَيِّدَةُ الْبِلَادِ وَ نَحْنُ نِوَامِيسُ الْعَصْرِ وَ أَحْيَاؤُ الدَّهْرِ؛ سیاستمداران بندگان و شهرها، ما (پیامبر(ص) و اهل بیت) هستیم و ما ناموسها و برگزیدگان روزگاریم.»

امام صادق (ع) نیز خود را این گونه معرفی می کند: «نَحْنُ أَحْيَاؤُ الدَّهْرِ وَ نَوَامِيسُ الْعَصْرِ وَ نَحْنُ سَيِّدَةُ الْعِبَادِ وَ سَيِّدَةُ الْبِلَادِ؛ ما برگزیدگان دهر و ناموسهای زمان و بزرگان بندگان و سیاستمداران تمام شهرها هستیم.»

صاحبان عصمت که مظهر اخلاق و تجلی اسمای حسنای الهی هستند، در عین سیاستمداری، آن هم

۱. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد تمیمی آمدی، مصحح سیدمهدی رجایی، دار الکتاب الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق، ص ۵۹۱.

۲. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، مؤسسه تاریخ العربی، بیروت، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۴.

۳. هم ان.

۴. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، دارالکتب الاسلامی، تهران، چهارم، ۱۳۸۹ش، ج ۲۵، ص ۲۳.

۵. همان، ج ۲۶، ص ۲۵۹.

به شکل اتم و اکمل آن، لحظه ای پا را از مسیر حق و اصول اخلاقی بیرون نمی گذارند و سیاست آنها عین اخلاق و دیانت شان بوده است.

حضرت علی (ع) در نامه اش از مالک اشتر می‌خواهد که ارگزارانی را برگزیند که تقوا، دانش و سیاست را جملگی با هم داشته باشند: «فَاِصْطَفِ لِبَوْلَايَةِ اَعْمَالِكِ اَهْلَ الْوَرَعِ وَالْعِلْمِ وَالسِّيَاسَةِ»^۱ کارگزارانت را از میان اهل تقوا، علم و سیاست انتخاب کن!

مدیر و سیاستمدار شایسته در مکتب اسلام باید سه شاخصه اخلاق، علم و سیاست را با هم داشته باشد؛ یعنی کسی که حتی یکی از این سه شاخصه را نداشته باشد، سزاوار حکومت نیست. ایشان در همان نامه می‌فرماید: «قَوْلٌ مِّنْ جُنُودِكَ اَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلّٰهِ وَ لِرَسُوْلِهِ وَ لِاِمَامِكَ...»^۲ و اجمعه علماً و سیاستاً؛ باید برگزیده ترین سپاهت، کسی باشد که برای به دست آوردن خشنودی خدا و رسول و پیروی از امام و پیشوایت، تلاش و کوشش او از همه بیش تر بوده، از نظر علم و سیاست نیز جامع ترین مردم باشد.

از دیدگاه امام علی (ع) سیاست چنان با اصول اخلاقی آمیخته است

که اگر تمام اقلیمهای هفت گانه را به او بدهند، حاضر نیست حتی به اندازه گرفتن پوست جویی از دهان مورچه پای خود را از صراط مستقیم و حدود الهی و مرزهای اخلاقی بیرون گذارد.

امام خمینی! در کتاب «ولایت فقیه» می نویسد: «شخصی در زندان آمد نزد من و گفت: سیاست عبارت است از بد ذاتی، دروغ گویی و خلاصه پدر سوختگی، و اینها در شأن شما نیست. این را بگذارید برای ما، و شما به امور دینی بپردازید!» امام! در ادامه می فرمایند: «راست هم می گفت؛ اگر سیاست عبارت از اینها است، مخصوص آنها می باشد؛ ولی اسلام که سیاست دارد، مسلمانان دارای سیاست اند و ائمه که ساسة العباد هستند، غیر این معنایی است که او می گفت.»^۳

اصول سیاستمداری ائمه را باید در کلام و سیره آنان، مخصوصاً در مدت حکومت امیرالمؤمنین (ع) جستجو کرد تا برای حکمرانان و فرمانروایان سراسر تاریخ درس باشد.

۵. زور و فریب
یهودیان صهیونیزم بر این باورند که امور را

۳. ولایت فقیه، سید روح الله موسوی (امام خمینی)، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، تهران، پانزدهم، ۱۳۸۸ش، ص ۱۴۰.

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳.
۲. همان.

باید با زور، مکر و فریب اداره کرد؛ آنها می گویند: «حق ما سرچشمه اش زور و قدرت است»... شعار ما باید زور و فریب مردم باشد تا آنچه را فریبکارانه به خوردشان می دهیم، به عنوان یک امر صحیح بپذیرند و در درستی آن تردید نکنند. تنها زور می تواند در میدان سیاست پیروز شود.»

آنها این شعار را یک اصل دانسته، از آن در تمام شئون سیاسی، اجتماعی و... استفاده می کنند. از این رو، در جریان دروغین «هولوکاست» با خرج هزینه های بالای تبلیغاتی و رسانه ای، این افسانه را به عنوان یک واقعیت به مردم القا می کنند و هرگز اجازه تحقیق درباره آن را به کسی نمی دهند و اگر کسی منکر این افسانه شود، محاکمه و حتی زندانی می شود. چه بسیارند محققان و افراد مشهوری که به خاطر تحقیق و یا اعلام دروغ بودن این داستان، مورد آزار و حتی ترور قرار گرفته اند. این در حالی است که بدترین توهینها به ساحت مقدس پیغمبر اکرم (ص) را نه تنها دلیلی برای محاکمه نمی

دانند؛ بلکه به بهانه آزادی بیان، به چنین اقدامات موهنی ارزش و اعتبار نیز می بخشند.

دیدگاه اسلام

اسلام، مکتب نفی زور و فریب و تأیید عدالت و صراحت است: [إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ]؛ «خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبان آن برسانید و هنگامی که میان مردم حکم می کنید، از روی عدالت حکم کنید.»

در بخش دوم آیه، به دستور مهمی اشاره شده و آن مسئله «عدالت در حکومت» است. و نیز به حضرت داود (ع) امر شده است: [يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ]؛ «ای داود! همانا ما تو را در زمین جانشین قرار دادیم، پس میان مردم به حق حکم کن.» با توجه به این آیه شریفه:

الف) دین از سیاست جدا نیست: «إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً»؛

ب) حکومت بر مردم باید بر اجرای عدالت در میان ایشان و دوری از زور، ستم، فریب و حيله استوار باشد:

«فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ».

۳. نساء / ۵۸.
 ۴. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۴۳۰.
 ۵. ص / ۲۶.

۱. پروتکل های دانشوران صهیون، برنامه عمل صهیونیسم جهانی، ص ۲۵۳.
 ۲. همان، ص ۲۵.

ستم از جمله عوامل
مه م زوال و نابودی
جوامع است . عهد الهی
بر این است که تا
حکومت و جامعه ای از
مسیر حق خارج نشده و
به بی راهه زور، ظلم،
حیله و فریب نرفته
باشد، باقی و پایدار
باشد: [وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي
الْقُرَى إِلَّا وَ أَهْلِهَا
ظَالِمُونَ]؛^۱ «و ما هیچ
گاه آبادی را هلاک
نکردیم، مگر آنکه اهل
آن ظالم بودند.» و نیز
می فرماید: [مَا كَانَ رَبُّكَ
لِيَهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَ
أَهْلِهَا مُضِلْحُونَ]؛^۲ «چنین
نبود که پروردگارت
آبادیها را به ستم
نابود کند، در حالی که
اهلش در صدد اصلاح بوده
باشند.»

پس زور و فریب از
ویژگیهای حکومت جاهلان
است و چنین حکومتی
همواره در معرض نابودی
و فروپاشی است . به
تعبیر امیرالمؤمنین
علی (ع): «ذَوْلَةُ الْجَاهِلِ
كَالْغَرِيبِ الْمُتَحَرِّكِ إِلَى
النَّقْلَةِ»؛^۳ دولت نادان
همانند بیگانه حرکت
کننده به سوی انتقال
است.»

پرهیز از ظلم، اصلی
از اصول حضرت علی (ع) و
خلقی از اخلاق ایشان
بوده و همین ویژگی با
اندیشه کلی آن حضرت
پیوند ناگسستنی داشته

است؛ اندیشه ای که بر
پایه مردم دوستی، وفای
به عهد و نگهداری
پیمان استوار بود، مگر
آنکه مردم خیانتی در
پیمان کرده، بی رحمی
پیشه سازند؛ که این
روش در منطق امام (ع)
قابل اغماض نبود: «وَ
اللَّهُ مَا كَتَمْتُ وَ شَمَّةٌ وَ لَا
كَذِبْتُ كِذْبَةً»؛^۴ به خدا
سوگند! هرگز به اندازه
سر سوزنی حقیقت را
کتمان نکرده و هیچ
گونه دروغی نگفته ام.»^۵

از دیدگاه حضرت،
ساحت سیاست مورد رضای
الهی از کذب، فریب و
انحراف افکار عمومی به
دور است: «ذِمَّتِي يَمَا
أَقُولُ زَهِينَةٌ وَ أَنَا بِهِ
زَعِيمٌ»؛^۶ آنچه را می
گویم، به عهده می گیرم
و خود به آن پایبندم.»
از دید امام متقیان (ع)،
ممکن است حکومت بر
پایه کفر استوار
بماند؛ اما بر پایه
ظلم هرگز: «الْمَلِكُ يَبْقَى
مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ
الظُّلْمِ»؛^۷ حکومت با کفر
باقی می ماند؛ ولی با
ستم باقی نمی ماند.»

در اسلام «عدل» معیار
سیاست است؛ چنانچه
امیرمؤمنان علی (ع) می
فرماید: «مِلَاكُ السِّيَاسَةِ

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۶.
۵. امام علی و حقوق بشر، جرج
جرداق، مترجم: سید هادی
خسروشاهی، انتشارات سوره،
تهران، اول، ۱۳۷۹، ص ۲۰۱.
۶. همان.
۷. مکارم اخلاق، ابوجعفر محمد
نیشابوری، به کوشش محمدتقی
دانش پژوه، انتشارات دانشگاه
تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۱ش،
ص ۱۲۵.

۱. قصص/ ۵۹.
۲. هود/ ۱۱۷.
۳. شرح غرر الحکم و درر الکلم،
جمال الدین محمد خوانساری،
انتشارات دانشگاه تهران،
تهران، سوم، ۱۳۶۰ش، ج ۴، ص ۹.

الْعَدْلُ؛^۱ معیار سیاست، عدالت است «و عدل هرگونه خودکامگی، استثمار، استعمار، مکر، حيله و فریب را برنمی‌تابد؛ بلکه نگهدارنده مردم و نی ز موجب قوام حکومت است؛^۲ **«الْعَدْلُ قِوَامُ الرِّعِيَّةِ»**؛ عدل، نگهدارنده مردم است.» و نیز فرمود:^۳ **«الْعَدْلُ نِظَامُ الْإِمْرَةِ»**؛ عدل، نظام دهنده حکومت است.»

این عبارات گوشه ای از سخنان گهربار امیر مؤمنان (ع) در نفی زور و فریب در سیاست و تأکید بر صداقت، صراحت، نرمی و عدالت کارگزاران در حکومت است که ناچاریم برای جلوگیری از اطالة کلام از ذکر بیش تر آنها چشم‌پوشی کنیم.

۶. رسیدن به هدف؛ به هر قیمتی

قید بعدی اعتقادات یهود صهیونیسم این است: «هدف وسیله را توجیه می‌کند، بنا بر این اصل، ما باید هنگام تهی‌ه برنامه و نقش‌ه‌خ‌ود، آنچه را مفیدتر و ضروری‌تر است، رعایت کنیم و به اصول اخلاقی توجه کم‌تری نشان دهیم... باید زور و نیز مکر و تزویری که گفتیم، شعارمان باشد، و به عنوان اصل اساسی تلقی کرد. آن

حکومتهایی که نمی‌خواهند تاج و تختشان به دست نمایندگان یک نیروی جدید تاراج شود، باید این اصل را رعایت کنند. این شر تنها وسیله ای است برای رسیدن به هدف خیر. از این رو، نباید در استفاد ه از رشوه، تزویر و خیانت - اگر ما را در تحقق بخشیدن به هدف کمک کنند - تردیدی به خود راه دهیم.»

آنها با همین استدلال به انواع جنایات دست زده و برای رسیدن به اهداف شان از هرگونه حيله و نیرنگی فروگذار نیستند؛ چراکه در نگاه آنان، هدفی که در پی آن هستند، نیازمند وسایل و ابزار (مشروع یا نامشروع) است که همگی با توجه به اصل «هدف موجب توجیه وسیله است» موّجه و مشروع هستند.

اندیشه اسلام

در نگاه اسلام، این فکر مردود است و هرچند هدف مقدس و والا باشد، وسیله و راه رسیدن را توجیه نمی‌کند. قرآن کریم درباره مقدس‌ترین هدف اسلام (تبلیغ و دعوت بشریت به این آیین الهی) استفاده از هر روشی را جایز نمی‌داند و می‌فرماید: **[لَا إِكْرَاهَ فِي**

۱. عیون الحکم و المواعظ، لیثی واسطی، دار الحدیث، قم، ۲۳۷۶ ش، ص ۴۸۶.
 ۲. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۶.
 ۳. همان، ص ۴۶.

۴. پروتکل‌های دانشوران صهیون، برنامه عمل صهیونیسم جهانی، صص ۲۵۴ - ۲۵۷.

الدِّين [۱]؛ «در (پذیرش) دین، هیچ گونه اجبار و اکراهی نیست.» معنای «اکراه» آن است که کسی را به اجبار و ادار به کاری کنند.

در اسلام پذیرش دین با زور ممنوع است و این اصلی است که ثابت می کند با هر وسیله ای نمی توان به هدف رسید، هرچند هدف مقدس باشد، لذا فرمود: **[أَدْعُ إِلِي سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ**

الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ] [۲]؛ «مردم را با حکمت و موعظه حسنه به سوی پروردگارت دعوت کن.» در نگاه

متعالی اسلام نه تنها اصل حکومت باید مشروع باشد؛ بلکه ابزار و لوازم حفظ، گسترش و اداره آن نیز باید مشروع باشند و این

مشروعیت، تنها در مسیر حق فراهم است: **[وَ إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ]** [۳]؛ «و هنگامی که میان مردم حکم می کنید، از روی عدالت حکم کنید.»

شهید مطهری! در کتاب «سیری در سیره نبوی (ص)» می نویسد: «در اوایل حکومت حضرت امیر(ع)، مغیره بن شعبه - لعنه الله - نزد حضرت می آید و پیشنهاد می

دهد که فی الحال به معاویه کاری نداشته باشد و برای مصلحت، حتی مدتی او را تثبیت کند تا حکومت حضرت تثبیت شود، سپس وی را برکنار کند. حضرت فرمود: من چنین کاری نمی کنم؛ برای اینکه اگر بخواهم معاویه را، ولو برای مدتی موقت تثبیت کنم، معنایش این است که من معاویه را، ولو در این مدت موقت، صالح می دانم؛ ولی من او را صالح نمی دانم و در این زمینه به مردم دروغ هم نمی گویم، تحمیل هم نمی کنم. وقتی دید حرفش اثر نمی کند، گفت: من هم فکر کردم دیدم که همین کار را باید بکنید، حق با شماست. مغیره این را گفت و نزد معاویه رفت و از اصحاب وی و دشمنان امیرالمؤمنین شد.»

سپس شهید مطهری می افزاید: «چرا عده ای نمی خواهند سیاست علی(ع) را بپذیرند؟ چون می بینند يك سیاست انعطاف ناپذیری دارد (به این معنا که) هدفی دارد و وسیله هایی. حق را او هدف دیده؛ وقتی می خواهد به آن حق برسد، در هر گام از وسیله ای که حق باشد، استفاده می کند تا به آن هدف حق برسد؛ ولی دیگران اگر هم هدف شان

۵. سیری در سیره نبوی، شهید مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، تهران، دوم، ۱۳۶۶ش، ص ۱۰۶.

۱. بقره/ ۲۵۶.
۲. ترجمه تفسیر المیزان، علامه سید محمدحسین طباطبایی، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، پنجم، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۵۲۳.

۳. نحل/ ۱۲۵.
۴. نساء/ ۵۸.

فرض کنیم حق است، دیگر به وسایل اهمیت نمی دهند، می گویند: هدف درست باشد.»^۱

در جنگ صفین، هنگامی که شریعه فرات به دست یاران معاویه افتاد، آب بر روی سپاه امام علی (ع) بستند از آن به عنوان ابزار فشار استفاده کنند؛ اما همین که شریعه به دست سپاه امیرالمؤمنین (ع) افتاد، با آنکه حضرت می توانست با بستن آب بر روی دشمن آنها را لااقل به سختی بیندازد؛ ولی این کار را نکرد و اجازه استفاده از آب را به دشمنش داد تا به بشریت درس سیاست به معنای آزادگی و حقیقت جویی داده باشد و به جهانیان این پیام را بدهد که هدف، توجیه کننده هیچ وسیله ای نیست؛ چراکه راه و منش دین بر این است که:

«مَنْ عَمِلَ بِالْحَقِّ مَالَ إِلَيْهِ الْخَلْقُ»؛ هر کس به حق عمل کند، مردم به وی تمایل یابند.»

در کربلا نیز امام حسین (ع) زودتر به فرات می رسد و پس از ایشان، سپاه حر بن یزید ریاحی می آید. امام دستور می دهد سربازان و اسبهای سپاه حر را سیراب کنند؛ اما وقتی همان شریعه به

دست دشمن می افتد، حتی از آب دادن به کودکی چند ماهه نیز خودداری می کنند؛ بلکه به جای آب، او را با خونش سیراب می نمایند. شاید این عقل حسابگر ظاهربین روزمره، به امام خورده بگیرد؛ اما این عقل کجا و آن قله های بلند و باشکوه دانش و علم لدنی امام (ع) کجا؟

بنابراین، سیاست در اندیشه سیاسی اسلامی با اخلاق و اصول انسانی پیوندی ناگسستنی دارد. اشتهار حضرت علی (ع) در تاریخ سیاسی به ارزش محوری و فضیلت مداری است و همین ویژگی، وجه تمایز آن حضرت با تمام سیاستمداران تاریخ است.

گرچه معاویه نماد سیاستمدار زیرک دانسته می شود که با زیرکی به رویارویی با امام علی و فرزندش، امام مجتبی (ع) برمی خیزد؛ اما با توجه به مبانی سیاسی اسلامی، سیاست معاویه ماهیتی شیطانی و به عبارتی نماد حفظ و کسب قدرت با هر وسیله ای است؛ زیرا در نگاه او، قدرت هدف است، پس هر ابزاری برای به دست آوردن آن مشروع می باشد.^۲

دیدگاه متعالی امیرالمؤمنین (ع) در باب

۱. همان.
۲. شرح غرر الحکم و درر الکلم، جمال الدین محمد خوانساری، ۵ ص ۳۳۹.

۳. اندیشه سیاسی در گفتمان علوی، گروهی از نویسندگان، انتشارات بوستان کتاب، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۵ش، ص ۵.

هدف حکومت در مقاله نخست تا اندازه ای تبیین گشت، بنابراین، از پرداختن دوباره به آن می پرهیزیم و تنها به یک فرمایش از ایشان بسنده می کنیم . ابن عباس می گوید: پیش از جنگ جمل به خدمت امام (ع) رسیدم . ایشان در حال پینه زدن به کفش خویش بود . چون مرا دید، فرمود: «**مَا قِيَمَهُ هَذِهِ النَّعْلُ**؛ قیمت این کفش چند است؟» عرض کردم: «**لَا قِيَمَةَ لَهَا**؛ هیچ قیمتی ندارد .» حضرت فرمودند: «**وَاللَّهِ لَهِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَمْرَتِكُمْ إِلَّا أَنْ أَقِيمَ حَقًّا أَوْ أَدْفَعُ بَاطِلًا**؛^۱ به خدا سوگند! این کفش بی ارزش نزد من محبوب تر است تا حکومت بر شما، مگر آنکه حقی را برپا سازم، یا باطلی را براندازم.»

در نگاه مولای متقیان (ع) حاکمیتی که هدفش خدمت به توده مردم و برآورده کردن نیازهای آنان و برقراری عدالت اجتماعی نباشد، از کفشی پینه زده بی ارزش تر است؛ بلکه ایشان حکومت را وظیفه ای الهی می دیدند که برای پرداختن به نیازمندیهای امت تشکیل شده باشد، نه تنها برای حکومت کردن، استبداد، بیدادگری و قدرت طلبی؛ یعنی نه آنگونه که حاکمان پیش از او و خلفای بنی امیه

و بنی العباس می پنداشتند و نه آنگونه که یهودیت صهیونیسم بر آن است.

ادامه دارد...

پاسخ به شبهات و هابیت

۱

شبهات باب

توحید و خداشناسی

اداره کل فرق و ادیان

محمد جواد حاجی ابوالقاسم

م

ظاهر غلط انداز آنها را خوردند و گمان می‌کردند که تلاش شیعیان برای پاسخ به شبهات آنها، مقابله کردن با اهل سنت است؛ اما بعد از مدت‌ها پنهان کاری، نقاب از چهره کریه و هابیت برداشته شد و در سوریه و عراق، به کشتار مسلمانان - شیعه و سنی - پرداختند و با جنایات خود، بر همگان ثابت کردند که عقیده آنها، از عقیده تمام مسلمانان جداست. در چنین وضعیتی، پاسخ به شبهات و هابیت آسان تر است. در اینجا ضروری است به شبهاتی که آنها در طول سالهای اخیر، با دروغ و تزویر بین فرق مختلف اسلامی پخش کرده اند، پاسخ داده شود، تا همانطور که در بُعد نظامی، مسلمانان بر ضد آنها متحد شده اند در بُعد اعتقادی نیز چنین شود.

سالهاست وهابیون با نفوذ در میان فرقه های مختلف اسلامی، به القای شبهه می پردازند، به ویژه در سالهای اخیر که با استفاده از شبکه های ماهواره ای، اینترنت، رادیوهای مختلف و نشریاتی چون کتاب، مجله، روزنامه و... شبهات زیادی را در موضوعات مختلف بین مسلمانان پخش میکنند. اولین مشکلی که در برخورد با وهابیون به چشم می خورد، تظاهر آنها به سنی بودن است. آنها در ظاهر ادعا می‌کردند که طرفدار اهل سنت و در مقابل، دشمن شیعیان هستند، تا بتوانند جنگ مذهبی را بین مذاهب مختلف راه بیندازند؛ ولی در باطن، عقاید شیعه و سنی را زیر سؤال می‌بردند. متأسفانه به خاطر موج تبلیغات ی که به راه انداخته بودند،

مجموعه حاضر، پاسخ به ۱۲ شبهه اعتقادی است که در رسانه های مختلف وهابی، بارها و بارها به آن پرداخته شده و در حجم گسترده ای آنها را مطرح کرده اند. این شبهات به ترتیب اصول دین (توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد) دسته بندی شده و در هر قسمت، ابتدا سؤال به صورت کامل مطرح گشته، و سپس به بیان پاسخ آن پرداخته شده است و در مرحله بعد، در مقابل این سؤال، سؤال دیگری برای پرسیدن از طرف مقابل مطرح شده است تا طبق قواعد صحیح مناظره و بحث علمی، هرگاه شخصی به مناظره با وهابیون یا طرفداران نظریات آنها پرداخت، بعد از پاسخ دادن به سؤال آنها، سؤال نیز از آنها پرسد.

سؤالات باب توحید و خداشناسی

۱. چرا شیعیان،

اعتقاد به تجسیم خداوند دارند؟ آیا خدا را به صورتی که جوان می‌پندارند؟

در بعضی از سایتهای مخالف شیعه، روایتی را از کتاب «کافی» نقل کرده و مدعی شده اند که امام هشتم

شیعیان (ع)، خدا را به یک جوان و به اصطلاح عربی «الشاب الموفق»

تشبیه کرده است و این را به معنی اعتقاد ما

به تجسیم دانسته اند.

پاسخ:

هر کس مختصر آشنایی با سیره وهابیون داشته باشد، می‌داند که آنها همیشه برای دور کردن ذهن مردم از اشتباهات عقیدتی خودشان، دیگران را به اعتقاداتی مَثَم می‌کنند که دروغ است و واقعیت ندارد و برای اثبات این ادعا، به روایات ضعیف مخالفین استدلال کرده و آن را به عنوان اعتقاد مخالفین بیان می‌کنند! و یا اگر روایات معتبر باشند، آن را تحریف کرده و به دروغ ادعا می‌کنند که چنین اعتقادی در کتب مخالفین وهابیت موجود است! در این اشکالی که به معتقدات شیعه وارد کرده اند - که اکنون در فضای مجازی آنها رواج فراوانی یافته است - هر دو نوع دروغ ب ه کار رفته است؛ زیرا:

اولاً: روایت مورد

اشاره در سؤال مذکور، اگرچه در اصول کافی آمده است؛ ولی سند آن

مخدوش است؛ زیرا سند

آن چنین است: «محمد بن ابي عبدالله، عن محمد بن إسماعيل، عن الحسين بن الحسن، عن بكر بن صالح، عن حسن بن سعيد، عن إبراهيم بن محمد

۱. معجم رجال الحديث، سيد ابولقاسم خوئي، مدينة العلم، بيروت، ۱۹۸۹ م، ج ۶، ص ۲۳۰.

الخزاز^۱ و محمد بن
الحصین^۲ قالا...»
در این سند در یکی
از طبقات آن «الحسین
بن الحسن» است که نزد
علمای شیعه مورد
اعتماد نیست، و در
طبقه ای دیگر «ابراهیم
بن محمد الخزاز» و
«محمد بن الحصین» که
هیچ یک از آن دو در
کتب شیعه توثیق
نشده اند!

ثانیاً: اصل اِتهام
مطرح شده بر ضد شیعه،
غیر صحیح است و برای
دور کردن اذهان
مسلمانان از اعتقاد
خود و هابیت به تجسیم
طرح شده؛ چرا که متن
این روایت به صراحت
تجسیم را نزد ائمه
شیعه نفی می‌کند:

ابراهیم بن محمد
خزاز و محمد بن حصین
گفتند: به نزد
ابوالحسن الرضا (ع)
رفتیم و برای او نقل
کردیم که پیامبر (ص)،
خدا را به صورت یک
جوان خوش‌سیما دیده است
که در حدود سی سال سن
داشته! حضرت سجده کرده
و فرمودند: خدایا! تو
را نشناختند و تو را
یکتا ندانستند! و به
همین دلیل تو را
(چنین) وصف کردند.
منزهی که اگر تو را
می‌شناختند، همانطور که

خود وصف کردی، تو را
می‌ستودند... سپس به ما
نگاه کرد و فرمود:
هرچه را خواستید،
می‌توانید تصور کنید؛
اما بدانید که خدا را
نمی‌توانید اینگونه
تصور کنید! سپس
فرمود: ما خاندان
محمد (ص)، گروه میانه‌رو
هستیم که اگر کسی
زیاده روی کند، به ما
نمی‌رسد و واماندگان از
ما پیشی نمی‌گیرند! ای
محمد! وقتی پیامبر (ص)
به عظمت پروردگار خویش
نگاه کرد، خود در صورت
جوانی خوش‌سیما و حدود
سی ساله بود. ای محمد
! خدا بزرگ‌تر از آن
است که در صفت مخلوقین
باشد! گفتیم: فدای شما
گردم! چه کسی بود که
(در آن دیدار) پاهایش
در سبزه بود؟ (ایا خدا
چنین بود؟)

حضرت فرمود: او محمد
بود که وقتی خدا به
قلب او نگاه (رحمت)
می‌کرد، در دلش نوری
مانند نور حجابها قرار
داد تا بتواند آنچه را
در حجاب قرار دارد،
ببیند، و بعضی از
انوار الهی سبز و برخی
سرخ و برخی سفیدند و
برخی نیز رنگ دیگری
دارند. ای محمد! هرچه
کتاب و سنت به آن
شهادت دهد، ما نیز آن
را قبول می‌کنیم.

۳. «عن ابراهیم بن محمد الخزاز
و محمد بن الحصین قالا: دخلنا
على ابي الحسن الرضا فحكينا

۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۵.
۲. صحیح آن «محمد بن الحصین
اهوازی» است که توثیق ندارد.
همان، ج ۱۶، ص ۲۸۴.

در نتیجه این روایت، هم از جهت سندی ضعیف است و هم می گوید که خدا به شکل جوان نیست؛ یعنی دقیقاً مخالف آنچه وهابیون ادعا کرده بودند.

اما سؤال ما : آیا اعتقاد ابن تیمیه به اینکه خداوند به شکل جوان مو فروری و گندمگون است، با اعتقادات اسلامی سازگار است؟

ابن تیمیه - رهبر فکری گروه های سلفی - در کتاب «بیان تلبیس الجهمیة» آورده است : «و در این روایت که از ابن ابی داود روایت شده، آمده است که از ابن عباس سؤال شد: آیا محمد (ص) خدای خویش را دیده است؟ پاسخ داد : آری! (خدا را) به شکل

یک جوان در پشت لباسی از مروارید دید، گویی پاهای او در سبزه زار است!»

من به ابن عباس گفتم: آیا در قرآن که می گوید: «چشمها او را در نمی یابد و اوست که چشمها را در می یابد، و او بخشنده و آگاه است.» (ردّ این روایت شما نیست؟) گفت: ای بی مادر! آن چیزی که نمی توان آن را دید، نور خداست که اگر خدا مانند نور تجلی کند، چشم او را در نمی یابد. این روایت نشان

می دهد که پیامبر، خدا را دیده و خبر داده است که خدا در چهره جوانی بود که لباسی بر تن داشته و گویا پاهای او در سبزه زار است! همچنین نشان می دهد که اینگونه دیدن است که (به تفکر بعضی) با آیه تعارض دارد، و این همان دیدنی است که ابن عباس آنچنان پاسخ آن را داد (که ندیدن خدا مربوط به نور خدا است) و لازمه این روایت ابن تیمیه آن است که پیامبر، خدا را با چشم دیده است!

همانطور که در حدیث صحیح از «قتاده» از «عکرمه» از ابن عباس آمده است: پیامبر (ص)

۱. بیان تلبیس الجهمیة، ابن تیمیه، چاپ مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف المملكة العربية السعودية، مدینه منوره، ۱۴۲۶ ق، ۷، ص ۲۸۹.

له: أن محمّد . رأى ربّه في صورة الشابّ الموفّق في سنّ ابناء ثلاثين سنة . . . فخر ساجداً لله ثمّ قال : سبحانك ما عرفوك ولا وحّ دوک! فمن أجل ذلك وصفوك . سبحانك لو عرفوك لوصفوك بما وصفت به نفسك . . . ثمّ التفت إلينا فقال: ما توهمتم من شيء فيتوهموا الله غيره، ثمّ قال: نحن آل محمد النمط الأوسط الذي لا يدركنا الغالي ولا يسبقنا التالي. يا محمّد! إن رسول الله . حين نظر إلى عظمة ربّه كان في هيئة الشابّ الموفّق و سنّ ابناء ثلاثين سنة . يا محمّد! عظم ربّي عزّ وجلّ أن يكون في صفة المخلوقين، قال قلت: جعلت فداك! من كانت رجلاه في خضرة؟ قال: ذاك محمّد كان إذا نظر إلى ربّه بقلبه جعله في نور مثل نور الحجب، حتى يستبين له ما في الحجب . إن نور الله منه أخضر و منه أحمر و منه أبيض و منه غير ذلك . يا محمّد! ما شهد له الكتاب و السنّة فنحن القائلون به . «الكافي» ، كليني ، دار الحديث، قم ، ۱۴۲۹ ق، ج ۱، ص ۲۴۸.

فرمود : پروردگارم را
در صورت جواني دیدم که
هنوز ریش در نیاورده
بود، موهاي فراواني
داشت، گندمگون بود و
حالت موهايش مانند اهل
زنگبار بود، و در باغي
سبز بود!

آيا اين جملات صريح
از ابن تیمیه که
وهايون او را برترين
عالم خویش مي دانند،
ادعای وجود روایي تي
صحيح در باب تجسیم
نیست؟! قطعاً خوانندگان
گرامي با دقت در اين
دو روایت داوري ميکنند
که کدام يك از شيعيان
يا وهابيت اعتقاد به
تجسیم دارند و اتهامات
مطرح شده در سايتهاي
وهايي، چه مقدار صحيح
و مستند است؟!

ادامه دارد...

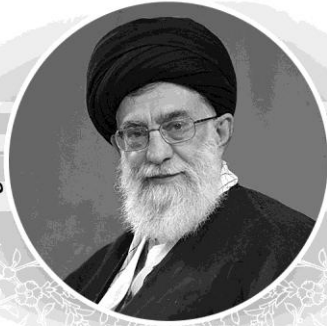
۱. «و في هذا الخبر من رواه
ابي داود أنه سئل ابن عباس هل
رأي محمد ربه؟ قال نعم، قال:
وكيف رأيته؟ قال: في صورة شاب
دونه ستر من فوق، كأن فيه
في خضرة، فقلت: ما ابن عباس:
أليس في قوله «من فوق» إشارة
و هو يدر الأضواء وهو اللطيف
الخبير العام (١٠٢٧) قال: لا،
أم لك ذلك من رواية غيره،
إذا تجلى بنوره الذي هو نور،
هذا يدل على أنه رأى وأخبر
أنه رأى في صورة شاب دونه ستر،
وقدميه في خضرة وأن هذه
الرؤية هي المعارضة بالآية
المحاج عنها بما تقدم، فيقتضي
أنها رؤية عين كما في الحديث
الصحيح المرفوع عن قتادة عن
عكرمة عن ابن عباس قال: قال
رسول الله: رأيت ربي في صورة شاب
امرء له وفرة جعد ققط في روضة
خضراء.» بيان تلبیس الجهیة، ج ٧،
ص ٢٩٠.



پاسخ از

پرسش از شما

مقام معظم رهبری علیه السلام



مشکلات معیشتی مردم و مذاکرات هسته‌ای دولت

سید محمدعلی تقوی - گروه جهادی «مقاومت»

سؤال: این روزها به واسطه تحریمهای ظالمانه آمریکا و غرب علیه ملت ایران و نیز معضلات موجود در مدیریت اقتصادی، مردم با مشکلات معیشتی زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. راه برون رفت از این بحران چیست؟

پاسخ: انتظار به حق مردم ما این است که از یک اقتصاد شکوفا برخوردار باشند. رفاه، عمومی باشد. طبقه ضعیف از وضعیّت غیرقابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند. اینها انتظارات مردم ماست و این انتظارات، به حق

امروزه پیرامون موضوعات گوناگون اجتماعی، برای مردم سؤالات و شبهاتی پیش می‌آید که بایستی برای آنها جوابی صحیح و دقیق ارائه کرد تا اذهان عمومی دچار تشویش و کج اندیشی‌ها نشود. یکی از بهترین وجوه پاسخ دهی، پاسخ از لسان بزرگان و مراجع دینی است که علاوه بر اتقان و صحت، در پذیرش آن از سوی مخاطب تأثیر به‌سزایی نهفته است.

در این مقاله برخی از سؤالات مطرح شده در جامعه، حول موضوع «مشکلات معیشتی و مذاکرات هسته‌ای» مطرح شده و از فرمایشات مقام معظم رهبری > پاسخ‌هایی ضمیمه گردیده

۱. ذکر دو نکته در اینجا ضروری است:
الف) فرمایشات مقام معظم رهبری > برگرفته از سایت دفتر ایشان به نشانی www.khamenei.ir است و عبارات و جملاتی که بر آن افزوده شده، با علامت [] نشانه‌گذاری شده است.
ب) در ذکر مآخذ سخنان مقام معظم رهبری > به تاریخ سخنرانی اکتفا شده و علاقمندان می‌توانند با مراجعه به سایت مذکور، محل سخنرانی و حاضرین در آن را ملاحظه نمایند.

است . اقتصاد کشور نیازمند یک حرکت جدی و یک کار بزرگ است؛ [لکن] با گفتن و حرف زدن حل نمی شود؛ اقدام و ابتکار عمل لازم است.^۲

در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان دو جور نگاه وجود دارد: یک نگاه می گوید که ما پیشرفت اقتصادی را باید از ظرفیتهای درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم . ظرفیتهای بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیتهای استفاده نشده یا درست استفاده نشده است . از این ظرفیتهای استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا . اقتصادی که مایه خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از تواناییهای مردم خودمان به دست می‌آورد .

نگاه دوم به اقتصاد کشور نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزهاست . می گوید سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود . با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند . تحمیل قدرتهای مستکبر

را در بخشهای گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند . این هم نگاه دوم است . امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است . . . امروز خارجیها و رؤسای قدرتهای مستکبر می خواهند همین نگاه دوم را در مردم ما تقویت کنند .^۳

سؤال : علت ناکارآمدی نگاه دوم چیست؟ به خصوص آنکه بخشی از مشکلات، ناشی از تحریمهای هدفمند دولتهای غربی است . به نظر حضرتعالی آیا نمی‌توان با تعدیل در سیاست خارجه این فشارها را کاهش داد؟

پاسخ : کشوری که اقتصاد خودش را بسپرد دست سیاست‌گذاران و طراحان و برنامه‌ریزان خارج از محدوده مصالح او، حال آینده آن کشور معلوم است . کشور باید با نیروی درونی اداره بشود . با نیروی انسانی ما، هوش جوانان ما، با اینها باید اداره بشود . اگر این شد، هیچ قدرتی در دنیا قادر نخواهد بود که سرنوشت اقتصادی کشور را یا هر آنچه به اقتصاد کشور ارتباط پیدا می‌کند، در دست بگیرد و ملعبه

۱. بیانات مقام معظم رهبری >، تاریخ ۹۴/۱/۱ .
۲. بیانات معظم له، تاریخ ۱۳۹۴/۰۲/۰۹ .

۳. بیانات معظم له، تاریخ ۹۴/۱/۱ .

خودش قرار بدهد.^۱ همین تحریمهایی که امروز علیه ملت ایران اعمال می شود، دلیل محکم و متقنی است بر غلط بودن این نگاه؛ یعنی شما وقتی که به امید قدرتهای خارجی نشستید تا آنها بیایند اقتصاد شما را رونق بدهند و با زیر بار آنها رفتن، اقتصاد را رونق بدهید، آنها به حد کم قانع نیستند. وقتی که شما نگاه می کنید به بیرون، مواجه می شوید با یک مسئله ای مثل کاهش قیمت نفت. ناگهان قدرتهای مستکبر با همراهی ایادی منطقه ای خودشان - متأسفانه - به این نتیجه می رسند که قیمت نفت را به نصف و گاهی کم تر از نصف برسانند. شما مواجه می شوید با یک چنین مشکلی. وقتی نگاه به بیرون باشد، این است. وقتی شما نگاه به درون کردید، دیگر این جور نیست.^۲

[از سوی دیگر [تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی. دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست؛ یک جنگ تمام عیار

اقتصادی است که متوجه ملت ماست. علت آن هم، نه مسئله هسته ای است، نه مسئله حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل؛ علت آن را خود آنها هم می دانند، ما هم می دانیم؛ علت،

استقلالخواهی ملت ایران است. علت، داشتن یک حرف نو بر پایه مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملتهای مسلمان الگو خواهد شد. می دانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه ها و میدانها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمی شود گرفت و این یک حرکت مهمی است. مسئله این است. حالا بهانه، یک روز انرژی هسته ای است، یک روز غنی سازی است، یک روز حقوق بشر است، یک روز حرفهایی از این قبیل است.^۳

سؤال: بسیاری از صاحب نظران سیاسی معتقدند که تنش زدایی در سیاست خارجه و

اعتمادسازی و تعامل با جامعه جهانی، می تواند در حل مشکلات کشور نقش آفرین باشد. نظر حضرتعالی در این خصوص چیست؟

پاسخ: تفاهم و همدلی ما با دنیا و سیاست تنش زدایی - که با هر کسی که در صدد تنش با ما نباشد، ما

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۷/۳۰.

۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۴/۱/۱.

۳. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۱۲/۲۰.

با او در صدد تنش نیستیم و با هر کسی که میل به همکاری با ما داشته باشد، همکاری می‌کنیم - چیزی است که همه دنیا این را می‌دانند. مواضع ما مواضع روشنی است.^۱

[لکن] مسئله این است که وقتی تفکر اسلامی و پایه اسلامی به مرحله عمل رسید و بنا شد نظام، حکومتی تشکیل دهد، این با خط‌کشی‌ها و محاسبات رایج نظم مادی جهان، ناسازگاری خواهد داشت. این چیز قهری و طبیعی است. هر قدر هم ما ظواهر سیاسی را درست کنیم و تنش‌زدایی و امثال آن را مطرح کنیم، مشکل اساسی آنها را از بین نمی‌برد.

بنده موافق نیستم که تعبیر دروغین «جامعه جهانی» را در مقابل جمهوری اسلامی - که دشمنان ما به کار می‌برند - به کار ببریم.^۲ خارجیها هم همین جور دچار توهم اند. الفاظ در غیر معانی خودشان به کار می‌روند. سردمداران کشورهای مستکبر - چند تا دولت مستکبر - می‌نشینند درباره نظام جمهوری اسلامی اظهارنظر

می‌کنند و اینجور وانمود می‌کنند که جامعه جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است. کدام جامعه جهانی؟ کدام جامعه جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است؟ چهار

تا، پنج تا دولت مستکبر - که غالباً ملتهای خودشان هم حرف آنها را قبول ندارند - با نظام اسلامی، با جمهوری اسلامی مخالف اند. نظامهایی که در پنجه کمپانی دارهای صهیونیست است، توی مشت زالوهای بین‌المللی است، البته که با جمهوری اسلامی - که

فریاد عدالت سر داده است - مخالف اند. باید هم مخالف باشند. آن روزی که شبکه اختاپوسی سرمایه داری جهانی از ما تعریف کند و با ما مخالف نباشد، آن روز ما باید عزا بگیریم. جامعه جهانی، ملتها هستند. جامعه جهانی دولتهای مظلومی هستند که جرأت و دلیری اظهار مخالفت را ندارند و اگر فضا پیدا کنند، آنها هم مخالفت خواهند کرد. جامعه جهانی دانشمندان و

اندیشمندان و متفکران و عالمان و خیرخواهان و آزادی‌خواهانی هستند که در همه دنیا متفرق

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۸۰/۶۶/۲۷.

۲. بیانات معظم له، تاریخ ۸۳/۶۶/۲۷.

۳. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۶/۳۱.

۴. بیانات معظم له، تاریخ ۸۸/۱۱/۲۸.

اند و حقیقت را می فهمند و آن را ستایش می کنند.^۱

می گویند : ایران باید اعتماد جامعه جهانی را جلب کند...؛ یعنی اعتماد ما را؛ یعنی اعتماد آمریکایی ها را! ما نمی خواهیم اعتماد آمریکا را جلب کنیم . ما اصلاً به اعتماد آمریکا هیچ احتیاجی نداریم . ما نیاز نداریم شما به ما اعتماد کنید . اعتماد شما به ما، هیچ اهمیتی برای ما ندارد. ما هم به شما اعتماد نداریم. مردمتان هم به شما اعتماد ندارند.^۲

در همان روزها [ی پیروزی انقلاب هم] یک نظریه این بود که ما به نحوی با استکبار کنار بیاییم! کسانی که این نظریه را بیان می کردند، آدمهای بدی نبودند؛ بلکه ساده اندیش بودند و می گفتند کنار بیاییم تا ضرر آنها را از خود دفع کنیم؛ اما پاسخ این سؤال را نمی دادند که این کنار آمدن و کوتاه آمدن و عقبنشینی کردن سنگر به سنگر، تا کجا باید ادامه پیدا کند؟ ملت ایران باید چه کار کند که آمریکا از او راضی شود؟ چقدر

باید از ارزشهای خود صرف نظر کند تا آمریکا بگوید: دیگر با شما کاری ندارم؟ شاید بعضی از آنها حتی فکر نمی کردند که استکبار به حدی هم قانع نیست. در جنجال اخیر فعالیت های هسته ای ایران [مربوط به ابتدای دهه ۸۰ ش] دیدید که قدم به قدم شروع کردند به جلو آمدن . اول گفتند : ایران باید پروتکل الحاقی را قبول کند . بعد گفتند : باید فلان اطلاعات را بدهد . بعد پا را فراتر گذاشتند و گفتند : اصلاً ایران نباید فناوری هسته ای داشته باشد! عقبنشینی در مقابل مجموعه ای که زور مادی دارد؛ اما مطلقاً ذخیره اخلاقی در وجودش نیست، تا از این زور به شکل ظالمانه استفاده نکند، راه علاج نیست. راه علاج، منحصر شده بود در مقاومت.^۳

سؤال : این روحیه انقلابی چگونه با سیاست «نرمش قهرمانانه» که مورد تأیید و تأکید حضرتعالی است، جمع می شود؟

پاسخ : نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است؛ لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۲/۳۱

۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۴/۹/۶

۳. بیانات معظم له، تاریخ ۸۲/۷/۲۲

از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمانها باشد.^۱

این کشتی گیری که دارد با حریف خودش، کشتی می گیرد و یک جاهایی به دلیل فتی نرمشی نشان می دهد، فراموش نکند که طرفش کیست. فراموش نکند که مشغول چه کاری است. این شرط اصلی است. بفهمند که دارند چه کار می کنند. بدانند که با چه کسی مواجه اند. یا چه کسی طرف اند. آماج حمله طرف آنها کجای مسئله است.^۲

ما تعبیر «نرمش قهرمانانه» را به کار بردیم، يك عده ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمانها و هدفهای نظام اسلامی معنا کردند. بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب نشینی از اصول خودش متهم کنند. اینها خلاف بود. اینها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصود است. به معنای این است که سالک راه خدا - در هر نوع سلوکی - به سمت آرمانهای گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت

می کند؛ به هر شکلی و به هر نحوی هست، باید از شیوه های متنوع استفاده کند، برای رسیدن به مقصود: [وَمَنْ يُؤْلَمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ]؛^۳ [و هر کس در آن هنگام به آنها پشت کند - مگر آنکه هدفش کناره گیری از میدان برای حمله مجدد، و یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) بوده باشد - (چنین کسی) به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاه او جهنم است، و چه بد جایگاهی است!] هرگونه حرکتی - چه حرکت به جلو، چه حرکت به عقب - مثل میدان رزم نظامی، باید به دنبال رسی دن به اهداف از پیش تعیین شده باشد.

اگر روحیه انقلابی را از دست دادیم، در دنیا پیش نمی رویم... آن چیزی که این نظام را عظمت می بخشد و قدرت می دهد و برای آن احترام برانگیز است و به طور ناخواسته دشمنان، موجب می شود راه ها روی نظام باز شود، کوشش و حضور انقلابی و تمسک به اندیشه های انقلابی است. این را باید در همه

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۶/۱۴.
۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۶/۲۶.

۳. انفال/ ۱۶.
۴. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۸/۲۹.

کارهای دیپلماسی مان، حتی در حرف زدنها و مصاحبه کردنها، حفظ کنیم. یکی از خصوصیات این روحیه، پرهیز از حالت دفاعی در مسائل سیاسی است. هیچ موضع دفاعی ای، موضع خوبی نیست. موضع بسیار بدی است. موضع، باید موضع قوی و متعزّضانه ای باشد. در همهٔ مسائلی که دنیا به شما تعرّضی می‌کند و تلنگری می‌زند، مشت بزنید... [البته] نمی‌خواهم بگویم تندیهای بی‌وجه بکنید و بگویید: فلانی می‌گوید فحش بدهید. نه خیر، اشتباه نشود. در مسائل دیپلماسی و در سخنرانی، در اینجا و آنجا، نه من خودم اهل فحش دادن هستم و نه این را به دیگران توصیه می‌کنم. من می‌گویم: شما تیزتر از شمشیر و نرم تر از حریر و سختتر از سنگ و پولاد باشید. واقعاً دیپلماسی، دیپلماسی میدان نرّمشهای قهرمانانه است. نرم باشید؛ منتها نرّمشی که تیز است. سؤال: این نگاه ارزشی مانع استفاده از ظرفیتهای دیپلماسی و انزوای ما نخواهد شد؟ پاسخ: [خیر!] این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی

خودمان پابند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب می‌مانیم؛ ابدأ. در این دوره‌های مختلف، بوده‌اند کسانی در عرصهٔ دولتی خودمان، در بخشهایی از دیپلماسی و غیر دیپلماسی و حتی در بخشهایی از روحانیت خودمان، که در این مسائل تردید پیدا کردند که حالا پابندیهای ارزشی ما چقدر اجازه می‌دهد که ما در زمینهٔ دیپلماسی موفق باشیم! نه، ما تجربه کردیم، دیدیم هرچه پابندی ما بیش تر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیش تر خواهد شد.

دیپلماسی ما باید با روحیة انقلابی همراه باشد؛ یعنی اسلام انقلابی. این است که به ما بُرش می‌دهد. امروز ملت‌های جمهوری اسلامی خوششان می‌آید؛ به خاطر موضع مستقل اسلامی شجاعانه‌اش. این باید محفوظ باشد. در جاهای مختلف دنیا، مردم از مسئولان جمهوری اسلامی که این شجاعت را، این استقلال را، این نترسی را بیش تر بروز می‌دهند، بیش تر خوششان می‌آید. خب، این نشانهٔ این است که راه این

۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۰/۷/۱۰/۷

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۷۵/۵/۱۷

است.^۱
 [علاوه بر این
 انزوا به معنای
 دیپلماتیک و رایج آن
 در دنیا، آنچنان مضر
 نیست که انزوی از
 ملتها مضر است. امروز
 آمریکا به حسب ظاهر
 منزوی نیست. حضور
 سیاسی و حتی حضور
 نظامی او در همه جای
 این منطقه محسوس است؛
 اما در حقیقت منزوی
 است؛ چرا؟ چون ملتها
 که تعیین‌کننده و
 تصمیم‌گیرنده‌اند، همه
 از حضور آمریکا و
 سیاستهای آمریکا متنفر
 و بیزارند. این انزوا
 مضر است. جمهوری اسلامی
 در دنیای اسلام این
 انزوا را ندارد. شما
 الان هر جای دنیای اسلام
 بروید، خواهید دید که
 مردم، دل‌هایشان برای
 جمهوری اسلامی می‌تپد.
 این واقعیت است. امروز
 در سرتاسر دنیای اسلام،
 جمهوری اسلامی مطرح
 است. علت هم این است
 که بر سر حرف و شعار
 اصلی خود - که اسلام
 است - ایستاده است.^۲
 [آری!] برای خیلی
 ها که بین انقلابی‌گری
 و برخورد منطقی منافات
 می‌بینند، عمل انقلابی
 همراه با تشکیلاتی
 منطقی و دقیق و حساب
 شده، قابل جمع نیست.
 ما مشاهده می‌کنیم که

اینها می‌تواند با هم
 جمع شود. انقلابی‌گری
 به این نیست که ما
 آنجایی که نباید پرخاش
 کنیم، بی‌خودی پرخاش
 کنیم. انقلابی‌گری به
 آن است که ما مواضع
 اسلامی و انقلابی را
 قاطعانه و بدون
 رودربایستی و مرعوب
 شدن و خام شدن در
 مقابل برخی از چهره‌های
 امیدبخش کاذب، حفظ
 کنیم. وقتی توانستیم
 خط روشن مواضع انقلابی
 و اسلامی را دقیقاً حفظ
 کنیم و مرعوب قدرتها
 نشویم و با کسی
 رودربایستی نداشته
 باشیم و فریب نخوریم،
 در حقیقت به ممشای
 انقلابی و اسلامی توجه
 کرده‌ایم.

سؤال: ظرفیت مذاکرات هسته‌ای
 را برای کاهش تحریمها چگونه
 ارزیابی می‌فرمایید؟

پاسخ: من همواره
 طرفدار ابتکار در
 سیاست خارجی و مذاکره
 بوده و هستم و توصیه
 همیشگی من به مسئولان
 این بوده که در سیاست
 خارجی و مبادلات
 بین‌المللی هرچه تلاش و
 ابتکار وجود دارد، به
 کار بندند؛ اما نباید
 نیازمندیهای کشور و
 برخی مسائل همچون
 تحریمها، به مذاکره
 گره زده شود.^۳
 فکر اساسی این است

۱. بیانات معظم له، تاریخ
 ۹۴/۶/۳
 ۲. بیانات معظم له، تاریخ
 ۸۳/۱۲/۲۷

۳. بیانات معظم له، تاریخ
 ۶۸/۵/۳۱
 ۴. بیانات معظم له، تاریخ
 ۹۳/۲/۲۱

که کاری کنید که کشور از آخم دشمن ضربه نبیند. از تحریم دشمن لطمه نخورد؛ ... و الا اگر چنانچه چشم ما به دست دشمن باشد که : آقا، اگر اینکار را نکردی، تحریم باقی می ماند [فایده ای ندارد].^۱ من بارها این را عرض کردم، در جلسات عمومی و همچنین در جلسات خصوصی با مسئولین دولتی، نگاهشان به دست بیگانه نباشد. بله، امروز دشمنان برای ملت ایران با تحریم مشکل درست کرده اند؛ خب، حالا اگر آمدند شرط برداشتن تحریم را یک چیزی قرار دادند که شما غیرت نمی گنجد که آن را انجام بدهی، چه کار می کنید؟ شرط می گذارند دست از اسلام بردارید، دست از استقلال بردارید، دست از حرکت به سوی علم بردارید، دست از فلان پدیده افتخارآمیز بردارید تا ما تحریم را برداریم؛ شما چه کار می کنید؟ قطعاً قبول نمی کنید. یقیناً هیچ مسئولی در کشور قبول نمی کند که شرط برداشتن تحریمها، مثلاً فلان مسئله اساسی و فلان مسئله آرمانی باشد، البته دشمن فعلاً

نمی آید با آرمانها معارضة صریح بکند؛ چرا، اگر ما عقب نشینی کردیم، به صراحت هم می رسد؛ اما امروز این جور نیست که دشمن صریح بیاید با آرمانها معارضة بکند و شرط قرار بدهد؛ لکن باید هوشیار بود. فهمید که این پیشنهاد، این حرف، این اقدام ازسوی دشمن با چه هدفی دارد انجام می گیرد.

خب، هیچ مسئولی معلوم است که راضی نیست و موافق نیست که در مقابل دشمنان کوتاه بیاید و برای اینکه مثلاً تحریمها برداشته بشود یا کم بشود، از آرمانها دست بردارد. خیلی خب، حالا که این جور است، پس شما بیایید کاری کنید که کشور در مقابل تحریمها مصونیت پیدا کند.^۲ [وگرنه] مذاکره در عرف آمریکاییها و قدرتهای سلطه گر به معنای این است که بیایید بنشینیم گفتگو کنیم تا شما حرف ما را قبول کنید. هدف مذاکره این است. نمی گویند بیاییم بنشینیم مذاکره کنیم تا ایران ادله خودش را بیان کند، ما از فشار روی مسئله هسته ای دست برداریم،

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۱۰/۱۷.

۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۱۰/۱۷.

از تحریم دست برداریم، از دخالت‌های امنیتی و سیاسی و غیره دست برداریم. می گویند: بیایید مذاکره کنیم تا ایران حرف ما را قبول کند! خب، این مذاکره که به درد نمی خورد. این مذاکره که به جایی نمی رسد. حالا گیرم دولت ایران رفتند، نشستند با آمریکاییها مذاکره کردند. وقتی هدف این است، این چه مذاکره ای است؟ خب، معلوم است که ایران از حقوق خودش دست بردار نیست. هر جایی که در اثنای مذاکره ببینند طرف مقابل یک حرف منطقی‌ای می زند و آنها کم می آورند، در مقابل ایران همان جا مذاکره را قطع می کنند. می گویند: ایران حاضر نیست حرف بزند! شبکه‌های خبری و سیاسی هم دست آنهاست، تبلیغات می کنند. این را ما تجربه کردیم. در این ده - پانزده سال گذشته، دو - سه مرتبه اتفاق افتاد که آمریکاییها سر یک موضوع مشخصی به مسئولین ما پیغام دادند، اصرار کردند که یک امر خیلی لازم فوری فوتی واجب است، بیایید بنشینیم یک صحبتی بکنیم. خب، مأمورین دولتی - معمولاً

یک نفر، دو نفر - رفتند یک جایی نشستند صحبت کردند. به مجرد اینکه حرف منطقی اینها بیان شد و آنها جوابی نداشتند، یکجانبه مذاکره ها قطع شد! البته استفاده تبلیغاتی‌شان را هم کردند. این تجربه ماست. خب، «مَنْ جَرَّبَ الْجَدَامَةَ»^۱.

بزرگترین مسئولیتهای مسئولین کشور همین است که کاری کنند اگر دشمن دلش نخواست تحریم را بردارد، به رونق کشور و پیشرفت کشور و رفاه مردم ضربه ای وارد نشود. راه آن چیست؟ راه آن این است که مراجعه کنیم به درون کشور، به درون ملت، از نیروهای درونی کشور استفاده کنیم و راه‌هایی وجود دارد. آدمهای صاحب نظر، آدمهای کارشناس و با اخلاص، گواهی می دهند که راه‌هایی وجود دارد که انسان بتواند به خودش متکی باشد. این وظیفه مسئولین کشور و مسئولین دولتی است. چشم ندوزند به دست بیگانه.

۱. قصص الانبیاء، سید نعمت الله جزایری، انتشارات هاد، تهران، ص ۱۶۰.

۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۱/۱۱/۲۸.

۳. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۱۰/۱۷.

سؤال: شاید با پذیرفتن بخشی از برنامه طرف مقابل و تعلیق برخی از فعالیتها بتوانیم شاهد گامهای متقابل از جمله کاهش تحریمها و ... باشیم!

پاسخ: طرف مقابل به شدت اهل فریب و دروغ و نقض عهد و حرکت در خلاف جهت صحیح است. طرف مقابل اینجوری است... من هیچوقت نسبت به مذاکره با آمریکا خوش بین نبودم. نه از باب یک توهم؛ بلکه از باب تجربه. تجربه کردیم.

تجربه های گذشته ما نشان می دهد که گفتگو در منطق حضرات آمریکایی به این معنی نیست که بنشینیم تا به یک راه حل منطقی دست پیدا کنیم. منظورشان از گفتگو این نیست؛ منظورشان از گفتگو این است که بنشینیم حرف بزنیم تا شما نظر ما را قبول کنید! هدف، از اول اعلام شده است؛ باید طرف مقابل قبول کند، لذا ما همیشه اعلام کردیم و گفتیم که این، گفتگو نیست. این، تحمیل است.

[در همین مذاکرات اخیر] طرف ایرانی، برخی از کارهایی که می توانست او را به توافق نزدیک کند، انجام داده است. کارهای متعددی را

انجام داده: گسترش و توسعه ماشینهای غنی سازی را متوقف کرده، خب، این را لازم دانستند که یک برهه ای متوقف کنند. تولید اورانیوم بیست درصد را - که یک کار بسیار بزرگی است، رسیدن به دانش و فناوری بیست درصد، کار بسیار بزرگی بود. این را کسانی که اهل فن اند می دانند که رسیدن از پنج درصد به بیست درصد، اهمیتش خیلی بیش تر است از رسیدن از بیست درصد به بالا. این کار بزرگ را جوانان ما و فناوران متعهد ما انجام دادند - متوقف کردند. اقتضای مذاکره این بود که متوقف بکنند. کارخانه اراک را که یکی از کارهای بسیار بزرگ و مهم فناوری و یک هنر بزرگ فناوری است، فعلاً متوقف کرده اند. فردو را که یکی از برترین ابتکارهایی است که نیروهای ما و عناصر داخلی ما آن را برای امنیت دستگاه های سانتریفیوژ ما توانستند تأمین بکنند و تضمین بکنند، فعلاً متوقف کرده اند. این همه کارهای بزرگ انجام داده اند طرف ایرانی. بنابراین، منطقی عمل کرده است، طبق منطق مذاکره عمل کرده است. طرف مقابل زیاده خواهی می کند، پررویی می

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۴/۱/۲۰.

۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۴/۱/۱.

کند، باج خواهی می کند... هیچ کجا جمهوری اسلامی بی منطقی نشان نداده است. در این قضیه هم با منطق دارد حرکت می کند؛ منتها طرف مقابل منطق سرش نمی شود.^۱

با کمال وقاحت می گویند: اگر در قضیه هسته ای ایران کوتاه هم بیاید، تحریمها یکجا و همه برداشته نخواهد شد. این را صریح دارند می گویند. این نشان دهنده این است که به این دشمن نمی شود اطمینان کرد. نمی شود اعتماد کرد. من با مذاکره کردن مخالف نیستم. مذاکره کنند. تا هر وقت می خواهند، مذاکره کنند! من معتقدم باید دل را به نقطه های امیدبخش حقیقی سپرد، نه به نقطه های خیالی. آنچه لازم است، این است.^۲

آن کسانی هم که در درون مجموعه روشنفکری کشور هنوز ملتفت نبودند که طرف مقابلشان - آمریکا - کیست، خوب است نگاه کنند به این مذاکرات و بفهمند با چه کسی مواجه اند و آمریکا امروز در دنیا چه دارد انجام می دهد!^۳

سؤال: با این اوصاف، پایان مذاکرات را چگونه می بینید؟

پاسخ: بنده عقیده ام این است که اگر حتی در مسئله هسته ای هم همان جور که آنها دیکته می کنند، ما پیش برویم و قبول کنیم دیکته آنها را، باز هم حرکت مخرب آنها و تحریمهای آنها برداشته نخواهد شد. انواع و اقسام مشکلات را باز هم درست می کنند؛ چون با اصل انقلاب مخالف اند.^۴

تحریمها علیه ما، قبل از اینکه اصلاً مسئله انرژی هسته ای مطرح هم بشود، وجود داشت، بعد از این هم وجود خواهد داشت. این مسئله هسته ای و این مذاکرات، اگر - ان شاء الله - به نقطه حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت. باید در مقابل این فشارها مصونیتسازی کرد. باید به بنای داخلی استحکام بخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مأیوس بشود.

ادامه دارد...

۱. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۱۱/۱۹.
۲. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۱۰/۱۷.
۳. بیانات معظم له، تاریخ ۹۴/۱/۱.

۴. بیانات معظم له، تاریخ ۹۳/۱۱/۲۹.
۵. بیانات معظم له، تاریخ ۹۲/۱۲/۲۰.

ستاره آسمان انقلاب



سیری در زندگی روحانی شهید

حجت الاسلام و المسلمین مهدی شاه آبادی



محمد باقر نادم

مرحله توسط ماموران طاغوت دستگیر شد و از سال ۵۲ تا ۵۷ پنج مرتبه به زندانهای مخوف رژیم افتاد و یک بار در سال ۵۵ به شهرستان بانه کردستان تبعید شد.

ایشان با پیروزی انقلاب اسلامی، دور جدیدی از فعالیتهاى تبلیغی و اجرایی خود را در سنگرهای مختلف فرهنگی و اجتماعی آغاز کرد و هیچ گاه از پذیرفتن مسئولیتها سر باز نزد. مسئولیتهاى خطیری از جمله: راه اندازی کمیته انقلاب اسلامی، عضویت در هسته مرکزی جامعه روحانیت مبارز به همراه شهیدان بزرگوار: مطهری، بهشتی، باهنر و مفتاح، ورود به دوره اول مجلس شورای اسلامی با رأی بالای مردم تهران، عضویت فعال در کمیسیون قضایی و سرانجام، نمایندگی مجلس در دور دوم، نمونه هایی از

مقدمه:

مهدی شاه آبادی در سال ۱۳۰۹ش و در اوج اختناق سنگین رضاخان پهلوی، در خانه بزرگ مردی از استوانه های عرفان و سیاست، به دنیا آمد. وی در ۴ سالگی به علت هجرت پدر (آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی)، از قم به تهران رفت و دوران تحصیلات مقدماتی را در آنجا سپری کرد. پس از رحلت پدر، جهت تکمیل تحصیلات حوزوی به قم عزیمت نمود و سطوح عالی حوزه را به اتمام رساند. دروس خارج فقه و اصول را در محضر آیات عظام: بروجردی، خمینی، گلپایگانی و اراکی، تلمذ کرد. فعالیت سیاسی را پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شروع کرد و با الهام و تبعیت از رهبریهای امام خمینی (این مبارزات تا پیروزی نهایی انقلاب اسلامی ادامه یافت. چندین

فعالیت‌های این شهید بزرگوار می‌باشد. وی در طول جنگ تحمیلی نیز در هر فرصتی به جب‌هه رهسپار می‌گشت و در جمع رزمندگان حضور می‌یافت و هرگز امر خطیر نمایندگی، مانع این حضور نشد.

مقاله حاضر در پی بازشناسی برخی از ابعاد زندگی این مجاهد شهید می‌باشد و می‌کوشد تا حیات طیبه ایشان را به عنوان یک الگوی رفتاری معرفی نماید. مطالب ذیل از منابع اینترنتی و مجلات گرفته شده است و به نظر می‌رسد با توجه به شهرت و تواتر این مطالب، ضرورتی به منبع‌یابی کتابخانه ای نباشد.

زندگی شهید شاه

آبادی را در قالب خاطراتی از او بررسی می‌کنیم:

۱. تبلیغ خانوادگی

همسر شهید شاه آبادی می‌گوید: «بچه‌ها را برمی‌داشتیم و به دنبال آقا به روستاها می‌رفتیم. با توجه به تبلیغات ضد روحانی رژیم، ایشان جاهایی را انتخاب می‌کرد که سختی بیش‌تر و نیاز شدیدتری باشد. هنگام ورود به یک روستا با عدم استقبال برخی از مردم مواجه می‌شدیم و گاهی بر اثر تبلیغات سوء

رژیم شاه علیه روحانیت، افراد روستا با ما مخالفت می‌کردند و حتی از فروش نان به ما ابا داشتند، لذا ایشان همراه خود نان خشک و پنیر می‌بردند. رفتار روستائیان در روزهای آخر اقامت ما، با روزهای ورودمان تفاوتی توصیف‌ناپذیر داشت. مردم با گریه جلوی ماشین آقا جمع می‌شدند و با اصرار و التماس از خروج ایشان جلوگیری می‌کردند و از او می‌خواستند که دوباره و در فرصتی دیگر به آنجا برگردد؛ ولی ایشان به جای آنکه در رمضان بعد یا محرم آینده به همان روستا برگردند، آن را به روحانی دیگری سپرده، خودش به روستای دیگری می‌رفت.»

۲. مدیریت زمان در تبلیغ

الف). یادم هست وقتی به اهواز رسیدیم، نخستین جمله‌ای که گفتند این بود که: «از هر لحظه و دقیقه وقتمان باید به خوبی استفاده کنیم. حتی اگر شد از یک کلانتری هم بازدید کنیم. نباید اجازه دهیم وقتمان تلف شود.» به برادران تبلیغات هم که در اهواز مستقر بودند، همین جمله را گفتند و از آنها خواستند که به

۲. برگرفته از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی به آدرس: www.irdc.ir (با کمی تلخیص و تصرف)

۱. برگرفته از سایت خبرگزاری رسا به آدرس: www.rasanews.ir

اصطلاح برنامه پُری را برای ایشان در نظر بگیرند که هیچ وقت خالی و تلف شده ای نداشته باشد.

در طول مسیر، هر جا که با گروهی از رزمندگان برخورد می‌کردند که جایی متمرکز بودند، با تبسمی دلنشین به سراغ آنان رفته، با روحیه‌ای شاد به روبوسی و صحبت با آنها می‌پرداخت.

۳. همراه با رزمندگان یکی از همراهان ایشان در خاطرات خود می‌نویسد: یک شب در پادگان شهید بهشتی اهواز، نماز مغرب و عشا را به جماعت اقامه کردیم و پس از نماز، ایشان به سخنرانی پرداختند. بعد از اتمام سخنرانی،

رزمندگان و بسیجیان برای مصافحه و روبوسی با ایشان هجوم آوردند، به گونه‌ای که برادران میهماندار سعی می‌کردند افراد را قدری از ایشان دور کنند تا اذیت نشوند؛ اما رزمندگان دست بردار نبودند و من می‌دیدم که حتی گردن ایشان را به طرف خودشان می‌کشیدند تا ببوسند و آن برادران فریاد می‌زدند: «گردن ایشان را کنید!» و ایشان می‌گفت: «گردن که ارزشی

ندارد؛ جانم متعلق به این عزیزان است. بگذارید بیایند تا من آنها را ببوسم.»^۲

۴. روایتگری اتوبوسی پس از دیدار کوتاهی با رزمندگان در پادگان شهید بهشتی اهواز، به طرف جزیره مجنون به راه افتادیم تا به پل رسیدیم و با ماشین از روی پل شناور مسیر را ادامه دادیم. از زمانی که سوار اتوبوس شدیم، شهید شاه آبادی شروع به تعریف خاطرات زمان دستگیری خودشان توسط ساواک و ایام زندان و اتفاقات تلخ و شیرین آن روزها کردند و به قدری با ذکر جزئیات به بیان پرداختند که

فرزندشان می‌گفت: بسیاری از این موارد را برای نخستین بار است که از زبان پدرم می‌شنوم.^۳

۵. حضور در جبهه ها و عشق به شهادت

در طول مدت دفاع مقدس، در فرصتهای به دست آمده میان رزمندگان اسلام و در کنار آنان در جبهه ها حضور می‌یافت و امر خطیر نمایندگی، مانع از این حضور نمی‌شد؛ چراکه ایشان با عشق زاید الوصفی بدان مبادرت می‌کرد. ایشان

۲. به روایت مهندس مهدی چمران، برگرفته از سایت خبرگزاری فارس به آدرس: www.farsnews.com (با تلخیص و تصرف). همان. ۳.

۱. به روایت مهندس مهدی چمران، برگرفته از سایت خبرگزاری فارس، به آدرس: www.farsnews.com

در واپسین سخنرانی قبل از شهادت که در مقر لشکر ۲۵ کربلا ایراد نمود، به نکته جالبی اشاره کرد که حاکی از عشق وی به شهادت در راه خدا بود. ایشان گفت: «اگر شهادت می تواند نظام توحیدی ما را حفظ کند، اگر شهادت می تواند دشمن را ذلیل کند، اگر شهادت می تواند تفکر و بینش اسلامی مان را به دنیا اعلام کند، ما آماده این شهادتیم.»

۶. امامت جماعت

امامت جماعت مسجد رستم آباد تهران قبل و پس از انقلاب، ارتباط نزدیک با مردم و پاسخگویی و حل و فصل مشکلات آنان، از جلوه های توجه ایشان به مردم بود. در سال ۱۳۵۰ش پس از حدود ۲۱ سال اقامت در قم، به تهران رفت و پس از مدتی اهالی روستای رستم آباد شمیران از ایشان دعوت کردند تا امامت جماعت مسجد آنان را قبول کند. ایشان نیز با توجه به نیاز منطقه و برای جذب جوانان محل و تشکل آنان در قالب جلسات مذهبی، این مسئولیت را پذیرفت.

۷. جلسات تفسیر قرآن از فعالیت های ایشان در مسجد رستم آباد، می توان به جلسات «تفسیر قرآن» اشاره کرد. در این مجالس که بیش تر آنان را افراد تحصیل کرده و متدین تشکیل می دادند و در شب های جمعه تشکیل می شد، موضوع بحث، تحقیق گروهی در زمینه آیات قرآن بود.

در این مجالس، نخست ایشان نتیجه تحقیقات و مطالعات هر یک از افراد جلسه را می شنید و در پایان، خود به نتیجه گیری و جمع بندی می پرداخت.

۸. احیاء شب های قدر

یکی از خصوصیات ایشان، توجه به شب های قدر بود. جمعیت انبوهی برای شرکت در مراسم شب های احیای ایشان می آمدند و حتی در حیاط و صحن مسجد می نشستند. ایشان فقط خودشان تمام مراسم احیاء را برگزار می کرد و به هیچ وجه آن را به دیگری واگذار نمی کرد. مراسم ایشان واقعاً بی نظیر بود. هنگام سخنرانی و خواندن دعا، گویی در و دیوار مسجد نیز با ایشان به گریه در می آمدند.

۹. جذب جوانان به مسجد

شهید شاه آبادی در اوایل ورود به روستای فشم، وقتی سراغ مسجد

۱. به نقل از پایگاه اطلاع رسانی حوزه به آدرس:

www.hawzah.net

۲. به نقل از سایت جامع فرهنگی مذهبی شهید اوینی (با تلخیص و تصرف) به آدرس: www.aviny.com

۳. به نقل از پایگاه اطلاع رسانی حوزه به آدرس: www.hawzah.net

محل را از اهالی می گیرد، با مکانی متروکه روبه رو می شود؛ ولی با تلاش بسیار، پس از دو روز موفق به گشودن در مسجد می شود و همراه فرزند (تنها مأمومشان) تا یک ماه به تنهایی به مسجد می رفتند، در حالی که هیچ کس برای اقتدا به ایشان در مسجد حاضر نمی شد.

یک شب به سراغ ورزشکار و کشتی گیر محله می روند و با برقراری ارتباط با او و جوانان دیگر، باب دوستی را می گشایند، سپس از همسر خود درخواست می کنند غذایی تهیه کرده و ب دین ترتیب همراه با جوانان محله چندین بار به کوه نوردی می روند تا اینکه پس از مدتی آنان، به شهید شاه آبادی علاقه مند شده، آرام آرام پای آنها به مسجد باز می شود و به ایشان اقتدا می کنند.

۱۰. نقش ورزش در تبلیغ شهید شاه آبادی، ضمن ورزش و تفریح به همراه خان واده، در همان اوقات اندکی که داشتند، به آشنا کردن فرزندانشان با ورزش و... می پرداختند و از زمان، حداکثر استفاده را می بردند. همیشه این حدیث امام صادق (ع) را مد نظر داشتند که :

«الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ خَفِيَّةٌ»

إِذَا وَجِدْتَ نُسَيْتَ وَ إِذَا
عُدِمْتَ ذِكْرَتَ؛^۲ سلامتی نعمتی
پنهان است که چون یافت
شود، فراموش شود و چون
از دست رود، به یاد
آید.»

به اذعان نزدیکان ایشان وی شخصی بسیار فعال، پرکار و خستگی ناپذیر بود، به گونه ای که حتی بسیاری مواقع، جوانان نیز از همراهی و همپایی ایشان در کوه نوردی در می ماندند. مسلماً چنین انسان پرکاری که لحظه ای از زندگی را به بیهودگی و بطالت نمی گذراند، نیازمند بدنی قوی بوده که از انس با ورزش حاصل می شود.

ایشان غیر از دوچرخه سواری، به شنا نیز خیلی علاقه مند بودند و مرتب به استخر امجدیه (ورزشگاه شهید شیرودی فعلی) می رفت. بعد که ایشان معمم شدند، دیگر نمی خواستند جلوی مردم (به خاطر حفظ شئون اسلامی) داخل استخر بروند، بعضی جمعه ها به منظریه، پای کوه می رفت. آنجا دیگر دید نداشت. وقتی وارد منظریه می شدیم، ایشان لباس روحانیت را در می آوردند و شنا می کردند و به شنا خیلی

۲. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۶۱.

۳. به نقل از فرزند شهید شاه آبادی، برگرفته از سایت خیرگزاری رسا به آدرس :
www.rasanews.ir

۱. به نقل از خیرگزاری شبستان
به آدرس: www.shabestan.ir

مسلط بودند.^۱
۱۱. خدمت شبانه روزی به دین
 همسر شهید در این باره می گوید:
 شاید عجیب باشد؛ ولی ایشان در شبانه روز دو سه ساعت بیش تر نمی خوابیدند و همیشه در منزل، تلفن ایشان وصل بود تا اگر کسی با ایشان کار داشت، اطلاع پیدا کند.

روزی شیطنتی کردم که ایشان کمی راحت باشند؛ اما خیلی زود متوجه شدند؛ یکی از پشتیها را جلوی پریش تلفن گذاشتم که دیده نشود و به بچه ها گفتم: بروید کنار آقا جان بنشینید و آرام، طوری که متوجه نشود، دوشاخه تلفن را بکشید تا ایشان راحت غذا بخورند؛ اما وقتی بچه ها این کار را کردند و به محض اینکه تلفن قطع شد، ایشان متعجب شدند که چرا تلفن دیگر زنگ نمی زند. اول فکر کردند خراب شده؛ اما بعد خیلی زود متوجه شدند که قضیه از چه قرار است!^۲

۱۲. کمک به همسر در خانه
 عروس خانواده شهید شاه آبادی می گوید:
 آخرین دیدارم با حاج آقا هیچ وقت فراموشم نمی شود. ایشان در

کارهای خانه خیلی کمک حاج خانم بودند. آن طور نبود که بگویند کارهای خانه برای زن است. از هیچ کمکی دریغ نداشتند. یک روز قبل از آنکه عازم جبهه شوند (آخرین دیدار من با ایشان بود) آن روز ماشین لباسشویی حاج خانم خراب بود و شهید شاه آبادی میخواستند آن را تعمیر کنند. من احساس کردم خیلی خسته هستند و چون دستشان بند بود و راضی نمی شدند کارشان را رها کنند و چیزی بخورند، من برایشان آب پرتقال گرفتم و لیوان را روی لبهایشان گذاشتم. در این هنگام نگاه محبت آمیزی به من کردند که تا عمق جانم نفوذ کرد و من هنوز به یاد آن نگاه هستم. در واقع ایشان با چشمشان از من تشکر کردند.

۱۳. تبلیغ بدون تبلیغات
 شهید شاه آبادی که نماینده مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران بود، در یک هفته مرخصی که برای تبلیغات دور دوم داشت، می توانست در تهران بماند و رأی جمع کند؛ اما می فرمود: «مردم که مرا می شناسند؛ چرا تبلیغ کنم؟»

۱. برگرفته از خاطرات یکی از دوستان خانوادگی شهید، به نقل از خبرگزاری دفاع مقدس، آدرس سایت: www.defapress.ir (با تصرف و تلخیص).

۲. به نقل از همسر مکرمه شهید، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی برنا به آدرس: www.bornanews.ir

۳. برگرفته از خاطرات عروس خانواده شهید، نقل از پایگاه شبکه اجتماعی نت ایران به آدرس:

www.netiran.net

۴. به نقل از پایگاه معاونت تهذیب حوزه علمیه تهران به

۱۴. اهتمام به حل مشکلات

مردم

ایشان قبل و بعد از انقلاب، با وجود مشغله فراوان هرگز مسجد را رها نکرد و معتقد بود که ارتباط مستقیم و چهره به چهره با مردم را تحت هر شرایطی باید حفظ کرد. در مسجد پای صحبت و درد دل مردم می‌نشست و اگر احساس می‌کرد می‌تواند مشکلی را حل کند، از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کرد. اگر صحبت شخص طولانی می‌شد و وقت ایشان اقتضا نمی‌کرد، آدرس منزل را به وی می‌داد و می‌گفت: برای ادامه صحبت و طرح مسائل و مشکلات به منزل بیایید!

برای رفع مشکلات و دغدغه‌های مردم نهایت اهمیت را قائل بود. روزی ایشان گفتند: «سقف منزل یک پیرزن دچار مشکل شده است؛ اما متأسفانه من الآن امکان حل مشکل او را ندارم. شما هدیه‌ای برای او بخرید که او بداند من به فکر او هستم.»

۱۵. پرهیز از تجمل و اسراف گرایی

یکی از خصوصیات شهید شاه آبادی، دوری ایشان از اسراف بود. همیشه میوه‌های ارزان‌تر را از میوه فروشی می‌خرید و می‌گفت: هیچ کس نیست این نعمت خدا را

بخورد. من این قسمت خراب میوه را جدا می‌کنم و بخش سالم آن را می‌خورم، چه اشکالی دارد؟ آن وقت میوه را طوری پوست می‌گرفتند که انسان از این همه دقت ایشان لذت می‌برد.

۱۶. تقید به حضور در مسجد و نماز جماعت

شهید شاه آبادی برای مسجد و نماز جماعت اهمیت بسیار زیادی قائل بود، به طوری که حتی در جلسات مهم مملکتی و حضور شخصیت‌های برجسته انقلاب، قبل از اذان جلسه را ترک می‌کرد و راهی مسجد می‌شد تا نماز را به جماعت اقامه کند. ایشان پیوسته می‌گفت: من آنقدر به مسجد و نماز جماعت اهمیت می‌دهم که حاضریم از آن طرف شهر به طرف دیگر شهر بروم تا نماز را به جماعت بخوانم و دوباره به جلسه برگردم.

ایشان می‌گفت: «نماز جماعت یک سنگر است و روحانی باید در عین اینکه مبارزه می‌کند، سنگر مسجد و مردمی بودن خودش را حفظ کند و هر چقدر هم مسئولیت اجرایی داشته باشد، نباید بعد از ارشاد و تبلیغی را که وظیفه اصلی اوست، فراموش کند و صرفاً یک ماشین اجرایی شود.»

۲. نقل از پایگاه خبری فرهنگ انقلاب اسلامی آدرس سایت: www.farhangnews.ir (با تصرف و

۱۷. تهجد و نماز شب
ایشان هر هفته شبهای جمعه حدود دو ساعت به اذان صبح به مسجد تشریف آورده، مراسم دعای کمیل را شروع می کردند، در حالی که تمام چراغهای مسجد خاموش بود، دعا را از حفظ می خواندند. وقتی ایشان در اواخر دعا، آیات عذاب را می خواندند، تمام مردم با صدای بلند گریه می کردند.

ایشان که تهجد و نماز شب را از والدین خود به ارث برده بودند، با خانواده سحرها بیدار می شدند. هم خودشان و هم خانواده ایشان اهل نماز شب بودند. نماز شب را می خواندند و سپس ذکر می گفتند.

۱۸. سخنرانی در عصر خفقان
شب عاشورا مسجد روستایی از گیلان مملو جمعیت عزادار بود و سخنران جوان و روحانی آزاده حجت الاسلام شیخ مهدی شاه آبادی برای آنها سخنرانی می کرد. پیش از این چند بار به او تذکر داده بودند که باید در منبر برای جناب اعلی حضرت، شاهنشاه دعا کند؛ اما او بدون توجه به آن دستورها، هرگز برای شاه دعا نکرد. ناگهان صدای چکمه های توجیه ها

را به طرف درب مسجد جلب کرد. رئیس پاسگاه به همراه چند تن از ژاندارمها وارد مسجد شدند و مستقیم به طرف منبر رفتند؛ ولی ایشان بی توجه به آنها سخنرانی خود را ادامه داد. وقتی رئیس پاسگاه به منبر رسید، با پرخاشگری سخن او را قطع کرد و ایشان را از منبر پایین کشیده، به طرف پاسگاه برد. عده زیادی از مردم همراه آنها به راه افتادند تا ببینند رئیس پاسگاه با روحانی شان چه می کند. در پاسگاه، رئیس به شهید شاه آبادی گفت: با آنکه چندین بار به شما تذکر داده ایم، چرا به شخص اول مملکت، جناب شاهنشاه دعا نمی کنید و از او تعریف نمی نمایید؟

ایشان با صدای بلند در جمع مردم و افراد پاسگاه جواب داد: «من نان امام زمان (ع) را نمی خورم که حلیم مشهدی عباس را هم بزنم!» فرمانده پاسگاه از این همه شجاعت و این جواب دندان شکن غرق در حیرت شد. جالب تر اینکه وقتی همسر رئیس پاسگاه از قضیه مطلع شد، مدت ها با شوهرش قطع رابطه کرد.

۱۹. مبارزات سیاسی
شروع مجاهدتهای دینی، سیاسی و اجتماعی

۲. به نقل از پایگاه خیری فرهنگ انقلاب اسلامی به آدرس: www.ammarname.ir

تلخیص).
(۱) به نقل از سایت تبیان به آدرس: www.tebyan.net

www.tebyan.net

شہید شہ آبادی را باید از زمان آغاز نهضت ملی ایران و مبارزات مجاہد بزرگ، آیت اللہ کاشانی جستجو کرد. او مبارزہ برای تحقق احکام اسلام و حمایت از حرکت روحانیت در مقابل حکومت ظالمانہ رژیم شاہ را تکلیف خویش احساس کرد و از همان دوران، شعلہ های خشم علیہ رژیم پهلوی در درون این طلبہ جوان و پرشور زبانہ می کشید.

اوج گیری مبارزات او را باید از زمانی دانست کہ امام (با مشاہدہ فجایع رژیم منحوس پهلوی و ہتک احکام اسلام از سوی این رژیم غاصب و جنایتکار، تنها راہ پیروزی را در قیام عمومی ملت عزیز ایران و سرنگونی شاہ دانست و بہ مخالفت با آن رژیم پرداخت.

در این هنگام حجت الاسلام شاہ آبادی کہ اندیشہ قیام را سالیان دراز در عمق جان خود پرورده بود، صدای آشنایی را شنید و با او عهد و پیمان بست. علاقہ بہ این فرزند رسول خدا (ص) را با جان خویش درآمیخت و از آن پس، با الہام از رہبری امام (با شہ یافتگی و پشتکار خاصی مبارزات دینی خود را تداوم

بخشید و در این راہ از هیچ کوششی فروگذار نکرد. ۲۰. دستگیری، تبعید یا زندان

درون خانہ شہید شاہ آبادی بہ دلیل فعالیتہای پیگیر علیہ رژیم شاہ، توسط ساواک جستجو شد و تعداد زیادی اعلامیہ و کتب اسلامی بہ دست آنها افتاد کہ بہ زندانی شدن ایشان منجر گشت. ایشان حین ورود بہ کمیٹہ ضد خرابکاری، با صلابت و اقتدار خاصی با مأموران برخورد می کرد و قدرت مخوف شاہ را بہ مسخرہ می گرفت و مرتب بہ مأموران می گفت: «باید تمام اعلامیہ ها، کتابها و نوارهایی را کہ از منزلم دزدیدہ اید، برگردانید!» وی حدود ۵ ماہ در زندان بہ سر برد و در آبان آزاد شد؛ ولی پس از ۱۲ روز مجدداً دستگیر و در سوم بہمن ۱۳۵۷ چند روز قبل از ورود امام (با بہ ایران، آزاد شد.

۲۱. علاقہ بہ رزمندگان ایشان برای آخرین بار در جمع رزمندگان لشکر ۲۵ کربلا سخنرانی کرد و پس از سخنرانی و اقامہ نماز، رزمندگان برای عرض ارادت بہ

۲. برگرفته از پایگاہ اطلاع رسانی فرہنگ ایثار و شہادت (نوید شاہد) بہ آدرس: www.navideshahed.com (با تصرف و تلخیص).

۳. بہ نقل از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی بہ آدرس www.irdc.ir

۱. بہ نقل از پایگاہ اطلاع رسانی تابناک بہ آدرس: www.tabnak.ir (با تصرف و تلخیص).

ایشان روی آوردند . اطرافیان ایشان برای جلوگیری از فشار و ازدحام ، از برادران خواستند که از این کار صرف نظر نمایند؛ ولی آنان به واسطه عشق و علاقه نسبت به روحانیت مخلص، دست بردار نبودند . ایشان در جمع مسئولان پایگاه گفتند : «این طور نیست که آنها (رزمندگان) فقط علاقه مند باشند که روحانیون را ببوسند؛ بلکه ما هم علاقه مندیم آنها را ببوسیم . اگر رزمندگان سر نا قابل ما را بخواهند، من تقدیمشان می کنم و این سر در مقابل آنها ارزشی ندارد.»

شرح لحظه شهادت

گلوله توپ منفجر شد و از آنجایی که دود برخاسته کمی سفید رنگ به نظر می رسید، من نگران شیمیایی بودن گلوله شدم؛ چون در آن مقطع، عراق از سلاح شیمیایی زیاد استفاده می کرد . ماسک و وسایل ضد شیمیایی در ماشین بود و همراه نیاورده بودیم . به همین دلیل، فریاد زدم به سمت مخالف جهت وزش باد حرکت کنید! بلند شدیم که بدویم، دیدم ایشان به همان شکل روی زمین خوابیده اند و برنمیخیزند . فرزند

ایشان سریع خود را به کنار پدر رساند و ناگهان صدای فریاد و شیون فرزند را شنیدیم که با لفظ «آقاجون» ایشان را صدا می کردند. این مسئله باعث شد همگی خود را به ایشان برسانیم و دور ایشان جمع شویم . صحنه دردناکی بود . با مشاهده بدن خون آلود ایشان، بهت و حیرت و غم و اندوه سراسر وجودمان را فرا گرفت . صورت و بدنشان خونریزی شدیدی داشت . ترکش گلوله توپ به صورت ایشان اصابت کرده و به داخل سر و مغز ایشان رفته بود . ترکش دیگری نیز به پای ایشان اصابت کرده بود . خون به شدت فوران می کرد . پارچه ای را به صورت ایشان بستیم تا حتی الامکان از خونریزی بیش تر جلوگیری شود . نمی خواستم و نمی توانستم قبول کنم که فردی که تا چند لحظه قبل با آن شور و هیجان به عنوان دوست و معلم در کنارمان بود، اینگونه از میان ما پر کشیده و عروج خود را آغاز کرده باشد . به هر حال، جای وقت تلف کردن و تعلل نبود . نباید فرصت را از دست می دادیم . به سرعت ایشان را به دوش گرفتیم و شروع به دویدن سمت ماشین کردیم تا سریع تر ایشان را به درمانگاه یا

۱. به نقل از همسر شهید، گرفته شده از پایگاه خبرگزاری دفاع مقدس به آدرس: www.defapress.ir

بیمارستان برسانیم. در طول مسیر با فریاد «الله اکبر» هم به خودمان روحیه و انرژی می‌دادیم و هم به نوعی درخواست کمک می‌کردیم تا اگر کسی در آن نزدیکی هست، برای کمک بیاید که اتفاقاً دوستان واحد پدافند هوایی که با شنیدن صدای انفجار گلوله توپ احساس خطر کرده بودند، وقتی به ما رسیدند، کمک کردند سریع تر به درمانگاه رسیدیم. گرچه امید زیادی نداشتیم؛ اما مایوس هم نبودیم و با خودمان می‌گفتیم: ان شاء الله در درمانگاه می‌شود کاری کرد؛ اما این امید اندک دوام چندانی نداشت و صدای پزشک درمانگاه که گفت: «ایشان به لقاء الله پیوستند و نمی‌شود کاری کرد.»

شهید شاه آبادی در نگاه امام و رهبری امام خمینی)

«این شهید عزیز..... مجاهدی شریف و خدمتگزاری مخلص برای اسلام بود. مبارک باد بر حضرت بقیة الله چنین فداکاری و جانبازی در راه هدف بزرگ و اسلام عزیز که با شهادت افتخارآمیز خود، ملت عظیم الشان ایران، به ویژه روحانیت عالیقدر را سرفراز می‌نمایند.»^۳

مقام معظم رهبری >
«شهید شاه آبادی، یکی از افتخارات روحانیت مبارز بود. یک انسان پاکباز، با اخلاص، فداکار، کاری، نستوه و خستگی ناپذیر و خوش روحیه. یک انسان نمونه و استثنایی بود. این عالم جلیل و مبارز صمیمی و خستگی ناپذیر، پاداش سالها مجاهدت در راه خدا و تلاش برای حاکمیت اسلام را با رحلتی چنین افتخار انگیز که موجب رضوان الهی و مجاورت اولیاء الله است، به دست آورد.»^۳

۱. به نقل از خبرگزاری فارس با کمی تصرف و تلخیص، آدرس سایت www.farsnews.com
۲. به نقل از خبرگزاری حوزه،

به آدرس: www.hawzah.net
۳. به نقل از خبرگزاری رسا، به آدرس: www.rasanews.ir



لانی

عا

آیت الله محمد محمدی گیلانی

محمد تقی ادهم نژاد

نامش را «محمد» گذاشت
و پس از دوران کودکی
او را به مکتب خانه
فرستاد.

محمد قرآن و خواندن
و نوشتن را نزد «میرزا
عبدالصمد طبیب رودسری»
به خوبی آموخت و در
سال ۱۳۱۵ش با افتتاح
اولین دبستان دولتی در
آن منطقه، وارد آن
مدرسه گردید و به خاطر
داشتن استعداد درخشان،
در کلاس سوم آن مدرسه
پذیرفته شد و به سرعت
دوره تحصیلی ابتدایی
را تمام کرد. با
شعله ور شدن آتش جنگ
جهانی دوم و تعطیل شدن
مدارس، ایشان نیز
ناگزیر از ترک مدرسه و
عزیمت به زادگاهش شد.
چند سال را در خدمت
پدر به کار کشاورزی
پرداخت؛ اما عطش
آموختن و دانش اندوزی
همچنان در نهاد وی
شعله می کشید. ماندن در
روستا و پرداختن به
کار کشاورزی نمی توانست

اشار

آیت الله محمدی گیلانی
از علمای مجاهد و
وارسته عصر حاضر بود
که عمر با برکت خود را
در مسیر تحقق اهداف
بلند اسلام و آرمانهای
انقلاب اسلامی ایران صرف
کرد و در این مسیر از
هیچ گونه تلاش و کوششی
دریغ نکرد. در این
مقاله نگاهی مختصر به
زندگی ایشان خواهیم
داشت.

تولد و دوران شکوفایی

والد مرحوم آیت الله
محمدی گیلانی، آقا
محمدجعفر - از مؤمنان
و دوستان خانندان
عصمت و طهارت (ساکن
روستای «دَعوی سرا» -
بود. وی به جهت عشق و
ارادتی که به خانندان
پیامبر (ص) داشت، در
منزل مسکونی خویش روضه
هفتگی برگزار می کرد.
درآمدش از کشاورزی
بود. حدود سال ۱۳۰۷ش
خدای متعال به او

۱. ۷ کیلومتری شهرستان رودسر،
در استان گیلان.

پاسخگوي اين شوق پايان ناپذير باشد.
تحصيل در حوزه

ايشان در سال ۱۳۲۳ ش به قصد تحصيل علوم ديني راهي مدرسه روحانيه در شهر رودسر شد. در آن سالها آيت الله حاج سيد محمدهادي روحاني - از اساتيد حوزه و شاگردان مؤسس حوزه علميه قم، آيت الله حائري يزدي ! - حوزه علميه اي را با کمک فرد خيروي در رودسر تاسيس کرده بود. وي اولين مربي تأثيرگذار در شخصيت علمي آيت الله محمدي گيلاني به شمار مي آيد که پس از اخذ گواهي اجتهاد و با اجازة مؤسس حوزه علميه قم، در دوران ت اريك حكومت رضاخاني به گيلان رفت و در شهرستان رودسر به ارشاد و هدايت مردم پرداخت و چون با روش تبليغ آشنائي داشت، هر روز بر دامنه و عمق اثرگذاري خود مي افزود، به طوري که منشا آثار و برکات زيادي در منطقه گرديد.

آيت الله محمدي گيلاني در مدرسه روحانيه مشغول به تحصيل شد. در اين مدرسه بزرگاني چون حاج شيخ محمد محمدي گيلاني، حاج شيخ عباس محفوظي، شهيد شيخ

عبدالحسين رضايي - که در اوایل انقلاب توسط منافقين ترور گرديد - شيخ نعمت الله روشني واعظ، سيد ضياء الدين روحاني (مؤلف معجزه جاويدان) و شيخ منصور اشراقي واعظ که متأس فانه اغلب آنان دار فاني را وداع گفته اند، به کسب علم و دانش پرداختند.^۱

مهاجرت به قم

آيت الله محمدي گيلاني ۲ سال در مدرسه روحانيه رودسر مشغول به تحصيل و کسب علم و دانش بود و همزمان نيز به تدريس سطوح پايين تر مي پرداخت. در آن ايام آوازه حوزه علميه قم و طراوت و شادابي علمي آن و نيز مرجعيت و زعامت مرجع بزرگوار چو آيت الله العظمي بروجردي! اين طلبة جوان و جوياي علم را از رودسر به قم کشاند و آيت الله گيلاني در سال ۱۳۲۵ ش وارد حوزه علميه قم شد.

وي مقدمات و سطوح متوسطه و عاليه را نزد اساتيد نامداري همچون آيات عظمى ام صدوقي، مشکيني، سلطاني طباطبائي، بتولي گيلاني، سدهي اصفهاني،

۲. مجله حوزه، دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، ش ۱۲۶، بهمن و اسفند ماه ۱۳۸۳، ص ۱۶۲؛ گنجينه دانشمندان، نشر اسلاميه، تهران، ۱۳۵۲ ش، ج ۵، ص ۲۱۲؛ بزرگان رامسر، محمد حائري سمائي، کتابخانه آيت الله مرعشي نجفي، قم، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۹۵.

۱. در سايه آن سرو بلند؛ زندگي و مبارزات حکيم متألّه و فقيه فرزانه حضرت آيت الله محمد محمدي گيلاني، با مقدمه آيت الله زين العابدين قرباني، جعفر پژوم (سعدي)، انتشارات سايه، تهران، ۱۳۹۱ ش، ص ۳۱.

شیخ مرتضی حائری و شیخ محمدتقی بهجت* به پایان رساند و سپس جهت عمق بخشیدن به مبانی علمی خویش، به مدت ۱۲ سال در دروس آیت الله بروجردی شرکت کرد و از خرمن دانش آن زعیم بزرگوار بهره‌مند گردید و همزم آن در دروس اصول فقه امام خمینی! نیز حاضر می شد و از برجسته ترین شاگردان آن بزرگواران به شمار می آمد. مقارن این دو، دروس شرح منظومه حکیم سبزواری و اسفار و شفا را نیز نزد علامه بزرگوار، حاج سید محمدحسین طباطبایی! صاحب «تفسیر المیزان» فرا گرفت.

آیت الله گیلانی علاوه بر شرکت در دروس عمومی علامه، در جلسات خصوصی آن بزرگوار که جهت جمعی از شاگردان خاص و برجسته در منازل افراد به صورت سیار و در شبهای پنج شنبه و جمعه برگزار می گردید، شرکت می کرد و در زمره شاگردان خاص علامه قرار گرفت.^۱

آغاز عرصه تدریس به ویژه علوم عقلی

امام خمینی! که از شخصیت‌های ممتاز و اثرگذار در احیای حکمت

و فلسفه و از نامورترین شاگردان حکیم متاله آیت الله محمدعلی شاه آبادی بود، حوزه پررونق فلسفه را تشکیل داد و به تدریس «منظومه» و «اسفار» پرداخت و شاگردان بسیاری را در این فن تربیت کرد.

امام جهت مقابله با افکار و اندیشه های ضددینی، فراگیری علوم عقلی را ضروری می دانست، لذا به حضرت آیت الله محمدی گیلانی که در این فن مهارت ویژه ای داشت، امر کرد که تدریس فلسفه را در حوزه علمیه قم آغاز کند؛ که مورد پذیرش آن بزرگوار واقع گردید.^۲

آیت الله محمدی در این سال ها کرسی تدریس فقه و اصول را آغاز کرد و سالیان متمادی در کنار تدریس فقه و اصول، به تدریس حکمت و کلام پرداخت و از مدرسین شناخته شده و ممتاز فلسفه به شمار می رفت. وی از سال ۱۳۴۶ش به دعوت آیت الله شهید قدوسی جهت تدریس به مدرسه حقانی دعوت شد که بسیاری از دانش آموختگان ایشان در آن مدرسه پس از انقلاب، متصدی امور قضایی در دادگاه های انقلاب بوده

۱. گلشن ابرار، جمعی از نویسندگان، پژوهشکده باقر العلوم □، اعتماد، قم، ۱۳۸۶ش، ج ۷، صص ۵۱۱ - ۵۱۰؛ خبرگان ملت، دفتر ۲، تدوین دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۰ش، ص ۳۳۹.

۲. خاطرات آیت الله محمدعلی گرامی، تدوین محمدرضا احمدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶۹ (با کمی تغییرات).

و هستند.^۱
معلم اخلاق

آیت الله گیلانی همزمان با تحصیل و تدریس، به خودسازی و تهذیب نفس مشغول بود و حشر و نشر با بزرگان اخلاقی را سرلوحه امور خویش قرار داده بود. وی عالمی مهذب، خودساخته و از شخصیت‌های ممتاز اخلاقی بود.

او برای اخلاق و تهذیب نفس اهمیت فوق العاده ای قائل بود و معتقد بود که پیشرفت سریع انسان نیازمند دو بال علم و اخلاق است، لذا برای تأمین نیازهای معنوی خویش، از وجود عالمان اخلاقی همچون: امام خمینی، علامه طباطبائی، محمدتقی بهجت، سید رضا بهاء الدینی و حاج آقا حسین فاطمی * بهره‌ها برد. توکل و تسلیم محض در درگاه ذات ربوبی، حسن معاشرت و

گشاده رویی، تواضع و فروتنی، حلم و بردباری، احترام به شخصیتها و افراد و حفظ آبروی آنان، قاطعیت و صلابت در انجام وظیفه، زهد و بی‌اعتنایی به منافع زودگذر دنیایی، رعایت تقوا در گفتار و عمل، حقیقت‌گویی و

دفاع از عدالت، خدمت خالصانه در راه استقرار عدل علوی در نظام اسلامی، ایثار و فداکاری، حسن برخورد با خانواده، رعایت ادب و اخلاق در بحثها و مناظره‌ها، مشی میانه و معتدل در برخورد با جریانات قضایی و سیاسی، اطاعت از امام و رهبری و... بخشی از سجایای اخلاقی آن بزرگوار است.

مبلغ آگاه و انقلابی

کسانی که آیت الله گیلانی را می‌شناسند و منابرش را دیده‌اند، به خوبی به این موضوع اذعان دارند که آن بزرگوار از مبلغان با اخلاص و متقی بود که با رعایت تقوی الهی و بهره‌گیری از دانش گسترده‌ای که داشت، دگرگونی‌های فرهنگی ارزشمندی را در منطقه خود به وجود آورده بود.

بیان شیوا و لحن گرم و گیرا، همراه با لهجه خاص آن بزرگوار، شنوندگان و طالبان حقیقت را مجذوب گفتار و مواعظ شیرین خود می‌کرد. ایشان برای پاسداری از کی‌ان مکتب حقه جعفری (ع) و دور نگه داشتن آن از گزند و آسیب انحرافات فکری و فرهنگی، جهت ارشاد و هدایت به میان مردم می‌رفت و با سخنان متین

۱. عدالت در خون، یادواره دومین ساگرد شهادت آیت الله قدوسی، روابط عمومی دادستانی کل انقلاب جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۶۲ ش، ص ۸۳؛ در سایه آن سرو بلند، ص ۳.

۲. گلشن ابرار، ج ۷، ص ۵۱۴.

و حکیمانة خود، بر کمال و شعور و معنویت آنان می‌افزود. فصاحت، بلاغت و توانایی ارتباط با مردم، از جمله ویژگیهای ایشان در عرصه تبلیغ راستین اسلام بود. وی می‌توانست احکام نورانی دین را به روشنی بیان و به شبهات پاسخ دهد و با دقت به تشریح سیره پیامبر و امامان (پردازد. علم با عمل در ایشان توأم بود. کلمات و نصایح نافذ و دلنشینی داشت. گفتارش از سر اخلاص بود و از عمق وجودش سرچشمه می‌گرفت و به همین دلیل گفتارش بر اعماق وجود مشتاقان می‌نشست. روضه و توسل را دوست می‌داشت و کسی یاد ندارد که او منبری بدون روضه رفته باشد. ایشان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با داشتن مسئولیتهای سنگین قضایی، دست از روضه و توسل برنداشت. با قدرت علمی و تسلط بر موضوعات دینی، هنرمندانه منبر می‌رفت و مطالبش برای همه طبقات جامعه قابل استفاده بود. او از واعظان انقلابی و طرفدار امام! بود که در مناسبت‌های گوناگون از یار سفر کرده اش یاد می‌کرد، و از موضوعات اجتماعی و سیاسی روز

غافل نبود و بلکه در متن تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار داشت او به عنوان مبلغ دینی، همواره در دسترس مردم و جوانان بود و با دگراندیشان، منحرفان و دزدان اعتقادات و ایمان مردم مبارزه می‌کرد. تربیت جوانان را بر اساس و مبنای اعتقاد و اخلاق درست دینی در سرلوحه کارش داشت و با توده‌های مختلف مردم پیوندی ژرف برقرار می‌کرد و محبوب همگان بود. منابر انقلابی او توانست مردم را بیدار و آگاه کند و اغلب مردم منطقه رودسر و اشکورات را حامی اهداف بلند امام! گرداند و به طور کلی توانست نقش مهمی را در حرکت‌های مردمی و نهضت‌های انقلابی در منطقه گیلان ایفا کند. یکی از روحانیون سرشناس منطقه درباره نقش تبلیغی آیت الله گیلانی می‌گوید: «وجود آیت الله گیلانی در روزگاری که افکار پوچ چپی‌ها و سایر مکاتب الحادی و کمونیستی در شمال، خصوصاً گیلان رایج بود، برای جامعه متدین بسیار مغتنم بود؛ زیرا هم عالمی بود با اخلاق که موجب جذب افراد می‌شد و هم در مسائل عقلی به خوبی می‌توانست

به شبهات افراد تحصیل کرده پاسخ بدهد. ایشان مسجد قاسم زاده (معروف به مسجد شهدای رودسر) را پایگاه افراد فرهنگی و تحصیل کرده و محل تجمع انقلابی کرد. سخنرانی وی متین و مستدل و با امیزه اخلاقی بود، خصوصاً وقتی بحث معاد را مطرح می‌کرد، جمعیت مشتاق را به شدت متأثر می‌نمود و چون مسلط به علوم فلسفه و کلام بود، در مناظرات و جلسات پرسش و پاسخ با استدلال و دلایل منطقی پاسخ می‌داد. در گفتار و رفتار ادب اسلامی به طور کامل مشهود بود. وی در تنویر افکار مردم منطقه رودسر نقش به‌سزایی داشت. افراد رباخوار زیادی بر اثر شنیدن مواعظ ایشان توبه کردند و جوانان منحرفی به شاهراه دین هدایت شدند.^۱

موفقیت در آزمون الهی

در تعالیم ارزشمند قرآن کریم سفارش شده است که دنیا و زندگانی آن بازیچه و فانی است و خداوند بندگان خود را طبق مصالحی در معرض امتحانات گوناگون، از جمله در اموال و اولاد قرار می‌دهد و به مؤمنان توصیه می‌کند که مراقب خویشتن باشند

۱. همان، ص ۵۱۴ (با تلخیص و ویرایش).

۲. انعام / ۳۲؛ حدید / ۲۰.

۳. بقره / ۱۵۵؛ آل عمران / ۱۸۶؛

انفال / ۲؛ انبیاء / ۳۶.

تا اینها آنان را از یاد و ذکر خداوند باز ندارد.^۲ فرزند ناباب و ناهل از جمله امتحانات و آزمونهای سخت الهی است که برخی از انبیا و اولیای الهی بدان دچار بوده‌اند؛ ولی با توکل، تسلیم، استعانت و ایمان به خداوند و با صبر و حوصله در این آزمون الهی سربلند و موفق بیرون می‌آمدند. آیت الله محمدی گیلانی از جمله مردان الهی معاصر و از پدران شایسته و وارسته‌ای بود که در طول حیات طیبه خویش، در مسیر آزمونها و امتحانات سخت و طاقت فرسایی قرار گرفت و از آن با لطف و مدد الهی و ایمان سرشار و اراده مستحکم، سربلند و موفق بیرون آمد. او در دو راهی‌هایی که راهی به سمت رضایت الهی و راه دیگر به هواهای نفسانی منتهی می‌شد، مسیر الهی را انتخاب و آن را می‌پیمود و در اجرای احکام و حدود الهی ذره‌ای تردید ننموده، با گامهای استوار خویش رضایت الهی را کسب می‌نمود. وقتی دو فرزند ایشان (کاظم و مهدی) در جریان بلوای منافقین در سال ۶۰ به همراه عده‌ای از منافقان دستگیر شده بودند، وی

۴. منافقون / ۹.

نه تنها پایش در مقابل
فرزندان ناخلف خود
نلرزید؛ بلکه آنان را
گرفتار تیغ عدالت
اسلامی کرد و حتی منزل
آنان را که با پول خود
خریده بودند، به نفع
انقلاب مصادره کرد و آن
را در اختیار ارگانهای
انقلابی گذاشت.^۱

مبارزات سیاسی

فعالیت‌های سیاسی و
مبارزاتی آیت الله گیلانی
نیز روی دیگر از
شخصیت جامع ایشان است.
با آغاز مبارزات امام
خمینی! علیه رژیم
طاغوت، ایشان با تمام
اشتغالات علمی، فکری و
تحصیلی، از مبارزه
بی‌امان با طاغوت غافل
نبود. اسناد فراوانی
که از آن دوران سیاه
بر جای مانده، گواه
این مدعاست. فعالیت‌های
سیاسی و مبارزاتی
ایشان در قالب شرکت در
اعتراضات علما و طلاب
به جوّ تاریک آن دوران
و دادن بیانیه‌ها، در
تاریخ این مرز و بوم
ثبت و ضبط شده است که
بیش از ۵۰ مورد امضای
ایشان پای اعلامیه‌ها و
تلگرام‌ها بر جای مانده
است.

آیت الله محمدی در طول
نهضت مقدس اسلامی (از
سال ۱۳۴۲ - ۱۳۵۷)
بارها به ساواک و
کلانتری احضار و ممنوع

۱. سایت پیک بامدادی، پیک
نیمروزی، به نقل از آق
محمد مهدی مفتاح (داماد حضرت آیت
الله گیلانی).

المنبر شد.^۲

فعالیت‌های علمی

تألیفات آقای گیلانی
در دو بخش کتاب و
مقالات، در مجلات
گوناگون علمی و تخصصی،
بارها به زیور طبع
آراسته شده است که
فهرست این آثار
عبارت‌اند از:

۱. شرح مناجات
شعبانیه؛
۲. شرح زیارت امین الله؛
۳. شرح زیارت وارث؛
۴. سروش قلم (مجموعه
مقالات)؛
۵. در سایه حکمت (شرح
کلمات قصار
امیرمؤمنان (ع) در نهج
البلاغه)؛
۶. حقوق کیفری در
اسلام؛
۷. قضا و قضاوت در
اسلام؛
۸. قصص المنافقین فی
القرآن؛
۹. درس‌های اخلاق اسلامی؛
۱۰. قرآن و سنن الهی
در اجتماع بشر؛
۱۱. العقائد الاسلامیة
فی الكتاب و السنّة؛

۲. جهت اطلاع بیشتر به کتاب‌های:
نهضت روحانیون ایران، علی
دوانی (۱۰ جلدی)، مرکز اسناد
انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش؛
اسناد انقلاب اسلامی (۵ جلدی)،
مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران
۱۳۷۴ش؛ جامعه مدرسین حوزه
علمیه قم از آغاز تاکنون (۸
جلدی)، سید محسن صالح، مرکز
اسناد انقلاب اسلامی، تهران،
۱۳۸۵ش.
۳. خاطرات آیت الله محمد یزدی،
مرکز اسناد انقلاب اسلامی،
تهران، ۱۳۸۰ش، ص ۹۸. بنا به
اظهارات وی، اولین مقالات آیت
الله گیلانی در نشریه معارف جعفری،
به صاحب امتیازی شیخ احمد محصل
یزدی، به همراه مقالات علامه
طباطبایی و شیخ مرتضی حائری
و... چاپ گردید.

۱۲. المعاد في الكتاب و السنة؛
 ۱۳. الوجيزات المهمة؛
 ۱۴. تکملة الشوارق (شرح بر شوارق الالهام فياض لاهيجي)؛
 ۱۵. ترجمه شفاء بوعلی؛
 ۱۶. شرح دعای افتتاح؛
 ۱۷. عصمت الانبياء؛
 ۱۸. الامامة و الولاية في القرآن الكريم (با همکاری آیات : محمدتقی مصباح یزدی، محمد یزدی، حسین مظاهری، و موسوی یزدی).
 توضیح اینکه : هنوز مقدار زیادی از آثار گرانبهای ایشان به صورت مقالات، سخنرانیها و حواشی بر کتب درسی همانند: کفایه، رسائل، مکاسب و... موجود است که چاپ نشده اند.
مسئولیتهاي بعد از انقلاب
 با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی! در سال ۱۳۵۷، گویی روحی تازه در کالبد حیات جامعه علمی و دینی آن زمان دمیده شد. در این زمان نیاز مبرم به حضور اندیشمندان و علمای بزرگ اسلام در لایه های مختلف اداره کشور احساس می شد. آیت الله گیلانی که خود از شاگردان و یاران وفادار امام بود، این نیاز را به خوبی حس می کرد و استوار و مصمم

پای در راه نهاد و نقشی بزرگ و فراموششدنی را در تاریخ انقلاب و ایران اسلامی ایفا کرد. در اینجا اشاره ای مختصر به برخی از مسئولیتهاي ایشان در دوران پس از انقلاب می کنیم.
 ۱. ریاست دادگاه های انقلاب در سالهایی که بازماندگان و سرسپردگان رژیم پهلوی در زندانهای انقلاب در انتظار محاکمه بودند، امام خمینی! طی حکمی، مسئولیت «حاکم شرع و ریاست دادگاه های انقلاب» را به آیت الله گیلانی واگذار کرد و این خود نشان از اعتماد کامل امام به ایشان و نیز کفایت و دانایی و فقاهاست مسلم حضرت آیت الله گیلانی داشت.
 آیت الله گیلانی در سمت حاکم شرع و ریاست دادگاههای انقلاب اسلامی خدمات ارزشمندی انجام داد.
 پیگیری اجرای احکام ساواکی ها، ضد انقلاب و منافقین، برچیدن کانونهای فساد و مواد مخدر، شناسایی افراد صالح و مورد وثوق و اعتماد جهت تصدی امور قضایی شهرها و استانها، پاسداری از اموال عمومی و امنیت و آسایش مردم و ... از

۱. در سایه آن سرو بلند، صص ۵۱ - ۵۲؛ گلشن ابرار، ج ۷، صص ۵۱۷.
 ۲. گلشن ابرار، ج ۷، زندگانی آیت الله مظاهری، صص ۵۲.

۳. در سایه آن سرو بلند، صص ۳۴ - ۳۵.

جمله خدمات قضایی ایشان بود.

تدوین مجموعه حقوق کیفری که حاصل تراوشات فکری و قلمی ایشان بود و نظریه پردازیهایی عالمانه و دقیق ایشان در قامت یک فقیه تمام عیار و مسلط به مبانی فقهی و مسائل قضا و قضاوت که در رادیو و تلویزیون و مطبوعات سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ انعکاس وسیع و گسترده ای داشت، بخشی از خدمات آن فقیه بزرگوار است.

۲. عضو شورای عالی قضات

به دنبال موفقیتها و کفایت ایشان در مسئولیتهای محوله، امام خمینی! ایشان را به سمتهای دیگری نیز منصوب داشتند و در سال ۱۳۵۹ به همراه دیگر بزرگان همانند آیت الله بهشتی و قدوسی، به عضویت شورای عالی قضات معرفی شدند.

در سال ۱۳۶۱ نیز به عنوان مسئول رسیدگی به مشکلات شرعی شهرداریها از سوی امام خمینی! منصوب شد که در این سمت نیز منشأ خیرات فراوانی گشت.

۳. نماینده امام و مقام معظم رهبری در دانشگاه های کشور

اهتمام زاید الوصف آیت الله گیلانی در حل مسائل و مشکلات جوانان و سخنرانیهای حکیمانه وی در دانشگاه های مختلف و سمینارهای

علمی، باعث شد که بار دیگر معمار کبیر انقلاب ایشان را شایسته انجام امری دیگر دیدند و به سمت مسئول نظارت بر خط فکری و عقیدتی دانشگاه ها منصوب کنند.

۴. عضو و دبیر شورای نگهبان

جامعیت علمی و شخصیتی آن بزرگوار باعث شد که امام راحل! ایشان را به عنوان فقیه و دبیر شورای نگهبان منصوب فرمایند. وی ده سال در این سمت با اندوخته های عظیم علمی و تجربه های فراوان اجرایی انجام وظیفه کرد.

از دیگر مسئولیتهای ایشان می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۵. سه دوره حضور در

مجلس خبرگان رهبری.

۶. انتصاب در هیئت

بررسی متمم قانون

اساسی از سوی امام

راحل!

۷. عضویت در مجمع

تشخیص مصلحت نظام.

۸. ریاست دیوان عالی

کشور به مدت ۱۵ سال.

همراهی با مقام معظم

رهبری

به دنبال ضایعه عظیم

رحلت امام خمینی! و

انتخاب شایسته حضرت

آیت الله خامنه ای> به

عنوان رهبر انقلاب از

سوی خبرگان ملت، آیت الله

گیلانی که خود نماینده

خبرگان رهبری و دبیر

شورای نگهبان بود،

همچون یاری وفادار در

کنار ایشان بود.

ایشان از نخستین

کسان ی بودند که به

دیدار رهبر انقلاب مشرف

شده و دست بیعت و

اطاعت پذیری به سوی

ایشان دراز کردند.^۱

ختم مسک و رحلت غمانگیز

آیت الله گیلانی در طول

عمر شریف خویش با

بزرگان و عالمان ربّانی

زیادی حشر و نشر داشت

که همگی آنان از

بزرگان، فقها و مراجع

والامقام تقلید و از

دوستان و هم‌زمان وی به

شمار می‌آیند. ایشان نزد

بزرگان، مراجع و مدرسین

عالی مقام، مقامی بس

ارجمند داشت و آنان

پیوسته از مقام علمی و

معنوی و سجایای اخلاقی

آیت الله گیلانی تجلیل

کرده‌اند^۲ که فقط به

اظهارات استاد اخلاق،

آیت الله مظاهری بسنده

می‌کنیم:

«اینجانب در طی ۶۰

سال دوستی و مراودت

صمیمانه با آن عالم

ربّانی، جز صدق و صفا و

خلوص و تقوا و مجاهدت

و مرامت و رنج در راه

اسلام، از ایشان مشاهده
نکردم.»^۳

سرانجام این عالم

وارسته و مجاهد خستگی

ناپذیر پس از ۸۶ سال

خدمت به اسلام و انقلاب

و مجاهدتهای علمی و

قضایی، در ۱۸ تیر ماه

۱۳۹۳ برابر با ۱۱

رمضان ۱۴۳۵ق دار فانی

را وداع گفت. پیکر

پاکش ابتدا در تهران و

از مدرسه عالی شهید

مطهری، با حضور مسئولان

عالی رتبه نظام و

انبوه امت حزب الله تشییع

گردید و آن گاه پیکرش

به قم منتقل گردید و

عصر پنج‌شنبه از مسجد

امام حسن عسکری (ع) با

حضور مراجع تقلید و

مدرسین عالی مقام، طلاب

و فضلا و امت حزب الله

تشییع و بعد از اقامه

نماز توسط حضرت آیت الله

سبحانی، در مسجد بالاسر

حرم مطهر حضرت

معصومه (س) به خاک

سپرده شد.

متن پیام تسلیت مقام

معظم رهبری> در ارتحال

آیت الله گیلانی چنین است

«بسم الله الرحمن الرحیم

درگذشت عالم مجاهد،

آیت الله آقای محمدی

گیلانی (را به خاندان

محترم و بازماندگان و

دوستان و ارادتمندان

ایشان تسلیت عرض

می‌کنم. خدمات این عالم

بزرگوار در قوه قضاییه

و حضور در مسئولیتهای

مهمی همچون شورای

۱. گلشن ابرار، ج ۷، ص ۵۱۸ -

۵۲۰؛ ضمناً احکام امام خمینی به

آیت الله محمدی گیلانی در جلدهای

مجموعه صحیفه نور (۲۲ جلدی)،

چاپ دفتر حفظ و نشر آثار امام

خمینی، ج ۱۴، ص ۲۷۱؛ ج ۱۷، ص ۷۲،

۴۸۳، ۲۸۴، ۴۵۰، ۴۸۶ و... به

کرات آمده است

۲. علاوه بر سایتها، به عنوان

نمونه بنگرید به: خاطرات آیت الله

محمد یزدی، ص ۹۸ و ۳۱۴ و ۴۱۷؛

خاطرات آیت الله سید حسن طاهری

خرم آبادی، ص ۱۷۲؛ خاطرات آیت الله

میسعودی خمینی، ص ۳۰۳؛ خاطرات

آیت الله محمدعلی گرامی، ص ۱۶۹ و

۲۹۸ و... و

۳. خبرگزاری فارس، کد

خبر: ۱۳۹۳۰۴۱۹۰۰۰۶۹۱.

نگهبان و مجلس خبرگان
و مجمع تشخیص بر همگان
اشکار است . پیش از آن
نیز همراهی و وفاداری
نسبت به امام بزرگوار
از آغازین روزهای نهضت
و پایداری صمیمانه در
کنار ایشان، خصوصیت
فراموش نشدنی این
روحانی فاضل و برجسته
است . از خداوند متعال
مسئلت می کنم که روح
ایشان را قرین فضل و
رحمت خود سازد و علو
درجات به وی عنایت
فرماید! ان شاء الله.

سید علی خامنه‌ای

۱۹ تیرماه ۱۳۹۳»

روحش شاد و یادش گرامی
باد

در مقام دعا



سید جعفر ربانی ابی
 أَمَامَهُ نَقَلَ مِي كُنْد : دَر
 مُحَضَّر رَسُوْل خِدا (ص) بُوْدَم
 كِه شَخْصِي نَابِيْنَا خِدْمَت
 آن حَضْرَت رَسِيْدَه ، عَرْض
 كَرْد : اِي فَرَسْتَادَه خِدا !
 كَسِي نِيْسْت دَسْت مَرَا
 بَغِيْرَد وَ زَنْدَگِي بَر مَن
 سَخْت شُدِه . پِيَامْبَر
 اَكْرَم (ص) بَه وِي
 فَرْمُوْدَنْد : بَه مِيضَاة
 (وَضُوخَانَه) بَرُو وَ وِضُو
 بَسَاز ، سِپَس دُو رَكَعْت
 نِمَاز بَخُوَان وَ بَعْد اَز
 آن بَغُو : «اللَّهُمَّ اِنِّي
 اَسْأَلُكَ وَ اَتُوْجُّهُ اِلَيْكَ
 بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ
 الرَّحْمَةِ...» عثمان بن
 حنيف مي گويد: به خدا
 قسم! طولي نكشيد كه آن
 مرد وارد شد، گوياء اصلاً
 كور نبوده است.^۱

از
 احيای ماه مبارک
 رمضان، مراسم قرآن به
 سر گرفتن است كه در
 ضمن آن، خداوند به
 قرآن و چهارده معصوم ()
 قسم داده مي شود. ممكن
 است اين سؤال به ذهن
 بيايد كه : «چگونه مي
 توان با وجود خداوند،
 از غير او ياري خواست
 و يا پروردگار را به
 شخص ديگري سوگند داد؟»
 در پاسخ بايد گفت :
 اين روش براي دعا - كه
 خود، نوعي توسل محسوب
 مي گردد - سيرة انبيا ()
 و اصحاب ايشان نيز
 بوده است كه از خداوند
 استمداد جسته، خدا را
 به كس ديگري قسم داده
 اند كه ما اين مبحث را
 در دو بخش ارائه مي
 كنيم : نخست، آنچه در
 منابع اهل سنت آمده
 است و دوم، آنچه در
 مدارك شيعه مطرح شده.
الف) منابع اهل سنت
 ۱. دعای نابينا:

ابو يوسف بسوی

۱. سبل الهدی و الرشاد فی سيرة
 خير العباد، محمد بن يوسف
 صالحی شامی (متوفای ۹۴۲ق)،
 تحقيق: عادل احمد عبد الموجود
 و علی محمد معوض، دار الكتب
 العلمية، بيروت، چاپ اول، ج ۱،
 ص ۳۳۶.

۲. ر.ك: المعرفة و التاريخ،
 أبو يوسف يعقوب بن سفيان بسوی
 (متوفای ۲۷۷ق)، تحقيق: اكرم
 ضياء العمرى، مؤسسة الرسالة،

۲. زائر النبی (ص) :

علمای مسلمین برای ورود به مدینه النبی (ص)، آدابی را ذکر نموده اند. محمد بن یوسف شامی در مقام بیان این مطلب می گوید: یکی از مستحبات ورود به مدینه، خواندن این دعا است: «بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، رَبِّ أَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، حَسْبِيَ اللَّهُ، أَمْنْتُ بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ وَبِحَقِّ مَمْشَايَ هَذَا اِلَيْكَ...».

در این دعا، ابتدا خداوند به حق سائلین و قدمهایی که به سمت حرم پیامبر (ص) برداشته می شود، سوگند داده شده و

بی روت، چاپ دوم، ج ۳، ص ۲۷۲. لازم به ذکر است، حدیث مزبور در حکم متواتر است و در بسیاری از منابع مطرح شده که علامه شامی پس از ذکر حدیث فوق می گوید: و قد ألف الإمام العلامة سیدی أبو عبدالله بن النعمان في ذلك كتاباً سماه «مصباح الظلام في المستغيثين بخير الإنعام في اليقظة والمنام» أتى فيه بالعجيب العجائب، الذي لا يشك فيه من له أدنى تمييز فعليك به، فإنه جامع في بابه: اللهم إنا نسألك ونتوجه إليك بنبيك محمد - أن تحسن عاقبتنا في الأمور كلها وأن تجبرنا من خزي الدنيا وعذاب الآخرة.

۱. سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، ج ۱۲، ص ۳۸۷؛ إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تقي الدين أحمد بن علي مقریزی (متوفی ۸۴۵ق)، تحقیق: محمد عبد الحمید النمیسى، دار الکتب العلمیة، بیروت، اول، ۱۴۲۰ق، ج ۸، ص ۷۰.

سپس درخواست پناهندگی از آتش جهنم و طلب مغفرت شده است.

۳. توبه آدم (ع) :

در کتب فریقین این نکته به وفور یافت می شود که حضرت آدم (ع) در مقام توبه، خداوند را به رسول گرامی اسلام (ص) سوگند داده است. از جمله مقریزی (متوفای ۸۴۵ق) می گوید: «حضرت آدم (ع) در هنگام توبه، خداوند را به رسول اکرم (ص) سوگند داد و عرضه داشت: پروردگارا! به حق محمد، مرا ببخش!»

در این حدیث که با مضامین متعددی نقل

شده، چنین آمده است: «قال رسول الله (ص): لَمَّا أَصَابَ آدَمَ الْخَطِيئَةَ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: يَا رَبِّ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ إِلَّا غَفَرْتَ لِي...»

۴. یهودیان خبیر:

یهود خیبر قبل از اسلام، پیوسته با طایفه غطفان درگیر بودند و از آنان شکست می خوردند، تا اینکه به این دعا پناهنده شدند: «اللَّهُمَّ نَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي وَعَدْتَنَا أَنْ تَخْرُجَهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ إِلَّا نَصَرْتَنَا عَلَيْهِمْ».

«ابن عباس» و دیگران نقل کرده اند: وقتی یهود خیبر این دعا را هنگام رویارویی با غطفان خواندند، آنان

۲. إمتاع الأسماع، مقریزی، ج ۳، ص ۱۸۸.

را شکست دادند؛ اما متأسفانه پس از بعثت پیامبر اکرم (ص) به آن حضرت ایمان نیاوردند. مفسران گفته اند:

این آیه در همین زمینه نازل شده است: [وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ]؛^۲

«و هنگامی که از طرف خداوند کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند (با این همه)، هنگامی که این کتاب و پیامبری را که از قبل شناخته بودند، نزد آنها آمد، به او کافر شدند، پس لعنت خدا بر کافران باد!»

بیهقی (متوفای ۴۵۸ ق) نیز در این مورد آورده است: «کانت یهود خیبر تقاتل غطفان، فکلما اتقوا هزمت یهود خیبر، فعادت اليهود، بهذا الدعاء، فقالت: اللهم إنا نسألك بحق محمد النبي الأمي الذي وعدتنا أن تخرجه لنا في

آخر الزمان إلا نصرتنا عليهم...؛^۳ یهود خیبر با غطفان در جنگ بودند؛ هر گاه مبارزه می کردند یهود خیبر شکست می خوردند و این دعا را می خواندند: بار خدایا از تو می خواهیم ما را پیروز گردانی به حق محمد آن پیامبر که به ما وعده ظهورش در آخر الزمان را داده ای.»

۵. دعای هنگام خواب: از دیگر موارد قسم دادن خداوند به غیر او، دعایی است که اهل سنت از رسول خدا (ص) برای هنگام خواب نقل کرده اند که آن حضرت فرموده اند: هر کسی که در بستر خود، سوره «مُلک» را تلاوت نموده، این دعا را چهار مرتبه بخواند، خداوند دو مَلک را موکل می نماید که نزد پیامبر (ص) مشرف شده، سلام او را به ایشان برسانند، و آن حضرت نیز جواب سلام وی را خواهد داد. دعا این است: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَمِ، وَ رَبَّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ، وَ رَبَّ الرِّكْنِ وَالْمَقَامِ، وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، بِحَقِّ كُلِّ آيَةٍ أَنْزَلْتَهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

۳. دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، ابو بكر احمد بن حسين بيهقي (متوفای ۴۵۸ق)، تحقيق: عبد المعطي قلجی، دار الكتب العلمية، بيروت، اول، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۷۶.

۱. البداية و النهاية، أبو الفداء اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقي (متوفای ۷۷۴ق)، دار الفكر، بيروت، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۹.
۲. بقره / ۸۹.

عليه و (آله) سلم متي تحية و سلام؛ بار خدايا اي پروردگار حل و حرم، پروردگار شهر حرام (رمضان) پروردگار ركن و مقام و پروردگار مشعر الحرام به حق همه آياتي كه در ماه رمضان نازل كردى به روح محمد (ص) درود و سلام بفرست.»

۶. دعای باران:

از روایات فریقین استفاده می شود كه در زمان پیامبر اکرم (ص) رسم صحابه بر این بوده كه هنگام خشكسالی و طلب باران، به خود آن حضرت متوسل شده یا خدا را به حق ایشان قسم می دادند؛ ولی بعد از رحلت ایشان، سراغ دیگر افرادی كه دارای جایگاه معنوی بوده، می رفتند و خدا را به حق او قسم داده یا به او متوسل می شدند و كم تر به طور مستقیم دعا می كردند.

در حدیثی با عبارات گوناگون آمده كه خلیفه دوم در مقام دعای باران، خدا را به عباس، عموی پیامبر (ص) قسم داد: «خرج عمر عام الزمادة^۲ يستسقي فقال:

۱. امتاع الاسماع، مقریزی، ج ۱۱، ص ۱۵۲. جای بسی تعجب است كه مؤلف كتاب، حدیث مزبور را غریب می شمارد و وجه غرابت آن را معروفیت این روایت از امام محمد باقر^۳ می داند.
۲. سال هجدهم هجرت كه خشكسالی در مدینه و طاعون در شام بر مردم عارض گردید.

اللهم إنا كنا نتوسل إليك بنبينا فتسقيننا و إنا نتوسل إليك بعم نبينا فاسقنا، فسقوا.»^۴
۷. دعای عثمان بن حنیف:

طبرانی (متوفای ۳۶۰ق) و بیهقی با سند متصل - كه تمام رجال آن توثیق شده اند - از «عثمان بن حنیف» نقل کرده اند: مردی مشكلی داشت كه می خواست آن را با عثمان بن عفان در میان بگذارد؛ اما عثمان به او توجهی نمی كرد.

این مرد، عثمان بن حنیف را ملاقات نمود و با او درد دل كرد. ایشان به آن مرد گفت: وضو بگیر، سپس به مسجد رفته، دو ركعت نماز بگذار! آنگاه این دعا را بخوان: «اللهم إني أسألك و أتوجه إليك بنبينا محمد صلى الله عليه و (وآله) سلم نبي الرحمة يا محمد إني أتوجه بك إلى ربّي فتقضي حاجتي.»

در ادامه حدیث مزبور آمده است كه آن مرد دستور عثمان بن حنیف را به كار بست و

۳. جمل من انساب الأشراف، أحمد بن يحيى بن جابر بلاذري (متوفای ۲۷۹ق)، تحقیق: سهیل زكار و رياض زرکلی، دار الفكر، بیروت، اول، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص: «عمر در سال خشكسالی خارج شد (از شهر) برای طلب باران و گفت: پروردگارا! در زمان پیامبرت به او متوسل می شدیم و بدین سبب تو بر ما باران نازل می كردی و اینك به عموی پیامبرت متوسل می شویم، پس بر ما باران را فرو فرست!» پس از این دعا باران نازل شد.»

حاجتش برآورده شد، پس از عثمان بن حنیف تشکر نمود.^۱

(ب) منابع شیعه

در کلام اهل بیت (روایات این باب بسیار زیاد است؛ چراکه فرهنگ و اعتقاد شیعه بر پذیرش توسل و قسم دادن خدا به مقام بزرگانی است که خود پروردگار آنها را برگزیده است. مرحوم شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ق) در کتاب ارزشمند «وسائل الشیعة» بابتی را تحت عنوان «بَابُ اسْتِخْبَابِ التَّوَسُّلِ فِي الدُّعَاءِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»^۲ منعقد نموده است که نمونه هایی را نقل می کنیم:

۱. تعقیب نماز: «محمد جعفی» از قول پدرش نقل می کند که: بسیار از درد چشم می نالیدم تا اینکه خدمت امام صادق (ع) رسیده، مشکل خود را با ایشان در میان گذاردم. حضرت فرمود: می خواهی دعایی به تو تعلیم دهم که هم برای دنیا و آخرت مفید باشد و هم برای درد چشمت؟ عرض کردم: آری! فرمود: بعد از نماز صبح و مغرب، این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيكَ صَلِّ عَلَيَّ»

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلِ
الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ
الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ
فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي
نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ
الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا
أَبْقَيْتَنِي».^۳

۲. دعا برای مطلق حوائج:

امام باقر (ع) می فرماید: هرگاه می خواهی مطلبی را از خداوند درخواست نمایی، ابتدا وضوی کامل بساز، سپس دو رکعت نماز گزارده، خدا را تعظیم نما و بر پیامبر (و خاندان ایشان) درود فرست، آنگاه پس از نماز بگو: «اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِكٌ وَ أَنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُقْتَدِرٌ وَ بِأَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ اللَّهُمَّ اِنِّي اَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ اِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيُنْجِحَ لِي طَلِبَتِي اللَّهُمَّ بِنَبِيِّكَ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي بِمُحَمَّدٍ» و بعد حاجت خود را از خداوند درخواست کن!^۴

۳. زیارت امین الله:

زیارت «امین الله» از معتبرترین زیارات است و تمام محدثین شیعه بر صحت آن اتفاق نظر دارند. در بخشهای

۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹ق)، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ج ۲، ص ۵۴۹.
۴. همان، ج ۳، ص ۴۷۸.

۱. سبل الهدی، ج ۱، ص ۴۰۷.
۲. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، مؤسسه آل البيت)، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۹۷.

پایانی این دعا چنین می خوانیم : «اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ».

امام باقر (ع) می فرماید : هنگامی که پدرم از کنار قبر امیرالمؤمنین (ع) عبورشان افتاد، ایستادند و در حالی که گریه می کردند، این دعا (دعای امین الله) را خواندند.^۱

۴. استخاره: از امام باقر یا صادق نقل شده است که فرمود : در مقام قرعه کشی - که در حقیقت نوعی استخاره به شمار می رود - نوشته شود :

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخْرِجَ لِي خَيْرَ السَّهْمَيْنِ فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ عَاقِبَتِ أَمْرِي فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَ آجِلِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ» سپس آنچه مورد

نظر است، در دو کاغذ نوشته و کاغذ سوم بدون نشانه (پوچ) باشد . آنگاه آنها را به هم زده، یکی را انتخاب کند.^۲
۵. رفع شدايد:

امام موسی بن جعفر ۳ به واسطه پدران بزرگوارش از پیامبر (ص) نقل می کند که: آن حضرت به علی (ع) فرمودند: ای علی! چنانچه چیزی تو را تهدید می کند یا مشکلی برایت پیش آمده، چنین دعا کن : «اللَّهُمَّ اِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنَجِّنِي مِنْ هَذَا الْغَمِّ».^۳

۶. دعای حضرت زهرا (س): امام زین العابدین (ع) فرمودند : پدرم در همان روزی که به شهادت رسید، مرا در آغوش گرفت و به سینه چسباند، در حالی که خون در بدن ایشان غلیان می کرد، سپس فرمود : پسر! این دعا را که (مادرم) فاطمه ۳ به من آموخته است، فراگیر! - که این دعا مربوط به زمان حاجت و اندوه و مشکل بزرگ است. جبرئیل آن را به پیامبر اکرم (ص) و ایشان به حضرت زهرا ۳ تعلیم فرموده اند -

۱. الغارات، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی (متوفای ۲۸۳ق)، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۳ش، ج ۲، ص ۸۴۸.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۶۲.
۳. مهج الدعوات، سید بن طاوس (۵۸۹ - ۶۶۴)، دار الذخائر، قم، ۱۱۴۱ق، ص ۴.

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ...»^۵

دعا این است: «بِحَقِّ بِسِ وَ
الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طِهِ
وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ
يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ
السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا
فِي الضَّمِيرِ يَا مُتَّقِسًا^۱ عَنِ
الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجًا^۲ عَنِ
الْمَغْمُومِينَ يَا رَاحِمًا
الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقِ
الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا
يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ
افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا»^۳.

۷. قسم به خون مظلوم:

«عبدالله بن جندب» از
امام کاظم (ع) سؤال کرد:
در سجده شکر چه دعای
بخوانیم؛ زیرا شیعیان
در این مورد اختلاف نظر
دارند؟ حضرت فرمودند:
بگو: «اللَّهُمَّ اِنِّي اَشْهَدُكَ
وَ اَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَ
اَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ
خَلْقِكَ اَنَّكَ اللهُ رَبِّي وَ الْاِسْلَامَ
دِينِي وَ مُحَمَّدًا نَبِيِّي وَ
عَلِيًّا وَ فُلَانًا وَ فُلَانًا

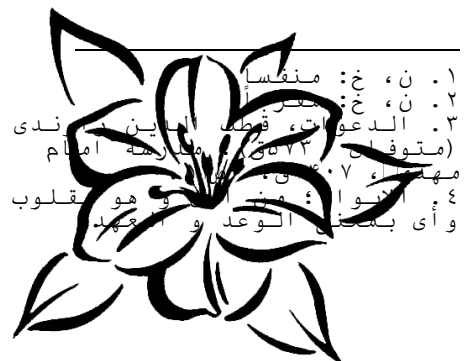
(نام ائمه) تا آخر برده
شود) اَيْمَتِي بِهِمْ اَتَوَلِّي وَ
مِنْ عَدُوِّهِمْ اَتَبْرَأُ. اللَّهُمَّ
اِنِّي اَنْشُدُكَ ذَمَّ الْمَظْلُومِ
(و این جمله را سه

مرتبه می گویی، سپس
بگو:): اللَّهُمَّ اِنِّي اَنْشُدُكَ
بِاَيِّوَانِكَ عَلَيَّ نَفْسِكَ
لِأَوْلِيَانِكَ لِتُظْفِرَنَّهُمْ بَعْدُوكَ
وَ عَدُوِّهِمْ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ الْمُسْتَحْفَظِينَ

رمضان المبارکی ۱۴۳۶ ق - سال شانزدهم ۱۹۱۱

سبغان

168



۵. کافی، کلینی، د ار الکتب
الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق، ج ۳،
ص ۳۲۵.

۱. منفسا
۲. مفرجا
۳. الدعوات، فطح بن ایوب (ندی
(متوفی ۱۳۰ هجری)، مشارع امام
مهاجر، ۷، ص ۱۰۰
۴. ابواب: منی، وهو قلوب
و ای بکنش الوعد و الجهد



پیرامون عید سعید فطر

اشاره...

سای روز عید سر. که در عظمت این روز همین پس که شما در قنوت‌های نه‌گانه این نماز پربرکت، خدا را قسم می‌دهید به این روز - «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ**»^۱ - این نشان دهنده رتبه بالای این روز است. عید فطر مایه ازدیاد **و شرف امت اسلامی**

مهم این است که قدر این موقعیتها را بدانیم. خداوند متعال عید سعید فطر را برای امت اسلام و برای پیامبر عظیم‌الشان مایه عزت و ذخر و شرف و کرامت قرار داد؛ «**و لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَخْرًا وَشَرَفًا وَكَرَامَةً وَ مَزِيدًا**»^۲ مایه ازدیاد عزت و شرف امت اسلامی و پیامبر عظیم‌الشان است. این بسته به این است

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای در طول سالیان گذشته مطالب بسیار ارزشمندی را در موضوع «عید سعید فطر» بیان فرمودند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

عظمت روز عید سعید فطر

آنهایی که با عبادت خدا، با انجام فرائض الهی در این ماه [رمضان] به تکلیف خود عمل کردند، احساس رضایت و بهجت می‌کنند. کار معنوی و مجاهدت با نفس در این ماه، به صاحبان هم‌ت و صاحبان اراده، که شما مردم عزیز هستید و روزه را تحمل کردید، احساس شادی و مسرت معنوی می‌بخشد. این هم یکی از خصوصیات کار برای خدا و تلاش و مجاهدت لله است که صاحب آن، با وجود تحمل مشکل و تحمل زحمت، احساس شادی می‌کند و خداوند این شادی را متصل کرده است به

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۹ق، ج ۸۷، ص ۳۸۰.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۲/۰۵/۱۸.
 ۳. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۸۷، ص ۳۸۰.

که ما مسلمانها، با این موقعیتها و با این مناسبتها چگونه رفتار کنیم. ملتهای مسلمان می توانند ماه رمضان را و عید فطر را وسیله ای قرار بدهند برای عزت؛ نردبانی قرار بدهند به سمت علو معنوی و مادی و عزت دنیا و آخرت. باید بیدار باشیم، باید از این موقعیتها استفاده کنیم.

عید فطر، روز اعتصام دسته جمعی به حبل الله

روز عید فطر تجسم و نمایش انسجام حقیقی و قلبی ملت است؛ وحدت ملت، اعتصام دسته جمعی به حبل الله^۱، از چیزهای است که بسیار با ارزش است. این را بایستی به عنوان یک درس رمضانی برای خودمان حفظ کنیم که این هم محصول همان معانی معنوی ماه رمضان است. بخصوص که ماه رمضان ما مسلمانها - بخصوص ما ملت ایران به برکت امام بزرگوارمان - شامل روز قدس است که روز قدس یکی از آن جلوه های حقیقی اتحاد و انسجام دنیای اسلام است.^۲

ارزش بخشیدن خدا به عبادات بندگان

باید از خدای متعال بخواهیم که عبادات مردم عزیز را در این ماه، با قبول خود و لطف ویژه و خاص خود، ارزش و اعتبار ببخشد؛ همچنان که در دعای صحیفه سجادیه آمده

است: «يَا مَنْ يَخْتَبِي صَغِيرَ مِائِي تُثَخَّفُ بِهِ، وَيَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ. وَيَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَ يُجَارِي بِالْجَلِيلِ وَ يَا مَنْ يَدْنُو إِلَيَّ مِنْ دَنَا مِنْهُ. وَ يَا مَنْ يَدْعُو إِلَيَّ نَفْسِهِ مِنْ أَدْبَرَ عُنُقِهِ». این دعای

است که امام سجاده (ع) در مثل امروزی - روز عید فطر - آن را می خواندند و تعلیم دادند که بخوانند.

یک گام به سمت خدا بردارید، خدای متعال شما را به خود نزدیک می کند. آن کسانی که به حقیقت، به معنویت، به خدا و به دین پشت کرده اند، خدای متعال از روی رأفت و رحمت، آنها را دعوت می کند و فرا می خواند؛ این لطف و رحمت الهی است. جوانهای عزیزمان

۴. «ای خداوندی که واپس نمی زنی ارمغانی را که به پیشگاهت آرند، هر چند خرد و بی مقدار باشد، و هیچ کاری را بی اجر نمی گذاری، هر چند ناچیز باشد. ای خداوندی که اندک عملی را می پذیری و بر آن پاداش بزرگ می دهی. ای خداوندی که نزدیک می شوی به هر کس که به تو نزدیک گردد. ای خداوندی که به نزد خود فرا می خوانی آن کس را که از تو روی گردانیده است.» صحیفه سجادیه، امام سجاده، کتابخانه و درمانگاه قرآن و عترت، قم، بی تا، دعای ۴۶.

۱. بیانات مقام معظم رهبری > برای مسئولان و سفیرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۱/۰۵/۲۹.
۲. [واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا]؛ «و همگی به ریسمان خدا [=قرآن و اسلام، و هرگونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید!» (ال عمران ۱۰۳).
۳. بیانات مقام معظم رهبری > در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۷/۰۷/۱۰.

نورانیتهای را که در این ماه به دست آوردند، ان شاء الله برای خود حفظ کنند؛ این ذخیره را برای تمام طول عمر و لا اقل برای این یک سال تا عید فطر آینده و تا ماه رمضان آینده، برای خود نگه دارند. انس با قرآن را، توجه به خدا را، ذکر را، حضور در صحنه های که خدای متعال دوست می دارد بندگان در آن صحنه ها حضور پیدا کنند - چه صحنه های مربوط به درون خود ما، چه آنچه که مربوط به گستره دنیای اسلام و جامعه ما و امت اسلامی است - برای خود نگه داریم، حفظ کنیم؛ و خدای متعال هم برکت خواهد داد.^۱

وحدت مسلمین موجب کرامت و شرف پیامبر(ص)

نماز عید فطر هم مظهري از همین وحدت در هر نقطه ای از نقاط دنیای اسلام است. لذا در این دعایی که ما در قنوت می خوانیم؛ «**اللّٰهُمَّ جَعَلْتَهُ لِمُسْلِمِينَ عِيداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذُخْراً وَ شَرْفاً وَ كَرَامَةً وَ مَزِيداً**» برای وجود مقدس نبی اکرم این عید یک ذخیره است، وسیله شرف است، وسیله کرامت و ازدیاد مقام عالی متعالی آن وجود مقدس

است. کی این خصوصیات حاصل می شود؟ آن وقتی که این عید، عید آشتی کنان دلهای مسلمانان با یکدیگر باشد. هم در ابعاد ملی این حرف صادق است، هم در ابعاد وسیع امت اسلامی این حرف صادق است. در ابعاد ملی همچنانیکه ملت بزرگ ما در طول سالیان پس از انقلاب تا امروز تجربه کرده است، اتحاد و اتفاق کلمه، وسیله عزت اوست،^۲ وسیله قدرت اوست.

عید واقعی از آن تحصیل

کنندگان مغفرت الهی

گذراندن ماه رمضان با عبادت، با روزه داری، با توسل و ذکر و خشوع و ورود در روز عید فطر، برای مؤمن یک عید به معنای حقیقی است. این عید از جنس جشنهای مادی دنیوی نیست؛ این عید رحمت خداست؛ این عید مغفرت الهی است؛ این عید شکر و سپاس مردمی است که موفق شده اند ماه رمضان را با عبادت حق و با ورود در ضیافت پرشکوه الهی به سلامت و عافیت بگذرانند و در ماه رمضان در حد وسع و توان و امکان خود، از ذکر و دعا و توسل و خشوع و روزه و نماز بهره ببرند. این عید

۱. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۱/۰۵/۲۹.
 ۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۸۷، ص ۳۸۰.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در روز عید سعید فطر، ۱۳۸۶/۰۷/۲۱.

مسلمانانی است که
پایان یک دورۀ عبادت و
ریاضت را با امید
مغفرت و پاداش الهی به
روز فطر رسانده‌اند.
در روایتی است از
سُوید بن غفله - که از
دوستان امیرالمؤمنین
است و درباره او
این‌طور گفته‌اند که «**من
کان من اولیاء**

امیرالمؤمنین ؛ از
نزدیکان امیرالمؤمنین
بوده است . « - که
می‌گوید روز عید فطر در
خانۀ امیرالمؤمنین بر
او وارد شدم . «**فَاذًا
عِنْدَهُ فَاثْوُرُ اُی خِ وَاُنْ**» ؛
در مقابل او سفره ای
گسترده شده بود و حضرت
مشغول غذا خوردن
بودند . «**وَ صَفْحَةٌ فِیْهَا
خَطِیْفَةٌ وَ مَلْبَنَةٌ**» ؛ غذای
بسیار متواضعانه ای در
مقابل حضرت گذاشته شده
بود . «خطیفة» غذایی
است که در حداقل امکان
برای کسی تهیه می شود ؛
مثلاً مقداری شیر و
مقداری آرد مخلوط
می‌کردند ؛ غذای کاملاً
فقیرانه . «**فَقَلْتُ یَا
اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ عِیدِ وَ
خَطِیْفَةٌ**» ؛ عرض کردم یا
امیرالمؤمنین! شما روز
عید چنین غذای کم اهمیت
و کم‌ارزشی می خورید؟
معمول این است که در
روزه ای عید، مردم
بهترین غذای خود را
می‌خورند؛ شما به این
غذا اکتفا کردید؟

«**فَقَالَ: اِنَّمَا هَذَا عِیدُ مَنْ
غَفِرَ لَهُ**» ؛ فرمود امروز،
روز عید است؛ اما برای

کسانی که مورد مغفرت
الهی قرار گرفته
باشند . یعنی عید بودن
امروز به خوردن غذای
رنگین و دلخوش کردن به
شادی‌های کودکانه نیست؛
این عید واقعی است
برای کسانی که بتوانند
و توانسته باشند مغفرت
الهی را برای خودشان
تحصیل کنند . در یک
جمله دیگر

امیرالمؤمنین فرمود :
«**اِنَّمَا هُوَ عِیدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللّٰهَ
صِیَامَهُ وَ شَكَرَ قِیَامَهُ**» ؛
عید فطر، عید است برای
کسی که خدا روزه او را
مورد قبول قرار دهد و
نماز و عبادت او را
مورد شکر و سپاس خود
قرار دهد . «**وَ کُلُّ یَوْمٍ لَا
یُعْصِی اللّٰهَ فِیْهِ فَهُوَ عِیدٌ**» ؛
آن روزی که من و شما
این توفیق را پیدا
کنیم که هیچ معصیتی از
ما سر نزنند، روز عید و
شادمانی است.

البته گفته شده است
در عید فطر به یکدیگر
تحیت بگویید؛ لباسهای
تازه خود را بپوشید؛
آن روز را روز عید و
شادمانی بدانید؛ اما
جوهر این عید عبارت
است از توجه به معنویت
و طلب مغفرت و درخواست

۱. بحار الانوار، محمدباقر
مجلسی، ج ۴۰، ص ۳۲۶.
۲. «**اِنَّمَا هُوَ عِیدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللّٰهَ
صِیَامَهُ وَ شَكَرَ قِیَامَهُ، وَ کُلُّ یَوْمٍ لَا
یُعْصِی اللّٰهَ فِیْهِ فَهُوَ عِیدٌ**» ؛ این عید
است برای کسی که خداوند روزه‌اش
را قبول و نمازش را سپاس
نهاده، و هر روزی که خداوند در
آن نافرمانی نشود روز عید
است. «**نهج البلاغه، سید رضی،**
نشر هجرت، قم، ۴۰۹ق، کلمات
قصار ۴۲۸.

رحمت پروردگار.^۱
از دست رفتن نشاط یک ملت،
اولین اثر تفرقه

دنیای اسلام از عید
فطر به عنوان یک نقطه
اتحاد، تنبه و بازگشت
به خود و خدا استفاده
کند. این چیزی است که
امروز دنیای اسلام به
آن نیازمند است. بعد
از همه تحلیلها و
فراتر از همه سلسله
علل و عوامل برای
گرفتاریهایی که امروز
دنیای اسلام با آن
مواجه است، انسان اساس
را در تفرق مسلمین
مشاهده می کند.

مسلمین اگر با هم
مجتمع باشند، دل آنها
هم گرم خواهد شد و
مرعوب دشمنان خود قرار
نمی گیرند. هر کس که
مرعوب قدرتهای مسلط
بین المللی است، به
خاطر این است که احساس
تنهایی و بی پشتیبانی
می کند. اگر دولت و
ملتی مرعوبند، علت،
همین است؛ اگر افرادی
مرعوبند، علت، همین
است. اگر ملتها و
دولتهای اسلامی به
یکدیگر احساس دلگرمی
کنند؛ دولتها ببینند
که ملتهایشان پشت سر
آنها ایستاده اند؛
ملتها ببینند که
دولتها عازم بر احقاق
حقتند؛ ملتها ببینند که
ملتهای برادر، با آنها
همدل و همصدایند؛

۱. بیانات مقام معظم رهبری > در
خطبه های نماز عید سعید فطر،
۱۳/۰۸/۱۳۸۴.

آن گاه رعبی که استکبار
در دل های بعضی از
ملتها و رؤسای دولتها
انداخته است، دیگر
جایی نخواهد داشت .
اولین اثر اتحاد این
است که انسان احساس
قدرت می کند. اولین
اثر تفرق این است که
باطن انسان را تهی می
کند؛ [وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ]؛^۲
طراوت و نشاط یک انسان
و یک ملت را از آنها
می گیرد. ما بای د این
درس را در درون کشور
خود رعایت کنیم.^۳
لزوم استفاده شخصی و عمومی
از عید فطر

عید فطر، یکی از
عظیم ترین مناسبت های
اسلامی است. دنیای
اسلام، روز عید فطر را
به معنای حقیقی عید
می داند و عید می گیرد؛
و این چیزی است که
اسلام برای امت اسلامی
خواسته است: «جَعَلَهُ اللَّهُ
لَكُمْ عِيداً وَ جَعَلَكُمْ لَهُ
أَهْلًا» خدای متعال امروز

۲. [وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا
تَنَازَعُوا فِيهِ لِيُخَلِّسُوا لَكُمْ
وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ]؛ «و
(فرمان) خدا و پیامبرش را
اطاعت نمایید! و نزاع
(کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و
قدرت (و شوکت) شما از میان
نرود! و صبر و استقامت کنید که
خدایوند با استقامت کنندگان
است!» انفال/۴۶.

۳. بیانات مقام معظم رهبری > در
دیدار کارگزاران نظام جمهوری
اسلامی ایران، ۲۵/۰۹/۱۳۸۰.

۴. «وَأَيُّكُمْ وَ التَّنْعَمُ وَ الْيَلْبَسِي
وَ الْفَاكِهَاتِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ غَفْلَةً وَ
أَعْتَرَاراً أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ
وَ أَدْبَرَتْ وَ أَحْلَوَتْ وَ أَدْنَتْ يُوَدَّاعِ
أَلَا إِنَّ الْأَخْرَةَ قَدْ رَحَلَتْ فَأَقْبَلَتْ
وَ أَسْرَفَتْ وَ أَدْنَتْ بِاطِّلَاعِ أَلَا وَ إِنَّ
الْمُضْمَارَ الْيَوْمَ وَ السَّبَاقَ غَدًا أَلَا
وَ إِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ وَ الْعَايَةَ
الْبَارِ أَلَا فَلَا تَأْتِيَنَّ خَطِيئَتَهُ قَبْلَ
يَوْمٍ مَنِيئَتِهِ أَلَا غَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ

را برای امت اسلامی عید قرار داد و آنها را شایسته این عید دانست. آنچه مهم است، بخش دوم قضیه است. ما باید از این هدیه الهی استفاده کنیم؛ هم استفاده شخصی، به معنای راه دادن نور معرفت و توبه و انابه به دل‌های

خودمان، که اگر از عالم معرفت و محبت الهی دریچه ای بر روی دل‌های خودمان باز و اندرون خود را نورانی کنیم، بسیاری از تاریکی‌ها و گرفتاری‌های دنیای بیرون هم حل خواهد شد؛ چون دل انسان‌هاست که سرچشمه خوبی‌ها و بدیهاست - در اعمال و رفتار و مناسب ات اجتماعی و بین‌المللی آنها - و هم استفاده عمومی بکنیم.

شبهات روز عید فطر به روز قیامت

روز عید فطر - همچنان که در روایت امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام هست - به روز قیامت تشبیه شده است؛ یعنی روز

یَوْمَ بُؤْسِهِ وَ فَتَّرَهُ جَعَلْنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكُمْ مِنْ يَخَافُهُ وَ يَرْجُو ثَوَابَهُ إِلَّا وَ إِنْ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمَ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيداً وَ جَعَلَكُمْ لَهُ أَهْلًا فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ وَ ادْعُوهُ يُسْتَجِبْ لَكُمْ وَ ادْعُوا فِطْرَتَكُمْ فَإِنَّهَا سُنَّةُ بَيْتِكُمْ وَ فَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَلْيُؤَدِّهَا كُلَّ امْرِئٍ مِنْكُمْ عَنْهُ وَ عَنِ عِيَالِهِ كُلِّهِمْ ذَكَرَهُمْ وَ أَنْتَاهُمْ صَغِيرِهِمْ وَ كَبِيرِهِمْ وَ حُرَّهُمْ وَ مَمْلُوكِهِمْ ؛ وَ زَنَاهُ، از خوشگذرانی و سرگرمی و بذله گویی‌ها احتراز کنید، که آن موجب غفلت و فریفته شدن است. برآستی که دنیا نا آشنا شده و چهره‌ای زشت به خود گرفته و روی برتافته و سپری گشته و اعلام وداع نموده و همانا که آخرت زمین بر مرکب نهاده و روی آورده و مشرف شده، و اعلام ورود ناگهانی کرده است. بهوش باشید که امروز وقت آماده شدن و فردا روز مسابقه است. آگاه باشید که جائزه این مسابقه بهشت است و پایان تلاش و کوشش تبه‌کاران آتش دوزخست. پس آیا توبه کننده ای نیست که پیش از فرا رسیدن روز مرگش از گناه خود توبه کند؟ آیا عاملی نیست که پیش از رسیدن روز سختی و نیازمندی و فقرش عملی ب عملی خود انجام دهد؟ خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که از حسابخواهی او بیم دارند، و به ثوابش امیدوارند. بدانید امروز روزیست که خدا آن را برای شما عید قرار داده و شما را اهل و شایسته آن ساخته است، پس خدا را یاد کنید، تا شما را یاد کند، و او را بخوانید تا شما را اجابت فرماید، و زکات فطره خود را بپردازید، زیرا که آن سنت پیامبرتان، و فریضه واجبی از جانب پروردگارتان است، پس باید تا هریک از شما آن را از جانب خود و از جانب همگی عائله اش؛ مردان و زنان ایشان، و خرد و کلانشان، و آزاد و برده ایشان آن را ادا کند. «(من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۵۱۴).

۱. بیانات مقام معظم رهبری> در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۲۵/۰۹/۱۳۸۰. ۲. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حَطَبٌ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام لِلنَّاسِ يَوْمَ الْفِطْرِ. فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ يَوْمَكُمْ هَذَا يَوْمٌ يُبْتَأُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ وَيُخَسَّرُ فِيهِ الْمُسِيئُونَ وَ هُوَ أَشْبَهَ يَوْمَ بِيَوْمِ قِيَامَتِكُمْ فَادْكُرُوا بِخُرُوجِكُمْ مِنْ مَنَازِلِكُمْ إِلَى مَنَازِلِكُمْ خَرُوجَكُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّكُمْ وَ ادْكُرُوا بِوُقُوفِكُمْ فِي مَنَازِلِكُمْ وَ قُوفِكُمْ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّكُمْ وَ ادْكُرُوا بِرُجُوعِكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ وَ اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ أَدْنَى مَا لِلصَّالِحِينَ وَ الصَّالِحَاتِ أَنْ يُنَادِيَهُمْ مَلِكٌ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَنْبَشِرُوا عِبَادَ اللَّهِ فَقَدْ غَفَرَ لَكُمْ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِكُمْ فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ فِيمَا تَسْتَأْنِفُونَ؛ امام علی علیه السلام در روز فطر برای مردم سخنرانی کرد و گفت همانا که امروز روزی است که نیکوکاران در آن پاداش می یابند و گنهکاران زیان می بینند و آن شبیه ترین روز به روز قیامت است. پس با خارج شدن از خانه هایتان به سوی محل خواندن نمازتان، خارج شدن از قبرهایتان به سوی پروردگارتان را یاد آورید و با ایستادن در محل نماز خواندنتان، ایستادن

پاداش . ان شاء الله این اجتماع عظیم شما در این مراسم معنوی و عبادی و سیاسی، توجّه و رحمت الهی را به سوی شما جلب کند و ملت ایران و مسئولان کشور و همه کسانی که در هر نقطه ای از کشور و در هر بخشی از بخشهای عظیم تلاش این ملت مس ئولیتی دارند، بتوانند با توکل به خداوند متعال، با توجّه به راهنماییهای الهی در قرآن و در کلمات اهل بیت (به دنبال انگشت اشارهٔ مرد بزرگ معنوی دوران ما و جانشین پیامبران - امام بزرگوارمان - این راه را ادامه دهند و ان شاء الله سعادت ملت و آیندهٔ این کشور را تأمین کنند.)

عید فطر ذخیره‌ای برای وحدت و معنویت در دنیای اسلام
عید سعید فطر شاید برجسته ترین خصوصیتش این است که مراسمی معنوی و بین المللی است . برخلاف بسیاری از

مقابل پروردگارتان را یادآورید و با بازگشتان به سوی خانه هایتان به روانه شدن از عرصهٔ قیامت به سوی منازل بهشتیتان یا جهنمیتان را یادآورید . ای بندگان خدا کم ترین چیز به مردان و زنان یومن این است که فرش ته‌ای در آخرین روز ماه رمضان به ایشان ندا می دهد: ای بندگان خدا بشارت باد بر شما که خداوند گناهان گذشته شما را بخشید، پس بنگیرید که چگونه می خواهید دوباره شروع کنید .» (امالی، شیخ صدوق، نشر کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش، ص ۱۰۰).

۱. بیانات مقام معظم رهبری > در خطبه های نماز عید سعید فطر، ۱۳۷۹/۱۰/۰۷ .

رسوم بین المللی که جنبهٔ سیاسی محض دارد، این رسم بین المللی جنبهٔ معنوی بارز و نمایانی دارد. در دعای قنوت عید فطر می خوانیم: «**أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِيَوْمِ سَلَمِينَ عِيداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ذُخْراً وَ شَرْفاً وَ كَرَامَةً وَ مَزِيداً**» این روز، عید همهٔ مسلمانان و مایهٔ شرف اسلام و پیامبر اسلام و عزت اسلام و ذخیره ای تمام نشدنی در طول تاریخ است. با این چشم به عید سعید فطر نگاه کنیم. امروز ملت اسلامی بزرگ ما به این ذخیره نیازمند است. از این ذخیره، دو چیز باید مورد استفادهٔ مسلمانان قرار گیرد: اول، وحدت و نزدیکی مسلمین است و دوم، توجّه به معنویت در دنیای اسلام است . در دنیای اسلام، هر دو عامل تکامل بخش و پیشبرنده، مورد خدشه قرار گرفته است. امروز وحدت مسلمانان با ایجاد تفرقه های مذهبی، فرقه ای، نژادی، ناسیونالیسمهای گوناگون، قومیت‌های مختلف و شعارهای انحرافی، مخدوش شده است. مسلمانان بر فراز همهٔ شعارهای خود - چه شعار قومیت، چه شعار مذاهب اختصاصی خودشان،

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۸۷، ص ۳۸۰.

چه شعارهای مربوط به سیاستهای خودشان - باید شعار وحدت و یکپارچگی امت اسلامی را قرار دهند. امروز برای آنها یکی از کارآمدترین شعارها این است. می دانیم که استعمار و استکبار و دست قدرتهای بیگانه همیشه سعی کرده است با انواع و اقسام حیل، این وحدت را درهم بشکند؛ که یکی از خبیثترین حيله‌ها، حيله غصب سرزمین فلسطین و کاشتن شجره خبیث^۱ صهیونیسم در سرزمین اسلامی فلسطین - یعنی در قلب ملتهای مسلمان و کشورهای اسلامی - بوده است.

نقطه دوم هم معنویت است. استعمارگرانی که آمدند سرمایه‌های ما را - نفت ما را، استقلال ما را، عزت ما را، وحدت و یکپارچگی ما را - به دست چپاول و غارت سپردند، معنویت ما را هم به یغما بردند و در دنیای اسلامی، مادیت خودشان را به صورت فرهنگهای گوناگون و مبانی باطل گستراندند. امروز باید بازگشت به معنویت اسلام، به حقیقت اسلام و روحانیت دین، شعار مسلمانان باشد.

امروز مسلمانان به این احتیاج دارند. اگر ما امروز وحدت می‌داشتیم و اگر به معنویت اسلام تکیه می‌کردیم، دشمن نمی‌توانست با این وضوح ملت فلسطین را در خانه خودش این‌گونه مورد شکنجه و فشار و تعقیب و آزار قرار دهد.^۲

عید فطر، روز عبادت و تقرّب به خدا

خدای متعال، مراسم با عظمت این ماه [رمضان] را این‌گونه مقرر فرموده است که به آسانی و سادگی پایان نپذیرد. در پایان این ماه - که ماه عبادت است - روزی را قرار داده است که روز عید باشد، روز اجتماع باشد، روز بزرگی باشد؛ برادران مسلمان به هم تهنیت بگویند؛ موفقیت‌های ماه رمضان را قدر بدانند؛ میان خود و خدا محاسبه کنند؛ آنچه را که در این ماه شریف ذخیره آنها شده است، برای خودشان حفظ کنند. آن روز، روز عید فطر است. لذا روز عید فطر هم اگرچه عید است؛ اما روز عبادت و توسّل و تذکر و تقرّب به خداست که با نماز شروع می‌شود و با دعا و توسّل و ذکر پایان می‌پذیرد. این روز را قدر

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۰/۰۷/۱۳۷۹.

۱. [وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ]؛ «(همچنین) کلمه خبیثه" (و سخن آلوده) را به درخت ناپاکی تشبیه کرده که از روی زمین برکنده شده، و قرار و ثباتی ندارد.» (ابراهیم ۲۶/)

بدانید؛ ذخیره تقوا را
 مغتنم بشمارید و عید
 فطر را بزرگ بدانید.
 امروز در قنوت نماز،
 نه مرتبه به خدا عرض
 کردید: «اللَّهُمَّ اِنِّي
 اَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُ بِهِ
 عِبَادَكَ الصَّالِحُونَ»؛ یعنی
 بهترین چیزی را که
 بندگان صالح خدا از او
 طلب می کنند، به ما
 عطا کن. «وَأَعُوذُ بِكَ مِنَّمَا
 اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ
 الْمُخْلِصُونَ»؛^۱ و از آنچه
 که بندگان مخلص خدا،
 به خدا پناه می برند،
 ما نیز به خدا پناه
 می‌بریم. آنچه که شما
 خواسته اید، رضای
 خداست، تقرّب به خداست،
 توفیق عمل برای خدا و
 توفیق عبودیت الهی
 است. آنچه که شما از
 آن به خدا پناه
 برده‌اید، بندگی نفس
 است، بندگی هوی است،
 بندگی غیر خداست،^۲ شرک
 به پروردگار است.

۱. بحارالانوار، محمد باقر
 مجلسی، ج ۸۷، ص ۳۸۰.
 ۲. بیانات مقام معظم رهبری در
 خطبه های نماز جمعه تهران،
 ۱۳۷۷/۱۰/۲۸.



راهنمودها و خبرها

- * درب مدارس تروریست پرور را ببندید
- * هزینه وفاداری به ائمه علیهم السلام
- * نگران وضعیت حجاب هستیم
- * عدم معرفت به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، منشأ مشکلات و گرفتاری ها
- * کسی حق ندارد به آبروی مؤمن لطمه بزند
- * مدارس امین؛ نشانه موفقیت همکاری حوزه و آموزش و پرورش
- * شیعیان دنبال تخریب کعبه هستند!
- * انتشار کتاب «امام رضا علیه السلام به روایت اهل سنت»
- * انتشار کتابی از یک اندیشمند مسیحی درباره امام سجاد علیه السلام
- * «کتابشناسی کاظمین» منتشر شد
- * راه اندازی کتابخانه دیجیتال مهدویت
- * استخدام جلاد در عربستان
- * فعالیتهای تبلیغی گسترده وهابیت در شبکه های اجتماعی
- * فعالیتهای تبلیغی مسیحیت تبشیری در قالب ارسال مرسولات پستی
- * گسترش فعالیتهای وهابیت در عرصه بین المللی



در

را ببندید

حضرت آیت الله مکارم شیرازی با محکوم کردن جنایت تکفیری ها در مسجد امام علی بن ابی طالب (ع) قطیف عربستان اظهار کرد : وهابیت تکفیری در مسجد علی بن ابیطالب (ع) در میان نمازگزاران بمب منفجر کردند که بر اثر آن حدود صد نفر کشته و زخمی شدند. ایشان با اشاره به پذیرش مسئولیت این جنایت از سوی داعش و القاعده، گفت : تمام دنیا این جنایت را محکوم کردند، سیاستمداران و علمای سعودی نیز محکوم کردند؛ اما چقدر خیال می‌کنند مردم دنیا بی خبر و ساده‌اند. آیت الله مکارم شیرازی خطاب به مفتیان وهابی بیان کرد : ریشه تمام این جنایات در وهابیت شماست، کتب درسی دوره دبیرستان آنها را

مشاهده کردیم صراً نوشتار شده بود زوار قبور مشرک هستند و جان و مال و خون شان مباح است و این شامل شیعه و اهل سنت می‌شود؛ چراکه اهل سنت نیز به زیارت قبور می‌روند. ایشان ادامه داد : کتب درسی شما مملو از این آموزه هاست و بعد می‌آئید محکوم می‌کنید؛ درب مدارس خبیثه را ببندید چر که این تعالیم خبیثه را منتشر می‌کنند. آیت الله مکارم شیرازی خطاب به این دسته از عالمان و مفتیان گفت : شما که اسم عالم مذهبی را به خود گذاشته اید چطور بی‌توجه به ریشه‌ها به محکوم کردن ظاهری اکتفا می‌کنید؛ یقین بدانید این مسائل دامن شما را خواهد گرفت.^۱

۱. خبرگزاری ایسنا، کد خبر : 94030301557.

هزینه وفاداری به ائمه

حضرت آیت الله سیستانی در پیام تسلیتی با ابراز تأسف عمیق نسبت به جنایت صورت گرفته در مسجد حضرت امیر المومنین (ع) قطیف عربستان، از خداوند متعال برای شهادت این فاجعه علوی درجات، برای مجروحین آرزوی سلامت و برای بازماندگان صبر مسئلت نمودند.

ترجمه فارسی پیام این مرجع تقلید بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون

مردم عزیز قطیف؛ سلام علیکم و رحمة الله و برکاته و اما بعد، با اندوه و تأسف فراوان خبر تعدی ستمکارانه به برادران نمازگزار در مسجد امام علی (ع) در منطقه القدیح را دریافت کردیم که ریخته شدن خون چندین تن و زخمی شدن شماری دیگر را در پی داشت، افرادی که خون پاک آنها به عنوان هزینه وفاداری و پیروی از ائمه اهل بیت (ریخته شد.

ما ضمن اعلام تسلیت و ابراز همدردی با شما در این مصیبت بزرگ و به ویژه با آنهایی که با از دست دادن عزیزان خود مصیبت زده شدند، از خداوند بزرگی که این افراد را عاقبت به

خیر کرده و ارواح طاهره آنها را به هنگام نماز و در یک روز مبارک یعنی روز ولادت امام حسین (ع) به معراج فرستاده است، می خواهیم درگذشتگان را با مولود این روز محشور گرداند، به بستگان آنها صبر و شکیبایی دهد و شفای عاجل و بهبودی کامل را نیز نصیب زخمی ها و مجروحان کند، او شنوا و اجابت کننده دعاست، لاجول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.^۱

نگران وضعیت حجاب هستیم

حضرت آیت الله نوری همدانی حجاب را از ضروریات دین دانسته و تصریح کرد: امروز بحث حجاب به یکی از دغدغه های جدی ما و متدینین تبدیل شده و باید برای اصلاح این وضعیت به فکر باشیم. آیت الله نوری تأکید کرد: البته ما معتقدیم بیحجابی [در جامعه] نیست، بلکه بدحجابی است، اما همین وضعیت هم زیبنده نیست. همه باید در قبال منکرات حساس باشند و کسی نمی تواند در این زمینه شانه خالی کند.

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با استناد به فرمایشات مولا علی (ع) در نهج البلاغه، امر به معروف

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر: ۳۵۰۵۳۳.

و نهی از منکر را از اعظم فرائض ذکر نمود و تأکید کرد: البته امر به معروف و نهی از منکر مراتب و شرایط خاصی دارد که باید به آن توجه و مطابق آن عمل شود.

عدم معرفت به پیامبر اسلام (ص)، منشأ مشکلات و گرفتاری ها

حضرت آیت الله جوادی آملی با بیان این مطلب که «هنوز بشر نسبت به پیامبر گرامی اسلام (ص) شناخت لازم و کافی را پیدا نکرده است، فرمودند: اگر کسی بخواهد مهربانی، رحمت و قدرت خدا را ببیند، کافی است به پیامبر (ص) نظر بیندازد؛ چون پیامبر (ص) مظهر قدرت، مهربانی و رحمت و لطف خدا در زمین و تربیت شده خدا است، این رحمت و لطف پیامبر (ص) تنها اختصاص به انسانها ندارد، بلکه نسبت به همه موجودات این چنین است.

ایشان با اشاره به اوضاع نامطلوب جهان اسلام در شرایط کنونی افزود: استکبار جهانی بزرگترین دشمن امت اسلام می باشد و در این میان بعضی از ملتهای مسلمان گرفتار تبلیغات دشمن شده و دست به قتل و غارت علیه ملت مسلمانان دیگری

می زنند؛ نمونه آن ۸ سال جنگ تحمیلی بر علیه ایران است و امروز هم دولتی مانند عربستان گرفتار تبلیغات دشمن شده و به برادرکشی ملت مظلوم یمن روی آورده است.

آیت الله جوادی آملی خاطر نشان ساخت: دلیل این همه گرفتاری در خاورمیانه و جهان اسلام آن است که به درستی ملتها نتوانسته اند نسبت به وجود پیامبر خاتم (ص)، نبوت و رسالت او شناخت داشته باشند و اگر این شناخت را پیدا کرده بودند، به برادرکشی و قتل و غارت روی نمی آوردند و از همه مهم تر اینکه بیگانگان به کشورهای اسلامی و به جان و ناموس مسلمان طمع نمی کردند.

ایشان در توصیه ای به مسئولین کشور خاطرنشان کرد: مسئولین کشور باید باور کنند و اعتقاد داشته باشند در کشوری که معتمد و بیکار و مسائل اخلاقی در آن باشد، پیامبر خاتم (ص) غصه دار و ناراحت است، لذا باید برای تحقق پیامهای بعثت در جامعه تلاش بیش تری صورت گیرد.

کسی حق ندارد به آبروی مؤمن لطمه بزند
حضرت آیت الله شبیری

۲. خبرگزاری اپنا (اهل بیت))، کد خبر: ۶۸۸۲۶۲.

۱. خبرگزاری اپنا (اهل بیت))، کد خبر: ۶۸۷۸۶۶.

زنجانی در پاسخ به این پرسش که «ساختن و انتشار لطیفه و جوک برای قومی‌تها چه حکمی دارد؟»، بر حفظ حرمت افراد و نژاد ها و قومی‌تها در جامعه دینی تأکید کردند.

ایشان در این باره افزود: کسی حق ندارد به ابروی مؤمن لطمه بزند و لو اینکه خود شخص نشنود. غیبت هم همین است؛ یعنی ممکن است حتی خود شخص متوجه نشود که در نبود او چه گفته‌اند، اما در جامعه آبروی او لطمه خورده است.

آیت الله شبیری زنجانی نسبت به رواج لطیفه و جوک برای شخصی تهای مذهبی و ملی که از دنیا رفته اند ابراز تاسف کرد و گفت: گاهی این جوکها برای افرادی ساخته می‌شود که در قید حیات نیستند و این خیلی بد است، چون این شخص زنده نیست تا از او حلالیّت طلبیده شود. گاهی هم به بزرگان دینی نسبت داده می‌شود که این موضوع مصداق توهین به دین است و حتی نزدیک به کفر است^۱

مدارس امین؛ نشانه موفقیت همکاری حوزه و آموزش و پرورش

آیت الله حسینی بوشهری، مدیر حوزه های علمیه

با اشاره به اهمیّت سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش اظهارداشت: همیشه بر لزوم توسعۀ فعالیّتهای مشترک حوزه و آموزش و پرورش تأکید می‌شد، ولی بسیاری این همکاری را دور از ذهن می‌دانستند، اما این همکاری با ایجاد مدارس امین در بهترین حالت خود در حال انجام است. ایشان تصریح کرد: مبلغان و مدیران مدارس امین باید بدانند که امروز بهترین فرصت برای توسعه فعالیّتهای دینی و مذهبی در بین جوانان و به خصوص دانش آموزان ایجاد شده است. آیت الله حسینی بوشهری خاطرنشان کرد: پژوهشهای جهانی نشان می‌دهد که تأکید اسلام روی مسئله تعلیم و تعلم و ارزش گذاری برای معلمان چقدر درست و عالی است و قطعاً هیچ راهی برای مقابله با ابزارهای فریبنده دنیای امروز جز با سلاح آموزش و تربیت و تهذیب جوانان نداریم؛ لذا مدیران مدارس و معلمان باید به تک تک دانش آموزان به این چشم نگاه کنند که آنها روزی ممکن است مثل مراجع و رهبر ان قلاب و بزرگان این کشور که روزی پشت همین میزها می‌نشستند، به این مدارج برسند؛ پس باید از ابتدا روی ذهنیت بچه ها کار

۱. خبرگزاری اپنا (اهل بیت))، کد خبر: ۶۸۸۰۱۹.

کنند.^۱ شیعیان دنبال تخریب کعبه هستند!

«مصطفی زاید منسق»
سخنگوی صوفی های مصر
در اظهاراتی سخیف مدعی
شده که شیعیان به
دنبال تخریب حرمین
شریفین در مکه مکرمه و
مدینه منوره هستند و
می خواهند کربلا را به
عنوان قبله معرفی
کنند.

وی در ادامه گفت :
مراجع تقلید شیعه
فتوای قتل اهل سنت را
صادر می کنند و به
دنبال حکمرانی بر
کشورهای اسلامی هستند!
منسق پس از مطرح
کردن تهمتهای فراوان
علیه شیعیان، گفت :
امام خمینی، رهبر سابق
انقلاب ایران دستور به
قتل نواصب یا همان اهل
سنت را داده است!^۲

انتشار کتاب «امام رضا (ع) به روایت اهل سنت»

کتاب «امام رضا (ع)
به روایت اهل سنت» از
سوی مدیریت زائران غیر
ایرانی آستان قدس رضوی
به ۹ زبان زنده دنیا
چاپ و منتشر شد . این
کتاب که تألیف «محمد
محسن طبسی» است، به
منظور اشاعه سیره و
فرهنگ رضوی میان
زائران اهل سنت و با
توجه به شمار بالای

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر :
۳۵۱۰۵۳
۲. پایگاه خبری - تحلیلی فرقه
نیوز، کد خبر: ۴۹۴۴.

تشریف این زائران به
حرم مطهر رضوی به زبان
های عربی، هندی،
فرانسه، اردو،
انگلیسی، روسی، آذری،
بنگالی و تاجیکی منتشر
شده است.

نویسنده کتاب مزبور
با استفاده از منابع
اهل سنت، به بیان
مواضع و دیدگاه های
واقع بینانه آنان
درباره حضرت امام
رضا (ع) پرداخته و
سخنان، عملکرد و نوع
نگاه اهل سنت، به ویژه
دانشمندان فرقه های
مختلف این مذهب را
درباره حقیقت نورانی
امام هشتم (ع) بیان کرده
است.^۳

انتشار کتابی از یک اندیشمند مسیحی درباره امام سجاد(ع)

میشل کعدی از
نویسندگان مسیحی لبنان
و استاد دانشگاه بیروت
است که آثار زیادی را
درباره اهل بیت) تألیف
کرده که از آن جمله
«امام زین العابدین (ع)
و اندیشه مسیحیت» است.
کتاب «الامام زین
العابدین و الفکر
المسیحی» که به بازار
نشر راه یافته است ،
اثری است با اهمیت و
در خور توجه، هم از
نظر موضوع که به نوعی
به شناخت رابطه و
بررسی چگونگی پیوند
میان دو دین الهی می

۳. پایگاه خبری افق حوزه، کد
خبر: ۳۶۱۱۰۹.

پردازد و هم از منظر جایگاه نویسنده آن که ادیبی پرآوازه از پیروان دین مسیحیت در لبنان می باشد. آنچه در این کتاب مورد توجه نویسنده بوده است یافتن ابعاد مشترک بین تفکر مسیحی و نظام اندیشه ای امام زین العابدین و بیان اشتراکات برای نشان دادن واحد بودن گوهر ادیان ابراهیمی است. او در این کتاب خواننده را ابتدا به پاک کردن اوهام و تخیلات باطل که در اذهان نسبت به اسلام رسوخ کرده است و دوری از تعصبات فرا می خواند و در تعریفی زیبا، اسلام را اینگونه معرفی می نماید:

الحديث عن الاسلام، حديث انتقال الانسان من الجهل الى المعرفة و المحبة و التعامل الصحيح و التواصل المؤدى الى طريق الخلاص و الرجا الذى يرسم الله محبة ه؛ سخن پیرامون اسلام، بیان حرکت انسان از جهل به سمت علم و معرفت و محبت و روابط درست انسانی و پیوندهای مثبت برای رسیدن به آزادی و امید می باشد که خداوند از روی محبت آن را برای بشر ترسیم کرده است.^۱

«کتابشناسی کاظمین» منتشر شد

کتاب «کتابشناسی کاظمین» شامل اطلاعات آثار منتشر شده به زبانهای مختلف درباره امام کاظم و امام جواد و نیز شهر کاظمین از ابتدا تا مهرماه ۱۳۹۳ توسط حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت منتشر شده است. اطلاعات گردآوری شده در این کتاب به سه فصل تقسیم شده است؛ فصل نخست: آثاری که درباره امام موسی کاظم (ع) نوشته شده؛ فصل میانی: معرفی آثار مربوط به امام جواد (ع) و فصل انتهایی: کتابها و منشورات درباره شهر «کاظمین». همچنین در هر فصل، اطلاعات آثار در سه دسته کتابها، پایاننامه ها و مقالات جدا شده و نیز در هر قسمت، منابع بر اساس زبان متن از هم تفکیک شده اند.

تلاش محقق بر این بوده که با بهره گیری از شیوه های گوناگون و استفاده از روشهای پیشرفته جست و جو، تمامی منابعی که در حیطه موضوعات فوق به زبانهای مختلف و در کشورهای گوناگون، منتشر شده شناسایی و معرفی کند.^۲

راه اندازی کتابخانه

۲. خیرگزاری تسنیم، کد خبر: ۷۴۷۱۱۵.

۱. پایگاه خبری - تحلیلی فرقه نیوز، کد خبر: ۵۰۲۳.

دیجیتالی مهدویت

کتابخانه دیجیتالی

تخصصی مهدویت در پایگاه نورلایب با هدف جمع آوری و عرضه یک جای بیش از ۳۰۰ جلد کتاب به زبانهای فارسی و عربی با موضوع امام زمان(ع)، فلسفه انتظار، مهدویت و آخرالزمان، همچنین تسهیل در امر پژوهش محققان راه اندازی شد.

محققان و پژوهشگران معاونت پژوهشی مرکز نور با راه اندازی این کتابخانه تخصصی به سؤالاتی درباره: «امام مهدی در قرآن و روایات»، «دلایل عقلی و نقلی اثبات امام مهدی»، «علل غیبت و آثار و فواید امام غایب»، «انتظار و وظایف منتظران»، «علائم و شرایط ظهور امام(ع)»، «ویژگیهای یاران و دولت مهدوی»، «اوضاع جهان قبل از ظهور»، «رجعت یا بازگشت به دنیا»، «بحث از دعاها و اماکن منسوب به امام(ع)»، «آسیبشناسی مهدویت در عصر غیبت»، «تاریخ عصر غیبت صغری و کبری»، «جهانی شدن و حکومت واحد جهانی» پاسخ گفته اند.

استخدام جلد در عربستان

به تازگی اطلاعیه ای در عربستان سعودی برای استخدام ۸ جلد

منتشر شده است. انتشار این اطلاعیه، بیانگر آن است که نظام عربستان برای گردن زدن تعداد زیادی از محکومان نیاز به جلادهای بیش تری دارد.

در عربستان اشتغال در حرفه جلادی مستلزم هیچ استعداد و توانایی نیست، و جلاد فقط باید گردن اعدامی ها را با شمشیر قطع کند یا دست و پای مجرمین دیگر را ببرد.

۸۵ نفر در سال ۲۰۱۵ در عربستان اعدام شدند و ۸۸ نفر نیز سال ۲۰۱۴ اعدام شده بودند. سازمان عفو بین الملل تعداد اعدامی های سال ۲۰۱۴ عربستان را ۹۰ نفر اعلام می کند.

جرم اکثر اعدامی ها، قتل است و ۳۸ نفر نیز به جرم مواد مخدر اعدام شدند و نیمی از اعدامی ها عربستانی و بقیه اتباع پاکستان، یمن، سوریه، اردن، هند، اندونزی، میانمار، چاد، اریتره، فیلیپین و سودان هستند.

فعالیت های تبلیغی مسیحیت تبشیری در قالب ارسال مرسولات پستی

اخیراً مرسولاتی در تبلیغ و ترویج مسیحیت تبشیری به افراد و مراکز مختلف کشور [حتی

۱. خبرگزاری حوزه، کد خبر : ۳۵۱۰۶۴

۲. خبرگزاری شفقتنا، کد خبر : ۱۱۸۵۵۷

برخی از مسئولان کشور [ارسال شده است! مبدأ این مرسولات، کشورهای مختلفی بوده است؛ بیشترین مرسولات متعلق به آمریکا بوده که بالغ بر ۱۲۰۰ مرسوله می باشد که برخی از آنها برای مسئولان کشور از جمله نمایندگان مجلس بوده است. همچنین برخی از این مرسولات از مبدأ کانادا برای مساجد مختلف کشور می باشد. ۱۷ مرسوله از این کشور در حمایت از زندانیان تبشیری می باشد. همچنین تعداد زیادی از این مرسولات از کشور سوئد به مقصد مساجد، کتابخانه ها و دانشگاه های سطح کشور بوده است.^۱

فعالیت‌های تبلیغی گسترده و هابیت در شبکه های اجتماعی

استفاده از شبکه های اجتماعی به ویژه «واتس آپ» در جهت اشاعه افکار وهابیت و طرح شبهه بر علیه شیعیان، در رأس فعالیت‌های طرفداران این فرقه قرار گرفته است. به عنوان نمونه فردی با عنوان «فدایی عمر» در یکی از شبکه های اجتماعی اقدام به راه اندازی گروهی صد نفره کرده و محتویات ارائه شده در این گروه را به گروه های دیگر اهل سنت

منتقل می کند که تا ۵۰۰۰ نفر مخاطب دارد. اکثر این محتواها بر گرفته از سایت اسلام تکس با مدیریت محمد باقر سجودی از فعالان وهابیت و وابسته به امارات است.^۲

گسترش فعالیت‌های وهابیت در عرصه بین المللی

تلاش وهابیت در جهت گسترش اندیشه خود در مناطق آسیای میانه و شمال آفریقا، باعث شده تا این جریان در کشورهای چون تاجیکستان و مصر فعالیت رو به رشدی داشته باشد. اخیراً عربستان سعودی مبلغ ۸۰ میلیون دلار کمک مالی به تاجیکستان کرده که بخشی از آن صرف هزینه های آموزشی می شود. کشورهای عربی خصوصاً عربستان و قطر با تطمیع عناصر تأثیرگذار در دستگاه حاکمه تاجیکستان، به ترویج تفکر سلفی اقدام می نمایند. قطر توانسته با این روش در دانشگاه اسلامی تاجیکستان به عنوان مهم ترین مرکز علمی و دینی این کشور نفوذ کرده و آنرا به عنوان یکی از مراکز ترویج تفکرات سلفی تبدیل کند. همین اقدام در کشور مصر نیز دنبال شده و گروه های سلفی

۲. خبرنامه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، خرداد ۱۳۹۴.

۱. خبرنامه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، خرداد ۱۳۹۴.

با ایجاد جوّ ضد شیعی،
سعی در محدودیت ترویج
افکار شیعی در مصر را
دارند؛ این در حالی
است که به گفته یکی از
اساتید علوم سیاسی
دانشگاه قاهره، مصری
ها قلباً شیعه و ظاهراً
سنی هستند؛ چرا که عشق
به اهل بیت (در قلوب
آنها جای دارد).^۱

۱. خیرنامه جامعه مدرسین حوزه
علمیه قم، خرداد ۱۳۹۴.

پرسشنامه مجله مبلغان

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه مجله مبلغان را خریداری کرده و در اختیار مبلغان محترم تحت پوشش خود قرار می‌دهند. از آنجا که بسیاری از این مجموعه ها مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود اقداماتی را انجام داده‌اند؛ بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طراحی کرده و در اختیار آنان قرار دهیم.

مدیران محترم مج موعه های فرهنگی و تبلیغی می‌توانند از طریق بخشنامه از نیروهای خود بخواهند تا پاسخ سؤالات را برای آنها فرستاده و در صورت امکان برای تشویق و ارتقاء علمی مبلغان محترم، هدایایی را برای این امر در نظر گیرند پیشنهادات خوانندگان و مدیران عزیز را برای کاربردی‌تر شدن سؤالات، با آغوش باز می‌پذیریم.

پرسشها

1. اولین مشکلی که در برخورد با وهابیون به چشم می خورد، چه بوده است؟

الف. راه انداختن جنگ مذهبی بین مذاهب مختلف
ب. تظاهر آنها به سنی بودن

ج. قتل عام کردن مردم بیگناه

2. این روایت از کیست؟ «الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ خَفِيْفَةٌ اِذَا وُجِدَتْ نُسِيْتُ وَ اِذَا غُدِمَتْ ذِكِرَتْ.»

الف. امام باقر(ع)
ب. امام رضا(ع)

ج. امام صادق(ع)

3. این جمله از کیست؟ «شهید شاه آبادی، یکی از افتخارات روحانیت مبارز بود.»

الف. مقام معظم رهبری > ب. امام خمینی)

ج. شهید مطهری)

4. به معنای دهنه زدن بر چارپا و زمام غیر را در اختیار گرفتن است.

الف. اغواء
ب. استفزاز و اجلاب

ج. احتناک

5. امام باقر (ع) در تفسیر آیه «ثُمَّ لَا تَأْتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ اَيْدِيْهِمْ» چه فرمودند؟

الف. لذات را محبوب آنها می‌گردانند.

ب. امر آخرت را بر آنان کم اهمیت جلوه می‌دهد.

ج. دینشان را از طریق زیبا جلوه دادن گمراهی و شبهه فاسد می‌کند.

6. از مباحث مهم و رایج در علوم اجتماعی و سیاسی است.

الف. تحلیل سیاسی
ب. اندیشه اسلامی

ج. جامعه اسلامی

7. این جمله از کیست؟ «اگر ملتی قدرت تحلیل خود را از دست بدهد، فریب و شکست خواهد خورد.»

الف. امام خمینی) ب. مقام معظم رهبری >

ج. شهید مهدی شاه آبادی)
8. امام علی(ع) می فرماید: «همانا ترسناک ترین چیزی که بر شما می ترسم، دو چیز است.»

الف. پیروی از هوای نفس و تکبر داشتن در برابر بندگان خدا

ب. پیروی از هوای نفس و حریص بودن

ج. پیروی از هوای نفس و آرزوهای دراز

9. «وَ اعْلَمُ يَقِينًا أَنَّكَ لَنْ تَبْلُغَ أَمْلَكَ وَ لَنْ تَعْدُوَ أَجَلَكَ.» این روایت را امام علی (ع) به چه کسی و در کجا فرمودند؟

الف. امام حسن(ع) هنگام بازگشت از صفین

ب. سلمان فارسی هنگام بازگشت از صفین

ج. امام حسن(ع) در حین جنگ صفین

10. قرآن کریم اهداف عالی حکومت صالحان را در چه می داند؟

الف. انسانهای مؤمن

ب. گسترش فضایل اخلاقی و انهدام رذایل

ج. امر به معروف و نهی از منکر

11. این روایت از کیست؟ «اما پرهیزگاران! در دنیا دارای فضیلتیهای برترند.»

الف. رسول اکرم(ص) ب. امام حسن(ع)

ج. امام علی(ع)

12. مدرسه ای را که امام موسی صدر(تأسیس کرد چه نام داشت؟
الف. بیت الفتاة ب. دار العلم

ج. دار الاسلام

13. کلمه «عَبْد» در [سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ] و [فَأَوْحَى

إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى] به چه چیز دلالت می کند؟

الف. همراه بودن پیامبر(ص) با فرشتگان

ب. پیامبر(ص) تنها با روح به معراج رفته است

ج. بر همراه بودن روح و جسد

14. در کدام فراز از دعای ندبه به معراج پیامبر(ص) با روح و جسم اشاره شده است؟

الف. وَ عَزَّجْتَ بِهِ إِلَيَّ سَمَاوِكَ

ب. وَ أَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَ مَغَارِبَكَ

ج. وَ سَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ

15. هدف از معراج پیامبر(ص) چه بوده است.

الف. پیامبر گرامی اسلام (ص) با اسرار آفرینش آشنا گردد و مؤمنان را به آن اسرار واقف گرداند.

ب. روح بزرگ پیامبر اسلام (ص) اسرار عظمت خدا را در سراسر جهان هستی و نهان جهان مشاهده کند.

ج. سایر مخلوقات خداوند به ویژه فرشتگان آسمانها از نزدیک با آخرین فرستاده خداوند آشنا شوند.

باسخنامه مجله مبلغان شماره ۱۹۱

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															الف
															ب
															ج

نام : نام خانوادگی :

شماره پرونده:
آدرس:

.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....



نمایندگی های فروش ماهنامه «مبلغان» در سراسر کشور

۱. اصفهان، خمینی شهر، بلوار شهید مطهری، خیابان پلیس، مدرسه علمیه جواد الائمه علیه السلام.
۲. آذربایجان شرقی، تبریز، راسته کوچه مسجد جامع، حوزه علمیه طالبیه.
۳. آذربایجان غربی، میاندوآب، خیابان امام خمینی علیه السلام، خیابان قدس، کوچه نواب، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۴. بوشهر، خیابان امام خمینی علیه السلام، جنب مصلی، حوزه علمیه امام خمینی علیه السلام.
۵. تهران، اسلامشهر، شهرک اوآوان، فاز ۲، خیابان شهید رجایی، نبش ۵۰ شرقی، پ ۳۸، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۶. تهران، لویزان، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاع، دانشگاه مالک اشتر.
۷. خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان استاد مطهری، مطهری ۶، دفتر جامع روحانیت، فروشگاه حجّت.
۸. خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید مطهری، مطهری ۸، پلاک ۷، حوزه علمیه سفیران هدایت.
۹. خراسان رضوی، قوچان، بازار، بعد از چهار راه سوم، دست راست، کوی شهید بهشتی ۴، حوزه فاطمه الزهراء علیها السلام.
۱۰. خراسان رضوی، کاشمر، خ مدرس، مدرس ۱۵، حوزه علمیه حضرت رقیه علیها السلام.
۱۱. خراسان رضوی، مشهد، کوی دکتر، نبش ابن سینا، حوزه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام.
۱۲. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خواجه ربیع، کوچه حسین باشی ۶، حوزه علمیه حضرت رقیه علیها السلام.
۱۳. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خسروی، خ شهید رجایی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۴. خراسان رضوی، نیشابور، میدان ایران، خیابان ۱۵ خرداد، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۱۵. خراسان شمالی، شیروان، خیابان حکیم غربی، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۱۶. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس علیها السلام.
۱۷. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۱۸. فارس، گله دار، جنب صندوق انصار المجاهدین، حوزه علمیه فاطمیه علیها السلام.
۱۹. قزوین، خیابان امام خمینی علیه السلام، نبش عبید زاکانی، حوزه علمیه التفاتیه.
۲۰. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۲۱. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.



۲۷. گیلان، استانه اشرفیه، روبروی امام زاده سید جلال الدین، حوزه علمیه جلالیه.
۲۸. گیلان، رشت، خیابان علم الهدی، بازارچه سبزه میدان، مرکز مدیریت حوزه علمیه، معاونت تبلیغ حوزه.
۲۹. مازندران، ساری، خیابان جمهوری اسلامی، کوچه مقداد، جنب مسجد رانندگان، حوزه علمیه الزهراء علیها السلام.
۳۰. مرکزی، ساوه، خیابان طالقانی، خیابان ولیعصر شرقی، مدرسه علمیه خواهران.
۳۱. مرکزی، شازند، مدرسه علمیه سفیران هدایت.
۳۲. هرمزگان، بندر عباس، خیابان آیت الله غفاری، حوزه علمیه خواهران.
۳۳. همدان، ملایر، خیابان سعدی، حوزه علمیه خواهران.
۳۴. همدان، کوی رضوی، جنب مدرسه وحدت، حوزه الزهراء علیها السلام.
۳۵. یزد، اردکان، خیابان آیت الله خامنه‌ای، حوزه علمیه امام صادق علیه السلام.
۳۶. یزد، یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۳۷. یزد، یزد، خیابان چمران، کوی رهبر، مجتمع آموزشی سید الشهداء علیه السلام، واحد تربیتی.
۳۸. یزد، یزد، خیابان امام خمینی علیه السلام، خیابان مسجد جامع، مرکز مدیریت حوزه علمیه استان، معاونت تبلیغ حوزه.

ماهنامه «مبلغان»، تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه در سراسر کشور نمایندگی فروش می‌پذیرد

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی

و حوزه‌های علمیه سراسر کشور

جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی
حوزه‌های علمیه، به ویژه ماهنامه مبلغان، با شماره ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰ تماس
گرفته و یا درخواست خود را به شماره ۰۲۵-۳۲۹۱۴۴۶۶ فکس نمایید.

بسمه تعالی

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به حساب ۱۵۶۳۵۱۳۸۲۵ بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان محمد حسن حاج حسینی، جواد محمد حسینی و جواد اسماعیلی (مجله مبلغان)
- مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۴۸/۰۰۰ تومان و برای شش ماه (۶ شماره) ۲۴/۰۰۰ تومان می باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.
۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه)
۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوط به واریز حق اشتراک.

اشتراک، بهترین راه دسترسی به «مبلغان» است.

توجه:

۱. ارسال درخواست اشتراک، نیاز به هزینه پستی ندارد. پس از تکمیل فرم، آن را تا کرده و پس از چسپاندن، داخل صندوق پست قرار دهید.
۲. جهت اطلاع بیشتر تر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۳۱۹۰

با ارائه نظرات سازنده خود، ما را جهت رشد و بالندگی مجله یاری دهید.



نشانی فرستنده:

.....

تلفن: کد پستی: صندوق پستی:

اینجانب: مبلغ: ریال

طی فیش شماره: از طریق بانک:

شعبه: دارای کد: در تاریخ: / / ۱۳ برای

دریافت مجله از شماره: به تعداد هر شماره: نسخه ارسال داشتم.

از این قسمت تا بزنید

**نیاز به الصاق
 تمبر ندارد**

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی: ۸۶۸-۳۷۱۸۵

معاونت تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه‌های علمیه

ماهنامه مبلغان

از این قسمت تا بزنید لطفاً با چسب بچسبانید

